

مجموعه ایران و استعمار (۵)

تاراج میراث ملی

جلد چهارم

بیاتهای آلمانی و آمریکایی و نوشته جراید

(۱۳۱۷ق الی ۱۳۱۸ش برابر با ۱۸۹۹ الی ۱۹۴۰م)

به کوشش داود کریم‌لو

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی



شایک: ۵-۰۶۷-۳۶۱-۹۶۲

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

فروشگاه شماره ۲: صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۲۷۲۶

بها: ۱۲۰۰۰ ریال

آراج میراث ملی

به کوشش داد و کریم لو

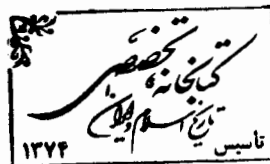
تاریخ	۴۰	۱	۷	ایران
-------	----	---	---	-------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه تخصصی
تفاسیر قرآنی
نایب
۱۳۷۴

اسکن شد

(مجموعه ایران و استعمار / ۵)



تاراج میراث ملی

میانهای آلمانی و آمریکایی

و نوشته جراید

۱۳۱۷ ه. ق. الی ۱۳۱۸ ش

برابر با

۱۸۹۹ م. الی ۱۹۴۰ م.

جلد چهارم

به کوشش: داود کریم‌لو

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

تهران-۱۳۸۱

فهرست نویسی پیش از انتشار

کریم‌لو، داود، ۱۳۲۰ - گردآورنده

تاراج میراث ملی / به کوشش داود کریم‌لو. - [برای] مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی. - تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸.

ج.: نمونه. - (مجموعه ایران و استعمار ۱، ۵. مباحث اسناد؛ ۵۵، ۸۵)

ISBN 964 - 5572 - 25 - 8: (ج. ۱) (۱۳۷۸) بها: ۱۲۰۰۰ ریال

ISBN 964 - 361 - 067 - 5: (ج. ۴) (۱۳۸۰) بها: ۱۴۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار)

ص.ع. به انگلیسی:

Davood Karimloo

Plunder of National Heritage.

مندرجات: ج. ۱. هیئت فرانسوی ۱۳۲۹-۱۳۱۵ ق. / ۱۹۱۱-۱۸۹۷ م. - ج. ۲. هیأت فرانسوی (۱۳۵۴-۱۳۴۱ ق. / ۱۹۳۵-۱۹۲۳ م.). ج. ۴. هیأت‌های آلمانی و آمریکایی و نوشته جراید ۱۳۱۷ ه. ق. الی ۱۳۱۸ ش برابر ۱۸۹۹ م. الی ۱۹۴۰ م. - ج. ۴: چاپ اول: ۱۳۸۰.

۱. ایران - روابط خارجی - فرانسه - اسناد و مدارک - ۲. فرانسه - روابط خارجی - ایران - اسناد و مدارک. ۳. ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. - اسناد و مدارک. الف. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات. ب. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی. ج. عنوان.

ک ۵ ف / ۱۳۲۴ DSR ۹۵۵/۰۷۴۰۷۲۰۹۴۴

کتابخانه ملی ایران ۷۶۷۲ - ۷۸ م*

تاراج میراث ملی (جلد چهارم)

هیأت‌های آلمانی و آمریکایی و نوشته جراید (۱۳۱۷ ه. ق. الی ۱۳۱۸ ش برابر با ۱۸۹۹ م. الی ۱۹۴۰ م.) به کوشش: داود کریم‌لو

چاپ اول: ۱۳۸۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طرح روی جلد: فاطمه حاجی محمدخان

طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: مینی سیتی، میدان شهید محلاتی، خیابان نخل، خیابان وزارت امور خارجه

تلفن: ۷-۲۴۵۸۶۰۴، دورنگار: ۲۴۵۸۶۰۳

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶، تلفن: ۲۸۰۲۶۵۸-۵۹

فروشگاه شماره ۳: تهران، انتهای خیابان شهید باهنر، میدان شهید باهنر، تلفن: ۷۱-۲۲۹۲۲۷۰

فهرست مندرجات

دییاجه.....	بیست و سه
مقدمه.....	بیست و پنج - هفتاد و هفت
زندگینامه‌ها.....	هفتاد و نه - نود و دو

اسناد فصل اول

۱. نامه گودریتسکی به صدراعظم، مبنی بر درخواست تعیین تکلیف وی برای شروع به کار... ۱
۲. نامه شیندلر به مشیرالدوله مبنی بر دریافت رونوشت امتیازنامه گودریتسکی و اشکال داشتن آن از نظر مکان طلاجویی و نبودن امضای شریک وی در قرارداد..... ۲
۳. نامه مورخ ۲۴ ربیع الاول ۱۳۱۷ ه.ق. دکتر گودریتسکی به مشیرالملک وزیر امور خارجه، مبنی بر ملاقات نامبرده با «نوز» در مورد تنظیم قرارداد و درخواست اجازه عزیمت به زنجان، قبل از فرارسیدن زمستان..... ۵
۴. نامه مورخ ربیع الثانی ۱۳۱۷ ه.ق. گودریتسکی به وزیر امور خارجه، مبنی بر پاسخ ندادن نوز به وی و سخت بودن زندگی و تهیه آذوقه (در آن سال مقدمه قحطی معروف تهران شروع می‌شد) در هوای خشک تهران و اینکه فقط در تابستان امکان کارکردن در معدن است و درخواست کمک به نامبرده..... ۶
۵. نامه مورخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۱۷ ه.ق. گودریتسکی به مهندس الممالک، مبنی بر انتظار چهارماهه وی در دارالخلافه، جهت واگذاری عملیات معدن طلای زنجان و صرف هزینه اقامت و انتظار خانواده وی در روسیه و درخواست تقدیم قرارداد به شاه..... ۷
۶. نامه مورخ ۱۶ جمادی الاول ۱۳۱۷ ه.ق. گودریتسکی به مشیرالدوله، مبنی بر اینکه وی به دستور صدراعظم، برای واگذاری کارهای معدن طلای زنجان به دارالخلافه آمد و بلا تکلیف ماندن او پس از گذشت چهارماه..... ۸
۷. نامه وزارت امور خارجه به دکتر گودریتسکی، در مورد تسلیم نامه وی به صدراعظم..... ۹
۸. نامه وزارت معادن به صدراعظم، مبنی بر بررسی امتیازنامه تجسس و انکشاف معادن طلای کاوند خمسه، و افزودن چهار فصل دیگر به آن..... ۱۰

۹. نامهٔ صدراعظم به مظفرالدین شاه، مبنی بر درخواست اعلام نظر در مورد امتیازنامهٔ گودریتسکی و دست نوشته شاه برای مذاکرهٔ حضوری ۱۱
۱۰. متن قرارداد اجازهٔ تجسس و استخراج طلا و یا خاک طلادار در کاوند خمسه، بین دولت ایران با کستاوگودریتسکی آلمانی و شریک وی میرزا محمدعلی، در هشت فصل و چهار فصل الحاقی ۱۲
۱۱. نامهٔ مشیرالدوله به معین السلطنه، مبنی بر امضای قرارداد استخراج طلا از معدن کاوند. ۱۸
۱۲. نامهٔ گودریتسکی به مشیرالدوله، به ضمیمه رونوشتی از قرارداد استخراج و درخواست امضا و ممهورکردن آن جهت تسلیم آن به معین السلطنه ۱۹
۱۳. نامهٔ گودریتسکی از باکو به وزارت امور خارجه، مبنی بر پرداخت نکردن شریک ایرانی پولی به وی، جهت خرید لوازم طلاشوری ۲۰
۱۴. نامهٔ وزارت امور خارجه به معین السلطنه، و مطلع کردن وی از مضمون نامهٔ گودریتسکی در مورد پرداخت نکردن پولی به وی ۲۱
۱۵. نامهٔ وزارت امور خارجه به دکتر گودریتسکی و اظهار تشکر از قصد وی، مبنی بر اعطای یک من طلای معدن به شاه، هنگام عزیمت به زنجان در سرراه خود به اروپا و ارسال نامهٔ وی به معین السلطنه ۲۲
۱۶. نامهٔ میرزا محمدعلی معین السلطنه به نصرالله مشیرالدوله، مبنی بر ۱. شرح نحوهٔ آشنایی وی با گودریتسکی ۲. پرداخت پول بیشتر از سهم خود ۳. کارهای بی حاصل وی ۴. قصد آوردن یک معدنچی از پاریس ۲۳
۱۷. نامهٔ وزارت امور خارجه به صدراعظم، مبنی بر ۱. پرداخت پول توسط شریک گودریتسکی بیشتر از سهم خود ۲. قصد آوردن معدنچی از پاریس ۳. پرداخت مجدد پول به شرط تأیید وی مبنی بر بی فایده نبودن طلاشویی ۴. پرداخت وجه سهم از سوی شریکش ۲۹
۱۸. نامهٔ وزارت امور خارجه به گودریتسکی، مبنی بر پاسخ شریک وی در مورد پرداخت پول بیشتر از سهم خود ۳۰
۱۹. تلگراف گودریتسکی به مشیرالدوله، مبنی بر اینکه شریک وی باید پول بدهد و بعد اظهار نظر کند ۳۱

۲۰. تلگراف وزارت امور خارجه به گودریتسکی در باکو، مبنی بر نپذیرفتن پرداخت پول، توسط شریکش به علت معلوم نبودن محل مصرف پولهای گرفته شده قبلی، و عزیمت وی به پاریس ۳۲
۲۱. تلگراف گودریتسکی به مشیرالدوله، مبنی بر ۱. شرح چگونگی عقد قرارداد در مورد پرداخت هزینه‌ها از سوی طرفین ۲. پرداخت سهم خود ۳. پیدا کردن محل طلاها ۴. گزارش آنها به وزارت معادن ۳۳
۲۲. نامه معین السلطنه از پاریس به وزیر امور خارجه، مبنی بر ورود به پاریس و مشغول دعاگویی بودن! و ملاقات و مذاکره با گودریتسکی در رشت قبل از عزیمت به پاریس ۳۴
۲۳. نامه گودریتسکی به وزیر امور خارجه، مبنی بر ۱. عدم پرداخت هزینه‌ها از سوی معین السلطنه طبق قرارداد ۲. اشتغال وی به طلاجویی به مدت سه سال و تعیین محل طلا و بهره آن و ۳. خارج کردن وی از شراکت به علت بی اعتبار بودن او ۳۵
۲۴. نامه مشیرالدوله به گودریتسکی، مبنی بر در ایران نبودن شریک وی و امکان نداشتن برهم زدن شراکت تا مراجعت وی از مسافرت و معلوم شدن قضیه ۳۶
۲۵. یادداشت شماره ۴۹۳ سفارت آلمان به وزارت امور خارجه، مبنی بر ۱. غرق شدن گودریتسکی در مرداب انزلی، هنگام عزیمت وی به باکو ۲. درخواست تحویل وسایل وی به همسرش ۳. محافظت کردن از آنها در صورت نبودن وی در آنجا تا انجام اقدامات ضروری ۳۷
۲۶. نامه وزارت امور خارجه به سالارالدوله حاکم زنجان، مبنی بر خبر فوت گودریتسکی و درخواست محافظت از وسایل وی و تحقیق در مورد همسرش ۳۸
۲۷. نامه سالارالدوله به مشیرالدوله، مبنی بر ۱. حرکت گودریتسکی و همسرش جهت خرید وسایل طلاشویی به باکو ۲. احتمال بودن همسرش در رشت، ۳. اعزام شخصی برای جمع آوری وسایل گودریتسکی و سپردن آنها به امینی در آن محل ۳۹
۲۸. یادداشت شماره ۴۱۲/۴۸ وزارت امور خارجه به سفارت آلمان، مبنی بر اقدامات آن وزارت در مورد اموال گودریتسکی ۴۰
۲۹. نامه سالارالدوله به مشیرالدوله، مبنی بر صورت برداری از لوازم گودریتسکی و به امانت سپردن آنها نزد صاحب خانه وی و ارسال صورت مزبور به ضمیمه نامه مزبور ۴۱

۳۰. یادداشت وزارت امور خارجه به سفارت آلمان، مبنی بر ارسال صورت اشیای گودریتسکی. ۴۲.....
۳۱. نامه وزارت معادن به صدراعظم، مبنی بر ۱. دیدار وی با گودریتسکی در زنجان، هنگام عبور شاه از آنجا هنگام مسافرت به اروپا ۲. آماده کردن نمونه طلا و تقدیم آن به شاه، هنگام مراجعت وی از سفر ۳. پرداخت نشدن وجه الضمانه از طرف وی ۴. غرق شدن او هنگام عزیمت به بادکوبه جهت فراهم کردن وسایل طلاشوری. ۴۳.....
۳۲. نامه مشیرالدوله به نوز، مدیرکل گمرکات، مبنی بر ارسال نامه وزارت معادن در مورد فصل سیّم قرارداد گودریتسکی. ۴۵.....
۳۳. یادداشت سفارت آلمان به وزارت امور خارجه، مبنی بر درخواست خراج اموال گودریتسکی در زنجان و ارسال پول آنها به سفارت آلمان. ۴۶.....
۳۴. نامه مشیرالدوله به عزالدوله حاکم جدید زنجان، و درخواست خراج وسایل گودریتسکی طبق فهرست ارسالی. ۴۷.....
۳۵. نامه عزالدوله به مشیرالدوله مبنی بر ۱. درخواست فهرست مهر شده اشیای گودریتسکی ۲. مهور کردن نامه وزارت امور خارجه به مهر وزیر امور خارجه ۳. دستور صریح به حراج آنها. ۴۸.....
۳۶. یادداشت وزارت امور خارجه به سفارت آلمان، مبنی بر اقدام وزارت امور خارجه، برای فروش ماترک گودریتسکی در زنجان. ۴۹.....
۳۷. نامه عزالدوله به مشیرالدوله، مبنی بر فروش ماترک گودریتسکی و برات کردن مبلغ ۲۸ تومان توسط عمادالسلطنه به سفارت آلمان. ۵۰.....
۳۸. یادداشت وزارت امور خارجه به سفارت آلمان، مبنی بر ارسال رونوشت نامه عزالدوله و وجه حاصل از فروش ماترک گودریتسکی. ۵۱.....
۳۹. یادداشت سفارت آلمان به وزارت امور خارجه، مبنی بر اعلام وصول برات ۲۸ تومانی و تشکر از اقدامات حاکم زنجان. ۵۲.....
۴۰. نامه میرزا محمدعلی معین السلطنه به نظام الدین مهندس الممالک، مبنی بر ۱. درخواست کار در معدن طلای کاوند همراه با مهندسان اروپایی ۲. تقاضای ثبت امتیازنامه به اسم وی، و

۳. ایراد به مفاد قرارداد ۵۳
۴۱. نامه وزارت معادن به وزارت امور خارجه، مبنی بر ارسال پاسخ وزارت مزبور به محمد علی معین السلطنه به نامبرده ۵۶
۴۲. یادداشت سفارت آلمان به وزارت امور خارجه، مبنی بر جلوگیری ایران از تضييع حق گودريتسکی ۵۷
۴۳. یادداشت شماره ۲۹۵۷ وزارت امور خارجه به سفارت آلمان، مبنی بر غیر قابل فروش بودن حق امتياز گودريتسکی ۵۸
۴۴. نامه سفارت ایران در برلین به وزارت امور خارجه، در مورد خبر منتشره در یکی از روزنامه‌ها، مبنی بر خریداری شدن یک قطعه سنگ حجاری شده تخت جمشید، توسط موزه برلن ۵۹
۴۵. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، در مورد خبر منتشر شده در روزنامه برلن بورسن زایتونگ ۶۱
۴۶. نامه وزارت معارف به وزارت امور خارجه، مبنی بر صدور مجوز خروج اشیای عتیقه، پس از تأیید «مسئوگذار» و خروج غیرقانونی سنگهای تخت جمشید و اقدامات لازم جهت جلوگیری از خروج آنها ۶۲
۴۷. نامه شماره ۱۹۲۱ مورخ ۱۳۱۴/۸/۱۷ ش. وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، در مورد شانزده صندوق اشیای عتیقه متعلق به هرتسفلد ۶۳
۴۸. نامه شماره ۱۹۳۸ مورخ ۱۳۱۴/۸/۱۹ وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، در مورد ضبط صندوقهای شماره ۵ و ۴ ۶۸
۴۹. یادداشت شماره ۳۶۳۷۱ مورخ ۱۳۱۴/۸/۲۰ ش. وزارت امور خارجه به سفارت آلمان، مبنی بر تقویم و بررسی اشیای عتیقه متعلق به هرتسفلد و ضبط بعضی از آنها ۶۹
۵۰. یادداشت شماره ۲۷۰۹ مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۳۵، مبنی بر ارسال مفاد یادداشت وزارت امور خارجه جهت هرتسفلد ۷۱
۵۱. یادداشت شماره ۳۱۶۸ مورخ ۴ ژانویه ۱۹۳۶، مبنی بر ارسال مبلغی از بابت حقوق گمرکی، معارفی، فوق العاده مأمور گمرک و تمبر متعلق به اشیای هرتسفلد ۷۲

۵۲. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، مبنی بر ۱. وصول حقوق گمرکی و غیره از اشیای متعلق به هرتسفلد، و ۲. درخواست ارسال اشیای نامبرده به تخت جمشید ... ۷۳
۵۳. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، در مورد پلمپ کردن اشیای هرتسفلد و تحویل آنها به شرکت متحده حمل و نقل ایران و عراق ۷۴
۵۴. یادداشت شماره ۴۳۷۱۲ وزارت امور خارجه به سفارت آلمان، در مورد تحویل اشیای هرتسفلد به شرکت حمل و نقل ایران و عراق ۷۵

اسناد فصل دوم

۵۵. نامه اداره مطبوعات به وزیر امور خارجه، متضمن ترجمه مقاله روزنامه تایمز و هوالدتریون، در مورد تشکیل موسسه جدیدی در آمریکا، برای اکتشافات در ایران ۷۶
۵۶. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف، و اوقاف و ارسال ترجمه مقاله روزنامه تایمز و هوالدتریون ۷۷
۵۷. نامه سرکنسولگری ایران در بیروت به وزارت امور خارجه، در مورد خبری درباره تخت جمشید در روزنامه «لژوغ» چاپ بیروت ۷۹
۵۸. نامه مشاور افتخاری سفارت ایران در واشنگتن به عضدی شارژدافر ایران، در مورد خرید و فروش مجسمه‌های تخت جمشید در آمریکا و اروپا. ۸۰
۵۹. نامه شماره ۴۱۸ سفارت ایران در آمریکا به وزارت امور خارجه، در مورد خرید و فروش مجسمه‌های تخت جمشید در آمریکا به انضمام عکس یکی از آنها ۸۱
۶۰. نامه شماره ۱۲۲۱۸ مورخ ۱۳۱۲/۳/۲۹ ش. وزارت امور خارجه به وزارت معارف، مبنی بر خروج آثار تاریخی از ایران ۸۲
۶۱. نامه وزارت معارف به وزارت امور خارجه، در مورد قاچاق مجسمه‌های تخت جمشید. ۸۳
۶۲. نامه وزارت امور خارجه به مخبر السلطنه، در مورد گزارش سفارت ایران در واشنگتن، مبنی بر فروش بعضی از حجاریهای دوره هخامنشی در آمریکا. ۸۴
۶۳. نامه وزارت امور خارجه به سفارت ایران در واشنگتن، مبنی بر ۱. درخواست تحقیق در مورد چگونگی ورود مجسمه‌های تخت جمشید به آمریکا ۲. قوانین آمریکا در مورد اشیای عتیقه سرقت شده و فروش آنها به موزه‌ها و ۳. نتیجه شکایات چند کشوری که آثار تاریخی آنها سرقت

- و در آن کشور فروخته شده است. ۸۵
۶۴. نامه سفارت ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه، مبنی بر ارسال رونوشت گزارش نتیجه تحقیقات آقای کاشف، در مورد فروش مجسمه‌های تخت جمشید در آمریکا. ۸۷
۶۵. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، در مورد اقدامات آن وزارتخانه درباره فروش مجسمه‌های تخت جمشید در آمریکا. ۸۹
۶۶. نامه وزارت امور خارجه به سفارت ایران در واشنگتن، مبنی بر دستور پیگیری و تحقیقات در مورد نحوه ورود و فروش مجسمه‌ها در آمریکا. ۹۰
۶۷. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف مبنی بر پیگیری در مورد تهیه عکس و کاتالوگ از حجاریهای تخت جمشید. ۹۱
۶۸. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر موکول شدن تهیه کاتالوگ از آثار تاریخی، به تصویب اعتباری در بودجه سال آینده. ۹۲
۶۹. گزارش سفارت ایران در پاریس به وزارت امور خارجه، در مورد ادعای یکی از عتیقه‌فروشهای کلیمی ایرانی مقیم پاریس مبنی بر ۱. سرقت احجار منقوش تخت جمشید و فروش آنها در پاریس توسط یکی از عتیقه‌فروشهای ایرانی و ۲. حاضر بودن وی برای دادن اطلاعات در برابر اخذ پول. ۹۳
۷۰. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف منضم به رونوشت گزارش سفارت ایران در پاریس. ۹۴
۷۱. نامه وزارت معارف به وزارت امور خارجه، مبنی مطلع بودن آن وزارتخانه از فروش سنگهای منقش تخت جمشید در پاریس. ۹۵
۷۲. تلگراف سفارت ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه، مبنی اظهارات یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا، در مورد مراجعت «هرتسفلد» از ایران، در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات با وی با دولت ایران. ۹۶
۷۳. نامه وزارت امور خارجه به رئیس الوزرا و وزارت معارف، و نقل تلگراف سفارت ایران در واشنگتن در مورد هرتسفلد. ۹۷
۷۴. نامه رئیس الوزرا به وزارت امور خارجه، مبنی بر اعلام آمادگی دولت برای ۱. مساعدت

- معقول به هرتسفلد ۲. رنجش دولت از نامه بریستید و ۳. در میان گذاشتن آن با وزیرمختار آمریکا در تهران ۹۸
۷۵. تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران در واشنگتن، مبنی بر نظر مساعد دولت ایران به دکتر هرتسفلد و رنجش دولت از نامه بریستید ۹۹
۷۶. نامه وزارت امور خارجه به رئیس الوزرا، در مورد اظهارات وزیرمختار آمریکا در تهران، مبنی بر مطلع ساختن مؤسسه شرقی آمریکا را از نظریات رئیس الوزرا ۱۰۰
۷۷. تلگراف سفارت ایران در استکهلم به وزارت امور خارجه، در مورد پیغام ولیعهد سوئد مبنی بر اجازه وی به هرتسفلد، برای همراهی با او از همدان تا قصر شیرین از روی خیرخواهی، و بازرسی اسبابهای هرتسفلد در گمرک ۱۰۱
۷۸. نامه وزارت امور خارجه به رئیس دفتر مخصوص شاه، مبنی بر ارسال رونوشت تلگراف سفارت ایران در استکهلم ۱۰۲
۷۹. تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران در استکهلم، مبنی بر درخواست اطلاعات بیشتر در مورد پیغام ولیعهد آن کشور ۱۰۳
۸۰. تلگراف سفارت ایران در استکهلم به وزارت امور خارجه، مبنی بر اینکه مقصود اصلی ولیعهد سوئد از پیغام خود، کمک نکردن وی به جریان قاجاق هرتسفلد بود ۱۰۴
۸۱. تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران در استکهلم، مبنی بر سوءظن نداشتن دولت ایران به ولیعهد و همراهان وی، و انتخاب جانشین هرتسفلد ۱۰۵
۸۲. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، در مورد پیغام ولیعهد سوئد، مبنی بر کمک نکردن وی به هرتسفلد ۱۰۶
۸۳. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر اطلاع نداشتن وزارت مزبور، از بررسی بارهای هرتسفلد در گمرک و عوض شدن رئیس هیأت علمی ۱۰۷
۸۴. نامه وزارت امور خارجه به سفارت ایران در استکهلم، به انضمام رونوشت پاسخ وزارت معارف ۱۰۸
۸۵. نامه دفتر نخست‌وزیری به رئیس موزه پنسیلوانی و دانشگاه فیلادلفی، مبنی بر اعطای مجوز حفاری به مدت پنج سال قابل تمدید ۱۰۹

۸۶. نامه فردریک.ر.ولسن، نماینده موزه دانشگاه پنسیلوانیا و فیلادلفیا به وزیر امور خارجه، و درخواست صدور مجوز حقّاری در دامغان به نامبرده. ۱۱۰
۸۷. نامه ریاست وزرا به وزارت معارف و اوقاف، مبنی بر تصویب صدور مجوز حقّاری به فردریک.ولسن در تخماق تپّه به مدّت پنج سال قابل تمدید. ۱۱۱
۸۸. نامه وزارت معارف و اوقاف به دکتر فردریک.ر.ولسن، مبنی صدور مجوز حقّاری به وی در تخماق تپّه به شعاع پنج کیلومتر. ۱۱۲
۸۹. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، مبنی بر اعلام وصول رونوشت تصویب نامه هیأت وزرا برای صدور مجوز حقّاری و درخواست ارسال سابقه امر. ۱۱۳
۹۰. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر ارسال رونوشت اعتبارنامه و تقاضا نامه فردریک.ر.ولسن. ۱۱۴
۹۱. یادداشت شماره ۳۵۵ سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، مبنی بر ۱. درخواست اعطای مجوز به هیأت حقّاران موزه «متروپولیتن» در تخت ابونصر، به ریاست «ژوزف آبتون» ۲. برنامه عملیات آنها و ۳. تأکید بر رفتار اعضای هیأت، طبق قوانین جاریه ایران. ۱۱۷
۹۲. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف، به انضمام رونوشت یادداشت شماره ۳۵۵ سفارت آمریکا. ۱۱۹
۹۳. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه مبنی، بر موافقت هیأت وزرا با تقاضای موزه متروپولیتن و درخواست نقشه محلّ، جهت صدور مجوز. ۱۲۰
۹۴. یادداشت شماره ۲۶۰۳۵ وزارت امور خارجه به سفارت آمریکا، مبنی بر موافقت با تقاضای موزه متروپولیتن. ۱۲۱
۹۵. نامه دکتر اریک اشمیت به وزیر امور خارجه، مبنی بر ۱. احتمال وجود آثاری از ماقبل تاریخ در اطراف شهر ری، و آرزوی وی برای برآوردن افتخارات ایران از زیر خاک و ۲. تأمین اعتبار مالی کافی برای این کار. ۱۲۲
۹۶. نامه دکتر اریک اشمیت به وزارت امور خارجه، مبنی بر تقاضای صدور مجوز حقّاری در اطراف شهر ری به مدّت پنج سال، به انضمام نقشه محلّ حقّاری. ۱۲۴
۹۷. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، مبنی بر درخواست اعلام نظر در مورد

- تقاضای دکتر اشمیت ۱۲۵
۹۸. نامه ریاست وزرا به وزارت معارف و اوقاف، مبنی بر تصویب صدور مجوز حقاری به دکتر اشمیت ۱۲۶
۹۹. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر تصویب صدور مجوز حقاری به نماینده موزه دانشگاه فیلادلفی و موزه صنایع مستظرفه شهر بوستن ۱۲۷
۱۰۰. نامه شماره ۲۰۳۰۲ رئیس اداره اروپا و آمریکا به سفارت آمریکا، در مورد صدور مجوز حقاری به دکتر اریک اشمیت ۱۲۸
۱۰۱. نامه وادزورث از سفارت آمریکا به شایسته، مبنی بر با خبر کردن وی از تصویب صدور مجوز حقاری به اشمیت، و قدردانی از مساعدت به مؤسسات علمی آمریکایی ۱۲۹
۱۰۲. یادداشت شماره ۵۳۷ سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه، مبنی بر ۱. استخدام کردن اشمیت یک نفر نقشه بردار و مشاح آمریکایی، و ۲. درخواست مساعدت به وی در کار خود، قبل از آمدن اشمیت به تهران ۱۳۰
۱۰۳. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، در مورد انجام اقدامات لازم جهت مساعدت به تاپینگ نقشه بردار و مشاح هیأت دکتر اشمیت ۱۳۲
۱۰۴. یادداشت وزارت امور خارجه به سفارت آمریکا در تهران، مبنی بر صدور دستورات لازم به نایب الحکومه شهر ری، مبنی بر مساعدت به چارلز تاپینگ ۱۳۳
۱۰۵. نامه سفارت ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه، در مورد درخواست دکتر اشمیت و همراهان وی مبنی بر صدور مجوز وارد کردن اسلحه و مهمات به ایران ۱۳۴
۱۰۶. نامه دفتر ریاست وزرا به اداره کل تجارت، مبنی بر ۲. ارسال رونوشت نامه مربوط به درخواست مجوز ورود سلاح و مهمات و ۳. دستور صدور اجازه ورود آنها همراه هیأت دکتر اشمیت ۱۳۶
۱۰۷. نامه اداره کل تجارت - دایره جواز معافی به وزارت امور خارجه، در مورد صدور جواز ورود اسلحه و مهمات، متعلق به دکتر اشمیت طبق تصویب نامه هیأت وزرا ۱۳۷
۱۰۸. تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران در واشنگتن، در مورد صدور مجوز ورود اسلحه و مهمات به هیأت دکتر اشمیت به گمرکات ۱۳۸

۱۰۹. تلگراف رمز شماره ۵۴ سفارت ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه، مبنی بر عزیمت «هنری فیلد» نماینده موزه شیکاگو جهت حقّاری به ایران و درخواست ایجاد تسهیلات .. ۱۳۹
۱۱۰. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، در مورد تلگراف سفارت ایران در واشنگتن، مبنی بر عزیمت هنری فیلد به ایران ۱۴۰
۱۱۱. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر مساعدت به هنری فیلد، در صورت مراجعه وی به آن وزارتخانه و استحضار از کم و کیف کار نامبرده..... ۱۴۱
۱۱۲. یادداشت شماره ۶۹ سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه، در مورد مسافرت هنری فیلد از بغداد به ایران، و استعلام از اقدامات انجام شده برای تسهیلات امور گمرکی ۱۴۲
۱۱۳. نامه وزارت امور خارجه به ریاست وزرا، در مورد هنری فیلد و تقاضای سفارت آمریکا در تهران، جهت صدور معافی گمرکی به گمرکات، و درخواست اعلام نظر..... ۱۴۳
۱۱۴. نامه ریاست وزرا به وزارت امور خارجه، مبنی بر صدور دستور لازم جهت معافی گمرکی هنری فیلد به وزارت مالیه ۱۴۴
۱۱۵. نامه وزارت امور خارجه به وزارت مالیه، و استعلام از نتیجه اقدامات انجام شده در مورد معافی گمرکی وسایل هیأت هانری فیلد و همراهان..... ۱۴۵
۱۱۶. نامه مورّخ ۱۳۱۳/۳/۲۳ وزارت مالیه - اداره گمرکات به وزارت امور خارجه، مبنی بر ۱. شامل نشدن معافیت گمرکی به وسایل هیأت هانری فیلد، و ۲. درخواست صدور تصویب نامه از سوی هیأت وزرا..... ۱۴۶
۱۱۷. نامه مورّخ ۱۳۱۳/۴/۱۳ ش. اداره گمرکات به گمرک کرمانشاه، مبنی بر صدور دستور به گمرک قصر در مورد ترخیص اشیای هانری فیلد، بدون اخذ جواز و حقوق و عوارض گمرکی، و ارسال اظهارنامه گمرکی به تهران..... ۱۴۷
۱۱۸. یادداشت شماره ۷۶۰ وزارت امور خارجه به سفارت آمریکا در تهران، مبنی بر صدور اوامر لازم به گمرک قصر..... ۱۴۸
۱۱۹. یادداشت شماره ۱۱۲ سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه، مبنی بر اظهار تشکّر از اقدامات دولت ایران، در مورد صدور اوامر لازم به گمرک قصر شیرین..... ۱۴۹
۱۲۰. تلگراف سفارت ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه، مبنی بر عزیمت ژوزف اسمیت

- به ایران، برای نقشه‌برداری از تخت‌جمشید، و درخواست ایجاد تسهیلات ۱۵۰
۱۲۱. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف، و ارسال رونوشت تلگراف مربوط به ژوزف اسمیت و درخواست ایجاد تسهیلات ۱۵۱
۱۲۲. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر صدور دستورات لازم برای ایجاد تسهیلات برای ژوزف اسمیت ۱۵۲
۱۲۳. تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران در واشنگتن، مبنی بر انجام اقدامات لازم جهت ایجاد تسهیلات در گمرک ایران ۱۵۳
۱۲۴. گزارش ملاقات رئیس آژانس پارس، با وزیرمختار ایتالیا و دکتر اشمیت به وزارت امور خارجه، مبنی بر ۱. شکایت وزیرمختار از نرسیدن مطبوعات آمریکا به وی، و ۲. اظهارات اشمیت در مورد اجازه ندادن رکن دوم به او، برای عکس‌برداری هوایی ۱۵۴
۱۲۵. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف، مبنی بر اظهارات دکتر اشمیت، در مورد همکاری نکردن رکن دوم ستاد ارتش با وی برای عکس‌برداری هوایی و اظهار نگرانی وی از ادامه این کار ۱۵۶
۱۲۶. نامه وزارت معارف به وزارت امور خارجه، مبنی بر ۱. موافقت با پرواز دکتر اشمیت و ۲. درخواست تذکر دادن به نامبرده برای مراجعه به آن وزارتخانه در امور مربوط به حفاری ۱۵۷
۱۲۷. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف، مبنی بر اینکه اظهارات دکتر اشمیت خصوصی بوده و جنبه شکایت نداشته است ۱۵۸
۱۲۸. یادداشت طولانی شماره ۸۴۳ مورخ ششم مارس ۱۹۳۹ سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه، در مورد دکتر اشمیت، مبنی بر ۱. عنایت شاه به وی در ۱۳۱۴ ش. ۲. فعالیت وی در امر نقشه‌برداری هوایی، و تحویل صدها عکس به وزارت فرهنگ، برای بررسی آثار باستانی ایران، ۳. جلوگیری از کار نامبرده از آبان ماه ۱۳۱۶ ش. ۴. درخواست سفیر از دولت ایران برای صدور اجازه پرواز به وی ۵. عکس‌برداری (تقریباً) از سرتاسر ایران و ۶. اهدای هواپیما به دولت ایران در خاتمه کار ۱۵۹
۱۲۹. نامه وزارت امور خارجه به وزارت فرهنگ، متضمن ترجمه یادداشت شماره ۸۴۳ سفارت آمریکا، در مورد درخواست دکتر اشمیت ۱۶۲

۱۳۰. یادداشت شماره ۹۰۸ سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه، مبنی بر درخواست اهدای یکی از دو نقوش برجسته‌ای که از تخت جمشید به دست آمده است، به مؤسسه شرقی شیکاگو، به پاس خدمات مؤسسه مزبور، به منظور به نمایش گذاشتن آنها در آمریکا. ۱۶۳.....
۱۳۱. نامه وزارت امور خارجه به وزارت فرهنگ، متضمن رونوشت ترجمه یادداشت شماره ۹۰۸ سفارت آمریکا و درخواست اعلام نظر ۱۶۵
۱۳۲. نامه شماره ۳۸۴۱ رئیس دفتر مخصوص به وزارت امور خارجه، مبنی بر مخالفت شاه با تقاضای سفارت آمریکا، و عذرخواهی از آن سفارت به طریق مقتضی ۱۶۶
۱۳۳. یادداشت وزارت امور خارجه به عنوان کاردار سفارت آمریکا در تهران، مبنی بر موافقت نکردن با اهدای یکی از دو نقش برجسته تخت جمشید به مؤسسه شرقی شیکاگو ۱۶۷
۱۳۴. نامه شماره ۲۰۲۶۳/۳۳۱۳ وزارت فرهنگ به وزارت امور خارجه، مبنی بر تقاضاهای مکرر دکتر اشمیت، جهت واگذاری یکی از نقوش برجسته تخت جمشید به وی از هنگام کشف آن، و جواب منفی به آنها ۱۶۸
۱۳۵. یادداشت مفصل شماره ۹۵۱ سفارت آمریکا به وزارت امور خارجه مبنی بر ۱. پایان یافتن کار هیأت حفاری آمریکایی در تخت جمشید ۲. به تعویق افتادن عزیمت سه نفر از اعضای هیأت به دلیل نپذیرفتن دولت ایران، درخواست آنها را ۳. واگذاری مجموعه‌ای از آثار کوچک تخت جمشید به آنها که جمع‌آوری کرده‌اند و مدعی هستند ارزش زیادی نداشته و نمونه‌های اصلی آنها در موزه باستان‌شناسی موجود است ۴. استعلام در مورد تجدیدنظر در باب خودداری از واگذاری نقش برجسته تخت جمشید به آنها ۵. صدور مجوز برای دکتر اشمیت جهت همراه بردن بعضی از عکسهای هوایی برای چاپ کردن در کتاب خود ۱۶۹
۱۳۶. نامه وزارت امور خارجه به دفتر مخصوص همراه با ترجمه یادداشت سفارت آمریکا. ۱۷۱
۱۳۷. نامه رئیس دفتر مخصوص شاه به وزارت امور خارجه، مبنی بر دستور رضاخان به ۱. واگذاری بخشی از عکسهای هوایی را به دکتر اشمیت، که ستاد ارتش صلاح می‌داند ۲. رفتار قانونی و براساس قرارداد در مورد اشیای مکشوفه و ۳. ارجاع ندادن مطالب به وی ۱۷۲
۱۳۸. نامه وزارت امور خارجه به ستاد ارتش، مبنی بر ۱. تقاضای سفارت آمریکا در مورد صدور مجوز، ۲. خروج عکسهای هوایی که دکتر اشمیت گرفته و نسخه‌ای را به وزارت فرهنگ و دو

نسخه از آنها را به ستاد ارتش داده است، و ۳. دستور شاه مبنی بر واگذاری عکسهایی که ستاد ارتش مصلحت می‌داند ۱۷۳

۱۳۹. نامه وزارت جنگ - ستاد ارتش به وزارت امور خارجه، مبنی بر ارسال فهرست عکسهایی که خروج آنها مجازند، به وزارت فرهنگ جهت واگذاری به دکتر اشمیت ۱۷۴

۱۴۰. نامه شماره ۵۵۰۷ مورخ ۱۸/۱۰/۶ وزارت فرهنگ به وزارت امور خارجه، مبنی بر ۱. اجازه انتشار ۳۳۵ قطعه از عکسهای هوایی به دکتر اشمیت ۲. واگذار نشدن نقش برجسته تخت جمشید به دلیل اهمیت داشتن و با ارزش بودن آن ۳. ذکر نشدن حقی از آثار تخت جمشید به اعضای هیأت حقاری در قرارداد منعقد، ۴. اشیای کوچک تخت جمشید باید در جای خود قرارداده شوند ۵. اعطای بخشی از ظروف آثار مکشوفه سالهای اخیر به هیأت. در صورت موافقت دولت ۱۷۵

اسناد فصل سوم

۱۴۱. نامه مورخ ۳۰ شهریور ۱۳۰۹ ش. کنسولگری ایران در بصره به وزارت امور خارجه، مبنی بر چاپ مقاله‌ای در مجله مصور «لندن سفیر»، در مورد صنایع و فن معماری ایران، و اینکه ایران متشاء تمدن دنیاست ۱۷۶

۱۴۲. نامه مورخ ۱ آبان ۱۳۰۹ ش. کنسولگری ایران در بصره به وزارت امور خارجه، در مورد چاپ دو مقاله در مجله «مصور لندن» یکی درباره آثار مکشوفه برنزی در لرستان و ارتباط آن با دین زرتشت و دیگری در مورد حرم اما رضا (ع) ۱۷۷

۱۴۳. نامه مورخ ۷ شهریور ۱۳۱۰ ش. سفارت ایران در مصر به وزارت امور خارجه، متضمن سه قطعه اخبار آژانس «مکتب الصحافه» در مورد حفريات دامغان ۱۷۸

۱۴۴. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف و اوقاف، متضمن رونوشت اخبار آژانس مکتب الصحافه در مورد حفريات در دامغان ۱۷۹

۱۴۵. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر کشف آثاری از بناهای ساسانی و تعدادی از قبور قدیمه و شباهت نداشتن آنها به قبور مصری ۱۸۰

۱۴۶. نامه سفارت ایران در مصر به وزارت امور خارجه، مبنی بر ارسال شرحی به جراید مکتب الصحافه از سوی آن سفارت و ارسال قطعات روزنامه المعظم و لایبورس اژیسین ۱۸۱

۱۴۷. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف، مبنی بر تصحیح خبر مندرج در روزنامه‌های مصر در مورد قبور کشف شده در حفريات دامغان، و ارسال قطعات روزنامه‌های المعظم و لا بارس اژيسين به آن وزارتخانه ۱۸۲
۱۴۸. نامه سرکنسولگری ایران در بيروت به وزارت امور خارجه، در مورد انتشار مقاله‌ای در روزنامه «الاهرام» مصر، درباره حفريات تخت جمشيد، و کاوشهای دکتر «اریک اشمیت» در خرابه‌های شهر «ری» ۱۸۳
۱۴۹. خبر روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۴، در مورد کاوشهای دکتر «تورآرنه» سوئدی در دامنه کوه البرز، و کشف آثار مربوط به پنجهزار سال قبل، و بردن چهل اسکلت مربوط به نژاد آریایی، به سوئد ۱۸۴
۱۵۰. نامه سفارت ایران در پاریس به وزارت امور خارجه، مبنی بر خبر روزنامه «لامتروپل» در مورد حفريات در ایران متضمن قطعه روزنامه مزبور ۱۸۵
۱۵۱. نامه سفارت ایران در پاریس به وزارت امور خارجه، در مورد مقاله «آندره گدار» در روزنامه «گازته دبوآرتز» درباره آثار دامغان و ارسال صفحات روزنامه مزبور ۱۸۶
۱۵۲. نامه سفارت ایران در ورشو به وزارت امور خارجه، در مورد مقاله‌ای تحت عنوان «خزائن حفريات در ایران» در روزنامه کوریه و ارشادشکی به قلم یکی از مسلمانان داغستان ۱۸۷
۱۵۳. نامه سفارت ایران در پاریس به وزارت امور خارجه، در مورد مقاله روزنامه «نول دپشه» مبنی بر دستور وزیر مالیه ایران برای حفظ آثار قدیمه و ارسال قطعه روزنامه مزبور ۱۸۸
۱۵۴. نامه سفارت ایران در ورشو به وزارت امور خارجه، درباره خبر روزنامه لهستانی «پرستوز مستو»، مبنی بر کشف آثاری مربوط به چهارهزار سال قبل از میلاد ۱۸۹
۱۵۵. نامه سفارت ایران در ورشو به وزارت امور خارجه، درباره خبر روزنامه «چاس»، مبنی بر کشف خرابه‌های یک شهر قدیمی، متضمن ترجمه به فرانسه و قطعه روزنامه ۱۹۰
۱۵۶. نامه مورخ ۱۳۱۵/۲/۱۵ ش. سفارت ایران در آرژانتین به وزارت امور خارجه، در مورد خبر یکی از روزنامه‌های پایتخت اروگوئه، مبنی بر حفريات در تخت جمشيد، و کشف الواح زرین و سیمین، به انضمام قطعه روزنامه و عکس الواح در جای اولیه خود ۱۹۱
۱۵۷. نامه مورخ ۱۳۱۵/۸/۱۲ ش. سفارت ایران در آرژانتین به وزارت امور خارجه، مبنی بر

- نوشته روزنامه «ال دیا»، چاپ مونتویدئو، درباره کشفیات در تخت جمشید ۱۹۲
۱۵۸. نوشته مورخ ۱۵ مارس ۱۹۳۸ روزنامه «تایمز» نیویورک، در مورد حفاریهای هیأت آمریکایی در نیشابور، و کشف مقداری سکه‌های قدیمی ۱۹۳
۱۵۹. نامه سرکنسولگری ایران در بیروت به وزارت امور خارجه، مبنی بر خبر روزنامه «اوریان» در مورد کشف ۱۰۴ عدد سکه، با تصویر «شاه اسماعیل» توسط دو دختر بچه، هنگام بازی در منزل خود واقع در دامنه کوهی موسوم به «شاه جواد» ۱۹۵
۱۶۰. نامه سفارت ایران در بالکان - بخارست به وزارت امور خارجه، مبنی بر نوشته روزنامه‌های رومانی در مورد حفاریات در «اوستیا» واقع در ایتالیا و کشف «میترا» رب النوع ایران باستان ۱۹۶
۱۶۱. نامه مورخ ۱۷/۱۰/۱۷ وزارت امور خارجه به ریاست دفتر مخصوص شاه، در مورد کشف رب النوع ایران باستان در ایتالیا ۱۹۸
۱۶۲. نوشته روزنامه «منچستر گاردین»، در مورد کشفیات «مؤسسه آمریکایی هنر و معماری ایران»، در قلعه موسوم به تخت سلیمان، مرکز ارتش پاتها و محل جنگ سپاه روم و ایران. ۱۹۹
۱۶۳. نامه وزارت معارف و اوقاف به وزارت امور خارجه، مبنی بر تأیید وجود میترا در ایران و در کتیبه‌های تخت جمشید، تحت نام «مهر» ۲۰۰
۱۶۴. نامه وزارت امور خارجه به وزارت معارف، در مورد گزارش سرکنسولگری ایران در بیروت، درباره خبری در مورد کشف قبر هارون الرشید ۲۰۱
۱۶۵. پاسخ وزارت فرهنگ به وزارت امور خارجه، در مورد خبر کشف قبر هارون الرشید و معتبر نبودن آن ۲۰۳
۱۶۶. نامه وزارت امور خارجه به سرکنسولگری ایران در بیروت در مورد بی اساس بودن خبر مربوط به قبر هارون الرشید ۲۰۴
۱۶۷. نامه مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۴ ش. وزارت امور خارجه به دفتر مخصوص شاه، ریاست هیأت وزراء، وزارت دارایی و بازرگانی در مورد ورود سه هیأت آمریکایی به بیروت، جهت مسافرت به ایران و عراق ۲۰۵
۱۶۸. نوشته روزنامه سوییسی به نام Latribone du Geneva در مورد پایان کار حفاری آمریکائیان در استخر، و مراجعت آنها و تعیین شدن یک نفر ایرانی به جای آنها با بودجه کافی از سوی

فهرست / یست و یک

دولت ایران	۲۰۶
تصاویر اسناد	۲۰۷-۲۱۸
فهرست اعلام	۲۱۹

دیباچه

ایران و استعمار، عنوان مجموعه‌ای است که تلاش دارد بخشی از برخوردهای استعماری قدرت‌های بزرگ را در برابر ایران به تصویر کشد. تردیدی نیست که ایران از اوایل قرن ۱۹ میلادی به صورتی مشخص در منظر نظر استعمارگران اروپایی قرار گرفت. آنچه که بر روند این نگرش تأثیر بسزایی نهاد، موقعیت خاص ژئواستراتژیک و ذخایر نهفته موجود در این جغرافیای سیاسی بود.

ورود استعمار به ایران با همه وجود و ابعاد صورت پذیرفت و استیلای آن علیرغم مخالفت‌ها و واکنش‌های جامعه سنتی ایران طی دو قرن اخیر عملی گردید. برخلاف باوری که معتقد به نقش اروپا در تغییر ساختار سیاسی - اجتماعی ایران است و از این موضع می‌کوشد نگاه استعماری اروپاییان را توجیه کند، باید گفت که حضور اروپاییان در ایران صرف‌نظر از جنبه‌های سازنده و تأثیرگذار، تبعات جبران‌ناپذیری را هم بر جای نهاد.

اسناد منتشره در این اثر بیان نمونه‌هایی چند از خُسرانی است که باید آن را ناشی از همین حضور دانست. مسأله اخذ امتیاز و فقدان پایبندی صاحبان امتیاز به مفاد آن موضوعی است که صحت آن از بررسی اسناد و مدارک کتاب حاضر به ویژه درخصوص هیأت فرانسوی کاوش‌های باستانی نمود می‌یابد.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی در عمل به نص قانون انتشار اسناد وزارت امور خارجه می‌کوشد با غنای مجموعه ایران و استعمار در مستندسازی اقدامات استعماری بیگانگان نسبت به ایران اهتمام جُسته، از این منظر به گستره دامنه تحقیقات صاحبان اندیشه بیافزاید.

سیدعلی موجانی

دبیر مجموعه

مقدمه

جلد حاضر، چهارمین و آخرین جلد از «تاراج میراث ملی» مشتمل بر یک مقدمه و سه فصل است، که براساس اسناد موجود در وزارت امور خارجه، از سال ۱۳۱۴ ه.ق. / الی ۱۳۱۸ ه.ش. / ۱۸۹۹ الی ۱۹۳۹ م. تهیه و تدوین شده است. در فصل اول، اسناد موجود در رابطه با کاووشگران و حفاران آلمانی، در فصل دوم اسناد مربوط به هیأت‌های آمریکایی و در فصل سوم نوشته‌های مختلف آن روز جهان، در مورد حفاری و اشیای عتیقه و باستانی در ایران و کشف آثار ذی‌قیمت و تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

هدف از این کار، کنکاش در تاریخ شروع حفاری و بررسی اسناد آن بود که گوشه‌ دیگری از تاریخ ایران، این بار، از منظر غارتگری روشن و اسرار نهفته در دل اسناد بر ملا گردد، شاید که کسی به فکر بازگرداندن هزاران قطعه از اشیای گرانبها و تاریخی که از این کشور خارج کرده‌اند بیافتد، همان کاری را که مصریها و اردنیها با یاری سازمان «یونسکو» کردند. اسناد، حاکی از آن است که ثروت ملی این کشور را با قول و قرار و دستخط تضمینی برای مدت محدودی جهت مطالعه خطوط آنها، به فرانسه و انگلستان بردند؛ اما از زمان سلطنت ناصرالدین شاه تاکنون کسی به فکر بازگرداندن آنها نیافتاده و خود دولتهای به امانت برنده نیز موضوع را شامل مرور زمان دانسته و آن را فراموش شده تلقی کرده‌اند. در این میان بر عهده «سازمان میراث فرهنگی کشور» و اداره حقوقی وزارت امور خارجه است که تلاش همه‌جانبه‌ای را برای بازگرداندن آنها که تعدادشان بیش از پنجهزار قطعه بزرگ و کوچک است، آغاز کرده و این عمل را به عنوان یک اقدام ملی محسوب بدانند. باید توجه داشت تاراج اشیای عتیقه، این میراث ملی همچنان ادامه دارد به عنوان نمونه به چند خبر زیر در این مورد اکتفا می‌شود:

- روزنامه ایران، ۲۷ خرداد، ۱۳۸۰ شماره ۱۸۳۰، صفحه ۱۱.

«باند بزرگ قاچاق آثار تاریخی به خارج از کشور متلاشی شد... در این عملیات

مقادیر زیادی از آثار و اشیای عتیقه و باستانی که توسط قاچاقچیان مخفی شده بود،

کشف شد. اشیای کشف شده از مجموعه تاریخی تخت جمشید، سرقت شده بود.

این اشیاء، حدود ۲۵۰ میلیارد تومان ارزشگذاری شده‌اند».

- کیهان، ۱۳۷۹/۱۰/۱۵، شماره ۱۶۶۹۹، ص ۱۵.

«اعضای چهار باند حفاری اشیای عتیقه دستگیر شدند... از افراد این باند، ۱۶۰

قطعه از اشیای با ارزش کشف کردند که کارشناسان میراث فرهنگی، ارزش آنها را بالغ بر یک میلیارد تومان ارزشگذاری کردند».

- کیهان، ۱۳۸۰/۳/۲۹، شماره ۱۷۱۱۲، ص ۱۵.

«شبکه بین‌المللی قاچاق اشیای عتیقه در مشهد متلاشی شد. ۸۵ قطعه اشیای کشف شده، مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد بود».

- جام جم، ۱۳۸۰/۴/۱۲، سال دوم، شماره ۳۳۳، ص ۱۴.

کشف ۵ مجسمه تاریخی، قبل از خروج از کشور.

«در عملیات ویژه‌ای از سوی مأموران انتظامی [شهرستان مرودشت] ۵ مجسمه تاریخی متعلق به دوران هزاره اول قبل از میلاد، قبل از خروج از کشور، کشف شد».

به طور یقین خبرهای مزبور، آخرین خبرها در مورد سرقت اشیای عتیقه نخواهد بود، زیرا رقمهای نجومی قیمتها، زراندوزان را به وسوسه انداخته و وسایل گنج‌یاب و فلزیاب نیز، آزادانه به فروش می‌رسد، کافی است در این مورد به آگهی‌های رنگین بعضی از روزنامه‌ها توجه شود. اما آیا در کشورهایی نظیر ترکیه، مصر، یونان و ایتالیا که دارای آثار باستانی بیشتر از ایران هستند و سالانه میلیونها جهانگرد از آنها بازدید می‌کنند، این تعداد سرقت انجام می‌گیرد؟ و آیا کسی از مقدار و ارزش اشیای کشف نشده، اطلاع دارد؟

نام آلمان به طور رسمی اولین بار، در نامه‌ای که شاه اسماعیل اول^(۱) در ۱۱ سپتامبر ۱۵۲۳م. توسط یک کشیش مجارستانی، به کارل پنجم (شارل کن)^۱ که در ۱۵۱۹م. امپراطور آلمان شد و قصد سلطنت به جهان را داشت فرستاد، آورده شده است. در این نامه شاه ایران تمایل خود را به ایجاد روابط و اتحاد با آلمان، بر علیه عثمانی، ابراز کرده بود. روابط ایران با کشورهای اروپایی، به ویژه با آلمان و انگلیس، در زمان شاه عباس گسترش یافت. در این زمان، رودلف^۲ دوم امپراطور آلمان، توسط سفیر ایران در روسیه، برای شاه عباس اول، پیام دوستی فرستاد و شاه ایران نیز وی را با هدایایی به پراگ پیش رودلف اعزام داشت، و سپس برای ایجاد اتحاد با آلمان، آنتونی شرلی و حسینعلی بیگ بیات را به سفارت نزد امپراطور فرستاد. این هیأت سیاسی که مرگب از ۴۶ نفر بودند، در ۹ ژوئیه ۱۵۹۹م. از اصفهان حرکت کرده و پس از

1. Šāri-Kan (Charles Quint)

2. [Rodolphe]-Rodolf (۱۵۷۶-۱۶۱۱)

یک سال و نیم در حالی که شانزده نفر از آنها در راه فوت کرده بودند، در ۱۱ اکتبر ۱۶۰۰م. وارد پراگ شدند و در ۲۰ اکتبر به حضور امپراتور رسیده و نامه شاه عباس اول را مبنی بر اتحاد با یکدیگر بر ضد دولت عثمانی، به وی تقدیم کردند و بدین ترتیب اولین رابطه ایران و آلمان با هدف اتحاد بر علیه دشمن مشترک آغاز شد.

این ملاقات در شهر «پراگ» که به طور موقت به پایتختی انتخاب شده بود، انجام گرفت. زیرا که در این سالها عثمانیها به طرف وین پیشروی کرده و آنجا را مورد تهدید قرار داده بودند. امپراتور آلمان پس از ملاقات با فرستادگان شاه، برای اطلاع از اوضاع ایران هیأتی را به سرپرستی یکی از بزرگان «ترانسیلوانیا»^۱ به نام «اشتفان کاکاش فون تسالونزکمنی»^۲ را به ایران فرستاد و در حقیقت وی اولین سفیر آلمان بود که عازم دربار ایران شد، اما نامبرده پس از ورود به ایران جان سپرد و بنا به وصیت وی «گشورگ تکتاندرفون دریابل»^۳ منشی هیأت آلمانی وظیفه ادامه و اجرای مأموریت را به عهده گرفت و در تبریز به حضور شاه ایران رسیده و نامه رودلف دوم را تسلیم وی نمود. نامبرده پس از چندی که تنها بازمانده هیأت سیاسی هشت نفره آلمان بود، در اواخر سال ۱۶۰۵م. همراه با مهدیقلی خان به پراگ مراجعت کرد. شاه عباس در فوریه ۱۶۰۸م. رابرت شرلی را به اتفاق علیقلی بیگ و ۳۲ نفر از ایرانیان، با هدایای بی شماری به سفارت به اروپا فرستاد، شرلی در ژوئن ۱۶۰۹م. در پراگ به حضور رودلف دوم رسید و هدایا و نامه شاه ایران را تقدیم وی نمود. جانشین امپراتور آلمان در ۱۶۱۲م، سفیری را به ایران فرستاد، اما وی در روسیه دستگیر و چند سال زندانی بود، و هنگامی که آزاد شد، جنگهای سی ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸) در اروپا آغاز شده بود و در نتیجه رابطه سیاسی ایران و آلمان قطع شد که حدود دو قرن و نیم ادامه داشت.

در عهد قاجاریه و در اوایل قرن نوزدهم، پس از جنگهای سیزده ساله ایران با روسیه که منجر به عقد معاهده ترکمانچای و موجب گسترش نفوذ روس و انگلیس در ایران شد، زمامداران وقت به دنبال یک متحد قوی در اروپا بودند، و تنها کشوری که از حیث منافع مشترک ناشی از موقعیت جغرافیایی، برای ایران اهمیت داشت، آلمان بود که خواستار حفظ تعادل در اروپا بود و به ایران و عثمانی که از روسیه شکست خورده بودند نزدیک می‌گردید، لذا زمامداران وقت برای خنثی کردن رقابت دو دولت روس و انگلیس در

1. Transilvanien

2. Stefan Kakasch Von Zalonskemeny

3. Georg Tektander Von der Jabel

بیست و هشت / تاراج میراث ملی

ایران، به آن کشور نزدیک شده و در ۲۵ ژوئن ۱۸۵۷ م. / ۳ شوال ۱۲۷۳ ق. اولین عهدنامه دوستی و تجاری بین ایران و پروس (آلمان) توسط «فرخ خان امین الدوله»^(۲)، سفیر ایران در فرانسه به نمایندگی از سوی دولت ایران و «کنت کارل فرانس فون هاتسفیلد ویلدنبورگ»^۱ به نمایندگی از سوی دولت پروس و اتحادیه گمرکی آلمان به امضا رسید. آنچه باعث شد پروس را به عقد پیمان مزبور علاقه‌مند سازد، گزارشهای تجاری و سفرنامه شرق‌شناس و دیپلمات آلمانی به نام «ارنست اتوبلاو»^۲ در استانبول بود. وی پس از مسافرت به ارمنستان، آذربایجان و ایران از ۱۸۵۲ الی ۱۸۵۷ میلادی، در این باره کتابی انتشار داده و مقالات متعددی نوشت.^۳

در ۱۸۶۰ م. / ۱۲۷۶ ق. هیأتی از پروس به سرپرستی بارون «ژولیوس مینوتولی»^۴ رئیس پلیس سابق پروس، عازم ایران گردید و با ناصرالدین شاه ملاقات نموده و به مدت سه ماه در تهران توقف کردند و سپس برای دیدن نواحی جنوبی ایران عازم اصفهان، بوشهر، شیراز، تخت جمشید و پاسارگاد شدند. مینوتلی هنگام مراجعت، در شیراز فوت کرد و بقیه اعضای هیأت به سرپرستی دکتر گروه به آلمان برگشتند. هم زمان با روی کارآمدن «بیسمارک»^۵ سیاستمدار پروس و یکی از مؤسسان آلمان در ۱۲۸۸ ق. میرزا حسین خان سپهسالار^(۳) نیز در ایران به صدارت رسید وی برای اینکه ناصرالدین شاه را با پیشرفتهای اروپا آشنا کرده تا او نیز به فکر اصلاحات و ترقی ایران بیفتد، با تعریف و تمجید از پیشرفتهای فرهنگی و صنعتی اروپا، وی را برای مسافرت به آنجا تشویق می‌کرد. سرانجام مقدمات اولین سفر شاه به فرنگستان فراهم شد و «میرزا ملکم خان ناظم الدوله»^(۴) سفیر ایران در لندن نیز، مأمور تماس با دولتهای اروپا، و فراهم کردن زمینه این مسافرت به کشورهای آن دیار شده و نامه ناصرالدین شاه را به «ویلهلم اول» امپراتور وقت آلمان تسلیم نمود. سرانجام ناصرالدین شاه به اتفاق تعداد زیادی از همراهانش به سوی اروپا رهسپار گردید و در اول ربیع‌الاول ۱۲۹۰ ق. / ۲۸ مه ۱۸۷۳ م. از طریق باکو و مسکو وارد «سن پترزبورگ» پایتخت روسیه شده و در آنجا با وزیر امور خارجه روسیه دیدار و در مورد مسایل سیاسی از جمله امتیاز «بارون ژولیوس دورویر»^(۵) چندین بار مذاکره کرد. پس از دو هفته اقامت در آنجا، عازم برلین شد و در ۳۱ ماه مه، قطار حامل

1. Karl Franz Von Hotzfeld Wildenburg

2. Ernst Otto Blau

۳. برادر فرد. جی. مارتین، تاریخ روابط ایران و آلمان، ترجمه پیمان آزاد- علی امید، تهران، مؤسسه پیک ترجمه و نشر، ۱۳۶۸، ص ۲۸.

4. Julius Minotoli

5. Otto Bismarck

شاه و همران او وارد ایستگاه «پتسدام»^۱ گردید و مورد استقبال امپراتور آلمان، ولیعهد، بیسمارک، مولتکه و سایر شخصیت‌های آلمان قرار گرفت. در خیابانهای مسیر عبور نیز، هزاران نفر به شاه ایران، اولین پادشاه مشرق زمین که مشاهده می‌کردند، ابراز احساسات می‌کردند. در این سفر، ناصرالدین شاه که پس از مذاکرات خود با گورچاکف وزیر خارجه روسیه، از سخنان تند او عصبانی شده بود، «میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک»^(۵) سفیر ایران در روسیه را به برلین فرستاده بود تا مقدمات عقد قرارداد جدید با آلمان را فراهم کند. هنگام دیدار شاه از وزارت امور خارجه آلمان در ۶ ژوئن ۱۸۷۳ م.، عهدنامه جدید دوستی، بازرگانی و دریانوردی به امضای بیسمارک صدراعظم آلمان و میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران که همراه هیأت بود رسید. عهدنامه مزبور، در ۱۱ ژوئن ۱۸۷۳ م. نیز در سن پترزبورگ در چهار نسخه به زبانهای فارسی و فرانسه توسط شاهزاده «رویس»^۲ سفیر آلمان و میرزا عبدالرحیم خان به امضا رسید که به مدت ۵۵ سال پایه روابط دو کشور بود.

ناصرالدین شاه دوبار دیگر یکی در ۱۸۷۸ و دیگری در ۱۸۸۹ م. به آلمان مسافرت کرد، حاصل سفر دوم که هم زمان با تشکیل کنگره برلین پس از شکست عثمانیها از روسیه بود براساس ماده ۶۰ پیمان برلین، استرداد ناحیه قطور شامل نوزده قریه بود که در ۱۸۴۸ م. به اشغال قوای عثمانی درآمده بود. قبل از سفر دوم ناصرالدین شاه به برلین، بنا به تقاضای وی از بیسمارک که توسط «علیقلی خان مخبرالدوله» تسلیم نامبرده گردید، «ارنست فون برانشوایگ»^۳ برای فراهم ساختن مقدمات تأسیس سفارت آلمان در تهران، عازم ایران شد که البته فشار تجار آلمانی در اتخاذ این تصمیم بی‌اثر نبود. این بار نیز دکتر «هاینریش بروگش» به عنوان نفر دوم هیأت همراه گروه اعزامی بوده پس از ورود آنها به تهران، شاه به بهانه مذاکره در درباره حقاری و کشفیات روگشن در مصر، او را به کاخ دعوت کرد، اما در مذاکراتش با وی از حقاری و اکتشافات در مصر، سخنی به میان نیاورد و تنها از کارکرد مأموران دولتهای انگلیس، اتریش و روسیه گلایه کرد که برای ایران کاری انجام نداده‌اند و دولت ایرن علاقه‌مند است، آلمان به منظور اصلاح تشکیلات اداری، مستشارانی را به این کشور اعزام نماید. بیسمارک، صدراعظم آلمان معتقد بود ایران نباید به یک کشور خارجی امید داشته و به آن متکی باشد، بلکه خودش باید درصدد رفع مشکلات برآید و لذا شاه،

1. Potsdam

2. Reuss

3. Ernst Von Braunschweig

محسن خان نامی را به آلمان فرستاد تا از بیسمارک تقاضای اعزام مربیان نظامی و مستشاران اداری به ایران را نماید. سرانجام دو افسر بازنشسته آلمانی‌الاصل پروسی را به نامهای «فلمر»^۱ و «وت»^۲ به عنوان مربیان نظامی استخدام کرده و به ایران آورد. فلمر تا ۱۸۹۰ و وت تا ۱۹۱۱م. در ایران ماندند.

پس از انجام مقدمات تأسیس سفارت آلمان در تهران، بنا به تقاضای برانشوايگ، «میرزا رضاخان گرانمایه» میهماندار وی، به عنوان وزیرمختار ایران در برلین منصوب گردید و در سال ۱۸۸۵م. / ۱۲۶۴ش. سفارت آلمان در تهران و سفارت ایران در برلین رسماً تأسیس یافت. ناصرالدین شاه در ۱۸۸۹م. / ۱۲۶۸ش. برای سومین بار همراه با میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان صدراعظم، علیقلی خان مخبرالدوله و وزیرمختار آلمان در تهران عازم اروپا شد و در آن کشور مورد استقبال ویلهلم اول و مقامات آن کشور قرار گرفت. این سفر اثر مهمی در روابط بین دو کشور نداشته و حتی پس از قتل وی در مه ۱۸۹۶م. / ۱۲۷۵ش. نیز تغییری در سیاست آلمان نسبت به ایران به وجود نیامد و با توجه به اینکه ایران از سوی روسیه تزاری تهدید می‌شد، دولت ایران خواهان حمایت آن کشور از ایران بود. مظفرالدین شاه نیز با دریافت وام از روسها، دوبار به اروپا رفت، اما دست‌آوردی برای ایران نداشت. در طول چند سال انقلاب مشروطیت، دو دولت فرصت مناسبی برای توسعه همکاری با یکدیگر نداشتند.^۳

با شروع جنگ جهانی اول، آلمانها از نیروهای ایرانی درگیر با روسیه و انگلستان حمایت کردند، از جمله همکاری آنها با تنگستانها در مبارزه با قوای اشغالگر انگلستان بود. با شکست آلمان در جنگ جهانی اول، چند سالی روابط دو کشور قطع شد و سپس با روی کار آمدن «هیتلر»^(۴) که از نظر ماهیت حکومت دیکتاتوری - که بر هر دو کشور حاکم بود - مورد توجه رضاخان بود مناسبات ایران و آلمان گسترش یافت به طوری که در ۱۹۳۷م. / ۱۳۱۶ش. آن کشور، در تجارت خارجی ایران، مقام اول را به دست آورد. بعد از جنگ جهانی دوم با تأسیس جمهوری فدرال آلمان، دور جدیدی از روابط سیاسی بین دو کشور آغاز شد و پس از انقلاب اسلامی نیز روابط سیاسی بین دولتين، با تأثیرپذیری از وقایع متعدد تا امروز در نوسان است. در همان سالی که ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) کشته شد، شخصی به نام

1. Fellmer

2. Weth

۳. رحمانی، علی، آلمان، تهران، وزارت امورخارجه، مرکز چاپ و انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم ۱۳۷۸، ص ۳۴۴.

«گوستاوگودریتسکی»^۱ تبعه آلمان، که مدتی را در روسیه به اکتشاف معدن و طلاشویی سپری کرده بود و چند سال نیز در رشت اقامت کرده و به طبابت مشغول بود، در ملاقاتی با میرزا محمدعلی معین‌السلطنه، پسر معین‌التجار رشتی درباره وجود معادن طلا در دماوند و زنجان و استخراج آن مذاکره می‌کند. نامبرده در این ملاقات، به معین‌السلطنه اظهار می‌دارد، که شخصاً به دماوند رفته و پس از بررسی، به وجود معدن طلا در آن منطقه اطمینان حاصل کرده است، لذا پیشنهاد می‌کند در امتیاز استخراج از معدن طلای دماوند و سایر معادن طلای ایران، با وی شریک شود تا او به تهران رفته و با دولت ایران قراردادی را منعقد نماید. گودریتسکی که هزینه این کار را سیصد تومان برآورد کرده بود قرار می‌شود، دو سهم آن را میرزا محمدعلی، و یک سهم را نامبرده بپردازد. میرزا محمدعلی، بنا به ادعای خودش:

«ناچار محض وطن دوستی و ملت پرستی، این شراکت را قبول کرد که شاید فتح بایی

باشد در وطن عزیز، تا اسباب ترقی و ثروت خود و هموطنانش گردد (سند شماره

۱۸)».

گودریتسکی که امین‌الدوله قول داده بود او را در این راه کمک کند، با نوشته شرکت‌نامه به تهران آمد. اما در این ایام به علت حضور نداشتن سفیر آلمان در تهران، و منصوب نشدن امین‌الدوله به صدرات که در امضای قرارداد به وی کمک کند، مجبور شد برای اخذ نتیجه، چندین ماه در تهران منتظر بماند. در این مدت پولی را که از میرزا محمدعلی گرفته بود، هزینه اقامت خود در تهران کرد و لذا پیوسته از شریک خود درخواست تنخواه می‌کرد. میرزا محمدعلی نیز به امید دستیابی به گنج، همه را حواله می‌کرد. در ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ق. گودریتسکی طی نامه‌ای به مشیرالملک^(۷) وزیر امور خارجه می‌نویسد که در ملاقاتش با مسیونوز^۲ مدیرکل گمرکات، قرار بر این گذاشتند که قرارنامه معدن طلا را پیش وی ببرد و همچنین مقرر شد که عمل کرد هر ماه به طور مرتب، طی گزارشی به رئیس معاون، مهندس الممالک^(۸) ارسال شود و در خاتمه تقاضا کرده بود که پیش از رسیدن زمستان وی را مرخص کنند تا بلکه بتواند کاری انجام دهد، زیرا در فصل زمستان کار کردن در معدن بسیار دشوار است. و در حاشیه نامه اضافه کرده بود که تمامی فکر او این است که به دولت خدمت کرده باشد (سند شماره ۳). پس از مدتی که از نوز خبری به گودریتسکی داده نمی‌شود، به وزیر امور خارجه اطلاع می‌دهد که تمام تابستان سال گذشته را منتظر تعیین تکلیف مانده بود،

امسال نیز تابستان به نیمه رسیده است، اما هنوز از امضای قرارداد خبری نشده و چون نمی‌توان در زمستان کار کرد، لذا درخواست می‌کند که هر چه زودتر تکلیف وی را روشن کنند و دولت نیز او را در این امر کمک کند. در ۱۲ ژوئن ۱۸۹۹م. / ۳ صفر ۱۳۱۷ق. گودریتسکی طی نامه‌ای به صدراعظم، تقاضا می‌کند که تکلیف او را در مورد شروع کار اکتشافات طلا، روشن نماید. صدراعظم در حاشیه نامه وی می‌نویسد:

«جناب مشیرالملک ملاحظه نمایند و تحقیق نمایند که چه می‌گوید، راپرت کنید، به

عرض برسد».

مشیرالملک که بعدها لقب مشیرالدوله نیز یافت، به شخصی بنام شیندلر دستور رسیدگی به تقاضای مزبور را می‌دهد. نامبرده نیز اقدامات لازم را به عمل آورده و نسخه‌ای از پیش‌نویس امتیازنامه را از گودریتسکی گرفته و قرار بود که آن را در «رستم آباد»^۱ به مشیرالدوله تسلیم نماید. اما گودریتسکی دوباره آن را از وی پس می‌گیرد تا خود، به صدراعظم تسلیم نماید. شیندلر در این مورد، نامه‌ای به مشیرالدوله نوشته و خاطر نشان می‌کند که گودریتسکی، امتیازنامه را آن طوری که به او گفته شده بود، ننوشت و عوض ایالات گیلان، مازندران و قزوین، ایالات مازندران، خمسه و همدان را انتخاب کرده و چون حکومت همدان، طلاشویی آنجا را به یک نفر یهودی واگذار کرده و اجازه دریافت می‌کند، لذا اجازه دادن به وی برای طلاشویی در همدان، احتمالاً مناسب نمی‌باشد، اشکال دیگر امتیازنامه، نداشتن امضای شریک وی میرزامحمدعلی معین السلطنه است و بدین صورت، امتیازنامه اعتباری ندارد، وانگهی گودریتسکی پولی جهت وجه ضمانت ندارد (سند شماره ۲). در ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۱۷ق. نیز، نامه‌ای به مهندس الممالک می‌نویسد که وی به دستور صدراعظم، برای اینکه عملیات طلاشویی زنجان را به وی واگذار نمایند از «ری» به دارالخلافه آمد. اما پس از گذشت چند ماه، هنوز کاری انجام نشده است. و از طرفی همسر و فرزندانش در روسیه منتظر وی بوده و خودش نیز بیمار شده است، لذا از وزیر معادن تقاضا می‌کند که قرارنامه را به حضور شاه (مظفرالدین شاه) برده و به رؤیت و امضای وی برسانند. تا هم خدمتی به دولت کرده و هم خود لقمه‌نانی به دست آورد. نامه‌ای نیز با همین مضمون به مشیرالدوله ارسال می‌دارد. مشیرالدوله در پاسخ می‌نویسد که دو روز قبل نامه وی را به صدراعظم نشان داده و قرار شده پس از ملاحظه به حضور شاه بفرستد و تا چند روز دیگر پاسخ خواهد داد. وزارت معادن در پاسخ به صدراعظم،

۱. رستم‌آباد، منطقه خوش آب و هوایی در شمال شرقی تهران و جزو شمیرانات است.

در مورد رسیدگی به قرارنامه، پاسخ می‌دهد که ۲۵ سال پیش، قطعه سنگی در کاوند خسته پیدا شد که پنجاه درصد آن طلا بود؛ و خود وزیر نیز آن را مشاهده کرده است، و لذا احتمال می‌رود یک معدن فوق‌العاده‌ای در آنجا موجود باشد؛ و با وجود اینکه مأموران متعددی، چندین سال متوالی از طرف دولت درصدد کشف معدن درآمده، و کار آنها بی‌نتیجه مانده است، اما عدم وجود معدن به ثبوت نرسیده است، و احتمال می‌رود که با وسایل و آلات پیشرفته‌ی فرنگیان، رگ معدن پیدا شود و چون واگذاری چنین گنجی به خارجی‌ان روانیست، لذا پس از چند جلسه بحث و گفتگو، چهار فصل دیگر به قرارنامه تنظیمی اضافه شد که اگر معدن معروف کاوند کشف شود، متعلق به دولت ایران باشد نه به صاحبان امتیاز. صدراعظم، امتیازنامه تهیه شده توسط وزارت معادن را پیش مظفرالدین شاه فرستاده و می‌نویسد که:

«گودریتسکی» رعیت آلمان است و در رشت اقامت دارد و مدتی پیش معین‌السلطنه نوشت که شخص مزبور مایل است، امتیاز بعضی معادن را به دست بیاورد»

و از شاه کسب تکلیف می‌کند، و شاه در حاشیه نامه می‌نویسد:

«این امتیازنامه را خودتان به حضور بیاورید، حضوراً ملاحظه و در اطراف آن مذاکراتی که لازم است بشود». (سند شماره ۹).

پس از مذاکرات و مکاتبات زیاد، سرانجام گودریتسکی در ۱۳۱۷ق. / مهر ۱۲۷۸ش. / ۱۸۹۹م. موفق به اخذ امتیازنامه تجسس و استخراج نقاط طلادار در کاوند می‌شود که بین دولت ایران از یک طرف و وی با شریک خود میرزا محمدعلی پسر حاجی معین‌التجار رشتی منعقد شده بود و مهور به مهر صدراعظم و سفارت آلمان در تهران و تأیید مظفرالدین شاه بود (سند شماره ۱۰). پس از آن مشیرالدوله به معین‌السلطنه اطلاع می‌دهد که امتیازنامه امضا و به گودریتسکی تسلیم شده و اظهار امیدواری می‌کند که کار پیشرفت خوبی داشته باشد. گودریتسکی پس از دریافت قرارنامه، به رشت رفته و پس از گفتگو با شریک خود معین‌السلطنه، رونوشتی از امتیازنامه را برای مشیرالدوله فرستاده و درخواست می‌کند که آن را امضا کرده و وزیر معاون نیز مهر تأیید به آن بزند تا آن را به شریک خود بدهد و خود برای خرید وسایل طلاشویی عازم باکو شود (سند شماره ۱۲).

وی پس از مراجعت از باکو، با وجود سرما و یخبندان و ممانعت شریکش از عزیمت وی به زنجان، با پانصد تومان پولی که از او گرفته بود، عازم آنجا می‌شود، اما به علل فوق نتوانست کاری از پیش

برده و مدت چهارماه در انتظار مساعدشدن هوا در آنجا اقامت می‌کند. وی در طول این مدت همه پولی را که از میرزا محمدعلی گرفته بود خرج می‌کند، لذا طی نامه‌ای از طریق وزارت امورخارجہ از شریک خود درخواست پول می‌کند، و وزارت مزبور به معین‌السلطنه می‌نویسد که کار گودریتسکی به علت کمک نکردن او پیشرفت نکرده و لذا از او می‌خواهد که پاسخ مقتضی به گودریتسکی داده شود. در ۹ صفر ۱۳۱۸ ق. رونوشت این نامه را به گودریتسکی نیز ارسال کرده و از اینکه در نامه خود نوشته بود که در نظر دارد هنگام آمدن شاه به زنجان در سر راه خود به اروپا، معادل یک من از طلای معدن را تقدیم وی نماید، از این موضوع تشکر می‌نماید (سند شماره ۱۵).

میرزا محمدعلی که عازم پاریس بود، در پاسخ به نامه مشیرالدوله، طی نامه مفصلی پس از شرح چگونگی آشنایی خود با گودریتسکی و شرایط شراکت با نامبرده و خرید وسایل طلاشویی از باکو و پولهایی که بیشتر از سهم خود به او پرداخته بود، می‌نویسد که از کار وی رضایت نداشته و قصد دارد هنگام مراجعت از پاریس یک معدنچی را همراه خود بیاورد تا معدن را به دقت بررسی کند و اگر معلوم شود که دارای طلاست، حاضر است، هزینه‌ها را براساس قرارداد پرداخت نماید (سند شماره ۱۶). وزارت امورخارجہ، مضمون نامه مزبور را تلگرافی به اطلاع صدراعظم، طی نامه شماره ۲۸۵ و گودریتسکی که در آن تاریخ (ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ ق.) در باکو به سر می‌برد، رسانده و می‌نویسد که میرزا محمدعلی قرار است در مراجعت یک معدنچی را همراه خود از پاریس بیاورد و در صورت تأیید وی مبنی بر وجود طلا در آن معدن، سهم خود را به شرط اینکه او نیز سهم خود را به بانک به سپارد، به پردازد. گودریتسکی به مشیرالدوله تلگراف می‌کند که معین‌السلطنه امروز باید پول پردازد و بعد اظهارنظر کند (سند شماره ۱۹). و مشیرالدوله نیز پاسخ می‌دهد که شریکش ادعا می‌کند که سهم خود را پرداخت کرده و عازم پاریس شده است، و مجدداً گودریتسکی پاسخ می‌دهد که براساس نوشته‌ای به امضای معین‌السلطنه، وی خود را در کلیه مخارج معدن طلا مسؤول دانسته و آن قرارداد را نصرت‌السلطنه حاکم رشت به حضور امین‌السلطان فرستاده است و اضافه می‌کند که وی براساس آن قرارداد، درخواست پول کرده است و تا آن زمان در تجسس طلا بوده است، نه استخراج آن و اگر شریک او گفته که کار وی بی‌نتیجه بوده است، وی به تعهدات خود عمل کرده و اراضی زیادی را که دارای طلاست پیدا کرده است که گزارشهای مربوطه را به مهندس الممالک ارسال نموده است و همچنین وی سه برابر شریک خود خرج کرده است (سند شماره ۲۱) و در ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۱۸ ق. طی تلگراف دیگری به مشیرالدوله اعلام می‌دارد که معین‌السلطنه مخارجی را

مقدمه / سی و پنج

که قرار بود جهت بهره‌برداری از معدن بپردازد، پرداخت نکرده است، و برحسب امتیازنامه، قرار شده بود ده هزار تومان در خزانه دولت بسپارد، و در صورتی که کاری صورت نگیرد، امتیازنامه باطل می‌شود. و چون سه سال است براساس امتیازنامه زحمت می‌کشد، و زمین طلا را کنده و بهره و درآمدش را معلوم کرده است، اما به علت اینکه شریکش در این کار اعتباری ندارد، لذا به طور یک طرفه معین السلطنه را از شراکت با خود خارج کرده است و درخواست ضرر و زیان می‌کند (سند شماره ۲۳). مشیرالدوله در پاسخ می‌نویسد که معین السلطنه ادعا کرده است که بیشتر از سهم خود پول پرداخته و لذا تا مراجعت وی از مسافرت و معلوم نشدن حقیقت او نمی‌تواند شریک خود را از شراکت اخراج نماید.

یک ماه بعد در ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸ ق. / ۸ اکتبر ۱۹۰۰ م. سفارت آلمان، طی یادداشتی به وزارت امور خارجه می‌نویسد که طبق اطلاع به دست آمده از سفارت روس، گودریتسکی در بندر انزلی غرق شده است و ماترک وی، شامل وسایل حفر زمین و لوازم منزل در کاوند است، لذا در صورت مطلع بودن از محل اقامت همسرش، ماترک گودریتسکی را به وی تحویل بدهند و در غیر این صورت، در حکومت زنجان محفوظ بماند، تا همسرش مراجعه کند. وزارت امور خارجه موضوع را به حاکم زنجان اطلاع داده و طی یادداشت شماره ۴۸ نیز سفارت آلمان را از موضوع مطلع می‌سازد. پس از آن تاریخ میان وزارت امور خارجه و «سالارالدوله»^(۹) حاکم جدید زنجان، چند بار مکاتبه شد، و سالارالدوله به وزارت مزبور می‌نویسد که سه ماه قبل گودریتسکی با همسر خود به سمت باکو حرکت کردند و نامبرده هنگام عزیمت به باکو در انزلی غرق می‌شود. در کاوند وسایل وی را به شخصی امینی سپرده‌اند تا تصمیم گرفته شود. مجدداً وزارت امور خارجه مضمون مکاتبات را طی یادداشت شماره ۵۶، به اطلاع سفارت آلمان می‌رساند. مهندس الممالک وزیر معادن نیز در پاسخ به صدراعظم در مورد سپردن وجه الضمان گودریتسکی می‌نویسد که چون براساس گزارشهایی که نامبرده، به وزارت معادن ارسال کرده بود، هنوز مشغول به کار نشده بود و هنگامی که برای آوردن وسایل طلاشویی عازم باکو بود، در دریا غرق می‌شود، لذا سپرده‌ای از نامبرده گرفته نشده بود (سند شماره ۳۱). در صورتی که شریک وی قبلاً نوشته بود که گودریتسکی پس از امضای قرارداد به رشت آمده و از آنجا برای خرید وسایل طلاشویی به باکو رفته و وی نیز وجه آنها را حواله کرده بود، و پس از مراجعت با وجود سرما و یخبندان به زنجان می‌رود. وزارت امور خارجه نامه وزارت معادن را جهت اطلاع مسیو نوز مدیرکل گمرکات ارسال می‌دارد (سند شماره ۳۲). در ۱۷ آوریل ۱۹۰۱ سفارت آلمان طی یادداشتی از وزارت خارجه درخواست می‌کند که وسایل

گودریتسکی را حراج نموده و وجه آن را به سفارت ارسال نمایند (سند شماره ۳۳). وزارت امور خارجه نیز موضوع را به اطلاع حاکم زنجان می‌رساند. سرانجام وسایل گودریتسکی را در زنجان به مبلغ ۳۵ تومان حراج کرده و پس از کسر هزینه کرایه حمل و نقل و نگهداری، مبلغ ۲۸ تومان به وزارت خارجه ارسال می‌شود (سند شماره ۳۷) و وزارت مزبور نیز طی یادداشت شماره ۱۸۰۴/۱۲ وجه مزبور را به سفارت آلمان ارسال می‌دارد (سند شماره ۳۸). سفارت مزبور طی یادداشت شماره ۴۴۴ ضمن اعلام وصول برات بیست و هشت تومان از اقدامات انجام گرفته توسط اولیای امور ایران تشکر می‌نماید (سند شماره ۳۹). در این ایام، میرزا محمدعلی معین السلطنه که تازه از پاریس برگشته بود و قبل از عزیمت در پاسخ به نامه وزارت امور خارجه نوشته بود که گودریتسکی حقه بازی کرده و در کاوند معدن طلائی وجود ندارد، اکنون که نامبرده فوت کرده بود، طی نامه‌ای به نظام‌الدین مهندس الممالک وزیر معادن، از وی درخواست می‌کند که قرارنامه را به نام وی بکند و چون در فصل سوم امتیازنامه ذکر شده بود که از طلاهای حاصله، صاحبان امتیاز نصف آن را باید به دولت بدهند، حالا که تقاضا کرده بود، امتیازنامه مذکور را به نام او بکنند و امید زیادی نیز به انجام این کار داشت، تازه یادش می‌آید که امتیازنامه دارای چند ایراد از جمله، نصف کردن طلاهای حاصله با دولت است لذا در نامه خود می‌نویسد که در هیچ جای دنیا چنین رسمی وجود ندارد و آنگاه انگلستان را مثال می‌زند. در مورد عیار ماهانه نیز اشکال گرفته و اضافه کرده بود که شاید، وزیر معادن او را آدم بی‌ربط و بی‌اطلاع دیده، و این امور را به وی تحمیل کرده‌اند و لذا به خاطر این که خدمتی به دولت و ملت کرده باشد تا انقضای مدت اجاره که ۲۵ سال است امتیاز تجسس در معادن طلا و حتی مس را به وی واگذار نمایند تا باز هم جان و مالش را فدا کند به شرط آنکه دو شرط بالا را تغییر دهند و مال الاجاره معادن را مطابق آنچه در سایر معادن عالم مرسوم است، بپردازد (سند شماره ۴۰). نظام‌الدین به نامه مفصل میرزا محمدعلی پاسخ کوتاهی تهیه و در ۳ جمادالاول به وزارت امور خارجه ارسال و درخواست می‌کند که نامه مزبور به معین السلطنه فرستاده شود (سند شماره ۴۱). سفارت آلمان که شاید از نامه میرزا محمدعلی، در مورد اخذ امتیاز کل قرارداد طلاشویی مطلع شده بود، طی یادداشتی در مورخ ۲۶ جمادی الاول ۱۳۱۹ ق به وزارت خارجه، درخواست می‌کنند که دولت ایران اجازه ندهد حق گودریتسکی از قرارداد مزبور فروخته شود (سند شماره ۴۲). و نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه طی یادداشت شماره ۲۹۵۷/۱۶ مورخ ۷ جمادی‌الآخر ۱۳۱۹ ق. پاسخ می‌دهد که مایل نیست حقوق صاحبان امتیازنامه معدن طلائی کاوند به کسی فروخته شود و اجازه این کار را هم به کسی نمی‌دهد (سند شماره ۴۳).

با بسته شدن پرونده گودریتسکی تبعه آلمان، در میان اسناد موجود در وزارت امور خارجه، تا تاریخ ۱۳۰۸/۹/۱۸ ش. ۹/ دسامبر ۱۹۲۹ میلادی سندی مربوط به آلمانیها مشاهده نشده در تاریخ فوق، سفارت ایران در برلن طی گزارش شماره ۱۵۲۶ به وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهد که براساس نوشته روزنامه «برلینر بورسن زایتونگ»^۱، موزه برلن، یک قطعه سنگ حجاری را که از تخت جمشید آورده‌اند، توسط پروفیسور «فرد ریش زاره»^۲ خریداری کرده است و نامبرده معتقد است که این قطعه سنگ با قطعه سنگ قبلی که مدتی قبل به برلن آورده شده است، در اصل به یکدیگر متصل بوده و در سرسرای پلکان بزرگی به قصر خشایار شاه قرار داشته و دارای کتیبه مخصوص بوده است؛ و حالا قطعه دوم و چسبیده به آن را از جای خود در تخت جمشید درآورده و به موزه برلن در آلمان فروخته‌اند. این امر نشانگر این است که موزه‌ای برای تکمیل اثری که از راه قاچاق به دست آورده بود، می‌توانست بقیه آن را نیز توسط عوامل خود به دست بیاورد، (سند شماره ۴۴) و ضمائم. وزارت امور خارجه، طی نامه شماره ۱۲۱۲۱ گزارش سفارت مزبور را برای اطلاع به وزارت معارف و اوقاف ارسال می‌دارد و این وزارتخانه نیز در پاسخ می‌نویسد که سنگهای حجاری شده و غیره را ابتدا مسیوگدار مدیر فنی باستان‌شناسی مشاهده می‌کند و هر کدام را اجازه دهد، جواز حمل به خارج از کشور به آن صادر می‌شود، با وجود این، تجار عتیقه‌فروش یهودی به طرق مختلف، آثار عتیقه را از مرزها خارج می‌کنند، لذا جهت جلوگیری از این امر، اقدامات لازم به عمل آمده و از وزارت مالیه نیز درخواست شده است به گمرکات دستور اکید صادر کنند تا از خروج اشیای عتیقه جلوگیری نمایند (سند شماره ۴۶).

این سالها مصادف با حکومت دیکتاتوری رضاخان بود که جهت تحکیم پایه‌های سلطنت خود مخالفانش را قلع و قمع می‌کرد و کسی در فکر حفظ و حراست از میراث ملی نبود، لذا تجار یهودی که به ارزش اینگونه آثار پی برده بودند، از شوش، تخت جمشید، شمال و غرب ایران و از هر نقطه‌ای که می‌توانستند، اشیای تاریخی را به صورت قاچاق از مرزها خارج کرده و به قیمت گزاف به موزه‌های اروپا و آمریکا می‌فروختند.

سوداگران بین‌المللی صهیونیست و امپریالیست، پیوسته برای رسیدن به ثروتهای بدون زحمت و بادآورده به دنبال اشیای عتیقه کشورهای تاریخی بودند که در طول قرن گذشته، رد پای آنها در کشورهای

باستانی مشهود است، ایران نیز یکی از اهداف آنها بود و وجود سلاطین و صدراعظم‌های بی‌کفایت و یا خود فروخته نیز، آنها را در نیل به آمال خود، یاری می‌کرد.

پروفسور «ارنست هرتسفلد» آلمانی و استاد دانشگاه برلن، از دانشمندان و شرق‌شناسان مشهور قرن گذشته، از سال ۱۳۰۹ش، از سوی «مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو» برای کاوش و خاک‌برداری از ویرانه‌های تخت‌جمشید، به ریاست هیأت اعزامی انتخاب می‌شود. نامبرده پس از ورود به ایران، خاک‌برداری و عملیات علمی وسیعی را در تخت‌جمشید آغاز کرده، و توانست ویرانه‌های آنجا را از زیر خاک درآورده و کتیبه‌های مکشوفه را بخواند. این امر نه تنها به شهرت وی در جهان افزود، بلکه خدمت شایانی به این مفاخر عظیم منحصر به فرد ایران نمود، اما غرور، تکبر و شهرت وی، ناشی از پیشرفت عملیاتش در طول چند سال کار در تخت‌جمشید، موجب انجام اعمال متکبرانانه و تحقیر و توهین به ایرانیان و اطرافیانش شد و سرانجام در ۱۳۱۳ش. هنگام مسافرت ولیمهد سوئد به ایران که به دعوت دولت وقت، انجام گرفته بود، هنگام بازدید وی از خرابه‌های تخت‌جمشید، هرتسفلد بدون هماهنگی و اخذ مجوز از مأموران و نمایندگان ایران، چند قطعه از آثار تخت‌جمشید را به او اهدا می‌نماید. این رفتار وی با سابقه‌ای که در ایران داشت و مقامات ایرانی نیز به علت رفتار ناپسند وی، مایل به ادامه خدمت او در ایران نبودند، سبب خاتمه دادن به خدمتش گردید.

نامبرده که با اهدای هدیه گرانمایی به ولیمهد سوئد، خود را به وی نزدیک کرده بود، با اجازه او از همدان، جزو همراهانش عازم قصر شیرین شده و وسایل خود را که مقدار زیادی اشیای عتیقه در میان آنها بود، جزو بارهای ولیمهد که دارای مصونیت سیاسی بودند، به استکهلم می‌فرستد که این امر موجب مکاتبات زیادی با دربار سوئد و وزارت امور خارجه ایران می‌شود. به هر حال با خروج وی از ایران و مکاتبات متعدد درباره قاچاق اشیای عتیقه توسط هرتسفلد، که نزدیک به یک سال طول کشید، با وجود اینکه وزارت معارف و اوقاف، ظاهراً با ادامه مطالعات علمی وی در ایران موافق بود، اما در نتیجه مذاکراتی که با مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به عمل آمد، دکتر «اریک اشمیت»^۱ باستان‌شناس معروف آمریکایی آلمانی‌الاصل که در عملیات خاک‌برداری و علمی هرتسفلد شرکت داشته، جانشین وی می‌شود. اریک.ف. اشمیت در سال ۱۳۱۰ش. / ۱۹۳۱ م. از طرف موزه بستن به ایران آمد و مدت دو سال در تپه

حصار دامغان واقع در جنوب شهر دامغان که هرتسفلد در آنجا کاوشهای مقدماتی انجام داده بود، به حفاری مشغول می‌شود. وی نتیجه مطالعات و کاوشهایش، در این منطقه را در کتابی به نام Excavation at tepe Hissar Damghan (حفاریات در تپه حصار دامغان) در ۱۳۱۶ ش. توسط موزه پنسیلوانیا فیلادلفیا به چاپ می‌رساند. قدمت تمدن پیش از تاریخ تپه مزبور از هزاره چهارم تا هزاره اول پیش از میلاد است. نامبرده همچنین از ۱۳۱۳ ش. از سوی موزه دانشگاه پنسیلوانیا مأمور کاوش در چشمه علی شهر ری می‌گردد. دکتر اشمیت تا سال ۱۳۱۸ ش. که مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به کار خود خاتمه داد، در این سمت مشغول حفاری و اکتشافات بود، اسناد مربوط به خروج هرتسفلد و فعالیت هیأت اریک اشمیت در فصل دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پس از خروج هرتسفلد از ایران در اواخر سال ۱۳۱۳ ش. و موضوع قاچاق اشیای عتیقه توسط وی، سفارت آلمان در تهران طی یادداشتی به وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهد که شانزده صندوق اشیای متعلق به هرتسفلد در تحت جمشید قرار دارند و برای خروج آنها از آن محل درخواست صدور مجوز می‌شود. وزارت امور خارجه نیز فهرست اشیای داخل صندوقها را جهت رسیدگی و هرگونه اقدام لازم به وزارت معارف و اوقاف ارسال می‌دارد و در تاریخ ۱۳۱۴/۸/۱۷، وزارت مزبور طی نامه شماره ۱۹۲۱، به وزارت امور خارجه می‌نویسد که:

«شانزده صندوق از اشیای متعلق به هرتسفلد که بنا به تقاضای سفارت آلمان برای رسیدگی و قیمت‌گذاری جهت صدور مجوز آنها از تحت جمشید، به آن وزارتخانه ارسال شده بود مورد رسیدگی قرار گرفت. نتیجه اینکه بعضی از آنها شامل پرداخت مالیات، و بعضی دیگر معاف از پرداخت مالیات تشخیص داده شدند که فهرست هر دو ضمیمه است.» (سند شماره ۴۷ و ضمایم آن)

در نامه فوق همچنین نوشته شده بود که:

«مقداری فراگمانهای [تکه‌های کوچک] تخت جمشید که در صندوق شماره شش بود، گویا در غیاب هرتسفلد، کارکنان نامبرده جزو اشیای او فرستاده بودند که ضبط گردید.»

همچنین دو درب بزرگ و دو درب کوچک که ارتباطی به تخت جمشید نداشت، در صندوق شماره یک قرار داشتند و معلوم نبود چگونه در میان اشیای هرتسفلد قرار گرفته بودند، از ارسال آنها جلوگیری به

چهل / تاراج میراث ملی

عمل آمد، لذا وزارت معارف درخواست می‌کند که موضوع را به اطلاع سفارت آلمان برسانند. پیرو نامه فوق وزارت معارف و اوقاف طی نامه شماره ۱۹۳۸ به مورخ ۱۳۱۴/۸/۱۹ ش. به وزارت امورخارجه می‌نویسد که:

«علاوه بر فراگمانهای موجود در صندوق شماره ۶، که متعلق به تخت جمشید است، دو صندوق شماره ۵ و ۴ نیز از همان فراگمانها می‌باشد که اشتباهاً در نامه قبلی به آنها اشاره نشده بود، آنها نیز ضبط شدند.» (سند شماره ۴۸).

در پی آن وزارت امورخارجه طی یادداشت شماره ۳۶۳۷۱، به سفارت آلمان در تهران اطلاع می‌دهد که رسیدگی به شانزده صندوق متعلق به هرتسفلد به اتمام رسیده و بعضی از آثار متعلق به تخت جمشید واقع در صندوق شماره ۶ و دو درب بزرگ و دو درب کوچک از محتویات صندوق شماره ۱۰ که یقیناً متعلق به یکی از ابنیه تاریخی است، ضبط و از ارسال آنها خودداری شد. (سند شماره ۴۹). قابل ذکر است که وزارت خارجه توضیح نداد که چرا این اشیاء را اشتباهاً در صندوقها گذاشته و شماره‌گذاری شده بودند و معلوم نیست در طول مدت چهار سالی که نامبرده در تخت جمشید کار می‌کرد، هر بار که از ایران خارج می‌شد، چند صندوق از اشیاء را به طور اشتباهی همراه خود از کشور خارج می‌کرد، به ویژه در سالهای اولیه، که خاکبرداری و کشفیات وی، او را بلندآوازه و شهره آفاق کرده بود.

به هر حال سفارت آلمان طی یادداشت شماره ۲۷۰۹ به وزارت امورخارجه می‌نویسد که موضوع یادداشت آن وزارتخانه، جهت اطلاع هرتسفلد به نامبرده ارسال شد و پس از دریافت جواب، اشعار خواهد گردید. چند روز بعد طی یادداشت شماره ۳۱۶۸ مورخ ۴ ژانویه ۱۹۳۶ م. به وزارت خارجه، ضمن ارسال حقوق گمرکی و معارفی، درخواست می‌کند که تمام اشیاء را به تخت جمشید بفرستند تا با بقیه لوازم وی به بوشهر حمل شود. وزارتخانه مزبور، وجوه دریافتی را با نسخه‌ای از یادداشت فوق، جهت اقدامات لازم مبنی بر حمل لوازم هرتسفلد به بوشهر، به وزارت معارف ارسال نمود. (سند شماره ۵۲) و وزارت مزبور در تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۷ طی نامه شماره ۲۸۷۸ به وزارت امورخارجه اطلاع می‌دهد که دوازده صندوق اشیای هرتسفلد، پس از پلمپ شدن توسط این وزارتخانه و اداره کل گمرک، بر حسب تقاضای آقای «مایلس» تحویل شرکت متحده حمل و نقل ایران و عراق گردید. وزارت خارجه نیز طی یادداشت شماره ۴۳۷۱۲ موضوع را به اطلاع سفارت آلمان می‌رساند. (سند شماره ۵۴)

- پس از فرانسویان، انگلیسیها و آلمانیها، نوبت هیأت‌های آمریکایی بود که از سوی موزه‌ها و

مقدمه / چهل و یک

دانشگاههای گوناگون ظاهراً برای تحقیقات علمی و به منظور کشف مبداء تمدن انسان به ایران می‌آمدند ولی در حقیقت برای دستیابی به گنجینه‌های گرانبهائی بود که آنها را به این سو جذب می‌کرد. (اسناد فصل دوم)

قاره آمریکا در سال ۱۴۹۲ م. / ۸۹۶ ه.ق، حدود دوازده سال قبل از تشکیل دولت صفویه در ایران، توسط «کریستف کلمب»^۱ از اهالی ایتالیا یکی از سرداران نیروی دریایی پاشاده اسپانیا، در جستجوی راه دریایی به هندوستان، کشف شد و پس از وی دریانورد دیگری به نام «آمریک وسپوس»^۲ و دریانوردان دیگری به آن سرزمین جدید مسافرت کرده و با تحمّل زحمات زیادی به کشف تمام قاره نایل آمدند. اما از بین آنها آمریک وسپوس از اهالی فلورانس، چهار بار به آن قاره سفر کرد و به همین مناسبت نیز، آن قاره به نام وی و به آمریکا موسوم شده است.

طولی نکشید که مردم اروپا از وجود سرزمین جدید مطلع شدند و از آن پس مهاجرت مردم اسپانیا، انگلیس و پرتغال به سوی آن آغاز شد، اما مردم ایران به علت دور ماندن از جریانات و وقایع اروپا و سرگرم بودن به درگیریهای داخلی، حدود سیصدسال بعد از کشف قاره جدید از وجود آن اطلاع حاصل کردند، برای اولین بار کلمه «آمریکا» را «میرعبدالطیف شوشتری» در کتاب خود به نام «تحفة العالم» که در سال ۱۲۱۶ ه.ق در دکن تألیف شده بود، به کار برده و چنین نوشته است:

«... یک سال و کسری، رو به نقطه غرب کشتی‌راند. روزی رنگ آب تغییر به هم رسانید. حکیم [کریستف کلمب] همراهیان را به رسیدن ساحل مژده داد. بعد از سه چهار روز به جزیره‌ای از آمریکا که در این زمان به «اسپینوله» اشتها دارد رسیدند....»

دومین نوشته فارسی که در آن از آمریکا به عنوان «ینگى دنیا» سخن به میان آمده، در سفرنامه «میرزا محمد صالح کازرونى شیرازی» است که در سال ۱۲۳۰ ه.ق. به اتفاق چهار نفر دیگر از سوی عباس میرزا و وزیر او و میرزا بزرگ قایم مقام اول، برای آموختن فنون جدید و تحصیل علم، به انگلستان اعزام شده بود. و سفرنامه مزبور، حاصل سفر اول نامبرده به انگلستان از ۱۲۳۰ الی ۱۲۳۵ ق. است. اولین ایرانی که برحسب تصادف به آمریکا رفت، «میرزا ابوالحسن خان شیرازی» است که پس از

1. Christophe Colomb

2. Amerik Vespus

شکست ایران از روسیه در ۱۲۱۹ ه. ق. / ۱۸۰۴ م. از سوی فتحعلیشاه برای تنظیم و تصویب مواد نهایی پیمان سال ۱۸۰۹ م. بین ایران و انگلیس، مبنی بر لغو مواد پیمان «فین کن اشتاین» و همچنین برای تصویب اعزام سفرا به دربار یکدیگر و گلایه از عدم پرداخت ۱۲۰/۰۰۰ تومان مساعده‌ای که دولت انگلیس قول داده بود، به عنوان ایلچی یا سفیر عازم انگلیس شد و پس از هفت ماه مذاکره، مقرر شد میرزا ابوالحسن خان و «سرگورزلی»^۱ که در انگلستان میهماندار وی بود، به عنوان اولین سفیر انگلیس در دربار ایران به اتفاق یکدیگر عازم ایران شوند. اما کشتی آنها در دریا دچار طوفان شده و از راه خود منحرف به سوی آمریکا پیش می‌رود و سرانجام به سواحل برزیل، که در دست پرتغالیها بود، می‌رسند و پادشاه آن کشور هم که از ترس ناپلئون به آنجا پناه برده بود از جریان امر مطلع شده، و از آنها پذیرایی گرمی به عمل می‌آورد. آنها پس از آنکه مدتی میهمان پادشاه پرتغال بودند، با فرو نشستن طوفان به ایران مراجعت کردند. میرزا ابوالحسن خان در کتاب خود به نام «حیرت نامه» که پس از بازگشت خود به ایران انتشار داد، این واقعه را چنین نوشته است:^۲

«باد نیز به شدت تند و کشتی به سرعت می‌رفت، چنانکه در یک روز ۲۱۲ مایل راه طی کرده و زمین ینگ دنیا پیدا شد... روز دوازده شعبان وارد ریوجنروکه از مملکت ینگ دنیا است و مال پرتکش [پرتغال] است و بالفعل شاه پرتکش در آنجاست، شدیم».

انتشار این کتاب سبب شد تا بعضی از ایرانیان نه تنها با پیشرفتهای اروپا آشنا شوند که تا آن موقع بی‌خبر از همه آنها بودند و از شنیدن آن تعجب می‌کردند، به طوری که ابوالحسن خان، سفرنامه خود را حیرت‌نامه نامید و همچنین با عنوان سرزمین جدید آشنا شوند، بلکه به مفهوم روابط سیاسی و به نقش سایر قدرتها اروپایی نیز پی ببرند.

اما در مورد اولین دیدار آمریکاییان از ایران باید متذکر شد، از زمانی که مهاجرانی از انگلستان در ساحل اقیانوس اطلس که بعدها به جیمزتاون (ویرجینیا) و پلمیوت مشهور شد، سکونت کرده و تشکیل

1. Sir Gire Ouseley

۲. ایلچی، میرزا ابوالحسن خان، حیرت نامه، به کوشش حسن مرسلوند، تهران، نشر رسا، ۱۳۶۴، صص

یک کلنی را داده و به ایجاد خانه، راه و کلیسا پرداختند و اولین شورای ویرجینیا را در ۱۶۱۹ م. / ۱۰۲۴ ه.ق. در کلیسای چوبی آن شهر تشکیل داده و قوانین و آئین‌نامه‌هایی را برای اداره کلنی خود تنظیم کردند، نظر کلیساها (شوراها) تماماً به حل و فصل مسایل داخلی معطوف بود و اصلاً توجهی به سایر کشورها نداشتند، وانگهی اکثر مردم فقیر بوده و با کشاورزی و دامداری زندگی خود را تأمین می‌کردند. پس از اعلام استقلال در هفتم ژوئیه ۱۷۷۶ م. و پایان جنگ با انگلیس و پس از آن تشکیل مجلس مؤسسان، و طراحی نقشه‌ای برای آینده آمریکا و انتخاب اولین رئیس‌جمهور، و گسترش ایالات در آغاز قرن نوزدهم، کلیساهای آن کشور درصدد اعزام مبلغان مذهبی به سایر کشورها برآمدند، و بهبودی اوضاع اقتصادی کشور و بیداری مذهبی که شروع شده بود، سبب بیداری تعداد زیادی از جوانان که به عضویت کلیسا درآمده بودند شده و آماده خدمت در گروههای تبلیغی در خارج از کشور شدند. در نتیجه «هیأت مرکزی مسیونرهای خارجی» تشکیل گردید. هیأت مزبور شخصی به نام «مریک»^۱ را برای تحقیق امکان کار تبلیغی در ایران به این کشور فرستاد. نامبرده به اتفاق دو نفر آلمانی به تهران، اصفهان و شیراز سفر کرده و پس از مراجعت گزارشی از اوضاع اسفناک ایران، هم از نظر سیاسی و هم از حیث بهداشت، به هیأت کمیسونرهای آمریکایی ارائه می‌دهد. پس از وی دو نفر دیگر به نامهای «اسمیت»^۲ و «دوایت»^۳ مأمور رسیدگی و تحقیق برای تبلیغ مسیحیت در خاورمیانه می‌شوند. آنها پس از مسافرت به سوریه، عثمانی، ارمنستان، در ایران به ارومیه می‌رسند. آن دو با اسقفان آسوری ملاقات کرده و از آبادیها و قصبات مختلف بازدید به عمل می‌آورند. نتیجه تحقیقات آنها این بود که اسمیت در گزارش خود می‌نویسد:

«... اینجانب در تمام مسافرت خود، مردمی ندیدم که به اندازه آسوریهای ایران

حاضر به قبول انجیل مسیح باشند».

سرانجام از سوی هیأت مزبور، شخصی به نام «جوستین پرکینز»^۴ را برای تبلیغ دین مسیحیت به میان آسوریهای ایران اعزام می‌دارد. وی و همسرش پس از ورود به تبریز در اوت ۱۸۳۴ م. یک سال در آن شهر اقامت کردند و در پائیز ۱۸۳۵ م. همراه با دکتر «گرانٹ»^۵ و همسرش که تازه به آنها پیوسته بودند، به

1. J.L.Merrick

2. Elismith

3. Harison Gray Dwiht

4. Justin Perkins

5. Dr Asahel Grant

ارومیه رفته و در آنجا به ایجاد کلیسا، کتابخانه، چاپخانه سبک (۱۸۴۰م.) بیمارستان و مدرسه اقدام نمودند. آنها در با سوادکردن مردم زحمات زیادی کشیدند و تقریباً روزی هشت ساعت از اوقات خود را صرف ترجمه کتب و مقالات به زبان آسوری می‌کردند و در طول ۳۶ سالی که در این شهر اقامت کردند، بخش اعظم اوقاتشان را صرف خدمات ادبی نمودند، و برای در امان ماندن از ایذا و اذیت مسیحیان کاتولیک، به توسط ملک قاسم‌میرزا، عم محمد شاه قاجار، که در پیش پرکنیز، زبان انگلیسی یاد گرفته بود، در ۱۲۵۵ هـ ق دستخطی از شاه مبنی بر استحضار از تعلیم و تربیت جوانان و تشویق وی برای ادامه آموزش علوم تاریخ، جغرافیا، هندسه و حساب، گرفت. بدین ترتیب هم پرکنیز و هم همسر دکتر گرانت با تلاش بیشتری شروع به تأسیس آموزشگاههای پسرانه و دخترانه در روستاهای اطراف نیز نمودند. هیأت مزبور در زمان ناصرالدین شاه دامنه تبلیغ خود را به تهران نیز توسعه دادند و در آنجا هم از روزهای اول ورودشان، بیشترین توجه خود را به امور فرهنگی معطوف داشتند و کودکان بی‌بضاعت ارمنی را به طور مجانی در آموزشگاهی، نزدیکی دروازه قزوین آموزش می‌دادند، سپس آموزشگاه را به شمال شهر منتقل کرده و بر تعداد دانش‌آموزان نیز افزوده شد که در میان آنها از بچه‌های مسلمانان نیز بودند. به طوری که در سال تحصیلی ۱۸۹۶-۷ م. از ۱۳۴ دانش‌آموز، تعداد ۶۵ نفر از آنها مسلمان بودند. اسم مدرسه مزبور، مدرسه آمریکاییان بود. آموزشگاه دیگری بنام مدرسه «ایران بیت لیل» مخصوص دختران فعالیت می‌کرد، در سال ۱۹۰۳ م. مظفرالدین شاه دستور داد که تمام دختران مسلمان، از آن مدرسه خارج شوند اما پس از چند روز مجدداً به آموزشگاه برگشتند و اکثراً دختران متمولین در آنجا ثبت‌نام می‌کردند، مثلاً در سال ۱۹۱۳ م. از ۳۴۵ دانش‌آموز، تعداد ۱۵۴ نفر، دختران مسلمان بودند.^۱ از جمله کارهای هیأت مزبور، تأسیس بیمارستان آمریکایی در ۱۸۹۳ م. بود که هنگام شیوع بیماری وبا در تهران، کمک زیادی کردند.

بنابراین اولین آمریکایی که به ایران آمد، جی.ال.مریک بود که برای بررسی امور تبلیغی به این کشور آمد و دامنه تبلیغ آنها از تبلیغات مسیحیت به تأسیس آموزشگاههای دخترانه و پسرانه و بیمارستان، در شهرهایی مانند ارومیه، تهران، همدان، تبریز، و شمال ایران گسترش یافت تا سرانجام در ۱۴ ذی‌الحجه ۱۲۶۷ هـ ق. / ۹ اکتبر ۱۸۵۱ م. قراردادی به نام «عهدنامه دوستی و کشتی‌رانی»، در استانبول منعقد شد. هدف از این عهدنامه که به دستور امیرکبیر منعقد گردید، جلوگیری از تسلط دولت انگلیس و تقویت نیروی

۱. رضازاده ملک، رحیم، تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا - کتابخانه طهری، تهران، ۱۳۵۰، ص ۷۱.

مقدمه / چهل و پنج

دریایی در جنوب بود. یک ماه بعد از امضای آن، به تحریک انگلیسیها، امیرکبیر معزول و سپس مقتول گردید. پس از جنگ ایران و انگلیس و تصرف افغانستان و قطع روابط فی‌مابین، بدستور ناصرالدین شاه، میرزااحمد مصلحت‌گذار استانبول، مأمور مذاکره با وزیرمختار آمریکا جهت خرید چند فروند کشتی شد و این امر نهایتاً منجر به عقد قرارداد عهدنامه جدیدی بین ایران و آمریکا گردید که در تاریخ ۲۰ شوال ۱۲۷۳ ه.ق. / ۱۳ ژوئن ۱۸۵۷ م. به امضای رئیس‌جمهور آمریکا و ناصرالدین شاه رسید. و در سال ۱۸۸۳ م. / ربیع‌الاول ۱۳۰۰ ه.ق اولین سفیر آمریکا^۱ عازم تهران شد. اولین وزیرمختار ایران نیز در آمریکا، هفتمین فرزند میرزا آقاخان نوری، حاجی حسینقلی خان معتمدالوزراء بود که برای مدت یک سال در نیمة دوم ۱۳۰۵ ه.ق. برای وزارت مختاری انتخاب شد که بعد از مراجعت به ایران مردم به او لقب «حاجی واشنگتن» دادند.

رابطه ایران و آمریکا تا سال ۱۳۱۴ ش. برقرار بود، در سال مزبور به دلیل توهین پلیس راه آمریکا به سفیر ایران، به دستور رضاخان، سفارت ایران در واشنگتن تعطیل و رابطه دو کشور قطع گردید، تا دی ماه ۱۳۱۷ ش. که مجدداً رابطه برقرار و سفارتخانه‌های دو کشور بازگشایی شدند.

ده سال بعد در سال ۱۳۲۸ ش. / ۱۹۱۰ م. نمایندگان مجلس به این امید که چون مردم آمریکا دور از اروپا زندگی می‌کنند، و آلوده به نیرنگهای آنها نشده و پاک و بی‌آلایش هستند، و در ایران نیز مقاصد سیاسی ندارد، استخدام مستشاران مالی از آن کشور را برای اصلاح امور مالی ایران، به تصویب رساندند و در نتیجه اولین مستشاران آمریکایی در دوازدهم جمادی‌الاول ۱۳۲۹ م. وارد تهران شدند. قبل از آنها مسیو نوز بلژیکی برای اصلاح گمرکات استخدام شده بود که از راه اختلاسهایی که در ایران می‌کرد، مخصوصاً در معاملات مربوط به خزانه دولت و دلالی در دو فقره قرضی که از روسیه گرفتند، ثروت هنگفتی به هم زد و اول کاری که نمایندگان دوره اول مجلس کردند، اخراج وی از ایران بود. اکنون «مورگان شوستر»^۲ آمریکایی متصدی این کار شده بود که وضع آشفته مالیه ایران را اصلاح نماید که این کار با سیاستهای روس و انگلیس مغایر بود و لذا روسها ورود «ژاندارمهای خزانه» را به دستور شوستر به باغ شعاع السلطنه برادر سالارالدوله

۱. نام اولین سفیر آمریکا در ایران S.G.W.Benjamin بود.

۲. Magan Shuster، شوستر ۳۵ ساله در واشنگتن وکیل بود و از ۱۸۹۹ الی ۱۹۰۵ در اداره گمرکات فیلیپین و کوبا خدمت کرده و از ۱۹۰۶ الی ۱۹۰۸ م. رئیس تعلیمات عمومی فیلیپین بود.

و درگیری آنها با قزاقان را بهانه قرار داده به ایران اولتیماتوم دادند که اگر دولت ایران خواسته‌های آنها را قبول نکند که یکی از آنها، اخراج شوستر از ایران بود، روابط سیاسی قطع شده و قشون روسها وارد مازندران خواهند شد. سه روز بعد از اولین اولتیماتوم روسیه به ایران، رورنامه‌های آن کشور نیز به شوستر حمله کرده و او را یهودی خواندند. کارتیس گیلد^۱ سفیر آمریکا در پترزبورگ، موضوع را به وزارت خارجه آمریکا گزارش داد و وزارت خارجه آمریکا اولین چراغ سبز را به روسها نشان داد و به سفیر خود دستور داد که از هرگونه اشاره به اینکه حکومت آمریکا رسماً به فعالیتهای شوستر علاقه‌مند است، خودداری کند و وزارت امورخارجه روسیه از این خبر اظهار رضایت نمود و از آمریکا این «شیطان بزرگ» تشکر نمود. یک هفته پس از اینکه مسئولین آمریکا به روسیه اطمینان دادند که علاقه‌ای به مسأله مورگان شوستر ندارند، روسها دومین اولتیماتوم خود را به ایران ابلاغ کردند. ناکس^۲، وزیر خارجه آمریکا در پاسخ به نامه کاردار ایران در واشنگتن پس از اولتیماتوم اول، مبنی بر اینکه ایران انتظار کمک از آن کشور دارد. پاسخ داد:

«وزارت امورخارجه آمریکا از بروز چنین مشکلاتی، در روابط بین دو کشور که

آمریکا خود با هر دو دوست است، بسیار متأسف است».^۳

و در نامه‌ای که پس از اولتیماتوم دوم روسیه کاردار ایران، به وی نوشت مبنی بر اینکه اگر دولت ایران آن را به پذیرد، استقلالش از دست می‌رود و اگر نه پذیرد، موجب خونریزی زیادی می‌شود، ناکس پاسخ داد که او چیزی ندارد که به مطلب قبلی خود اضافه کند. و سرانجام با اینکه مجلس ایران به پارلمان آمریکا، مرکز قانونگذاری و قدرت آن کشور، متوسل گردید، اما آن مدافعان دموکراسی نه تنها به نامه نمایندگان ایران پاسخی ندادند، بلکه پس از قرائت متن نامه، توسط یکی از کارمندان پارلمان، با خنده نمایندگان مواجه شد. پس از آن نیز، چه در طول جنگ جهانی اول و چه پس از آن، شیطنتهای آن کشور در مورد ایران ادامه داشت. سرانجام با التیماتوم دوم روسیه، در محرم ۱۳۳۰ ق. شوستر از ایران اخراج شد. وی پس از مراجعت، کتاب «اختناق ایران»^۴ را نوشت. هنگامی که وی تصمیم گرفت از ایران برود، مردم در میدان بهارستان اجتماع کرده و بر علیه روسیه تزاری شعار می‌دادند و عارف قزوینی در مورد رفتن شوستر از ایران

1. Curtis Guild

2. Philander C.Knox

۳. ر.ک به؛ یسلسون، آبراهام، روابط سیاسی ایران و آمریکا، ترجمه محمدباقر آرام، مؤسسه امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۶۸.

4. Shragling of Persia

این شعر را سرود:

تنگ آن خانه که مهمان، ز سر خوان برود جان نثارش کن و مگذار مهمان برود
گر رود شوستر از ایران، شود ایران بر باد ای جوانان، مگذارید که ایران برود

به علت اوضاع نابسامان امور مالی ایران، فساد در دستگاههای دولتی رخنه کرده بود. دولت قوام السلطنه تصویب نمود که اجرای قوانین مربوط به تشکیلات اداری و مالی، به مدت سه ماه، متوقف شده و برای گردش چرخ امور مالی کشور، مبلغ یک میلیون دلار از آمریکا قرض بگیرند، و چون هیچیک از این اقدامات نتوانست گرفتاریهای مالی ایران را برطرف کند، لذا پس از مذاکرات، مجلس در مردادماه ۱۳۰۱ ش. استخدام «دکتر میلسپو»^۱ سردمدار نفوذ آمریکا را در ایران، به مدت پنج سال به تصویب رساند و وی با اختیارات نامحدودی، امور مالی ایران را به عهده گرفت و تا سال ۱۳۰۶ ش. با کمک ایرانیان کارهای زیادی انجام شد، از جمله تنظیم و تصویب قانون خزانه‌داری کل و تشکیل آن، اصلاح مالیاتهای مستقیم و نظارت بر اخذ آن، تغییر هیأت اعضای ۱۳ منطقه و ایالت (در آن زمان ایران شامل سیزده ایالت و هر کدام دارای حاکمی بود)، نظام‌نامه قانون استخدام کشوری، کنترل درآمدها و هزینه‌ها، پرداخت مرتب حقوق، تعقیب مجرمین و تشویق خدمتگزاران بود که سبب بهبودی در اعتبار دولت و توسعه اقتصادی عمومی گردید در این مورد میلسپو می‌نویسد:

«اگر در ایران، پس از ورود هیأت آمریکایی معجزه‌ای روی داده است، این اعجاز به

دست خود ایرانیان بوده است».

در طول همین سالها بود که هیأت‌های اکتشافی فرانسه و انگلیس در ایران، فارغ از همه گرفتاریهای مردم این کشور مشغول اکتشافات و چپاول بودند و در سال ۱۳۰۹ ش. سر و کله آمریکائیه‌ها نیز پیدا شد تا آنها هم از این آب گیل آلود ماهی بگیرند.

در بیستم اکتبر ۱۹۳۰ م. / ۱۳۰۹/۷/۲۸ ش. روزنامه «هرالد تریبون»^۲ چاپ آمریکا، خبر «تشکیل مؤسسه جدید برای اکتشافات در ایران کهن» را در مورد تأسیس یک «مؤسسه آمریکایی برای صنایع و عتیقه ایران»^۳ منتشر نمود که نظر به اهمیت موضوع در ۱۳۰۹/۹/۶ وزارت امور خارجه موضوع را طی نامه

1. Dr. Arthur Milispo

2. Herald Tribune

3. American Institute for Persian Art and Archeology

شماره ۲۴۱۵۸ به اطلاع وزارت معارف می‌رساند (سند شماره ۵۵) و از سفارت ایران در واشنگتن نیز درخواست می‌کند که در این مورد تحقیق شود. در همان سال، راکفلر ثروتمند شهر آمریکایی بنابه تشویق «انجمن آمریکایی صنایع و عتیقه ایران» که ریاست افتخاری آن با پروفیسور ویلیام جکسن^۱ بود و پروفیسور «پوپ»^۲ باستان‌شناس معروف نیز که بنیانگذار آن و مدیریت مؤسسه را به عهده داشت، حاضر شد مبلغ نه میلیون دلار برای کاوشهای مصر و ایران در اختیار پروفیسور «جیمز بریستید»^۳ رئیس بنگاه شرقی و استاد دانشگاه شیکاگو، بگذارد. پروفیسور مزبور نیز پروفیسور «ارنست هرتسفلد» رامأمور حفاری و کاوشهای علمی تخت‌جمشید نمود. جیمز بریستید، امیدوار بود که هیأت هرتسفلد بتواند در تخت‌جمشید به موفقیت‌های شایانی دست یابد. بنا به نوشته «تایمز» نیویورک در ۲۷ ژانویه ۱۹۳۱ م. یک خانم جوان و ثروتمند آمریکایی، مخارج این اقدام را که یازدهمین مرتبه اعزام هیأت علمی از سوی دانشگاه شیکاگو به خاور نزدیک با هدف کشف مبدأ تمدن انسان بود، عهده‌دار گردید که بنا به درخواست خودش اسمی از او برده نشده بود، علت این کار وی، که ثروت هنگفت خود را برای احیای تخت‌جمشید اختصاص داد، بر کسی معلوم نبوده است، هفت سال بعد، «میریام هاری»^۵ از روزنامه «لُزوغ» چاپ بیروت، در گزارشی از مصاحبه خود با مدیر حفاریات تخت‌جمشید در دیدارش از آنجا که در شماره ۱۱۲۴ مورخ ۱۹۳۸/۷/۲۸ منتشر می‌شود و سرکنسول ایران در بیروت در تاریخ ۱۳۱۷/۵/۱۱ ترجمه و کپی آن را به وزارت امور خارجه می‌فرستد، در مورد خانم مزبور می‌نویسد:

«این قصر، با مشعل هجوم مسلمانان در زمان خلافت عمر آتش گرفت، ساختمانهای اصلی این قصر و مخصوصاً قسمت تصاویر و نقوش آن با تیشه و تبر و آلات دیگر نابود گردید، اما عربها نتوانستند تمام آن را خراب کنند و آن را به همین شکلی که ما یافته‌ایم، رها کردند و ما امیدواریم که در مدت ده سال اصلاح شود.
- آیا در اثر اقدامات شاه فعلی؟ (منظور رضاخان است)
- خیر او از کجا سرمایه به دست خواهد آورد، روزانه غیر از متخصصین و

1. Prof.H.V.William Gackson

2. Prof Arthur Upham Pope

3. James Brestead

۴. سامی، علی، گزارشهای باستان‌شناسی، مجلد دوم، ۱۳۳۰، صص ۷.

5. Myriam Harry

مهندسین، حدود ۴۰۰ کارگر دارم.

- آیا این یک اقدام افسانه‌ای است؟

- خیر یک اقدام مخصوص است، تقریباً یک رمان یا یک حکایت فرشته‌ای. روزی یک خانم جوان و زیبای آمریکایی، به عنوان گردش به پرس پلیس می‌آید. این خانم در دهکده‌ای که در آن وقت یک کاروانسرای کثیفی بیش نبود فرود می‌آید و چون نمی‌توانسته در آنجا بخواهد، برای اینکه شب را در آنجا بگذراند، به تنهایی از آن خرابه بالا می‌آی، آن شب، مهتابی بود و معلوم نیست چه چیزی وی را در حیرت و بهت غوطه‌ور و مجذوب خود می‌سازد. این گردشگر دنیای جدید، این دخترکاری (آبجوساز)، آیا مجذوب این پادشاهان هخامنشی (با سر شیر و چشمان غزال و دهان آهو)، این پادشاهان این چنین زیبا و این قدر سخت که با آن همه عظمت و بزرگی، در پیراهن بلند و پاپوش زنانه راه می‌روند شد؟ من نمی‌دانم، ولی تصمیم گرفتم که ثروت هنگفت خود را برای احیای پرس پلیس اختصاص دهم و این کار نه برای خودنمایی بود، زیرا او گمراه بی‌نامی است و من نخواهم توانست اسم او را برایت بگویم».

به هر حال روزنامه تایمز، در دنباله خبر خود تحت عنوان «اخذ مجوز حفاری در پرس پلیس» می‌نویسد که پاک کردن و گشودن قصور باستانی و نجات دادن حجاریهای زیبا، و سایر خزاین آن زمان، اولین قدم علمی آمریکا در ایران است و اولین هیأت اعزامی که به موجب قانون جدید به ایران می‌روند، همین هیأت است. قانون جدید ایران در مورد اشیای عتیقه، رفتار عادلانه‌ای نسبت به هیأت‌های اعزامی ممالک مختلف را تأمین می‌کند و وزیر امور خارجه وقت به چارلز بریستید پسر بریستید اطلاع داده است که دولت ایران به اتفاق آراء نسبت به اعطای امتیاز حفاریات پرس پلیس به مؤسسه شرقی رأی مثبت داده است. روزنامه مزبور اضافه می‌کند که آمریکا در حال حاضر، مقدار کمی از نمونه‌های صنایع مستظرفه ایران را داراست و تقریباً همه آنها به قرون اخیر مربوط است و نمونه‌هایی از اوایل تمدن ایران و حتی تاریخ باستان ایران، ابدأ در آمریکا وجود ندارد. (ضمیمه سند شماره ۵۸) اما هنوز دو سال از آمدن هرتسفلد و سایر هیأت‌های آمریکایی به ایران نگذشته بود که اشیای گرانبهای زیادی از جمله مجسمه‌هایی که تازه کشف شده بودند، به طور قاچاق از ایران خارج کرده و در آمریکا به موزه‌ها فروخته می‌شوند، یعنی همان هدفی

که داشتن آثاری از ایران باستان بود.

از سال ۱۳۰۹ ش. تاریخ ورود هیأت علمی هرتسفلد به تخت جمشید، احجار منقوش سرقت و به آمریکا و اروپا برده شده و به موزه‌ها فروخته می‌شد.

الف) سرقت مجسمه‌های تخت جمشید و فروش آنها در آمریکا

در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ ش. شخصی به نام علی اکبر کاشف از ایرانیان مقیم آمریکا و مشاور افتخاری تجاری سفارت ایران در آمریکا، به وزیرمختار ایران در واشنگتن طی نامه‌ای می‌نویسد:

«طبق اطلاعاتی که به دست آورده است، تعداد زیادی از مجسمه‌های تخت جمشید به آمریکا آورده شده و یکی از آنها را که عکس آن ضمیمه است، به موزه «یوستون» فروخته‌اند و نظر به اینکه مجسمه‌های مزبور، چهار هزار سال قدمت دارند و از مفاخر مملکت ایران محسوب می‌شوند و خروج آنها بایستی ممنوع باشد، لذا خاطر شریف را مستحضر می‌دارم که به مقامات لازمه خبر بدهید. و علاوه بر آن دو نفر به اسامی کلکیان و گورکیان، تعداد زیادی از آنها را خریداری نموده و به آمریکا آورده و در حال فروختن آنها به موزه‌ها هستند». (سند شماره ۵۸)

غفار جلال علاء وزیرمختار ایران که شاید در آن سوی آنها و فارغ از مسایل آن روز داخلی ایران در عیش و نوش روزگار می‌گذراند، به وزارت امور خارجه می‌نویسد که وی در سفر خود به نیویورک متوجه فروش مجسمه‌های تخت جمشید به موزه‌ها شده و از آقای کاشف خواسته که موضوع را پیگیری نماید و نامبرده نیز در آن مورد تحقیقات کرده و گزارش همراه عکس، سفارت فرستاده است (سند شماره ۵۹). در حالی که محتوای نامه کاشف این چنین نبود و او خواسته که تیزیابی خود را به وزارت امور خارجه نشان دهد که آنها فکر نکنند وزیرمختار ایران در واشنگتن کاری انجام نمی‌دهد.

وزارت امور خارجه ایران پس از دریافت این گزارش، موضوع را به وزارت معارف، اطلاع داده و درخواست می‌کند، از هرگونه اقدامی که نسبت به جلوگیری از خروج اشیای تخت جمشید، انجام خواهد گرفت، آن وزارتخانه را مطلع سازند. (سند شماره ۶۰). وزارت مزبور در تاریخ ۱۳/۴/۱۳۱۲ در پاسخ می‌نویسد که طبق قانون، هیچ عتیقه‌ای را نمی‌توان از ایران خارج نمود، مگر با اجازه وزارت معارف، و این وزارتخانه نیز چنین اجازه‌ای را نداده است و لذا به طور یقین، مجسمه‌ها را به صورت قاچاق از کشور خارج

مقدمه / پنجاه و یک

کرده‌اند و باید به مأموران مرزی تذکر داده شود که جداً از این کار جلوگیری نمایند. همچنین در این نامه ذکر شده بود که مسیو گدار از سه سال پیش گفته بود که باید در حفظ و حراست آنها مراقبت به عمل آید و گرنه به سرقت می‌روند. البته برای حفظ آنها اعتبار مالی لازم است که تاکنون با وجود تقاضاهای مکرر بدون نتیجه مانده است. (سند شماره ۶۱) متعاقب آن وزارت امور خارجه، کافی نبودن پاسخ وزارت معارف را به نخست‌وزیر - مخبر السلطنه - نوشته و برای پیگیری آن کسب تکلیف می‌کند. مخبر السلطنه در حاشیه نامه وزارت امور خارجه می‌نویسد که از طریق سفارت ایران در واشنگتن تحقیق شود و هر گونه پیگیری که لازم به نظر می‌رسد، انجام گیرد. (سند شماره ۶۲) وزارت مزبور طی نامه شماره ۹۵۷ به نمایندگی ایران در واشنگتن می‌نویسد که در مورد چگونگی ورود آثار تاریخی به آن کشور تحقیق شود و همچنین بررسی شود که طبق قانون آمریکا، موزه‌های آن کشور، می‌توانند اشیای عتیقه را خریداری نمایند و آیا از آثار تاریخی کشورهای مصر، یونان و ایتالیا هم در آن کشور موجود است یا نه. سفارت ایران در واشنگتن در ۱۳۱۲/۶/۲۹ رونوشتی از گزارش دوم کاشف را که از نیویورک فرستاده بود، به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد. (سند شماره ۶۴) در گزارش فوق نوشته شده بود:

«اولاً، تعداد مجسمه‌هایی که به آمریکا آورده شده است، هفت عدد می‌باشند که یکی فروخته شده و بقیه نیز در دست عتیقه فروشهاست و چگونگی ورود آنها به آن کشور معلوم نیست.

ثانیاً، موزه‌ها در صورتی که آثار تاریخی فاقد کاتالوگ و عکس باشند و معلوم نباشند که متعلق به کدام موزه و دولت است، می‌توانند آنها را خریداری نمایند.

ثالثاً، آثار تاریخی سایر کشورها نیز به آمریکا آورده شده و به موزه‌ها فروخته شده‌اند. آن اشیایی که دارای سند هستند و به موزه دیگری تعلق دارند، موزه‌ها آنها را نمی‌خرند و اگر آثار تاریخی، پس از استخراج ثبت شدند، از طرف دولت مربوطه، به عنوان سرقت آثار عتیقه، اقدامات لازم برای استرداد آن صورت می‌گیرد. (ضمیمه سند شماره ۶۴)

وزارت امور خارجه، طی نامه شماره ۱۷۶۵ مورخ ۱۳۱۲/۷/۲۹، رونوشت گزارش فوق را به وزارت معارف ارسال و از وجود کاتالوگ یا عکس مجسمه‌های و آثار تاریخی باستانی ایران، در آن وزارتخانه استعلام می‌کند تا اقدامات لازم به عمل آید و پیشنهاد می‌کند که در صورت نبودن عکس یا کاتالوگ از آثار کشف شده، برای جلوگیری از سرقت، به تهیه آنها اقدام نمایند. (سند شماره ۶۵) در ۱۲/۱۰/۲۳، که باقر کاظمی، در کابینه دوم محمدعلی فروغی، از ۲۲ شهریور ۱۳۱۲ به وزارت امور خارجه

پنجاه و دو / تاراج میراث ملی

منصوب شده بود، دستور پیگیری موضوع مجسمه‌های سرقت شده را می‌دهد، که طی نامه شماره ۱۶۸۷ به واشنگتن ابلاغ می‌گردد. (سند شماره ۶۶) وی همچنین در مورد تهیه عکس و کاتالوگ از آثار تاریخی، موضوع را از وزارت معارف پی‌گیری می‌کند و وزارت مزبور پاسخ می‌دهد که تهیه آن را به تصویب اعتباری در بودجه سال ۱۳۱۳ و مراجعت «اندره گدار» فرانسوی، مدیرکل اداره عتیقات، موکول می‌نماید. (اسناد شماره ۶۶-۶۷) و هنگامی که نتیجه را به اطلاع وزیر امور خارجه - باقر کاظمی - می‌رسانند، می‌نویسد که: «عجالتاً اقدام دیگری نمی‌توان کرد». در سال ۱۳۱۳ ش. نیز نسبت به تهیه کاتالوگ و عکس اقدامی به عمل نمی‌آید و بنابراین موضوع سرقت مجسمه‌های تخت جمشید که بی‌شک توسط عوامل صهیونیستها انجام گرفته بود، به جایی نمی‌رسد.

ب) سرقت مجسمه‌های تخت جمشید و فروش آنها در پاریس

در ۹ فروردین ۱۳۱۲ ش. سفارت ایران در پاریس، در گزارشی به وزارت امور خارجه می‌نویسد که یکی از کلیمیان عتیقه فروش ایرانی مقیم پاریس، به سفارت آمده و اظهار کرده است که یکی از عتیقه‌فروشان سه سال قبل، مقداری از سنگهای نقش‌دار تخت جمشید را از گمرک بوشهر خارج ساخته، و آنها را در پاریس به فروش رسانده و از وجوه حاصله آن در ایران، زمین خریداری کرده است. وی اظهار نموده که حاضر است در برابر دریافت پول، سارق اشیای عتیقه را معرفی نماید، و لذا سفیر کسب تکلیف می‌کند (سند شماره ۶۹). وزارت امور خارجه نیز رونوشت گزارش مزبور را جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم به وزارت معارف ارسال می‌دارد. وزارت مزبور در پاسخ می‌نویسد که از موضوع مطلع بوده و در حال تحقیق است و به زودی نتیجه آن را اعلام می‌کند. (سند شماره ۷۱) اما موضوع بدون اخذ نتیجه‌ای فراموش شده و سندی دال بر پیگیری این موضوع، در میان اسناد وزارت امور خارجه مشاهده نشد.

به هر حال از سال ۱۳۰۹ ش. پای آمریکاییها به تخت جمشید باز شد و با کمکهای مالی راکفلر و خانم جوانی که ذکرش گذشت موزه‌ها و دانشگاهها، هیأت‌های زیادی را روانه ایران نمودند. هرتسفلد با سازوبرگ و تدارکات، و اعتبار کافی عازم ایران شد و چون مقدمات کار از قبل فراهم شده بود توانست از بدو ورود، شروع به کار کرده و همراه با هیأتش تا پائیز ۱۳۱۳ ش. به امور خاک‌برداری بپردازد.

از ۱۳۱۴ ش. که فعالیت علمی وی در ایران خاتمه یافت، دکتر اریک اشمیت جانشین وی شد و تا آغاز جنگ جهانی دوم در ۱۳۱۸ ش. مشغول به کار بود. قابل ذکر است که از همان آغاز حفاریات در

تخت جمشید، هیأت‌های دیگری نیز از آمریکا عازم ایران شدند. هیأت علمی بنگاه شرقی در طول مدت نزدیک به ۹ سال توانست بسیاری از بخش‌های مهم و برجسته تخت جمشید را که قرن‌ها در زیر خاک مدفون و برای روشن شدن چگونگی کاخ با عظمت هخامنشیان، دارای اهمیت ویژه‌ای بودند، از زیر خاک بیرون آورند، مانند پله‌های شرقی قصر آپادانا، پله‌های شمالی کاخ مرکزی، عمارت معروف به خزانه، دفترخانه شاهی، حرمسرا و چهار عدد لوح طلا و نقره بود که پس از انقلاب، مسئولان سازمان میراث فرهنگی که به فکر ساماندهی اشیای موزه و جمع‌آوری کتیبه‌های باستانی در یک محل افتادند، متوجه سرقت دو لوح طلایی و نقره‌ای از آن چهار لوح شدند، که پس از یک سال و نیم تحقیقات، موفق شدند فقط لوح نقره‌ای را کشف کرده و به موزه برگردانند. این دو لوح سرقت شده در شهریور ۱۳۱۲ ش. هنگام حفاری که در داخل جعبه‌ای قرار داده شده بودند، کشف گردید. الواح مزبور هر دو دارای یک متن هستند و به سه زبان فارسی باستان، عیلامی و بابلی نوشته شده‌اند و ترجمه آنها چنین است:

«داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها پسر ویشتاسپ هخامنشی، داریوش شاه می‌گوید، این کشوری است که من دارم، از سگستان که آن سوی سفر است، تا کوشا و حبشه، از هند و سارد، اهورامزدا که بزرگترین خدایان است به من بخشیده، اهورامزدا مرا و خاندانم را حفظ کند.»

چهار کتیبه کشف شده را به دستور رضاخان به تهران آورده شد، دو لوح از آن را به موزه سلطنتی کاخ مرمر منتقل کردند و بعدها با احداث موزه آزادی، الواح مزبور به آنجا منتقل شدند و پس از انقلاب اسلامی به موزه ایران باستان انتقال یافتند و در سال ۱۳۶۱ به ثبت رسیدند و تا سال ۱۳۷۷ که تصمیم به ساماندهی آثار گرانبهای موزه گرفته شد، متوجه سرقت دو عدد آنها شدند.

هرتسفلد علی‌رغم رفتار ناشایستی که با کارگران و مأموران ایرانی داشت، لیکن تا آخر سال ۱۳۱۳ ش. در ایران به حفاری مشغول بود ولی ماجرای قاچاق اشیای عتیقه، به همراه بارهای ولیمهد سوئد، موجب پایان داده شدن به خدمت وی شد.

در تاریخ ۱۳۱۳/۶/۱۰ سفارت ایران در واشنگتن، طی تلگرافی به وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهد که یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا اظهار داشته است:

«اگر دولت ایران با پیشنهادات پروفیسور هرتسفلد موافقت نکند و مذاکراتش به نتیجه نرسد، وی مجبور است به آمریکا مراجعت نماید.»

چون بی نتیجه ماندن کار وی، اثر سویی خواهد داشت. لذا سفیر درخواست می‌کند که موضوع به اطلاع نخست‌وزیر رسانده شود. (سند شماره ۷۲) وزارت امور خارجه به این کار اقدام می‌نماید و در تاریخ ۱۳/۶/۱۵، نخست‌وزیر در پاسخ می‌نویسد که دولت حاضر است در حد معقول به نامبرده کمک نماید، اما نامه دکتر بریستید، دولت ایران را آزرده خاطر کرده است که تفصیل آن به طور شفاهی به وزیرمختار آمریکا در تهران گفته شده و منتظر پاسخ وی است.

وزارت امور خارجه مضمون نامه فوق را طی تلگراف شماره ۸۹۸، به واشنگتن اطلاع می‌دهد و سرانجام موضوع این مکاتبات، توسط مقامات آمریکایی به اطلاع مسئولان مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو می‌رسد، و این موضوع را وزیرمختار آمریکا در تهران، با یکی از مقامات وزارت امور خارجه ایران در میان گذاشته و می‌گوید که آنها منتظر پاسخ مؤسسه فوق هستند و وزیر امور خارجه، اظهارات سفیر آمریکا را به اطلاع رئیس‌الوزرا می‌رساند.

در همین تاریخ، ولیمهد سوئد که میهمان رسمی دولت ایران بود، هنگام بازگشتش از تهران به کشورش، هرتسفلد نیز جزو همراهان وی، تا قصر شیرین، او را همراهی کرده و بسته‌هایی را که شامل اشیای عتیقه قاچاق بود، با وسایل ولیمهد به استکهلم می‌فرستد. پس از افشای این عمل هرتسفلد، ولیمهد سوئد به سفیر ایران در استکهلم، پیغام می‌دهد که اگر اجازه صادر شده که هرتسفلد از همدان تا قصر شیرین جزو ملتزمین رکاب او باشد، فقط از لحاظ نوع پروری بوده و اثاثیه او نیز در مرز ایران بازرسی شده و تا استکهلم جزو بارهای هیأت وی نبوده است، و نسبت قاچاق به هرتسفلد، که او را از ادامه حقاری در ایران محروم نموده، ارتباطی به آن همراهی نداشته است (سند شماره ۷۶). سفارت ایران در استکهلم، پیام مزبور را طی تلگراف شماره ۲۱۹۸ مورخ ۱۳۱۳/۱۱/۱۷ ش. به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد، وزارت خارجه نیز رونوشت آن را به دفتر مخصوص رضاخان و رئیس‌الوزرا می‌فرستد. (سند شماره ۷۷) وزارت امور خارجه برای اطمینان از اینکه آیا مقصود ولیمهد دفاع از خودش بود یا از هرتسفلد، به سفارت ایران در استکهلم تلگراف کرده و در این مورد توضیح بیشتری می‌خواهد، و استکهلم پاسخ می‌دهد که مقصود ولیمهد این است که اگر هرتسفلد خیال قاچاق داشته است، دولت ایران چنین فکر نکند که همراهان او، وی را در این امر کمک کرده‌اند. سهیلی نیز در پاسخ می‌نویسد:

«تصور سوءظن به ملتزمین رکاب نرفته است و قرار شده دارالفنون آمریکا بجای او

شخص دیگری را معرفی نماید» (سند شماره ۸۰).

وزارت امور خارجه موضوع چند تلگراف گذشته را طبع نامه شماره ۵۵۲۱ به وزارت معارف اطلاع می‌دهد و وزارت مزبور نیز می‌نویسد که این وزارتخانه از معاینه اشیا و بارهای پروفیسور هرتسفلد اطلاعی ندارد و براساس مذاکرات به عمل آمده از این پس، ریاست هیأت علمی تحت جمشید با شخص دیگری خواهد بود و برای ادامه مطالعات علمی هرتسفلد در ایران وزارت معارف موافق است. (سند شماره ۸۲) وزارت امور خارجه پاسخ وزارت معارف را طی تلگراف شماره ۵۷۵۰ به سفارت ایران در استکهلم مخابره می‌نماید.

قبل از آنکه اسناد مربوطه به دکتر اریک اشمیت جانشین هرتسفلد مورد بررسی قرار گیرد، هیأتی را که همزمان با آمدن نامبرده به ایران، از سوی موزه‌ها و دانشگاه‌های آمریکا تقاضای صدور مجوز حفاری کرده بودند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در ۶ نوامبر ۱۹۳۰ م. / ۱۵ آبان ۱۳۰۹ ش. رئیس موزه دانشگاه پنسیلوانیا طی نامه‌ای از «مهدی قلی هدایت» نخست‌وزیر وقت، تقاضای اجازه حفاری در حدود دامغان، برای کشف شهر قدیم هکاتمپلیس را می‌نماید که در ۲۹ آذر پاسخ داده می‌شود که دولت ایران براساس قانون موزخ سوم نوامبر ۱۹۳۰ م. / ۱۳۰۹ ش.، اجازه حفاری در حدود دامغان را به مدت پنج سال به موزه دانشگاه پنسیلوانیا می‌دهد و این اجازه هر پنج سال قابل تجدید است. و برای عقد قرارداد بایستی به وزارت معارف و اوقاف مراجعه نمایند و رونوشتی از نامه مزبور را جهت اطلاع به وزارت مزبور ارسال می‌دارد. (سند شماره ۸۴)

چند روز بعد در ۱۳۰۹/۱۰/۲ ش. دکتر «فردریک ر. وولسن»^۱ استاد مهندسی کشوری، دکتر در فلسفه و نماینده موزه دانشگاه پنسیلوانیا و فیلادلفیا، طی نامه‌ای از محمدعلی فروغی، وزیر امور خارجه وقت، تقاضای صدور مجوز حفاری در دامغان را می‌نماید. اعطای امتیاز حفاری اطراف دامغان به موزه دانشگاه پنسیلوانیا را جراید آمریکا، از جمله نیویورک تایمز به چاپ می‌رساند و وزارت امور خارجه ترجمه روزنامه‌های مزبور را جهت اطلاع وزارت معارف به آن وزارتخانه ارسال می‌دارد. «فردریک ر. وولسن» طبق مقررات، که کاوشگران تقاضای خود را بایستی به وزارت معارف و اوقاف می‌نوشتند، تقاضای خود را به آن وزارتخانه می‌فرستد و وزارت معارف نیز نامه وی را در هیأت دولت مطرح نموده و هیأت مزبور، در جلسه ۱۴ فروردین ۱۳۱۰ ش. با توجه به ماده ۱۳ نظام‌نامه حفظ آثار عتیقات مجوز حفاری را به مدت پنج

سال به فردریک ر. ولسن صادر کرده و به وزارت معارف ابلاغ و رونوشت آن را نیز جهت استحضار به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد (سند شماره ۸۶). وزارت معارف و اوقاف در پاسخ به تقاضانامه فردریک ولسن، جهت حقاری، طی نامه شماره ۱۷۴۱/۸۱۲ به نامبرده می‌نویسد که:

«به موجب تصویب‌نامه شماره ۴۰۲ [مورخ ۱۰/۱/۱۹ هیأت وزرای عظام دامت شوکتهم به شما اجازه داده می‌شود که در نقطه مذکور (تخماق تپه) در یک دایره که مرکزش قلعه تخماق تپه و شعاع آن پنج کیلومتر از مرکز به اطراف کشیده شود، با رعایت مواد مندرجه در نظام‌نامه و قانون حفظ آثار عتیقه مشغول به حقاری شوید» (سند شماره ۸۷).

چون وزارت امور خارجه در جریان مکاتبات ولسن با وزارت معارف نبود، لذا با دریافت رونوشت نامه دفتر ریاست وزرا، مبنی بر صدور مجوز حقاری به ولسن، از وزارت معارف درخواست می‌کند که سابقه امر را جهت اطلاع به آن وزارتخانه ارسال نمایند. وزارت معارف نیز در ۱۳۱۰/۲/۱۲ ش. رونوشت اعتبارنامه، تقاضانامه و اجازه‌نامه حقاری را به وزارت مزبور ارسال می‌دارد (سند شماره ۹۰).

با اعطای اجازه حقاری به ر. ولسن «موزه متروپولیتن» نیویورک نیز از طریق سفارت آمریکا در تهران طی یادداشت شماره ۳۵۵ تقاضای صدور مجوز حقاری علمی در تخت ابونصر (فارس) را می‌نماید. از مضمون یادداشت مزبور چنین استنباط می‌شد که آنها قول می‌دهند، به طور قاچاقی حقاری نکرده و برای اطمینان خاطر مقامات ایرانی مبنی بر به سرقت نبردن آثار مکشوفه، تحت مراقبت مأموران دولت به تحقیقات علمی و تاریخی بپردازند و براساس قانون عتیقات ایران که هر چه حقاران پیدا کنند، باید با دولت ایران تقسیم کنند، اشیای به دست آمده را با دولت تقسیم نمایند و درخواست می‌کنند به علت ضیق وقت، در صدور مجوز، اقدام عاجل به عمل آمده و مانند سایر هیأت‌های آمریکایی، به این هیأت نیز مساعدت نمایند. در یادداشت مزبور شخصی به نام «ژوزف آپتون»^۱ را که دارای تجربه زیادی در امر حقاری دارد به عنوان رئیس هیأت و دو نفر معاونان وی را که چندین سال در امر تحقیقات تاریخی و علمی در مصر دارای سابقه بودند معرفی می‌شوند.

وزارت امور خارجه، موضوع تقاضانامه فوق را به وزارت معارف و اوقاف ارسال نموده و

درخواست می‌کند که از تصمیم متخذه، آن وزارتخانه را مستحضر نمایند. وزارت معارف در ۱۶/۷/۱۳۱۰ ش. پاسخ می‌دهد که موضوع در هیأت دولت مطرح و با این تقاضا موافقت شد، اما جهت صدور مجوز، لازم است. هیأت مزبور براساس ماده ۱۴ نظام‌نامه حفظ آثار عتیقه، نقشه محل حقاری را به وزارت معارف ارسال نمایند (سند شماره ۹۳). وزارت امور خارجه، طی یادداشت شماره ۴۶۰۳۵ مورخ ۱۸/۹/۱۳۱۱ تصمیم هیأت دولت را به اطلاع وزیرمختار آمریکا در تهران می‌رساند.

از تاریخ فوق تا اردیبهشت ۱۳۱۲ ش. در میان اسناد موجود در مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سندی مبنی بر سیر ادامه کار هیأت مزبور، موجود نبود، اما سایر اسناد، حاکی از این است که آمریکائیان پس از اخذ مجوز، در مناطق مختلف از جمله دامغان، به حقاری، اکتشافات و سرقت آنها مشغول بودند و در این کار به هر نحوی مانند رشوه‌دادن، موفق به خروج قطعات عتیقه و حجاریهای منقوش از تخت جمشید و جاهای دیگر می‌شدند. باید متذکر شد که اوضاع نابه‌سامان داخلی آن سالها نیز، فرصت مناسبی را برای قاچاقچیان اشیای عتیقه، که در سراسر ایران فعالیت داشتند، می‌داد و بی‌سبب نبود که در مدت کمی، از موزه‌ها و دانشگاههای گوناگون آمریکا هیأت‌های زیادی تقاضای اخذ مجوز حقاری کردند و حتی در این کار، اصول دیپلماسی را نیز رعایت نکردند و به جای اقدام از طریق وزارت امور خارجه، تقاضای خود را به وزارت معارف و اوقاف و یا به دفتر ریاست وزرا ارسال می‌کردند.

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ ش. دکتر اریک اشمیت^۱، رئیس هیأت اعزامی از سوی موزه پنسیلوانی و فیلادلفی، طی نامه‌ای به محمدعلی فروغی وزیر وقت امور خارجه، درخواست صدور مجوز حقاری در تپه‌های اطراف شهر ری را می‌نماید (سند شماره ۹۵). نامبرده در تقاضای خود، با یادآوری تشکیل نمایشگاه اشیای مکشوفه دامغان در وزارت معارف، می‌نویسد که اشیای مزبور، نشان‌دهنده طرز زندگی در چهار قرن قبل از میلاد، در بخش شمال شرقی ایران است، اما هدف آنها، روشن ساختن رشد تدریجی تمام تمدن ایران است و از نظر مالی نیز برای یک کاوش درازمدت در اطراف شهر ری، به اندازه کافی تأمین بوده و از این بابت هیچ مشکلی ندارند و چون براساس مطالعاتی که از تپه‌های اطراف حضرت عبدالعظیم (ع) به عمل آورده است احتمال زیاد می‌رود که رشد تدریجی کلیه تمدن ایرانی را کشف کند. وی همچنین در این نامه نوشته بود که سالها آرزو داشت، افتخارات ایران قدیم را در این ناحیه، از زیر خاک بیرون آورد، و

پنجاه و هشت / تاراج میراث ملی

لذا امیدوار است که لطف حضرت اشرف شامل وی نیز بگردد. نقشه نقاط حفّاری در اطراف شهر ری نیز ضمیمه این نامه بود.

وزارت امور خارجه، تقاضای مزبور را به وزارت معارف و اوقاف فرستاده و رئیس اداره اروپا و آمریکا که باب دوستی با سفارت آمریکا برایش باز بود، بارها موضوع را پیگیری کرده و سرانجام در تاریخ ۱۲/۴/۱۱، دفتر رئیس الوزرا طیّ نامه شماره ۲۵۷۶ به وزارت معارف می‌نویسد که هیأت وزرا در جلسه دوشنبه ۲۶ تیرماه، بنا به پیشنهاد آن وزارت، اجازه صدور مجوّز حفّاری علمی در اراضی شهر «ری» را به مدّت پنج سال قابل تمدید، به نام دکتر اشمیت، نماینده موزه‌های دانشگاه فیلادلفی و موزه صنایع مستظرفه شهر بوستن، تصویب نمودند. وزارت مزبور نیز موضوع را طیّ نامه شماره ۵۰۷۹ به اطلاع وزارت امور خارجه می‌رساند و شایسته، رئیس اداره اروپا و آمریکا، طیّ یادداشت شماره ۳۰۲-۲ به سفارت آمریکا، اطلاع می‌دهد (سند شماره ۱۰۰). سفارت آمریکا که گویا از صدور مجوّز حفّاری در اطراف شهر ری به وجد آمده بود، در نامه مورّخ ۲۱ اوت ۱۹۳۳ م. / ۱۲/۵/۳۰ ش. از رئیس اداره اروپا و آمریکا از مساعدت، مؤسّسات علمی آمریکایی تشکّر کرده و می‌نویسد که پروژه جدید یکی از مهمترین و جالبترین پروژه‌هایی خواهد بود که در شرق نزدیک شروع شده و از حیث روشن نمودن قضایای تاریخی، بسیار مفید خواهد بود (سند شماره ۱۰۱).

در ۱۳ دی ۱۳۱۲ ش.، سفارت آمریکا طیّ یادداشت شماره ۵۳۷، به وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهد که دکتر اریک اشمیت، یک نفر مسّاح و نقشه‌بردار آمریکایی به نام «چارلز تاپینگ»^۱ را استخدام کرده و مایل است که وی قبل از ورود هیأت به ایران، اقدامات مقدّماتی مسّاحی و نقشه‌برداری را انجام دهد، لذا تقاضای ایجاد تسهیلات در کار نامبرده شده بود (سند شماره ۱۰۲). وزارت امور خارجه موضوع را به وزارت معارف گزارش داده و آن وزارتخانه نیز هماهنگیهای لازم را با وزارت داخله به عمل آورده و مقرّر می‌شود نایب الحکومه حضرت عبدالعظیم (ع) مساعدتهای لازم را برای پیشرفت کارهای تاپینگ به عمل آورد. در تاریخ ۱۲/۱۲/۱۰ موضوع، طیّ نامه شماره ۵۱۳ به وزارت امور خارجه اطلاع داده می‌شود و این وزارتخانه، طیّ یادداشت شماره ۳۷۵۵۴، سفارت آمریکا را از تصمیم فوق مطلع می‌سازد.

در همین ایّام سفارت آمریکا طیّ یادداشت دیگری تحت شماره ۱۳۶۳ برای دکتر اشمیت و دو نفر

مقدمه / پنجاه و نه

از همراهان وی تقاضای صدور مجوز ورود و حمل سلاح می‌نماید. وزارت امور خارجه موضوع یادداشت فوق را به دفتر نخست‌وزیر ارسال می‌دارد و از آنجا نیز به اداره کل تجارت دستور داده می‌شود که مجوز ورود به سلاحهای مورد درخواستی آمریکائیه صادر گردد. (سند شماره ۱۰۶) و سرانجام اداره کل تجارت پس از پیگیری وزارت امور خارجه، پاسخ می‌دهد که بر حسب تقاضای «میرزایونس» نماینده مجلس شورای ملی، جواز ورود اشیای دکتر اشمیت صادر و به گمرکات فرستاده شد. وزارت امور خارجه نیز طی تلکس شماره ۱۳۲۵، موضوع را به سفارت ایران در واشنگتن مخابره می‌کند.

پس از هیأتی که ذکر آنها گذشت، اکنون نوبت موزه تاریخ طبیعی شیکاگو بود که هیأتی را به ایران اعزام دارد، لذا معاون رئیس کل موزه مزبور به نام «هنری فیلد»^۱ طی ملاقاتی با وزیرمختار ایران در واشنگتن، تمایل خود برای مسافرت به این کشور را جهت مطالعات نژادی، به وی ابراز می‌دارد و درخواست می‌کند در ایجاد تسهیلات به او مساعدت شود. وزیرمختار نیز قول هرگونه همکاری را به وی داده و در ۱۳/۱/۱۲ طی تلکسی به وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهد که نامبرده از طریق سوریه و بغداد عازم ایران می‌شود و تقاضای مساعدت به او را می‌کند. وزارت امور خارجه، موضوع تلکس مزبور را طی نامه شماره ۱۷۱۰ به اطلاع وزارت معارف می‌رساند و وزارتخانه مزبور نیز پاسخ می‌دهد که پس از ورود نامبرده به ایران و مراجعه به وزارت معارف و استحضار از چگونگی امر و بیان هدفی که در نظر دارد، مساعدتهای لازم درباره وی انجام خواهد گرفت.

در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۳ ش. سفارت آمریکا طی یادداشت شماره ۶۹ به وزارت امور خارجه می‌نویسد که هنری فیلد در بغداد است و از طرف سفارت آمریکا در آن محل استفسار نموده که یا دولت ایران در مورد معافیت گمرکی و تسهیلات لازمه، دستوراتی به گمرکات ایران صادر کرده است یا نه و درخواست می‌کند هنگام ورودش به گمرک ایران، تسهیلات لازم انجام گیرد. وزارت امور خارجه، جهت کسب تکلیف، ترجمه یادداشت مزبور و پاسخ وزارت معارف و اوقاف را به دفتر رئیس‌الوزرا ارسال نموده و درخواست می‌کند در صورتی که آن مقام منبع مقتضی بداند، مقرر گردد، اوامر لازم به مقامات مربوطه صادر گردد. در تاریخ ۱۳۱۳/۳/۱۰ ش. دفتر ریاست وزرا طی نامه شماره ۱۵۴۹ به وزارت امور خارجه خبر می‌دهد که به وزارت مائیه نوشته شده که اوامر لازم جهت معافیت اشیای فیلد و همراهان وی به اداره کل

گمرکات صادر شود. وزارت امور خارجه نیز برای پاسخ دادن به یادداشت سفارت آمریکا، موضوع را از وزارت مالیه استعلام می‌کند و وزارت مزبور در جواب می‌نویسد که طبق مقررات، هنری فیلد نمی‌تواند از معافیت‌های گمرکی استفاده کند مگر تصویب‌نامه‌ای از سوی دولت صادر گردد و لذا با وصول پاسخ هیأت دولت، نتیجه را به آن وزارتخانه اطلاع داده می‌شود. طولی نمی‌کشد که از سوی اداره کل گمرکات وزارت مالیه طی نامه شماره ۱۳۷۸۹ به گمرک کرمانشاه ابلاغ می‌شود که به گمرک قصر دستور فوری داده شود که اشیاء و اجناس همراه هنری فیلد بدون اخذ هر گونه حقوق و عوارضی ترخیص شده و اظهارنامه وی با لیست اجناسی را که شامل عوارض گمرکی می‌شود به مرکز و رونوشت آن را به وزارت امورخارجه ارسال دارند. وزارت امورخارجه موضوع را طی یادداشت شماره ۷۶۰ به سفارت آمریکا اطلاع می‌دهد و دو روز بعد سفارت مزبور طی یادداشت شماره ۱۱۲، از اقدامات دولت ایران در مورد صدور اوامر لازم به گمرک قصرشیرین برای ورود اشیاء هنری فیلد، تشکر می‌کند (سند شماره ۱۱۹).

در اواخر سال ۱۳۱۳ ش. وزیر مختار ایران در واشنگتن طی تلکسی به وزارت امورخارجه اطلاع می‌دهد که شخصی بنام «ژوزف اسمیت»^۱ برای نقشه‌برداری اشیاء عتیقه در تخت‌جمشید از طریق بغداد، به ایران می‌آید و درخواست می‌کند که تسهیلات لازم در مرز به عمل آید، وزارت امورخارجه رونوشتی از تلکس فوق را جهت استحضار به وزارت معارف و اوقاف ارسال نموده و درخواست می‌کند اقدامات مقتضی به عمل آید. وزارت مزبور نیز دستوری مبنی بر مساعدت و ایجاد تسهیلات لازم به ژوزف اسمیت به اداره معارف و همچنین به گمرک کرمانشاه صادر می‌کند و به اطلاع وزارت امورخارجه می‌رساند (سند شماره ۱۲۲). پس از دریافت پاسخ مزبور، وزارت امورخارجه نتیجه را جهت اطلاع به ژوزف اسمیت طی تلگراف شماره ۵۲۱۹۱ به سفارت ایران در واشنگتن مخابره می‌کند.

دکتر اریک اسمیت که از اوایل سال ۱۳۱۲ ش. به مدت پنج سال قابل تجدید موفق شد مجوز حفاری در تپه چشمه‌علی شهر ری و تخت‌جمشید را از دولت ایران اخذ کند و با خروج هرتسفلد، جانشین وی شود. وی که در سال ۱۳۱۴ ش. موافقت رضاخان را برای پرواز با هواپیمای خود که آن را «دوست ایران» می‌نامید و ظاهراً برای شناسایی مناطق باستانی از آن استفاده می‌کرد، گرفته بود و قبلاً رکن دوم^۲

1. Josef Smith

۲. رضاخان پس از به قدرت رسیدن، از شهربانی خواست که کار اطلاعاتی کرده و فعالیت‌های سیاسی را تحت

مقدمه / شخصت و یک

ستاد ارتش، در این امر به او مساعدت می‌کرد، رفته‌رفته به کارهای وی مشکوک شده و سرانجام از دادن اجازه پرواز خودداری کردند، لذا نامبرده در یک مذاکره خصوصی با سفیر ایتالیا در تهران با حضور رئیس آژانس پارس، اظهار می‌دارد که مدتی است رکن دوم ستاد ارتش از دادن اجازه پرواز و مساعدت به وی و هیأتش خودداری می‌نماید و اگر این کار ادامه یابد ممکن است مؤسسات آمریکایی که هزینه‌های کاوشها را می‌پردازند، از پرداخت هزینه‌ها خودداری نمایند و در نتیجه عظمت ایران ناشناخته باقی بماند. رئیس آژانس پارس، طی نامه محرمانه‌ای، اظهارات او را به وزارت امورخارجه گزارش داده و وزارت امورخارجه نیز خلاصه گزارش مزبور را طی نامه شماره ۷۵۴۳ مورخ ۱۳۱۵/۲/۱۵ به وزارت معارف ارسال می‌دارد (سند شماره ۱۲۵). علی‌اصغر حکمت در پاسخ آن می‌نویسد که براساس سوابق نامبرده در وزارت معارف، طبق تصویب‌نامه هیأت وزرا با تقاضای وی موافقت شده، اما چون مرجع امور حقاری هیأت مربوطه، وزارت معارف می‌باشد، لذا اشمیت باید قبلاً به آن وزارت مراجعه نماید و اگر کارش درست نشود، در این صورت حق شکایت دارد. وزارت امورخارجه طی نامه شماره ۷۱۶ مورخ ۱۳۱۵/۳/۳ به وزارت معارف می‌نویسد که اظهارات اشمیت، کاملاً جنبه خصوصی داشته و حالت مراجعه رسمی و یا شکایت نداشته است، و چون مناسبات ایران و آمریکا در این تاریخ به دنبال احضار سفیر ایران در واشنگتن سرد شده بود، لذا تصور کرده بود که این موضوع در انجام کارهای هیأت حقاری مؤثر باشد. باید متذکر شد که در این تاریخ، نه تنها رابطه سرد شده بود بلکه از چند ماه قبل یعنی از ۲۷ دی ماه ۱۳۱۴ ش. بین دو کشور قطع رابطه شده بود. علت این امر سرعت غیرمجاز اتومبیل سفارت حامل سفیر و همسر انگلیسی وی در مسیر واشنگتن به نیویورک بود که پس از اخطار پلیس راه راننده به دستور سفیر بر سرعت اتومبیل می‌افزاید که در پاسگاه بعدی پلیس جاده را مسدود و اتومبیل را متوقف می‌کنند. پس از پیاده شدن سفیر و همسرش و سخنان توهین‌آمیز آنها به پلیس، به طور موقت بازداشت شده و چند ساعت بعد پس از استعلام از وزارت امورخارجه در مورد صحت و سقم اظهارات غفّار جلال وزیرمختار ایران، آزاد می‌شوند. هنگام بگومگویی سفیر و پلیسها و بازداشت وی، عده‌ای از مردم از جمله دو خبرنگار، اتومبیلهای خود را متوقف کرده به

نظر بگیرد و شهربانی این کار را به عهده گرفت و همه از آن به عنوان یک دستگاه مخوف، حساب می‌بردند و رضاخان نیز کلیه اطلاعات را از آنجا می‌خواست، در ستاد ارتش، رکن دوم وظیفه اطلاعات و ضد اطلاعات را به عهده داشت که سازماندهی آنان را هیأت نظامی افسران فرانسوی عهده‌دار بودند که در دانشکده افسری و جنگ درباره وظایف آن اداره آموزش می‌دادند.

تماشای آنها ایستاده بودند. بلافاصله ماجرا در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد.

غفار جلال پس از مرخص شدن از اداره پلیس، موضوع را به تهران مخابره می‌کند و وزیر امور خارجه، نیز همان روز تلگراف را شخصاً به رضاخان تسلیم می‌کند و وی دستور می‌دهد:

«تحقیق شود اگر توهینی در کار بود، سفارت را تعطیل کرده و بدون خدا حافظی با

مقامات آمریکایی، به اتفاق سایر کارکنان به تهران بیایند».

سفیر ایران پس از دریافت این دستورالعمل، گزارش دیگری را همراه با مدارک لازم به تهران می‌فرستد و پس از دریافت دستور مجدد، بلافاصله سفارت را تعطیل و به تهران عزیمت می‌کند. پس از آن کشورهای زیادی سعی کردند بین دو کشور میانجیگری کنند، اما در این ایام هیتلر که پس از فوت مارشال «هیندنبورگ»^۱، با رأی اکثریت مردم (۳۶ میلیون از ۴۳ میلیون رأی دهند) به ریاست جمهوری و صدارت عظمایی انتخاب شده بود، (پس از هیندنبورگ، کابینه آلمان تصویب کرد که تمام مشاغل ریاست جمهوری، با مشاغل صدراعظم ادغام گردد) قدرت‌نمایی می‌کرد، و خصوصیات اخلاقی و بلندپروازیهای وی خوشایند رضاخان بوده، سعی داشت خود را دوست هیتلر نشان بدهد، لذا از تصمیم خود مبنی بر ادامه قطع رابطه با آمریکا عدول نمی‌کرد، تا اینکه دو سال بعد، هنگامی که وزیر امور خارجه آمریکا همراه با «فرانکلین روزولت»^۲ رئیس‌جمهور آن کشور، از آرژانتین دیدار می‌کردند، در ملاقاتی با نادر آراسته، سفیر ایران در آن کشور، در مورد بازداشت سفیر ایران از سوی پلیس آمریکا، مذاکره طولانی کرده و سفیر ایران، گزارش این ملاقات را وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد و پس از مدتی که برای مرخصی به تهران آمده بود، حضوراً با رضاخان دیدار و جریان کامل ملاقات خود، با وزیر امور خارجه را به وی بازگو می‌کند، به دنبال آن با عذرخواهی رسمی نماینده وزارت امور خارجه آمریکا که بدین منظور به تهران آمده بود، مجدداً در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۷ ش. سفارتخانه ایران در واشنگتن بازگشایی می‌گردد.^۳

عوامل دیگری نیز موجب نزدیکی ایران به آلمان شده و آنها را در نظر ایرانیان حایز اهمیت خاصی کرده بود. از زمان ناصرالدین شاه که به اهمیت آلمان پی برده بود، سیاستمداران ایرانی سعی داشتند که آن

1. Hindenburg, Paul de Bene-Cwendorf

2. Franklin Roosevelt

۳. گزارش ملاقات نادر آراسته با «روزولت»، رئیس‌جمهور و «کردل هول» وزیر امور خارجه وقت آمریکا، در بیست و ششمین سالنامه‌ی دنیا، مورخ ۱۳۴۹ به قلم نامبرده به چاپ رسیده است.

کشور را وارد مسایل ایران نمایند، مخصوصاً پس از آنکه آلمان از دولت عثمانی حمایت کرده و اقدام به احداث خط آهن به بغداد نمود، این تمایل شدت یافت. آلمانیها نیز معتقد بودند در صورت داشتن یک سیاست فعال در خاورمیانه از نظر اقتصادی، منافع زیادی را به دست می آورند، به طور کلی سیاست آلمان، نفوذ در مناطق عقب افتاده بود و قرارداد اتحاد آن کشور با دولت عثمانی که همسایه غربی ایران بود، منطقه گسترده ای را می پوشاند و در قرن نوزدهم که حکومت عثمانی در شرف فروپاشی بود و روسیه و انگلستان قصد تقسیم آن را میان خود داشتند، آلمان با طرح مزبور مخالفت نمود و برای نجات آن، کارشناسان نظامی و تکنسینهایی را به آنجا اعزام نمود. به هر حال، رضاخان تمایل زیادی داشت که با آلمانیها روابط بسیار نزدیکی داشته باشد، اما ولی شروع جنگ جهانی دوم و هجوم متفقین به ایران و فشار انگلیس و اخراج ششصد کارشناس آلمانی در مدت ۲۴ ساعت که به دستور دولت انگلیس انجام گرفت، و سرانجام ورود متفقین و تبعید وی از ایران، مانع از رسیدن رضاخان به این هدفش شد.

پس از برقراری مجدد رابطه بین دو کشور در دیماه ۱۳۱۷ ش. سفارت آمریکا در تهران طی یادداشت مفصل شماره ۸۴۳ مورخ ۶ مارس ۱۹۳۹ م. به عنوان مظفراعلم، وزیر امور خارجه، درخواست حیرت آوری می نماید که عبارت از صدور مجوز عکسبرداری هوایی دکتر اشمیت، از محلّهای زیر است:

۱. اطراف تخت جمشید به شعاع یک صد کیلومتر

۲. از تهران به دماوند - گرگان، سرتاسر ساحل دریای خزر - اردبیل - لرستان - تبریز - الموت - تهران

۳. اطراف دریای نمک - دامغان - سبزوار - قوچان - نیشابور - مشهد - بیرجند - سیستان - بمپور - بندرعباس

و قشم

۴. کرمان - یزد - اصفهان و تخت جمشید

۵. تخت جمشید - لنگه - بوشهر - خرمشهر - اهواز - شوش - دزفول - شوشتر - تخت جمشید.

و برای فریب دادن مقامات ایرانی می نویسد:

«پس از تکمیل بررسی هوایی، دکتر اشمیت با خرسندی بسیار، هواپیما را به دولت

ایران اهدا خواهد نمود تا هر قسم که دولت ایران مایل باشد از آن استفاده کنند».

(سند شماره ۱۲۸)

عکس برداری هوایی در چنین وسعت گسترده ای و در آن مقطع زمانی که جهان به سوی یک جنگ بزرگ پیش می رفت. شک برانگیز بود، و درست شش ماه بعد، جنگ جهانی دوم شروع شد. وزارت

شصت و چهار / تاراج میراث ملی

امور خارجه که در رأس آن مظفر اعلم قرار داشت، طی نامه‌ای به وزارت معارف، درخواست کاردار سفارت آمریکا را به اطلاع آن وزارت رسانده و از آن وزارتخانه می‌خواهد، وزارت خارجه را از هر تصمیمی که اتخاذ می‌کنند، مطلع سازند.

در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۹ م. / ۱۹ شهریور ۱۳۱۸ ش. که ماههای آخر کار هیأت اعزامی بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو در ایران بود، کاردار سفارت آمریکا طی نامه شماره ۹۰۸، به وزارت امور خارجه می‌نویسد که هیأت مؤسسه شرقی شیکاگو در سال ۱۳۱۶ ش. در کاوشهای تخت جمشید، در عمارت خزانه‌داری کاخ، دو نقش برجسته‌ای که تقریباً هر دو عیناً یکی است، کشف کرد. یکی محفوظ‌تر مانده است و اکنون در موزه تهران است. دیگری که تخته سنگ بزرگی است که با مقداری از قطعات آن، هنوز در محل است، مؤسسه شرقی استفسار می‌کند که آیا دولت ایران، لنگه ناقص نقش برجسته‌ای که در تخت جمشید است، به مؤسسه مزبور واگذار می‌کند تا در آمریکا به معرض نمایش بگذارند (سند شماره ۱۳۰). وزارت امور خارجه رونوشتی از ترجمه یادداشت فوق را به وزارت فرهنگ و دفتر مخصوص شاه ارسال و درخواست اظهار نظر می‌کند. در تاریخ ۱۳۱۸/۶/۲۸ ش. دفتر مخصوص طی نامه شماره ۳۸۴۱، مخالفت شاه را با اهدای تخته سنگ مورد نظر، به اطلاع وزارت امور خارجه رسانده و می‌نویسد که:

«از قبول تقاضا به طور مقتضی معذرت بخواهید» (سند شماره ۱۳۲).

وزارت امور خارجه در پاسخ به سفارت می‌نویسد:

«رویه دولت شاهنشاهی بر این است که آثار باستانی کشور، هر چه کشف می‌شود،

در موزه نگهدارند و نمی‌تواند با تقاضای مؤسسه موافقت نماید» (سند شماره ۱۳۳).

وزارت فرهنگ نیز در پاسخ به نامه وزارت امور خارجه در ۱۳۱۸/۹/۱۲ طی نامه شماره ۳۳۱۳، به آن وزارتخانه اطلاع می‌دهد که از زمان کشف نقش برجسته، دکتر اشمیت بارها تقاضا کرده که سنگهای منقوش به وی اهدا شود که هر بار از طرف وزارت مزبور پاسخ منفی به وی داده شده است (سند شماره ۱۳۴).

کاردار سفارت آمریکا، با وجود دریافت پاسخ منفی در مورد واگذاری اشیای عتیقه مکشوفه، مجدداً در ۱۶ آذر ۱۳۱۸ طی نامه شماره ۹۵۱ به وزارت امور خارجه، اطلاع می‌دهد که هیأت اعزامی حفاری آمریکایی پس از چندین سال کاروش به کار خود خاتمه داده و در شرف بازگشت هستند. اما به دلیل اینکه دولت ایران درخواستهای هیأت را نپذیرفته، سه نفر از کارمندان هیأت وارد تهران شده و مسافرت

مقدمه / شصت و پنج

خود را به تعویق انداخته‌اند و لذا درخواست آنها را مبنی بر اهدای نقش برجسته‌ای که قبلاً درخواست کرده بودند، تکرار کرده و می‌افزاید که اعضای هیأت، هر کدام برای خود مجموعه‌ای از اشیای عتیقه را جمع‌آوری نموده بودند که همراه خود به آمریکا ببرند، و با زرنگی یک دیپلمات، برای بی‌ارزش نشان دادن اشیای مزبور می‌نویسد:

«هیأت اشمیت مجموعه مختصری از اشیای کوچک تخت جمشید را که دارای اهمیت و ارزش بسیار کمی بوده و بیشتر آنها مشابه اشیایی هستند که در موزه باستان‌شناسی موجود است جمع‌آوری کرده‌اند، لذا از دولت ایران می‌خواهند که آنها را به منظور نمایش در موزه دانشگاه شیکاگو، به آنها واگذار نمایند».

علاوه بر آن ضمن یادآوری نامه قبلی خود در مورد واگذاری تخته سنگ منقوش، درخواست می‌کند مقداری از عکسهای هوایی را که دکتر اشمیت با اجازه مقامات ایرانی گرفته است، اجازه داده شود، همراه خود ببرد؛ و به طور کلی از نامه کاردار چنین استنباط می‌شد تا برآورده نشدن درخواستهای سفارت، اعضای هیأت مسافرت خود را به تعویق خواهند انداخت (سند شماره ۱۳۵).

وزارت امور خارجه ترجمه نامه سفارت آمریکا را به دفتر مخصوص شاه و رونوشت آن را به وزارت فرهنگ و ریاست وزرا ارسال، و با شرح تقاضای کاردار سفارت آمریکا، درخواست اعلام نظر می‌کند. «شکوه الملک» رئیس دفتر مخصوص پاسخ می‌دهد که موضوع به اطلاع شاه رسید و وی دستور داده است که از عکسهای هوایی، بخشی را که ستاد ارتش مصلحت می‌داند، در اختیار آنها قرار داده شود، و در مورد اعطای نسخه ثانی نقش برجسته و نمونه اشیای کوچک، اول اینکه موضوع مبهم است و توضیح زیادی داده نشده است و دوم اینکه آیا چنین درخواستهایی موافق با قرارداد است یا نه (سند شماره ۱۳۷). وزارت امور خارجه در مورد عکسها طبق نامه شماره ۴۱۰۰۷/۳۰۳۹ از ستاد ارتش استعلام می‌کند و ستاد مزبور پاسخ می‌دهد که فهرست عکسهای را که می‌توان در اختیار دکتر اشمیت قرارداد، قبلاً به وزارت فرهنگ ارسال داشته است (سند شماره ۱۳۹).

بر خلاف ادعای دکتر اشمیت مبنی بر بی‌ارزش بودن اشیای به دست آمده از تخت جمشید، اداره کل باستان‌شناسی وزارت فرهنگ، طی نامه شماره ۳۵۵۰۷ مورخ ۱۸/۱۰/۶ در پاسخ به نامه وزارت امور خارجه، در مورد عکسهای هوایی و اشیای تخت جمشید، می‌نویسد:

«عکسهای هوایی را ستاد ارتش بازرسی کامل نموده و اجازه انتشار ۳۳۵ قطعه را صادر و دویست قطعه دیگر لاک و مهر شده و ضبط گردید. شماره عکسهای مجاز به دکتر اشمیت ارسال و پروانه خروج آنها از اداره کل شهربانی صادر گردیده است. در مورد نقش برجسته تخت جمشید چون اثر مهم و با ارزشی است که باید در محل محفوظ بماند، لذا به طوری که قبلاً نیز به دکتر اشمیت گفته شده اعطای آن مقدور نیست و در این مورد اصرار نکنند.

اما در مورد واگذاری بخشی از اشیای کوچک، اساساً آنچه از داخل کاخهای تخت جمشید به دست می‌آید، از لحاظ اینکه متعلق به ساختمان است، حتی المقدور باید در جای اصلی خود نهاده شوند، لذا بر طبق ماده ۱۴ قانون عتیقات، تماماً به دولت تعلق دارد، وانگهی در امتیازی که به هیأت علمی داده شده، هیچ حقی از آثار مکشوفه تخت جمشید برای آنها ذکر نگردیده است و لذا، هیأت علمی تخت جمشید از اشیای مکشوفه در ویرانه‌های استخر و تپه‌های ماقبل تاریخ و سایر نقاط خارج صفت تخت جمشید، بر طبق مقررات قانون و آئین‌نامه عتیقات، مانند سایر هیأت‌های علمی، سهمیه خود را که نصف آثار مکشوفه باشد، دریافت نموده است، لکن از آثار داخل صفت تخت جمشید ترتیب سهمیه و نصف اشیا به میان نیامده است، و بر طبق مقررات و امتیازنامه، حقی نداشته‌اند، اما چون هیأت علمی در طول چند سال گذشته، بیش از چهل میلیون ریال هزینه خاک‌برداری و ترمیم آثار تخت جمشید نموده است، لذا برای تشویق و جبران خدمات علمی و مادی آنها، یک بار به موجب مصوبه شماره ۱۳/۱۰/۲۵-۶۹۹۸ هیأت وزیران، مقداری از آثار مکرری که بود و نبود آنها در تخت جمشید، تقریباً یکسان بود و نصب آنها در جایگاه اصلی مورد نداشته و ارزش زیادی هم نداشتند، به آنها واگذار گردید، و اینک که هیأت علمی تخت جمشید به کار خود خاتمه داده و عازم آمریکاست، در نظر گرفته شد، در صورت موافقت هیأت دولت، مقداری از ظروف و اسبابهای مکشوفه سالهای اخیر نیز که برای مطالعات دانشگاه شیکاگو مفید می‌باشد و نمونه‌های اصلی آن در ایران ضبط است، مجدداً به هیأت اعطا گردد و به

همین منظور، پیشنهاد مشروحی به انضمام صورت اشیای موردنظر به نخست‌وزیری ارسال و تقاضا شده است در صورت اقتضا به رؤیت شاه رسانده و از هرگونه تصمیمی، وزارت فرهنگ را مطلع سازند. وزارت امور خارجه نیز با در نظر گرفتن دستور دفتر مخصوص، پاسخ سفارت آمریکا را بدهد» (سند شماره ۱۴۰).

با پایان یافتن کار هیأت دکتر اشمیت در آبان ۱۳۱۸ ش. که مصادف با آغاز جنگ جهانی دوم بود، و پس از عزیمت اعضای هیأت مزبور، «بنگاه علمی تخت‌جمشید» به سرپرستی مرحوم «علی سامی» زیر نظر اداره کل باستان‌شناسی به ریاست مرحوم دکتر «فره‌مندی» عهده‌دار حفظ آثار تخت‌جمشید و ادامه خاک‌برداری و کشف آثار و ابنیه باستانی و انجام عملیات علمی در آنجا شد و می‌توان گفت، کلیه امور تخت‌جمشید را اداره کل باستان‌شناسی و مدیر فنی باستانی به مدیریت «اندره گدار» فرانسوی و معاونت باستان‌شناسی، مرحوم مصطفوی، عهده‌دار بوده‌اند. اعضای علمی تخت‌جمشید، با اعتبار و هزینه کمی که داشتند و حتی بعضی اولیای امور مالی و اعتبارات، هزینه کردن در آنجا را، خرج زاید می‌شمردند، توانستند هزاران متر مکعب، خاکهای ۲۴ قرن گذشته را که از زمان آتش‌سوزی اسکندر، روی هم انباشته شده بود، برداشته و با برنامه منظمی آثار گوناگونی را از زیر خاک بیرون آورند.

پس از جنگ جهانی در ۴۹-۱۹۴۰، از سوی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، هیأت‌های دیگری نیز به ایران آمدند که عبارتند از:^۱

هیأت «دونالد مک کان»^۲

این هیأت در ۱۳۲۷ ش. / ۱۹۴۸ م. برای بررسی آثار باستانی خوزستان، وارد ایران شده و دشت جنوب اهواز، تا ناحیه خلیج فارس، دشت رامهرمز و ناحیه آغا‌جاری، تا دره رود زیدون را، مورد مطالعه قرار داد.

۱. نگهبان، عزت‌الله، شوش، کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، چاپ اول، نشر سازمان میراث فرهنگی،

تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۱۰-۱۰۶.

هیأت بررسی دکتر «روبرت آدامز»^۱

هیأت مزبور در سالهای ۱۳۴۰-۴۱ ش. / ۱۹۶۰-۶۱ م. از طرف مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، وارد ایران شده و کار خود را در خوزستان با هدف شناسایی هویت آثار باستانی منطقه که در گوشه و کنار آنجا پراکنده بود، آغاز کردند. این هیأت، برای بار دوم نیز در ۱۳۴۳ / ۱۹۶۳ م. از سوی همان مؤسسه به ایران اعزام گردید و بررسیهایی در دشت خوزستان و تپه‌های باستانی و آثار آن به عمل آوردند که فصل تازه‌ای را در فعالیتهای باستان‌شناسی محسوب می‌شود.

هیأت پروفیسور «دلوگاز»^۲ و پروفیسور «کنتور»^۳

هیأت مزبور، از سوی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، برای حفاری در تپه «چغامیش»، به ایران اعزام شدند و تا سال ۱۹۷۶ م. به کار خود ادامه داده و اطلاعات ارزشمندی درباره تمدنهای پیش از تاریخ دشت خوزستان به دست آوردند.

هیأت پروفیسور «فرانک هول»^۴

هیأت مزبور در ۱۳۴۶ ش. / ۱۹۶۱ م. از سوی دانشگاه «رایس» نگراس برای بررسی مناطق غربی خوزستان، به منطقه مزبور اعزام شد و تا سال ۱۳۵۱ / ۱۹۷۲ در آن مناطق و در دشت دهلران در چند تپه حفاری کرد.

در این سالها، از خود ایران نیز، هیأت‌های باستان‌شناسی به سرپرستی دکتر «عزت‌الله نگهبان»^۵ در دشت خوزستان و هفت تپه، به بررسی و حفاری دست زدند که تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت و نتیجه آن کشفیات ارزنده این گروه بود.

هیأت دیگری نیز بین سالهای ۱۳۵۱-۵۵ به سرپرستی دکتر «سعید گنجوی» از سوی مرکز تحقیقات باستان‌شناسی وزارت فرهنگ و هنر، جهت بررسی و شناخت آثار باستانی دشت خوزستان به منطقه اعزام

1. Dr. Robert Adams

2. Prof Delougaz

3. Prof Kontor

4. Prof. Frank Hol

۵. دکتر عزت‌الله نگهبان، استاد سابق دانشگاه تهران و از پیش‌کوتان علم باستان‌شناسی در ایران است. نامبرده در این راه متحمل زحمات زیادی شده و دارای آثاری است از جمله آنها می‌توان کتابهای «شوش یا کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان»، «حفاری هفت تپه دشت خوزستان» و «مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران» را نام برد.

گردید.

هیأت حقاری پروفیسور «هانس نیسان»^۱

هیأت مزبور نیز از سوی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، در سال ۱۳۴۹ / ۱۹۷۰ ش. برای بررسی دشت بهبهان به ایران اعزام گردید.

هیأت «گریگوری جانسن»^۲

این هیأت بین سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۳، از سوی «کالج هانتز»^۳ نیویورک به ایران اعزام گردید.

نوشته جراید دنیا در مورد حفاریات در ایران (اسناد فصل سوم).

از ابتدای کشف آثار باستانی در ایران، آوازه آنها در جهان پیچیده و روزنامه‌های گوناگون جهان در این مورد، مقالات و اخبار زیادی را به چاپ رساندند. در این فصل نمونه‌هایی از اینگونه جراید، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- انگلستان

«اخبار مصور لندن» در شماره ۴۷۶۷ مورخ ۱۰ اگوست ۱۹۳۰ م. یک مقاله مفصل علمی، راجع به صنایع و فن معماری ایران، به قلم «آرتور پوپ»^۴ مستشار صنایع ایران و مدیر نمایش بین‌المللی صنایع ایران، به چاپ می‌رساند. نویسنده در بخشی از این مقاله در مورد هنر معماری در ایران می‌نویسد:

«از نقطه نظر معماری و هندسی، مهم‌ترین ابنیه ایران، غیر از بعضی خرابه‌های کهن مساجد است. اما فقط در طرز ساختمان بعضی از این مساجد تدقیقات به عمل آمده است، زیرا بر حسب تقالید و شعائر قدیم ایران، مساجد جای مقدسی است که کفار اجازه ندارند به آنجا وارد شوند، اخیراً اجازه داده شد، اهل فن از آنها عکس بگیرند که بخشی از آنها در مجلات انگلیسی به چاپ رسیده و بعضی دیگر در نمایشگاه صنایع ایران در «برلینگتون»^۵ در معرض دید عموم قرار داده خواهد شد.

1. Prof. Hans J. Nissan

2. Gregory A. Johnson

3. Hunter Colleg

4. Arthur Pop

5. Berlingtone

فَن معماری ایرانی نه فقط از نقطه نظر کمک به فَن معماری اروپا اهمیت دارد، بلکه از حیث زیبایی و دقت صنعتی نیز حائز اهمیت است».

نویسنده مقاله مزبور، پس از مقدمه‌ای، ایران را سرآغاز تمدن دنیا معرفی نموده و اعتقاد دارد که تمدن یونان و اروپا از بابل است و بابل تمدن خود را از سومریها که بیش از آنها در بین‌النهرین دارای حکومت و تمدنی بودند، اقتباس نموده است و براساس اکتشافاتی که در ویرانه‌های شهرهای خیلی قدیمی سومریها به عمل آمده است، معلوم می‌شود که آنها تمدن خود را از ایران گرفته، و یا اینکه ایران واسطه انتقال تمدن سومریها بوده و در نتیجه، احتمال داده می‌شود که ایران مرکز اصلی و منشأ تمدن دنیا باشد. نامبرده در مقاله مزبور، ضمن اشاره به مقالات پروفیسور «هرتسفلد» در ۱۹۲۹ م. و چند نفر دیگر از مکتشفین، می‌نویسد که:

«آدله رفته رفته نشان می‌دهد که ایران از ممالکی بوده که منشأ تمدن جدید دنیا بوده است».

ترجمه مقاله مزبور را کنسولگری ایران در بصره در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۰۹ ش. به وزارت امور خارجه ارسال می‌کند (سند شماره ۱۴۱ و ضمایم آن).

این مجله در شماره ۴۷۶۹ خود به تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۳۰ م. دو مقاله دیگر در مورد آثار مکشوفه لرستان و ارتباط آن با دین زرتشت و دیگری تحت عنوان «معماری و نقاشی در ایران» به چاپ می‌رساند که ترجمه آنها نیز، توسط کنسولگری ایران در بصره طی نامه شماره ۱۴۳۴ به وزارت امور خارجه ارسال می‌گردد. در بخشی از مقاله مربوط به لرستان نوشته:

«برنزهایی که در حفاریات لرستان به دست آمده است از آثار برجسته سال به شمار می‌روند، زیرا هر کس آنها را دیده، ساختمان و زیبایی آنها را تحسین کرده، و مجذوب آنها شده است. از جمله شکل طبیعی حیواناتی است که مخصوصاً قوه ابتکار و نبوغ طبیعت شناسی عامل آن را نشان می‌دهد که تا چه اندازه در انتخاب و ترتیب اشکال، صاحب ذوق بوده‌اند.

اشیای برنزی به دست آمده در ایران مربوط به پانصدالی ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد بوده و یا عهد پیش از زرتشت و یا اوایل ظهور این دین را نشان می‌دهد و بعضی از علماء معتقدند که تاریخ آنها قدیمی‌تر از این می‌باشد. دقت در این اشیاء

نکات زیادی از دین زرتشت را روشن می‌کند، مذهبی که دیانت زرتشت بر آن قرار گرفته است، یعنی زدو خورد بین خیر و شر، بنا به تعالیم آن دیانت، خیر در انواع معینی از مخلوقات مجسم بوده و شر در انواع دیگر. در نوع اول حیوانات شایدار بودند مانند گاو میش، بزکوهی و غیره و مصدر شر، دشمنان طبیعی آنها مثل شیر و مار و غیره. از عقاید آن مذهب است که انسان از ابتدا تا انتهای زندگی، برای تأمین خیر و شر، پیوسته درگیر و دار بوده است. در این میان حیوانات شایدار نگهبان او بوده است و دشمنان حقیقی او شیر و گرگ و مار و غیره بوده‌اند.

نویسنده مقاله معتقد است که با توجه به انواع منحصر به فرد اشیای برنزی که بیشتر از دوهزار قطعه هستند، می‌توان گفت، اگر چه زرتشت در شرق ایران قوت گرفت، اما منشأ آن از غرب ایران بود. نویسنده سپس اشاره می‌کند که نمونه‌هایی از آنها در موزه شهر «بوستن» آمریکا موجود است که بی‌شک با توجه به اوضاع داخلی ایران به صورت قاچاق از ایران خارج گردیده بودند (سند شماره ۱۴۲ و ضمایم).

- مصر

در تاریخ ۱۳۱۰/۶/۷ ش. سفارت ایران در مصر، سه قطعه از خبر آژانس «مکتب الصحافه» را که اخباری در مورد حفاریات دامغان توسط هیأت مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو (دکتر هرتسفلد و دکتر اشمیت) منتشر کرده بود، به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد (سند شماره ۱۴۳) و وزارت مزبور نیز، رونوشت آن را به وزارت معارف و اوقاف می‌فرستد خبر مربوط که در مورد کشف خرابه‌های قصر کوچکی از بناهای ساسانی با تعدادی از قبور قدیمی و شباهت آنها به قبور مصر بود، وزارت معارف طی نامه شماره ۷۱۸۱ کشف خرابه و قبور را تأیید، اما شباهت قبور به قبور مصریها را تکذیب می‌کند و می‌نویسد:

«بر طبق اطلاعاتی که از دامغان واصل شده، هیأت حفاری، خرابه‌های قصر کوچکی از بناهای ساسانی را کشف کرده‌اند، که تعدادی از قبور قدیمی در آن بوده که شباهتی به قبور مصری ندارند» (سند شماره ۱۴۵).

وزارت خارجه رونوشتی از نامه مزبور را به سفارت ایران در قاهره ارسال می‌دارد.

در ۱۴ ژوئیه ۱۹۳۹ م. / ۲۳ تیرماه ۱۳۱۳ ش. روزنامه «الاهرام» مصر مقاله‌ای تحت عنوان «الاثار فی ایران و لبحث عنها» در مورد حفاریات تخت جمشید، زیر نظر پروفیسور هرتسفلد آلمانی و کاوشهای

شهر ری به ریاست «دکتر اشمیت» به چاپ می‌رساند که سرکنسولگری ایران در بیروت در ۱۳۱۳/۴/۲۹ طی نامه شماره ۷۷۶ بریده روزنامه مزبور را به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد. روزنامه مزبور در مقاله فوق درباره حفريات اريك اشمیت در شهر ری می‌نویسد:

«علی‌رغم گرمای شدید، عملیات حفاری در شهر ری ادامه دارد اما تعداد کارگران از سیصد نفر به ۱۵۰ نفر کاهش یافته است و چون امتیاز استخراج آثار شهر ری از سوی دولت ایران به مدت پنج سال به اشمیت اعطا شده است، بنابراین وی عملیات حفاری را در طول سال و بدون تعطیل ادامه می‌دهد».

در مقاله همچنین آمده بود که شهر ری در تاریخ پیش از اسلام و بعد از اسلام دارای اهمیت زیادی است، و تاکنون آثار و نفایس گرانبهائی از زیر خاک به دست آمده که صفحه‌ای از صفحات تاریخ این شهر قدیمی را برای مردم جهان آشکار می‌سازد. (سند شماره ۱۴۸)

- آمریکا

«تایمز» نیویورک در ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۴ / ۲۹ تیرماه ۱۳۱۳ ش. تحت عنوان «مهندزاد آریایی» خبر کاوش و کشفیات دانشمند سوئدی به نام «تور آرنه»^۱ را منتشر کرده و در این باره می‌نویسد که در نتیجه کاوشهای نامبرده، مسأله مهندزاد آریایی، روشنتر شده است. این دانشمند کاوشهای مفصلی در سواحل دریای خزر به عمل آورده، و در «شاه تپه» آثار زیادی از قبیل مجسمه‌های کوچک، خنجر، چراغها و وسایل زینتی به دست آورده، که حاکی از وجود شهری در حدود پنجهزار سال قبل در این مکان است که تقریباً دو هزار سال پیش از این، در اثر تغییرات جوی و یا حملات خارجیان از بین رفته است. بنا به نوشته روزنامه مزبور، دانشمند سوئدی، حدود چهل اسکلت انسان، مربوط به آن دوره را که از شکل جمجمه آنها معلوم می‌شد منسوب به نژاد اولیه هند و اروپایی هستند، به سوئد برده است (سند شماره ۱۴۹). رونوشتی از ترجمه خبر فوق به دفتر مخصوص شاه و وزارت معارف ارسال می‌شود.

- فرانسه

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۳۴ م. / ۴ آذر ۱۳۱۳ ش. روزنامه فرانسوی زبان **La Metropole**

چاپ «آنورس»^۲ مقاله‌ای در مورد حفريات دامغان به چاپ می‌رساند که سفارت ایران در پاریس بریده

روزنامه مزبور را به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد و آن وزارت نیز، قطعه روزنامه را جهت اطلاع به وزارت معارف می‌فرستد. (سند شماره ۱۵۰)

یک ماه بعد نیز روزنامه **Gazette des Beaux-Arts** چاپ پاریس، مقاله‌ای در مورد آثار دامغان به قلم «اندره گدار» فرانسوی، مدیر فنی اداره کل حفاریات و باستان‌شناسی ایران به چاپ می‌رساند، که در ۱۲ دیماه ۱۳۱۳ ش. سفارت ایران در پاریس طی نامه شماره ۲۸۹۰، صفحات روزنامه مزبور را به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد و این وزارتخانه نیز آنها را به وزارت معارف می‌فرستد (سند شماره ۱۵۱).

- لهستان

در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۳۵ م. روزنامه **Kurjer Warszawski** مقاله‌ای تحت عنوان «خزاین حفاریات در ایران»^۱ به قلم شخصی بنام «جاباگی» که از مسلمانان داغستان است، منتشر می‌کند. نویسنده در این مقاله، تاریخ شروع حفاریات در ایران و توسعه آن را از قرن نوزدهم به این طرف و همچنین جریان کاروشهای آن تاریخ و کشف اشیای ذی‌قیمت و تاریخی در تخت‌جمشید و جاهای دیگر را توضیح داده و در مورد نفوذ صنایع ایران در لهستان نیز، شرحی نوشته است.

نادر آراسته، سفیر وقت ایران در لهستان صفحات روزنامه مزبور، به انضمام ترجمه به فرانسه مقاله را در تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۲۶ ش. به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد و این وزارتخانه نیز به وزارت معارف می‌فرستد (سند شماره ۱۵۲ و ضمایم).

- فرانسه

در تاریخ ۲۷ و ۲۸ آوریل ۱۹۳۵ م. / ۱۳۱۴/۲/۷ ش. روزنامه **Nouvelle Dépêche** چاپ پاریس، در دو شماره پی‌درپی در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران صنایع و تاریخ خود را حفظ می‌کند»^۲ می‌نویسد که وزیر مالیه ایران به مأموران مالیه در ولایات، دستور داده است نسبت به تسهیل وسایل پیشرفت مأموران حفظ آثار قدیمه مساعدت نموده و اعتبارات لازم را در اختیار آنها بگذارند، سفارت ایران در پاریس بریده روزنامه مزبور را طی نامه شماره ۶۰۸ به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد (سند شماره ۱۵۳ و ضمیمه).

- لهستان

در ۱۳۱۴/۵/۷ ش. روزنامه لهستانی "**Prosto Zmostu**" خبر کشف آثار عتیقه مربوط به چهارهزار سال از میلاد مسیح (ع) را منتشر می‌کند (سند شماره ۱۵۴).

سه ماه بعد در ۲۷ اکتبر ۱۹۳۵ م. یکی دیگر از روزنامه‌های چاپ ورشو بنام "**Czas**" خبری مبنی بر کشف خرابه‌های یک شهر قدیمی در ایران را منتشر می‌کند. سفارت ایران در ورشو، ترجمه به فرانسه آن خبر را با بریده روزنامه مزبور، به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد (سند شماره ۱۵۵).

- اوروگوئه

در این ایام، آوازه زیبایی و تنوع آثار تاریخی و باستانی ایران به ماورای اقیانوسها نیز رسیده بود. یکی از روزنامه‌های «منتویدئو» (پایتخت اوروگوئه)، شرحی راجع به حفاریات تخت جمشید و الواح مکتشفه با عکس الواح زرین و سیمین در محل کشف شده (که پس از انقلاب یک جفت از آن الواح از موزه ایران باستان به سرقت رفت) به چاپ می‌رساند، وزیرمختار ایران در آرژانتین که سفیر آکر دیته در اوروگوئه نیز بود قطعه روزنامه مزبور را با ترجمه انگلیسی آن در ۱۳۱۵/۲/۱۲ به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد (سند شماره ۱۵۶ و ضمیمه).

شش ماه بعد، در یکی دیگر از روزنامه‌های اوروگوئه بنام "**EL Dia**" مقاله‌ای تحت عنوان "**Arte Persa**" یا هنر ایران با عکسی از دیواره کوه سنگ‌بری شده حاوی قبر داریوش بزرگ، و کشفیات تازه تخت جمشید، به چاپ می‌رساند که وزیرمختار ایران در آرژانتین قطعه روزنامه را با ترجمه به انگلیسی آن به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد (سند شماره ۱۵۷ و ضمیمه).

- آمریکا

در ۱۵ مارس ۱۹۳۸ م. / ۲۴ اسفند ۱۳۱۶، روزنامه «تایمز» نیویورک، شرح مختصری در مورد حفاریهایی که توسط هیأت آمریکایی در نیشابور به عمل آمده بود منتشر کرده و خبر از کشف مقداری سکه قدیمی می‌دهد. ترجمه این روزنامه توسط وزارت امور خارجه به وزارت معارف ارسال می‌گردد (سند شماره ۱۵۸).

- لبنان

در تاریخ ۷ ژوئیه ۱۹۳۸ م. / ۱۶ تیرماه ۱۳۱۷ ش. روزنامه فرانسه زبان **L'Orient** چاپ بیروت، خبری را بدین مضمون به چاپ می‌رساند که دو دختر بچه سمنانی در حالی که در منزل محقر خود

مقدمه / هفتاد و پنج

واقع در دامنه کوهی به نام «شاه جواد» مشغول بازی و حفر زمین بودند، ظرفی را که محتوی ۱۰۴ سکه نقره و متعلق به دوره صفویه بود، پیدا می‌کنند. روی بعضی از این سکه‌ها، صورت شاه اسماعیل حک شده بود. این سکه‌ها توسط مقامات دولتی ضبط گردید. سرکنسولگری ایران در بیروت روزنامه و ترجمه آن به وزارت امور خارجه ارسال می‌دارد (سند شماره ۱۵۹).

- رومانی - بالکان

در تاریخ ۱۳۱۷/۹/۲۲ ش. سفارت ایران در بخارست، خبری را که روزنامه‌های آن تاریخ رومانی، تحت عنوان «میترا» به چاپ رسانده بودند، به وزارت امور خارجه گزارش می‌کند، مضمون خبر این بود که دانشمندان ضمن حفاریات در «اوستیا»^۱ واقع در ایتالیا، مجسمه‌ای از میترا، رب‌النوع ایران باستان را که در حال جنگ با شیری است، کشف کرده‌اند و از قرار معلوم، در قرن دوم قبل از میلاد مسیح (ع)، پرستش میترا در ناحیه اوستیا رواج داشته است. وزارت امور خارجه، رونوشت نامه مزبور را به وزارت معارف و دفتر مخصوص شاه ارسال می‌دارد و به سفارت ایران در رم نیز اطلاع داده و درخواست عکس مجسمه و اطلاعات بیشتری در مورد موضوع را می‌کنند. (سند شماره ۱۶۰)

- انگلستان

در ۲۹ دسامبر ۱۹۳۸ م. / ۸ دی ۱۳۱۷ ش. روزنامه منچستر گاردین^۲ چاپ منچستر، مقاله‌ای با عنوان «قلعه پارتها در شمال ایران»^۳، در مورد کشفیات «مؤسسه آمریکایی هنر و معماری ایران» در تخت سلیمان، همراه با یک عکس هوایی از این محل، به چاپ رسانده و می‌نویسد که این قلعه مرکز ارتش پارتها بوده و برای حفظ مرز ایران بر علیه تهاجم رومیان ساخته شده است. در سال ۳۶ قبل از میلاد، «انتوان» فرمانفرمای رم شرقی، برای تسخیر ایران حرکت کرده و به این قلعه هجوم برد، اما شکست خورده و مجبور به عقب‌نشینی شد. قلعه مزبور تاکنون بدون آسیب اساسی پابرجا باقی مانده است (سند شماره ۱۶۲).

- لبنان

بعضی از اخبار روزنامه‌ها نیز در مورد کشفیات در ایران، در نوع خود جالب توجه بود، از جمله آنها، نوشته روزنامه «الژوغ»^۴ چاپ بیروت، در ۱۰ نوامبر ۱۹۲۹ م. در مورد کشف قبر «هارون الرشید» بود.

1. Ostia

2. The Manchester Guardian

3. A Parthian Fortress in North Persia

4. We Jour

این روزنامه نوشته بود که در طی کاوشهایی که توسط باستان‌شناسان به عمل آمده، قبری پیدا شده است که تاریخ آن سال ۵۳۰ هجری را نشان می‌دهد و تصور می‌رود که قبر هارون الرشید باشد. وزارت فرهنگ در پاسخ به نامه شماره ۳۰۵۶ وزارت امور خارجه در مورد خبر مزبور، می‌نویسد که مقاله منتشره در روزنامه مزبور، از روی بی‌اطلاعی کامل تهیه و منتشر شده است، زیرا قبر هارون الرشید ظاهراً در حرم حضرت امام رضا(ع) در مشهد است و در جایی نیست که آنجا کاوش به عمل آید، بعلاوه کلیه کاوشهای علمی و تجارتي تحت نظارت وزارت مزبور انجام می‌گیرد و به هیچ وجه از کشف قبری که تاریخ آن سال ۵۳۰ هجری باشد، گزارشی نیست، وانگهی اساساً فوت هارون الرشید، در قرن دوم هجری اتفاق افتاده و به گفته «المقدسی» که قولش از سایرین معتبرتر است، خلیفه نامبرده به سال ۱۱۳ هجری در طوس فوت کرده است (سند شماره ۱۶۴). وزارت خارجه، رونوشتی از نامه فوق را جهت اطلاع به سرکنسولگری ایران در بیروت که خبر فوق را ارسال کرده بود، می‌فرستد.

با وجود اینکه در آبان ۱۳۱۸ ش. کار حفاری مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو در ایران خاتمه یافت و کار حفاری و خاکبرداری از تخت جمشید را خود ایرانیان به عهده گرفتند، اما در همان ایام، روزنامه «صوت الاحرار» چاپ بیروت، در شماره ۱۸۴۴، خبری را تحت عنوان «سه هیأت آمریکایی به طرف ایران و عراق» به چاپ می‌رساند. براساس این خبر، سه هیأت آمریکایی به نمایندگی از سوی دانشگاه شیکاگو، در تاریخ ۱۳۱۸/۱۲/۷ ش. به بیروت آمده بودند و قرار بود هیأت اولی مأمور بررسی و حفاریات در حاشیه رودخانه فرات شده و هیأت دومی هم برای بررسی و حفاریات عازم مازندران شوند و هیأت سوم، متشکل از عده‌ای از مهندسان و کارشناسان برای پیدا کردن نفت به طرف خلیج فارس بروند. وزارت امور خارجه، ترجمه خبر فوق را به دفتر مخصوص شاه، رئیس الوزرا، وزارت دارایی و وزارت بازرگانی ارسال می‌نماید (سند شماره ۱۶۷).

- سویس

در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۳۹ م. یکی از روزنامه‌های ژنو، به نام **"La Tribune du Geneva"** در مقاله‌ای تحت عنوان «حفاریهای باستان‌شناسی در استخر» می‌نویسد:

«قسمت اول حفاریهای استخر، پایتخت قدیم شاهنشاهان ایران خاتمه یافته است.

استخر یکی از مهم‌ترین بقایای مخروبه‌ای است در خاک ایران که به خوبی حفظ

شده، و از حیث اشیای قیمتی باستان‌شناسی بسیار غنی است. تاکنون حفاریهای

مقدمه / هفتاد و هفت

آنجا به آمریکائیا واگذار شده بود، اما حالا، خود ایرانیان، حقّاری آنجا را به دست گرفته‌اند» (مسند شماره ۱۶۸).

داود کریم لو

مرداد ۱۳۸۰

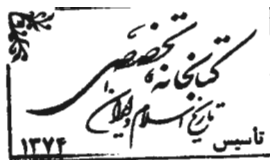
زندگینامه‌ها

۱. شاه اسماعیل اول

شاه اسماعیل اول پسر شیخ حیدر از نوادگان شیخ صفی الدین، مؤسس و بنیانگذار سلسله صفویه است. او در سال ۸۹۲ ه‍.ق / ۱۴۸۷ م. متولد شد و در ۹۳۰ ه‍.ق / ۱۵۲۳ م. فوت کرد. در چهارده سالگی مریدان پدرش که در جنگ با شروان شاه کشته شده بود، دور او گرد آمده و برای گرفتن انتقام به شروان حمله کردند و در نتیجه قاتل پدر خود، «فرخ یسار» را به قتل رسانید و آنجا را تصاحب نمود شعار جنگی سپاهیان هنگام جنگ، «الله، الله، علی ولی الله» بود. از آنجا به آذربایجان هجوم آورده و پس از تصاحب آن خطه، تبریز را پایتخت خود قرار داد و در ۹۰۸ ه‍.ق. در سن شانزده سالگی به تخت سلطنت نشست و مذهب شیعه را مذهب رسمی قرارداد و برای ترویج آن پرداخت و سپاهی را که افراد آن کلاه سرخ به سر می‌گذاشتند، به نام «قزلباش» به وجود آورد. در ۹۱۰ ه‍.ق، اصفهان، یزد، کرمان و بخشهای جنوبی خراسان را فتح کرد و در ۹۱۴ ه‍.ق. برای سرکوبی، «آق قویونلو» که هنوز در عراق دارای قدرتی بود، به بغداد حمله کرده و آنجا را گرفت و پس از مراجعت به آذربایجان، تا باکو و دربند پیشروی کرد و مجدداً به تبریز مراجعت نمود و جسد پدرش را نیز از شروان به اردبیل آورد و در آرامگاه خانوادگی، دفن کرد. در سال ۹۱۶ ه‍.ق. برای دفع فتنه شیبک خان اوزبک، که شیعیان خراسان را مورد آزار قرار می‌داد، به سوی خراسان رفت و در نزدیک مرو، شکست سختی به آنها وارد ساخته و تعداد ده هزار نفر از ازیبکها کشته شدند که جسد شیبک خان نیز در میان آنها بود. شاه اسماعیل دستور داد، دست و پای او را بریده و پوست سرش را پر از کاه کرده و پیش سلطان عثمانی فرستاد. جنگ طاهراباد نزدیک مرو، نفوذ شاه اسماعیل را تا جیحون رسانیده و شرق ایران از هجوم وحشیانه اوزبکها نجات یافته و مذهب شیعه نیز در آن خطه رواج یافت. پس از رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران، دولت عثمانی که بر آسیای صغیر و بالکان مسلط شده و به قدرت رسیده بود، خود را در برابر یک دولت قوی و شیعه مذهب یافت، سخت نگران شده و بنای تحریک را گذاشتند. در این زمان که سلطان سلیم اول به کمک نیروهای «ینی چری»^۱ پدر خود، سلطان با

۱. ینی چری: به معنای «سپاه جدید» نام سپاه عثمانی است که از جوانان مسیحی که در جنگها به گروگان گرفته می‌شدند تشکیل می‌شد و تحت آموزشهای نظامی و انضباطی سختی قرار می‌گرفتند. سپاه مزبور بعدها چنان قدرتی به دست می‌آوردند که در عزل و نصب سلاطین عثمانی دخالت می‌کردند.

یزید را مسموم و دو برادر خود را نیز به قتل رسانده و به تخت نشسته بود، به بهانه فرار برادرزاده‌اش، سلطان مراد به ایران، با سپاه فراوانی، از راه ارمنستان به آذربایجان حمله کرد. سلطان سلیم که مردی جنگجو، متعصب و خونریز بود، برای فرونشاندن خشم خود از شیعیان، دستور داد تعداد چهل هزار تن از شیعیان را در منطقه آناتولی قتل عام کردند. شاه اسماعیل در دشت چالدران نزدیک خوی با سپاه عثمانی که دو برابر سپاه ایران بود روبرو شد، با وجود رشادهای سپاه ایران و خود شاه اسماعیل که با شمشیر به توپخانه عثمانیها حمله برد، اما چون سپاه ایران ناقد سلاح گرم بودند، در مقابل آتش سنگین توپخانه آنها و با کشته شدن «محمدخان استاجلو» و تعداد دیگری از سرداران ایران که در صف مقدم لشکر می‌جنگیدند، سپاه ایران شکست خورده و شاه اسماعیل مجبور به فرار به درحزین همدان شد. سلطان سلیم با سپاه خود وارد تبریز شد. اما به علت خصومت مردم تبریز نسبت به ترکان و نافرمانی سپاه عثمانی، پس از شش روز، در اواخر رجب ۹۲۰ ه‍.ق، بدون اخذ نتیجه، خاک ایران را ترک کردند و یک ماه بعد شاه اسماعیل وارد تبریز شد. پادشاه عثمانی قصد داشت مجدداً به ایران حمله کند، لیکن سردشدن روابط دولت عثمانی و روس و هجوم بعضی از دول اروپایی به متصرفات عثمانی در خاک بالکان، مانع از انجام این کار شد. شاه اسماعیل پس از تقویت سپاه خود، به فتح نواحی شمالی بین‌النهرین، گرجستان و ارمنستان پرداخت و بدین ترتیب شکست چالدران را جبران کرد و برای جلوگیری از حملات سپاه عثمانی، مرزهای خود را از جانب عثمانی استحکام بخشیده و محافظت آنها را به حکام و مرزداران قوی سپرد. دوره حکومت شاه اسماعیل بسیار کوتاه بود. پس از ۲۴ سال حکومت در سن ۳۸ سالگی در نوزده رجب سال ۹۳۰ ه‍.ق. در اطراف سراب نزدیک اردبیل درگذشت و جسد او را در اردبیل در کنار قبر پدرش دفن کردند. وی دارای چهار پسر بود و بزرگترین آنها، طهماسب میرزا بود که بنام شاه طهماسب به سلطنت نشست. جهانگردان اروپایی، شاه اسماعیل را فردی با هوش و دارای سرعت انتقال قوی و دارای سیمایی نجیب با ظاهری شاهانه، توصیف کرده‌اند که در هنگام جنگ، مانند خروس جنگی بی‌باک و بیش از هر یک از امرای خود نیرومند بود. یک صوفی زیبا و خوشرو و خوش اندام که سپاهیان او اغلب بدون اسلحه به جنگ می‌روند تا بلکه در راه مراد و پیر خود شهید شوند. او چپ دست و در تیراندازی بسیار ماهر بود.^۱



۲. امین الدوله، فرخ خان (۱۲۸۸-۱۲۲۹)

نامبرده از رجال دوره قاجاریه و پسر میرزا مهدی غفاری و نام حقیقی وی «ابوطالب کاشی» و دارای القاب امین‌الملک، وزیر حضور و امین‌الدوله بود. ابوطالب به اتفاق دو نفر دیگر بنامهای شاهرخ خان (محمد مهدی) و آقا اسماعیل، ابتدا از غلام بهگان خاص فتحعلیشاه بود و بعد پیشخدمت خاص وی شدند و نام او را فتحعلیشاه فرخ گذاشت. از کارهای این سه نفر، پوشیدن لباس جواهرنشان و ایستادن در طرفین تخت سلطنتی در مواقع سلامها و بارعام بود. وی در سلطنت فتحعلیشاه و محمدشاه جزو کارمندان خاص دربار و دارای مشاغل گوناگون مهمی از قبیل صندوقدار و جوه خاصه - مهرداد شاه، رئیس کارمندان دربار و از محارم و مقربین شاه و امین خلوت بود، از زمان محمدشاه به بعد، این سمت در خانواده امین‌الدوله موروثی بود.

در سال ۱۲۵۲ ه.ق. مردم ساری بر علیه حاکم مازندران شورش کرده و در این میان عده‌ای کشته شدند. دولت، فرخ خان را که پیشخدمت خاص بود، برای آرام کردن اوضاع به آنجا فرستاد. وی حاکم مازندران را معزول و دیگری را جانشین وی نمود و چند ماه پس از اقامت در محل به تهران مراجعت کرد. یک سال بعد نیز، مردم اصفهان بر علیه حاکم آنجا، خسروخان گرجی قیام کردند، این بار هم فرخ خان را برای آرام کردن اوضاع به اصفهان فرستادند که در این راه هم موفق شد. در ۱۲۵۶ ه.ق. به علت بی‌کفایتی امان‌الله خان افشار وزیر بحی میرزا، پسر چهل و سوم فتحعلیشاه حاکم گیلان، اوضاع آن خطه ناامن شده بود، باز هم فرخ خان از سوی شاه مأمور شد تا به رشت رفته و اوضاع آنجا را سامان بخشد که در این راه نیز موفق شد و پس از هشت ماه به تهران برگشت.

در سال ۱۲۷۲ ه.ق. که جنگ بین ایران و انگلیس بر سر هرات در گرفته بود، میرزا آقاخان نوری، صدر اعظم دست‌نشانده انگلیسیها، فرخ خان را که در آن زمان رئیس اداره صندوقخانه مبارکه بود، به منظور بازداشتن انگلیسیها از حمله به ایران و جلب رضایت آنها، با اختیارات تام برای مذاکره با لرد «ردکلیف»^۱ به استانبول فرستاد. فرخ‌خان که ملقب به «امین‌الملک» شده بود، پس از دوماه معطلی عمدی از سوی انگلیسیها، با نوشتن شرحی مبنی بر اینکه وی از سوی دولت ایران مختار و مأمور است که موجبات رضایت انگلیس را فراهم کند و اولیای دولت ایران را وادار کند که لشگریان خود را از هرات و افغانستان

دور کنند و در امور افغانستان دخالت نکرده و خسارت لشگرکشی را نیز جبران نمایند و قبول سایر اتمام حجت‌ها، حاضر به ملاقات با وی شدند. لکن پس از فتح هرات توسط حسام‌السلطنه حاکم خراسان، ناصرالدین شاه دستور داد که تمام تمهداتی را که سپرده است باطل نماید و امین‌الملک نیز چنین کرد و با یک کشتی جنگی فرانسوی به فرانسه رفت و در پاریس با مقامات آن کشور مذاکراتی انجام داد و سرانجام با وساطت «نابلئون سوم» در چهارم مارس ۱۸۵۷ م. / شعبان ۱۲۷۳ ه‍.ق. معاهده پاریس را که یکی از ننگین‌ترین معاهده‌های دوره قاجاریه است، با سفیر انگلیس در پاریس منعقد کرد. امین‌الملک پس از دو سال اقامت در پاریس و لندن در ۱۲۷۴ ه‍.ق. با سمت ایلچی کبیر ایران در دربار عثمانی انتخاب شد. پس از عزل نوری، وی به تهران آمده و به سمت وزیر حضور (وزیر دربار) مهرداد شاه و در ۱۲۷۶ ه‍.ق. به عضویت مجلس شورای وزرا انتخاب گردید و به دلیل خوش خدمتی به بیگانگان، هنگام عقد قرارداد پاریس، در تهران مورد احترام و تقدیر آنها قرار گرفت. در این زمان ناصرالدین شاه به او لقب امین‌الدوله داد و از آن به بعد عزل و نصب حکام ایالات و ولایات به دستور شاه با مشورت وی انجام می‌گرفت.^۱ نامبرده چندین بار به عنوان سفیر و نماینده ایران به کشورهای اروپایی اعزام گردید و مورد تکریم و احترام آنها مخصوصاً فرانسویان بود.

۳. میرزا حسین خان قزوینی مشیرالدوله سپهسالار (۱۲۹۸-۱۲۴۳ ه‍.ق)

نامبرده پسر بزرگ میرزا نبی خان امیر دیوان قزوینی است. در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه پدرش او را به همراه برادرش برای تحصیل به اروپا فرستاد، اما طولی نکشید که وی به ایران مراجعت نمود و وکیل کارهای پدرش شد. تحصیلات وی در ایران تحصیلات معمولی دارالفنون بود. در زمان میرزا تقی خان امیرکبیر، به مدت سه سال سرکنسول ایران در بمبئی شد و بنا به گفته خودش در کتاب اعتمادالسلطنه^۲، در آنجا بخت یارش شد و چند نفر از تجار ایرانی فوت کردند، پول زیادی از اموال آنها نصیب وی شد. باجناب وی حسنعلی شاه معروف به آقاخان محلاتی و ملقب به عطاشاه نیز، در آنجا نسبت به او مهربانیهای زیادی می‌کرد، و در شرطبندی اسب‌دوانی او را سهم نموده و مبلغ ۱۵۰ هزار روپیه به عنوان اینکه او برنده

۱. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴ هجری، (شش جلدی) چاپ سوم، کتابفروشی

۲. همان، ج اول، ص ۴۰۷.

زوار، تهران ۱۳۶۳، ج ۳، صص ۸۵-۸۰.

شده است، به وی پرداخت نمود. وی در یکی از گزارشهای خود، منافعی که کشت خشخاش را که از نظر صادرات عاید ایران می‌شود به دولت گوشزد نمود و بنا به توصیه وی، برای اولین بار در سال ۱۲۷۶ ه.ق. کشت خشخاش در اطراف تهران رایج می‌گردد. پس از مراجعت به ایران با رشوه‌ای که به «میرزا اقاخان نوری» صدراعظم می‌دهد، در ۱۲۷۱ ه.ق. سرکنسول ایران در تفلیس شده و سه سال نیز در آنجا اقامت می‌کند.

در سال ۱۲۷۵ ه.ق. به وزیرمختاری ایران در استانبول تعیین شده و در ۱۲۸۲ ه.ق. ملقب به مشیرالدوله می‌شود. پس از ده سال، در ۱۲۸۵ ه.ق. از درجهٔ وزیرمختاری به سفیری ارتقای مقام پیدا کرده و مدّت دو سال نیز با این سمت و جمعاً دوازده سال، مأموریتش در دربار عثمانی طول می‌کشد. سپس‌الار مدّت اقامتش در استانبول نزدیک باب عالی ساختمان سفارت ایران را پایه‌گذاری می‌کند که تا امروز پا برجاست و پس از انتقال سفارتخانه‌ها به آنکارا، به عنوان سرکنسولگری ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. میرزا حسین‌خان مشیرالدوله، در بهبود و استحکام روابط ایران و عثمانی تلاش زیادی می‌کرد. نامبرده که از طرفداران سیاست انگلستان بود، در استانبول با «لرد لایارد»^۱ که مدّت‌ها در ایران و در میان ایل بختیاری زندگی کرده و در آن زمان سفیر کبیر انگلیس در دربار عثمانی بود، دوستی و روابط بسیار صمیمی داشت و او بود که مقدمات به صدارت رسیدن وی را فراهم ساخت و ناصرالدین شاه نیز به این امر راضی بود، لذا در مسافرت خود به عتبات مقدّسه در ۱۲۸۷ ه.ق. که مشیرالدوله موجبات سفر او را فراهم آورده بود، به فرمان شاه به وزارت عدلیّه و وزارت وظایف و اوقاف منصوب شد، او را همراه خود به تهران آورد و با مشورت با وی، مجلس دارالشورای دولتی را تشکیل داد (۱۲۸۸ ه.ق.). پس از هفت ماه ملقب به سپهسالار اعظم و به وزارت جنگ منصوب شد و یکماه‌ونیم بعد در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ ه.ق. با اصرار دولت انگلیس، و با گرفتن قولهایی از وی به نفع دولت انگلستان، به مقام صدارت رسید. بدین ترتیب نامبرده در مدّت یازده‌ماه به سرعت پلکان ترقّی را با سفارش انگلستان پیمود و به طور متوالی، به وزارت، سپهسالاری و صدارت رسید.

مشیرالدوله پس از رسیدن به این مقام، بسیار مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و پس از وی شخص اوّل ایران شد و با داشتن همه گونه اختیارات به فکر ادامهٔ اقدامات امیرکبیر افتاد، (با فرق اینکه

هشتاد و چهار / تاراج میراث ملی

امیرکبیر آلت دست هیچیک از قدرتهای آن عصر یعنی، روس و انگلیس نبود) و شروع به صدور دستورالعمل در جهت رفع ظلم و ستم و رشوه نگرفتن بود و کسانی را که در این راه مانع او می‌شدند مانند سلطان میرزااحسام السلطنه فاتح هرات که در آن ایام والی خراسان بود، و فرهاد میرزا معتمدالدوله حاکم کردستان، با موافقت و تصمیم شاه، آنها را از کار برکنار می‌کرد.

در ماههای اوّل به صدارت رسیدن وی قحطی مشهور ۱۲۸۸ ه‍.ق. در ایران به وجود آمد، به دستور وی همه فقرای تهران و اطراف را که به پایتخت روی آورده بودند در قلعه «نصرت آباد»^۱ که فیروز نصرت الدوله آن را بنا نهاده بود، جمع کرده و روزانه به هر کدام از آنها یک عدد نان می‌داد و بعضی روزها تا پنج هزار تومان به گدایان پول می‌داد.

انگلیسیها برای به صدارت رساندن میرزا حسین خان مشیرالدوله برای نیل به چهار فقره از تقاضاهایشان از وی قول گرفته بودند که عبارت بودند از:

۱. قبول حکمیت انگلیس راجع به بلوچستان.

۲. قبول حکمیت مأمور انگلیس راجع به حدود سیستان.

۳. دادن امتیاز منابع ثروت سرتاسر ایران به بارون «ژولیوس دورویتر»^۲.

۴. بردن ناصرالدین شاه به لندن جهت مشاهده عظمت امپراطوری انگلیس.

صدراعظم دست‌نشانده آنها نیز، تمامی خواسته‌های آنها را برآورده کرد، راجع به حدود بلوچستان، در برابر اعتراض میرزا معصوم خان کمیسر ایران در برابر ادعاهای «گلداسمیت»^۳ نماینده انگلیس، طی تلگرافی به نامبرده دستور داد که طبق رضایت مأمور انگلیسی رفتار نماید. در سال ۱۲۸۹ ه‍.ق. با راهنمایی و واسطه‌گری «میرزا ملکم خان» مستشار صدارت عظمی، امتیاز ساختن خط آهن رشت به تهران و از آنجا

۱. قلعه نصرت الدوله بعداً به میرزا یوسف مستوفی الممالک منتقل گردید و پس از ازدواج حسین میرزا جلال الدوله پسر بزرگ ظل السلطان با دختر وی، آن محلّ به جلالیه مشهور شد، بعدها آن محلّ به انضمام چند جای دیگر که در گروه بانک استقراضی روس بود، به پسر بزرگ عبدالحسین میرزا فرمانفرما رسید و او آنجا را به حاج رحیم اتحادیه و ارباب کیو فروخت که بعدها بخشی از اراضی آنجا را مردم خریداری کردند و در زمان رژیم ستم شاهی محمدرضا نیز بخشی از آن جا به محلّ رژه نظامی تبدیل و مدتها بعد نیز به پارک تبدیل شد که تاکنون پابرجاست.

زندگینامه‌ها / هشتاد و پنج

تابه خلیج فارس و تراموای در تمام ایران... امتیاز تأسیس بانک دولتی، ساختن هر گونه راه، کشیدن خط تلگراف در سرتاسر ایران را به مدت هفتاد سال به بارون دوروینگر انگلیسی، یکی از صرافهای یهودی لندن واگذار کرد. به واسطه آن امتیاز، کلیه امور اقتصادی ایران در اختیار انگلیسیها قرار گرفت، شاه با اعطای این امتیاز، از انگلستان انتظار داشت که اگر روسها در آسیای مرکزی پیشروی کنند، دولت انگلستان از وی حمایت کند. اما هنگامی که به برلن وارد شد، اطلاع پیدا کرد که روسها «خیوه» را تصرف کرده‌اند و چون «گورچاکف» وزیر خارجه روسیه، ناصرالدین شاه را هنگام توقفش در سر راه خود به لندن، در سن پترزبورگ از عواقب امتیاز دوروینگر ترسانده بود، به محض مراجعت به تهران این امتیاز را لغو کرد.

۱۷ سال بعد، روینگر در قبال ادعای خسارات خود که در به دست آوردن امتیاز فوق، به رجال ایران و صدراعظم رشوه داده بود (وی جمعاً دویست هزار لیره رشوه داده بود که سهم صدراعظم پنجاه هزار لیره بود) پس از مذاکرات زیاد، در سال ۱۳۰۶ ه.ق. دولت ایران امتیاز بانک شاهی را به مدت ۶۰ سال ظاهراً به روینگر و در حقیقت به انگلستان واگذار کرد.

هدف انگلستان از روی کار آوردن میرزا حسین خان، رسیدن به خواسته‌های سیاسی در سرتاسر ایران و چشم زخم گرفتن از روس و نزدیکی به آنها بود، که پس از چهار سال مذاکرات سری با عقد قرارداد «گرانویل - گورچاکف»، در مسایل آسیایی با یکدیگر کنار آمدند، و چون دیگر به میرزا حسین خان احتیاجی نداشتند، او را رها کردند. در این ایام روحانیان و درباریان شروع به مخالفت با سپهسالار کرده بودند، هنگام مراجعت شاه از اروپا، سپهسالار را به عنوان حاکم گیلان در رشت گذاشت و مستوفی الممالک را جانشین وی کرد. پس از مدتی در ۱۲۹۱ ه.ق. شاه، مشیرالدوله را از رشت به تهران خواسته و به جای مؤتمن الملک، به وزارت امور خارجه منصوب کرد. در همین سال، ناصرالدین شاه امور داخله و مالیه را به مستوفی الممالک و امور وزارت جنگ و خارجه را به مشیرالدوله سپرد و مجدداً او را سپهسالار خواند و هیأتی را مرکب از رجال و شاهزادگان، هفت نفر به نام هیأت وزارت جنگ، به منظور اظهار نظر در امور جنگ، تعیین نمود.

سپهسالار پس از روی کار آمدن، روزنامه‌ای بنام لاپاتری (وطن) را به دو زبان فارسی و فرانسه تأسیس کرد که فقط یک شماره از آن منتشر شد و چون در آن، مقاله‌ای مبنی بر عدالت خواهی، مساوات و مخالفت با تملق‌گویی در باریان، نوشته شده بود، درباریان نشر آن را به نفع ندیده و با تحریک شاه و به دستور وی، از انتشار آن جلوگیری شد. در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا میرزا حسین خان، یکی از

هشتاد و شش / تاراج میراث ملی

همراهان شاه بود. وی در این سفر ده نفر افسر، مرکب از یک سرگرد، یک سرهنگ، سه سروان و پنج ستوان اتریشی را برای تربیت و تشکیل ارتش ایران، به مدت سه سال استخدام کرد. پس از این سفر، در ۱۲۹۶ ه‍.ق. طبق قراردادی با روسها توسط یکی افسران روس و تهران قزاق‌خانه‌ای تشکیل شد.

میرزا حسین خان چون پس از روی کار آمدن مجدد، از انگلیسیها بریده و به روسها نزدیک شده بود، به تحریک انگلیسیها شاه او را از وزارت معزول و در ۱۲۹۷ ه‍.ق. به حکومت قزوین و بعد به پیشکاری آذربایجان و سپس به عنوان سفیر فوق‌العاده برای تعزیت کشته شدن «الکساندر دوم» و تبریک جلوس «الکساندر سوم» به پترزبورگ رفت، در این سفر امپراطور روس به پاس خدمات وی به روسیه - که یک خارجی در حق روسیه به عمل آورده بود- نشانی را که در گردن داشت، به گردن وی انداخت. پس از مراجعت در همان سال به حکومت خراسان و سیستان و تولیت آستان قدس رضوی منصوب گردید و سرانجام در ۲۱ ذی‌الحجه ۱۲۹۸ ه‍.ق. به امر ناصرالدین شاه که «جز مرگ چاره‌ای برای او نیافته بود» او را مسموم کردند و در سن ۵۷ سالگی فوت کرد و در حرم امام رضا (ع) در دارالسیاده در مقبره‌ای که برای خود ساخته بود، دفن شد.

۴. میرزا ملکم خان ناظم الملک (بعدها ناظم الدوله، پرنس نظام الدوله)

وی پسر میرزا یعقوب ارمنی جلفایی است که در ۱۲۴۹ ه‍.ق. در اصفهان متولد و در ۱۳۲۰ ه‍.ق. در لوزان سویس مرد و بنا به وصیت خود در برن سوزانده شد. ملکم خان در سن ۹ سالگی برای تحصیل به پاریس فرستاده شد و در آنجا به فراگیری علوم فیزیک، طبیعی و مهندسی پرداخت و در نوزده سالگی به ایران مراجعت نمود و در مدرسه دارالفنون به معلّمی و مترجمی زبان فرانسه مشغول شد. وی در ۱۲۷۲ ه‍.ق. مترجم وزارت امور خارجه شد و یک سال بعد به استانبول اعزام شد و سال بعد به ایران مراجعت نمود. وی مؤسس فراماسونری در ایران است که عده‌ای از شاهزادگان و اعیان و بعضی از جوانانی که در دارالفنون تحصیل می‌کردند، عضو این مجمع بودند. در سال ۱۲۷۹ ه‍.ق. مجمع مزبور بسته شد و او نیز به عثمانی تبعید شد. در سال ۱۲۸۸ ه‍.ق. در زمان صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله به سمت مستشار صدارت عظمی منصوب گردید. در سال ۱۲۸۹ ه‍.ق. ملقب به ناظم الملک شده و نشان تمثال همایون درجه یک را دریافت نمود و به عنوان سفیر و وزیرمختار ایران در لندن، عازم انگلستان گردید و تا سال ۱۳۰۷ ه‍.ق. به مدت ۱۸ سال در همین سمت باقی ماند. وی در واگذاری امتیازات به خارجیان، نقش

عمده‌ای را بازی می‌کرد و از این راه پولهای زیادی گرفت تا اینکه در ۱۳۰۷ ه.ق. از سفارت معزول و تا آخر عمر ناصرالدین شاه، کار دولتی به وی ارجاع نشد. نامبرده در این مدت در لندن روزنامه قانون را منتشر می‌نمود. در سال ۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۹۰۰ م. در اولین سفر مظفرالدین شاه به اروپا، وی در پاریس با شاه ملاقات کرده و ملقب به نظام الدوله شده و به عنوان وزیرمختار ایران در ایتالیا منصوب گردید و تا آخر عمرش در این سمت باقی بود. وی از طرفداران جدی تغییر خط فارسی بود و عقیده داشت که یکی از علل عقب ماندن کشورهای اسلامی و مخصوصاً ایران، رسم الخط مردم این کشورهاست و لذا با ابداع خطی تازه، موضوع تغییر خط را مورد بحث قرار داد و در ۱۳۰۳ ه.ق. مقدمه گلستان سعدی را با خط ابداعی خود به چاپ رساند. نامبرده دارای آثاری نیز است که می‌توان به «کلیات ملکم»، نمایشنامه اشرف خان، رساله مبدأ ترقی و شیخ و وزیر اشاره کرد.

۵. میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک (بعدها قائم مقام) (تهران ۱۳۱۹ ه.ق - ۱۲۴۴ ه.ق تبریز)

نامبرده از سادات طباطبایی تبریز و فرزند میرزا محمد تبریزی بود. در نوزده سالگی مأمور ابلاغ آجودان اداره محاکمات وزارت امور خارجه شد. در ۱۲۷۱ ه.ق. به نایب اولی سفارت ایران سفارت ایران در استانبول منصوب شد و لقب «خان» را گرفت و پس از مدتی مستشار سفارت شد. در سال ۱۲۷۵ ه.ق. سرکنسول ایران در تفلیس و چهار سال بعد به کارداری سفارت ایران سن پترزبورگ و در ۱۲۸۶ ه.ق. به سمت وزیرمختار ایران در دربار روسیه منصوب گردید و دو سال بعد ملقب به «ساعدالملک» شد. وی در سفر اول و دوم ناصرالدین شاه به اروپا از همراهان وی بود. در سال ۱۲۹۹ ه.ق. جای خود را در سن پترزبورگ به خواهرزاده‌اش «میرزا اسدالله خان وکیل الملک ناظم الدوله» داده و خود به امر ناصرالدین شاه عضو «دارالشورای کبری» گردید. پس از آن به مدت پنج سال مسئول رسیدگی (کارگذار) به امور اتباع بیگانه و اختلاف آنها با ایرانیان، در آذربایجان شد و پس از آن مدتی بیکار شد تا اینکه در ۱۳۰۹ ه.ق. که حسنعلی خان گروسی پیشکار آذربایجان، به تهران احضار شد، ساعدالملک مدت سه سال جانشین وی گردید. در سال ۱۳۱۳ ه.ق. همراه مظفرالدین شاه به تهران آمده و جزو درباریان محسوب و طرف مشورت شاه شد. در ۱۳۱۶ ه.ق. وزیر وظایف و اوقاف شده و سه سال بعد در ۱۳۱۹ ه.ق. فوت کرد و در قم در صحن امین السلطان دفن شد.

۶. آدولف هیتلر Adolf Hitler

وی در ۱۸۸۹ م. در یکی از قرای اتریش متولد شد و در جنگ جهانی اول سرجوخه بود. پس از جنگ در ۱۹۱۹ م. در مونیخ عضو حزب کارگر آلمان شد و چون پیوسته در فکر قیام بر ضد معاهدات صلح و علیه یهودیان و تقویت قدرت مرکزی بود، طولی نکشید که طرفدارانی پیدا کرد و به تأسیس حزبی به نام «ناسیونال سوسیالیسم» که مخفف آن «نازی» است، شد. وی در ۱۹۲۳ م. به علت قیام علیه کمونیستها در باواریا، دستگیر و زندانی شد و در طول مدت هشت ماهی که در زندان بود، کتاب معروف خود «نبرد من» را که شرح عقاید و اصول سیاسی خود بود، نوشت. هیتلر نژاد «ژرمن» را برترین نژاد جهان و شایسته فرمانروایی بر جهان می‌دانست. در سال ۱۹۳۳ م. از سوی «هیندنبورگ» به صدارت منصوب شد و پس از فوت وی در ۱۹۳۴ م. مقام صدارت و ریاست جمهوری را طبق قانون اساسی با هم در اختیار گرفته و خود را «پیشوا» نامید. نامبرده در سیاست داخلی، به مبارزه با کمونیستها و سوسیالیستها و شکنجه مخالفان پرداخت و در سیاست خارجی با گسستن رشته پیمانهای قبلی آلمان به وسعت آلمان افزود و با حمله به دالان «دانزیگ» در سال ۱۹۳۹ م. جنگ جهانی دوم را آغاز کرد که سرانجام پس از کشته شدن ۳۶ میلیون انسان با شکست آلمان در ۷ مه ۱۹۴۵ م. و تسلیم بدون قید و شرط آن و خودکشی هیتلر در ۳۰ آوریل به پایان رسید.

۷. میرزا نصرالله خان نائینی (مصباح الملک - مشیرالملک - مشیرالدوله)

وی پسر آقامحمد نامی و از نوادگان حاجی عبدالوهاب نائینی بود که از عرفای معروف به شمار می‌رفت. در جوانی زندگی بسیار سختی داشت و خواهرش به خط نستعلیق دعا می‌نوشت و میرزا نصرالله خان آنها را برای فروش به تهران می‌برد و از درآمد فروش آنها، امرار معاش می‌کردند. وی مدتی در تهران شاگرد مغازه، نامه‌نویس بوده و سپس در منزل آصف الدوله نوکری می‌کرد. مدتی بعد به همراه میرزا ابراهیم خان تبریزی، کارگزار و نایب الوزراء به تبریز رفت و در آنجا طرف اعتماد و وثوق نایب الوزراء قرار گرفت و او را به سمت منشی کارگزاری وارد خدمت دولتی نمود. پس از درگذشت میرزا ابراهیم خان در ۱۲۹۳ ه.ق. بنا به درخواست کفیل وی میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه، همراه با همسر و اولاد میرزا ابراهیم خان به تهران آمده و نزدیک منزل میرزا سعیدخان ساکن شدند که اغلب روزها برای سرکشی و احوال‌پرسی از همسر و اولاد میرزا ابراهیم خان به منزل آنها می‌رفت. در این ایام میرزا نصرالله خوش

خدمتی می‌کرد و هر روز همراه میرزا سعیدخان تا در وزارت امور خارجه می‌رفت. یک روز میرزا نصرالله خان منشی که سرخدمت حاضر نشده بود، میرزا سعیدخان، میرزا نصرالله نائینی را سرجای او نشاند و از آن تاریخ وی منشی وزارت امور خارجه شد. او در آن وزارتخانه پله‌های ترقی را یکی یکی پیمود و ابتدا معاون اداره روس شد و در ۱۲۹۸ ه.ق. به نیابت دوم وزارت امور خارجه و مدیر اداره «تحریرات روس» که در آن زمان از مشاغل مهم بود رسید. در ۱۳۰۳ ه.ق. که «یحیی خان مشیرالدوله» وزیر خارجه شد، وی لقب «مصباح الملکی» گرفت. امین السلطان وزیراعظم که در سیاست خود تغییر رویه داده و علمدار سیاست روس شده بود، به خدمات میرزانصرالله منشی، که بیشتر از ده سال مدیر اداره روس بود، نیازمند بود، لذا برای میرزا نصرالله لقب «مشیرالملکی» داد. وی در ۱۳۱۰ ه.ق. ابتدا نایب اول وزارت امور خارجه شد و همچنان اداره روس را نیز در اختیار خود داشت و سپس به معاونت آن وزارتخانه منصوب گردید و تا ۱۳۱۳ ه.ق. که در این سمت بوده اعتماد امین السلطان را بخود جلب کرد. در ۱۳۱۴ ه.ق. به پیشنهاد عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر جنگ وقت، به سمت وزارت لشکر - رئیس دارایی ارتش - منصوب شد. در ۱۳۱۴ ه.ق. که امین الدوله به جای امین السلطان صدراعظم شد، میرزا نصرالله که جزو دارودسته امین السلطان بود، با زرنگی که داشت از کار برکنار نشد و در ۱۳۱۶ ه.ق. که مجدداً امین السلطان صدراعظم شد مشیرالملک باز هم در شغل وزارت لشکر باقی ماند. در ۱۳۱۷ ه.ق. که حاج محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه برای معالجه بیماری خود به اروپا رفت، امین السلطان، مشیرالملک را در غیاب وزیر امور خارجه، کفیل آن وزارت نمود. مشیرالملک در همین سمت بود که وزیر امور خارجه فوت کرد و وی که وسایل کار وزارت را برای خود فراهم کرده بود به عنوان مشیرالدوله وزیر امور خارجه شد و مدت سسی و چندسال در سرکار خود بود و بیکار نمی‌ماند.

وی یکی از خائنین به ملت ایران و مانند دیگر رجال، عاشق و شیفته جمع کردن ثروت بود و از هر جا و هر کس که بود ابائی نداشت. او در آذربایجان، گیلان و خوزستان دهات زیادی را به دست آورده بود زمانی که وزیر امور خارجه بود، اطلاع پیدا کرد میرزا اسحق خان افخم الدوله، کنسول ایران در مصر دارایی سرشار یک ایرانی متوقی را تصاحب کرده است، او را به تهران احضار نمود و پس از مذاکره با وی کارش را تصدیق نموده و او را به دامادی خود برگزید و طلاق دختر خود را که همسر سرلشکر محسن دیبا، پسر علاءالملک بود، گرفته و به عقد ازدواج وی درآورد. و در برابر شکایتهای برادر متوقی، مبلغ ناچیزی به او پرداخت.

مشیرالدوله در همین سمت بود که برای سفر مظفرالدین شاه به اروپا، دو فقره وام خانمان برانداز را با شرایط سنگینی از روسها دریافت کرد. وام اولی به مبلغ ۲۲/۵۰۰/۰۰۰ منات و وام دوم ده میلیون منات بود. در ۱۳۱۹ ه.ق. / ۱۹۰۱ م. امتیاز کشف و استخراج معادن نفت جنوب را به یک نفر انگلیسی به نام «ویلیام ناکس داریسی» واگذار کرد و پانصد سهم ممتاز را به عنوان دلالی از آنها گرفت. او در ۱۳۲۴ ه.ق. پس از سقوط عین الدوله، صدراعظم شد. مدت ۶ ماه در زمان مظفرالدین شاه و دو ماه در زمان محمدعلیشاه، در همین سمت بود و در ۱۳۲۵ ه.ق. محمدعلیشاه امین السلطان را که در اروپا بود، احضار نمود و او می‌دانست که این کار برای دادن پست صدارت به اوست، به بهانه بیماری از وزارت کناره‌گیری کرد. محمدعلیشاه پس از کشته شدن امین السلطان در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ ه.ق. که سه ماه پس از ورود وی به تهران اتفاق افتاد، به مشیرالدوله تکلیف تشکیل کابینه را نمود و چون قرار شد میرزا جواد خان سعدالدوله نیز وارد کابینه شده و وزیر خارجه شود، او از همکاری با سعدالدوله امتناع کرد و حاضر به قبول صدراعظمی نشد و چند روز بعد در ۴ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق. یک سال پس از استقرار مشروطیت در ۷۰ سالگی درگذشت. وی پسرهای خود را برای تحصیل به خارج از کشور فرستاد، حسن پیرنیا (مشیرالدوله) را به مسکو و حسین پیرنیا (مؤتمن الملک) را به پاریس و علی پسر دیگرش را که در جوانی درگذشت به مدرسه نظامی فرانسه فرستاد. حسن و حسین پس از پدر از رجال برجسته ایران شدند. حسن چندین بار وزیر، نخست‌وزیر و حسین سالها رئیس مجلس شورای عالی بود. میرزا نصرالله هنگام فوت ۲ پسر و یک دختر داشت.^۱

۷. میرزا نظام الدین خان مهندس الممالک

نامبرده پسر میرزا ابراهیم و از طایفه غفاریهای کاشان بود. وی جزو چهل و دونفری بود که در زمان «حسنعلی خان گروسی» برای تحصیل به فرانسه اعزام شدند. او پس از اتمام تحصیلات خود، به ایران مراجعت نمود و از تحصیل‌کرده‌های خوب آن دوره به شمار می‌رفت و در علوم ریاضی و نجوم، مقام عالی داشت. نظام‌الدین در مدت صدارت «میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم»، همدم و مترجم وی بود و در

۱. ر.ک به؛ بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری، (شش جلدی) چاپ دوم،

۱۳۱۶ ه.ق. به وزارت معادن منصوب شد و تا ۱۳۳۳ ه.ق. که در سن ۸۴ سالگی در تهران فوت کرد، بارها وزیر فواید عامه، تجارت و فرهنگ بود.

۸. ابوالفتح میرزا سالار الدوله

وی فرزند سوم مظفرالدین شاه و متولد ۱۲۹۸ ه.ق. / ۱۲۶۰ ش. بود و دو برادر دیگرش، محمدعلی میرزا و ملک منصور میرزا نام داشتند. او در ۱۳۱۵ ق. در هفده سالگی حاکم کرمانشاه شد و در اثر بدرفتاری با رعایا، از سوی پدرش از حکومت آن منطقه معزول و در ۱۳۱۶ ق. به پیشکاری میرزا محمودخان به حکومت زنجان و سپس به حکومت عربستان و بعدها به حکومت خوزستان، لرستان، بروجرد و بختیاری منصوب گردید.

سالارالدوله در ۱۳۲۵ ق. بر علیه برادرش محمدعلیشاه قیام کرد، اما سرکوب شده و به کنسولگری انگلیس در کرمانشاه پناهنده شد و بعد با دریافت امان‌نامه، خود را تسلیم نماینده شاه کرد و به تهران آمد. وی بار دیگر از اوضاع آشفته سال ۱۳۲۹ ق. استفاده کرده و خود را در غرب کشور شاه نامید. در این ایام محمدعلیشاه که از سلطنت خلع شده و به همراهی برادرش ملک منصور میرزا شعاع السلطنه از راه دریای خزر با مقداری اسلحه و نفرت، وارد ایران شده بود، سالارالدوله به طرفداری از وی به سوی تهران هجوم آورد. در این هنگام مجلس شورای ملی در چهارم شعبان برای دستگیری و یا کشتن محمدعلی میرزا، یکصد هزار تومان، و برای شعاع السلطنه و سالارالدوله، هر کدام ۲۵/۰۰۰ تومان جایزه تعیین کرد. وی در جنگی که در نزدیک تهران درگرفت، شکست خورده و به عراق فرار کرد و دولت تمام اموال وی را مصادره نمود. سالارالدوله از عراق به سویس رفته و مدتی در آنجا اقامت کرد و در ماجرای شیخ خزعل، وارد اهواز شد و پس از دستگیری وی، دوباره به اروپا و سپس به مصر رفت و در هشتاد سالگی در اسکندریه فوت کرد. وی از شاهزادگان بی‌بندوبار قاجاریه و آلت‌دست بیگانگان بود و حتی گذرنامه انگلیسی داشت.^۱

۹. ارنست هرتسفلد Prof. Ernest Hertzfeld

مستشرق و ایران‌شناس آلمانی که در شناسایی خطوط و زبانهای قدیم و احاطه بر تاریخ

۱. مرسلوند، حسین، *زندگینامه رجال و مشاهیر ایران*، ج چهارم، صص ۱۱-۱۲.

ایران‌باستان از اعجوبه‌های زمان بود. نامبرده که پروفیسور دانشگاه برلن بود، در ۱۳۰۹ ش. به نمایندگی و هزینه «مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو» که ریاست آن با پروفیسور «جیمز برستد» بود، خاکبرداری و عملیات علمی وسیع از تخت جمشید را آغاز کرد و در این راه متحمل زحمات زیادی شد و نزد اهل فن، نام تخت جمشید پیوسته یادآور نام این دانشمند است وی توانست کتیبه‌های آنجا را بخواند. کارهای «هرتسفلد» در تخت جمشید که باعث مشهور شدن هرچه بیشتر او در جهان و در مجامع علمی شده بود، موجب غرور او نیز گردید و لذا وی از بعضی حرکات توهین‌آمیز نسبت به ملت ایران خودداری نمی‌کرد. در ۱۳۱۳ ش. هنگامی که ولیعهد سوئد به ایران مسافرت کرده بود، هرتسفلد بدون اجازه مقامات ایرانی، چند قطعه از اشیای تخت جمشید را به وی هدیه کرد، علاوه بر آن مقداری از اشیای عتیقه را نیز به نام وسایل شخصی خود، با وسایل ولیعهد از کشور خارج کرد که در نهایت اینگونه کارهای وی، موجب خاتمه دادن به اقامت او در ایران شد.

هرتسفلد، در حدود ۱۹۰ کتاب، رساله و مقاله مربوط به تاریخ، زبان و ادیان ایران، کلد، ایلام قدیم و اسلام نوشت. او کتاب مهمی درباره صنعت ایران قدیم منتشر ساخت که به نام «ایران و مشرق قدیم» معروف است. از جمله کارهای او کشف کتیبه پهلوی فیروزآباد و یافتن کتیبه‌های سر در مشهد، نزدیک کازرون است.

۱۰. عبدالصمد میرزا - عزالدوله

نامبرده متولد ۱۲۶۱ ه.ق. / ۱۸۴۵ م. و فرزند محمدشاه از یک زن ترکمن و برادر ناصرالدین شاه و عموی مظفرالدین شاه بود. وی از ۱۲۹۱ ه.ق. به مدت دو سال، حاکم همدان بود و بارها به وزارت دادگستری و تجارت منصوب شد. در ۱۲۹۸ ه.ق. / ۱۸۸۱ م. برای شرکت در مراسم تاجگذاری الکساندر سوم امپراطور روس، در رأس هیأتی به مسکو رفت. عزالدوله در ۱۳۱۹ ه.ق. پس از سالارالدوله به حکومت زنجان منصوب شد. نامبرده دارای سه پسر به نامهای: حسین قلی میرزا، عمادالسلطنه، قهرمان میرزا و فریدون میرزا بود.^۱

۱. جرجیل، جرج، پ. فرهنگ رجال قاجاریه، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، چاپ اول تهران، انتشارات

فصل اوّل

هیأت‌های آلمانی

۱۳۱۷ هـ ق / ۱۸۹۹ م.

الی

۱۳۱۸ هـ ش / ۱۹۳۹ م.

شماره سند: ۱

تاریخ: ۱۲ ژوئن ۱۸۹۹ [م. ۳ / صفر ۱۳۱۷ هـ ق / ۲۳ خرداد ۱۲۷۸ هـ ش]

فرستنده: گودریتسکی

گیرنده: صدراعظم^۱

موضوع: درخواست تعیین تکلیف برای شروع به کار

نمره: -

قربان حضور مبارک کردم در باب عمل معادن طلا، استدعا از خاکپای مبارک دارم که مرحمت بفرمائید، برفوری تکلیف چاکر را معلوم بفرمائید که موقع کار از دست می‌رود و در موقع کار چاکر در تابستان که می‌شود کارکرد، زمستان کار خیلی مشکل است، در هر صورت مرحمت و التفات بفرمائید که تکلیف چاکر معلوم شود.*

امر، امر، امر حضرت اجل اشرف است

محل امضای گودریتسکی

۱۲ ژوئن ۱۸۹۹

[نوشته حاشیه به خط صدراعظم:]

جناب مشیرالملک ملاحظه نمایند که چه می‌گوید

راپرت کنید، به عرض برسد.

۱. در آن تاریخ میرزا علی اصفرخان اتابک اعظم، صدراعظم بود.

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ هـ ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۲

تاریخ: ۱۹ صفر ۱۳۱۷ [ه ق / ۷ تیر ۱۲۷۸ ش. / ۲۸ ژوئن ۱۸۹۹ م.]

فرستنده: شیندلر

گیرنده: (مشیرالدوله)

موضوع: دریافت رونوشتی از امتیازنامه گودریتسکی و اشکال داشتن آن از نظر مکان طلاجویی و نبودن امضای شریک وی در قرارداد
نمره: -

فدایت شوم روز پنجشنبه جناب عالی فرموده بودند که در مسئله [مسأله] امتیاز طلاجویی و کاریکه [کاری که] تبعه آلمان، مسیو گودریتسکی خواسته، بعضی اقدامات بنمایم، تفصیلات لازمه را نوشته (و) روز جمعه پیش او فرستادم. شب یکشنبه، نسخه امتیازنامه از او رسید و جواب دادم که روز سه شنبه آن را به حضور جناب عالی خواهم رسانید. دیروز که روز سه شنبه بود، به رستم آباد آمده و خواستم امتیازنامه مزبور را با چیزهای دیگر که جناب عالی فرموده بودند که بنویسم تسلیم نمایم، ولی جناب عالی به شهر تشریف برده بودند. دیشب مسیو گودریتسکی به بنده نوشت که با جناب مشیرالملک امروز ملاقات کردم و آن جناب مکرراً به من فرمایش کردند که نسخه را از شما پس بگیرم و خودم در رستم آباد تسلیم نمایم تا عمل قطع شود، به این صورت نسخه امتیازنامه را که به شما دادم، پس بفرستید. نسخه را فوراً پس فرستادم، اما به نظرم می آید که جناب عالی طور دیگری به گودریتسکی فرمایش فرمودند. نسخه به ترتیبی که جناب عالی خواسته اند، نوشته شده است، اما بی عیب نیست. عوض ایالات گیلان و مازندران و قزوین که به گودریتسکی گفته بودم بنویسد، ایالات مازندران و خمسه و همدان را انتخاب کرده است. گویا مدّت مدید است که حکومت همدان، طلاشوری را به یهود واگذار نموده و اجازه را وصول می نماید، و اجازه دادن به گودریتسکی برای طلاجویی و شوری، در آن ایالات یحتمل مناسب نمی باشد. عیب دیگری این است که امضای شریک، مسیو گودریتسکی یعنی میرزا محمدعلی موجود نیست و بدون امضای شریک، قرارداد بی اعتبار است. مسیو گودریتسکی پولی برای وجه

ضمانت ندارد. اگر حکم دیگری نشود، فردا پنجشنبه خدمت جناب عالی خواهم رسید.*

مخلص شیندلر

۱۹ صفر ۱۳۱۷

ضمیمه سند شماره ۲

- امتیاز طلاشوری و استخراج طلا از معادن در کلّ ممالک ایران که تبعه آلمان مسیو گوردیسی میخواست
میخواهد

- دو سال قبل از این شخصی از تبعه انگلیس، چنین امتیاز را خواسته [بود] از جانب دولت علیه فرمایش صادر شد که دادن امتیاز برای یک یا دو ایالت عیبی ندارد، ولی برای کلّ ممالک ممکن نیست و نیز دولت علیه شرایط خیلی سخت تر از شرایط مسیو گوردیسی معین کرده، عمل موقوف شد.

- پارسال مسیو گوردیسی این امتیاز را از جناب مشیرالدوله خواست و می گفت که جناب اشرف صدراعظم، مساله را قبول فرموده اند ولی جواب شد که داده نخواهد شد. امسال مسیو گوردیسی مجدداً آمده و نیز می گوید که جناب اشرف صدراعظم، عمل را قبول فرموده اند و امید کلی دارد که امتیازنامه به زودی داده شود.

- مسیو گوردیسی و آقا میرزا علی رشتی، انحصاراً طلاجوری [شوری] و کارکردن معادن طلا در کلّ ممالک ایران [را] برای مدت بیست و پنج سال می خواهند و از منفعه بعد از خرج، دو عشر به دولت علیه خواهند داد.

- عطا نمودن انحصاری را برای کلّ ممالک خوب نیست.

- تعیین نمودن حقّ دولت به دو عشر در معادن مس یا آهن یا غیره عیب ندارد، اما در معادن طلا حقّ دولت باید بیشتر از آن باشد.

- وجه ضمانت نیز قید نشده است. در هر امتیازی که دولت علیه قبول فرماید، خوب است وجه ضمانت را بخواهد و الاً اشخاص فصول و بی پول دولت علیه را بدنام خواهند کرد.

اگر چنانچه رأی دولت علیه بر این است که چنین امتیاز به مسیو گوردیسی داده شود، مستدعی هستم که فرمایشی شود که اقدامات لازمه را به عمل بیاورم و امتیازنامه صحیحی را بنویسم و الاً اگر رأی دولت علیه بر این است که داده نشود، خوب است که مسیو گوردیسی را به زودی مطلع سازم که توقف او در دارالخلافه فایده ندارد و به کار خود مراجعت نماید.

شماره سند: ۳

تاریخ: ۲۴ ربیع الاول ۱۳۱۷ هـ ق / ۱۲ اوت ۱۸۹۹ م. [۱۱/ مرداد ۱۲۷۸ ش]

فرستنده: دکتر گودریتسکی

گیرنده: «مشیرالملک» وزیر امور خارجه

موضوع: ملاقات با مسیو «نوز» در مورد تنظیم قرارنامه و درخواست اجازه عزیمت به وی قبل از

زمستان

نمره: -

خدمت مستطاب اجل اکرم آقای مشیرالملک وزیر امور خارجه دام اقباله العالی

معروض می دارد

در باب قرارنامه معدن طلا، پریروز گذشته، خدمت مسیو نوز بودم، و قرار بر این گذارده شد که مسیو نوز، قرارنامه را به نظر مبارک برسانند، امیدوارم تاکنون حضور مبارک رسیده و قرارنامه را خدمت حضرت مستطاب اجل عالی داده است. در قرارنامه همچو [چنین] قرار گذارده شد که در هر ماه یک راپرت به جهت رئیس معدن طلاها، مهندس ممالک بدهیم که چه شده است. پس در این صورت استدعا دارم که مرخص فرمائید تا زمستان نشده است بروم، بلکه یک کاری صورت بدهم، چونکه در ایام زمستان خیلی مشکل است کارکردن معدن، و نخواهد شد. الامرا اجل مطاع

[نوشته های حاشیه: تمام عقیده حقیر آن است که خدمت به دولت کرده باشم، پس امید چنانم که همراهی نموده، بزودی مرخص فرمایید که زحمت حقیر، به هدر نرفته باشد.*]

محل امضاء دکتر گودریتسکی

تهران - ۱۲ اوت ۱۸۹۹

شماره سند: ۴

تاریخ: [ربیع الثانی ۱۳۱۷ هـ ق / مرداد ۱۲۷۸ ش / ۱۸۹۹ م.]

فرستنده: [گودریسکی]

گیرنده: [وزیر امور خارجه]

موضوع: پاسخ ندادن نوز و سخت بودن زندگی و تهیة آذوقه در هوای خشک تهران و اینکه در معدن طلا فقط در تابستان امکان کارکردن است که نفع زیاد عاید دولت می شود و درخواست کمک به وی.

نمره: -

به شرف عرض حضور مبارک سرکار حضرت عالی می رساند:

به نوشته شرح شرافت اشراح حضرت عالی، در مهمات صحیح و سلامتی است، ضمناً درخصوص معدن طلا که با «نوز» قراری داده شود، اصلاً از او خبری و اطلاعی حاصل نشد. خود جناب عالی می داند که وضع هوای خشک تهران چه [چگونه] است، و تحصیل آذوقه و طعام چقدر سخت است. پارسال را تمام تابستان بودم و امسال را هم نصف تابستان گذشته، و این کار معدن هم، جز تابستان [در] فصل دیگر، پیشرفت کاملی ندارد، یعنی ممکن نیست. پس از حضرت عالی خواهش می نماید که قرار درستی در کار بگذارید که بنده بیکار نباشم و به زودی سرکار خود بروم و مشغول خدمات باشم. بر خود حضرت عالی واضح است که این کار، محض خیرخواهی دولت بهیة ایران و منفعت کامل او است. البته ان شاء الله امیدوارم که فواید و منافع کلی، از برای دولت حاصل گردد، و عن قریب نتیجه خدمات این بنده بر عموم مردم معلوم شود، البته طریقی بفرمایید که خود دولت هم، همراهی در کارها داشته باشد. زیاده معطل بودن بنده در اینجا، صورتی ندارد و جز اینکه وقت و مال و جان را بانهایت دشواری تلف کنیم از حضرت عالی خواهش می نمایم که دست تمشیت در کار بگذارید، و جواب صحیح خوبی مرحمت بفرمایید.

این قراری که داده شده است، خیلی سخت و مشکل است، ولی مانع ما نیست، بنده چون می خواهم که خدمتی نمایان به دولت کرده باشم، لهذا منتقل کردم، جناب عالی طوری بفرمایید که بنده زود سر خدمت حاضر گردم تا وقت نگذشته است.*

شماره سند: ۵

تاریخ: ۱۱ جمادی الأول ۱۳۱۷ [هـ ق / ۲۶ شهریور ۱۲۷۸ ش.] ۱۸ سپتامبر ۱۸۹۹ م.

فرستنده: دکتر گوردیسکی

گیرنده: مهندس الممالک

موضوع: انتظار چهارماهه وی در دارالخلافه جهت واگذاری عملیات معدن طلای زنجان و صرف هزینه اقامت و انتظار خانواده وی در روسیه و درخواست تقدیم قرارنامه به شاه و کسب تکلیف.

نمره: -

خدمت جناب جلالت مآب، اجل اکرم افخم آقای مهندس الممالک

زحمت عرض می دهد. از چهارماه قبل از این، به موجب دستخط مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم، آقای صدراعظم مدظله العالی از ری به دارالخلافه آمده که عمل معدن طلای زنجان را به فدوی واگذار نمایند. از جانب دیوان کیش هم قبول نموده آمده. حال مدتی گذشته است و عیال و اطفال، در روسیه منتظر می باشند و هم اینکه ناخوش شده ام، این فقره اسباب دلتنگی بنده شده [است]. دیگر آنکه مخارج کلی در تهران باید کرده شود، یک مخارج هم در روسیه و مخارجی هم در رشت. خواهش می دارم، مرحمتی فرموده، قرارنامه را به حضور مبارک اعلیحضرت قدر قدرت همایونی روحانفاده، رسانیده از این جهت آسوده خاطر به دعاگویی وجود مبارک پادشاه مشغول باشم. تمام مقصود فدوی است که خدمت به دولت علیه کرده باشم. و در این ضمن هم از مراقبت و التفات پادشاهی لقمه نانی تحصیل نموده، صرف عیال نمایم. زیاده جسارت است.*

الامر العالی مطاع، مطاع

[نوشته های حاشیه:] خواهش دارم تا بتوانید زودتر فدوی را مرخص به فرمایید و قبول عرض مرا به فرمایید.

محل امضای دکتر گوردیزکی

به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۸۹۹

شماره سند: ۶

تاریخ: ۱۶ جمادی الاول ۱۳۱۷ هـ ق / ۲۳ سپتامبر ۱۸۹۹ م. [۱ مهرماه ۱۲۷۸ ش.]

فرستنده: گودریتسکی

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: آمدن از ری به دارالخلافه به دستور صدراعظم برای واگذار کردن کارهای معدن طلای زنجان و درخواست تعیین تکلیف پس از گذشت چهار ماه.

نمره: -

حضور مبارک جناب جلالت مآب اجل اکرم افخم آقای مشیرالدوله زحمت می‌دهم در چهارماه قبل اینجانب به موجب دستخط مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای صدراعظم، مدّظله العالی، از ری به دارالخلافه آمده که عمل معدن طلای زنجان را به فدوی واگذار نمایند، ارادت کیش قبول نمودم آمده [آدم] حال مدّتی گذشته است، عیال و اطفال در روسیه منتظر می‌باشند و همچو دانسته‌اند که ناخوش شده‌ام، این فقره اسباب دلتنگی شده است. دیگر اینکه مخارج کلّی در تهران باید کرده شود، یک مخارج هم در روسیه و مخارج دیگر در رشت، در این صورت خواهش دارم، مرحمت فرموده قرارنامه را به حضور مبارک اعلی حضرت قدر قدرت همایونی روحانفاده رسانیده، از این جهت آسوده خاطر به دعاگویی وجود مبارک پادشاه مشغول باشم. تمام مقصود فدوی این است که خدمت به دولت علیه کرده باشم و در ضمن لقمه نانی تحصیل نموده، صرف عیال نمایم. امر، امر مبارک حضرت مستطاب اجل عالی است.*

محل امضای گودریتسکی

تهران ۲۳ سپتامبر ۱۸۹۹

شماره سند: ۷

تاریخ: ۱۶ جمادی الاول ۱۳۱۷ [هـ ق / ۱ مهرماه ۱۲۷۸ ش. / ۲۳ سپتامبر ۱۸۹۹ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: دکتر گودریسکی

موضوع: تسلیم نامه گودریسکی به صدراعظم.

نمره: ۲۳۶۰

سواد کاغذ از وزارت خارجه به دکتر گودریسکی

از مضمون رقعہ اطلاع حاصل شد، دو روز قبل مراتب را به حضور حضرت مستطاب اشرف ارفع اکرم صدراعظم، دام اجلاله عالی رسانیدم. وعده فرمودند در سرخه حصار ملاحظه فرموده، بفرستند. انشاء الله فردا که آمد، به اردو می رود، عرض و استدعا خواهم کرد و این دو سه روزه خواهم فرستاد.^۱

مشیرالدوله

۱. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۲۱۷ هـ ق، صندوق ۲۲، پرونده ۳.

شماره سند: ۸

تاریخ: [جمادی الاول ۱۳۱۷ هـ ق / ۱۲۷۸ ش / ۱۸۹۹ م.]

فرستنده: وزارت معادن

گیرنده: (صدراعظم)

موضوع: گزارش وزارت معادن در مورد امتیازنامه تجسس و اکتشاف معادن طلای کاوند خمره: -

راپرت وزارت شریفه معادن

امتیازنامه تجسس و اکتشاف معادن طلای کاوند خمره، که برحسب دستخط آفتاب نقطه مبارک، مقرر شده بود در وزارت معادن رسیدگی شود، از قرار این راپرت به عرض می‌رسد. چون در بیست و پنج سال قبل، در حدود کاوند قطعه سنگی به توسط یاری پیدا شده است که در صد جزو آن، پنجاه جز طلای خالص بود، و خود این بنده درگاه، شخصاً آن سنگ را تجزیه نموده است، پس احتمال وجود یک چنین معدن غریب، فوق‌العاده در آن حدود می‌رود. اگر چه چندین سال متوالی، مأموران متعدده، با مخارج کثیره از طرف دیوان، در مقام تجسس برآمده‌اند، و عاقبت عمل آنها بی‌نتیجه مانده ولی عدم وجود آن معدن هم به ثبوت نرسیده [است] و احتمال می‌رود، به توسط آلات تجسس که فعلاً به دست فرنگیان است. آن رگ معدن به دست بیاید، در این صورت معدن کاوند را می‌توان گنج گفت، نه معدن، و هیچ روا نخواهد بود که یک چنین گنجی به موجب امتیاز، به خارجه داده شود. محض رفع این علت، چهار فصل دیگر بعد از چند مجلس مذاکره با صاحب امتیاز، ضمیمه شده و او را مجبور در قبول آن فصل نموده است، که هر یک برای دیوان اعلیٰ خیلی صرفه و اهمیت دارد. خصوصاً در یکی از آن فصل، صاحبان امتیاز را مجبور کرده‌ایم که اگر معدن طلایی یافت شود که در شصت و دومین و نیم تبریز، زیاده از یک مثقال طلا داشته باشد. باید آن معدن را بدون مطالبه هیچگونه خسارت به دولت علیه واگذار نماید، به موجب این فصل، اگر معدن معروف کاوند، کشف شود، به دولت علیه علاقه خواهد گرفت، نه به صاحبان امتیاز، امر، امر مبارک است.*

محل مهر نظام الدین

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ هـ ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۹

تاریخ: [۱۳۱۷ هـ ق / ۱۲۷۸ ش / ۱۸۹۹ م.]

فرستنده: [صدراعظم]

گیرنده: [مظفرالدین شاه]

موضوع: درخواست صدور دستور در مورد امتیازنامه گودریتسکی و دست‌نوشته شاه مبنی بر مذاکره حضوری

نمره: -

مسئو گودریتسکی رعیت آلمان است؛ چند سال است در رشت توقف دارد؛ چندی قبل نصرالسلطنه نوشت که این شخص طالب امتیاز بعضی معادن است و مدعی است که در پاره‌ای جاها، معدن به طلا هم می‌رسد. حالا در تهران است و امتیازنامه نوشته‌اش که به عرض می‌رسد. مقصود از تقدیم امتیازنامه او این است که به هر طور امر و مقرّر شود، جواب این نوشته او صادر شود.

[نوشته حاشیه به خط مظفرالدین شاه]

جناب اشرف صدراعظم، این امتیازنامه را خودتان به حضور بیاورید، حضوراً ملاحظه و در اطراف آن مذاکراتی که لازم است بشود.*

امضای مظفرالدین شاه

شماره سند: ۱۰

تاریخ: جمادی الاولی ۱۳۱۷ هـ [مهر / ۱۲۷۸ هـ / اکتبر ۱۸۹۹ م.]

فرستنده: -

گیرنده: -

موضوع: قرارنامه اجازه تجسس و استخراج طلا و یا خاک طلا داد در کاوند خمره فی مابین دولت ایران با موسیو «گودریسکی» آلمانی و شریک او «میرزا محمدعلی» پسر مرحوم حاجی معین التجار رشتی، بامضا و دستخط مظفرالدین شاه در ۸ فصل و ۴ فصل الحاقی

نمره: -

قرارنامه

فیما بین دولت اعلیحضرت اقدس شهرباری ایران، ادام الله سلطنته و موسیو «گودریسکی» تبعه دولت فخریه آلمانی با شریک خود، میرزا محمد علی پسر مرحوم حاجی معین التجار رشتی، تبعه ایران شرایط و معاهدات ذیل مقرر، و امید که بخوبی در موقع اجرا گذاشته شود.

فصل اول

دولت اعلیحضرت شهرباری ایران، اجازه تجسس و استخراج نقاط طلا دار و یا خاک طلا دار را در ایالت خمره، در محلی که موسوم است به کاوند و از اطراف تا پنج فرسنگ، به موسیو گودریسکی و میرزا محمدعلی اعطا و مرحمت می فرمایند. موسیو گودریسکی، با شریک خود میرزا محمدعلی، می توانند در کمال آزادی در اراضی بایر که خالصه و متعلق به اعلیحضرت شهرباری است، تجسّسات و تحقیقات بنمایند، اما در اراضی محصوره و همین طور در اراضی که متعلق به رعایاست، حق ندارند تجسّسات به عمل آورند، مگر پس از اطلاع هشت روز اقل و با دادن یک مبلغ وجه الخسارت، به مالک آن اراضی که معادله نماید، خواه با قیمت اینه و خواه با اشجار و حاصلی که در آن اراضی می باشد، و در صورت اختلاف یا نزاع، تعیین وجه الخسارت، از طرف دولت علیه خواهد بود، و دولت علیه مراقبت خود را در اجرای

کارهای لازمه، معمول خواهد داشت، ولی مساجد و اماکن مقدّسه از حوزه این امتیاز خارجند.

فصل دویم

تمام مخارج تجسّسات و تفتیشات و سایر مصارف، همینطور مخارج استخراج معدن در عهده صاحبان امتیاز خواهد بود، و صاحبان امتیاز، تمام مخارج و مصارف یومیّه را روز به روز در دفتر مخصوص ثبت و ضبط خواهند کرد، و این دفتر باید تمام اوراقش مؤشع به امضای جناب جلالت مآب وزیر معادن باشد و همچنین باید ماهی، یک سواد دفتر محاسبات خودشان را، برای جناب وزیر معادن به فرستند.

فصل سیّم

دولت علیه اعلیحضرت شهرباری، اجازه انحصار و استخراج و اکتشاف و انتخاب کردن نقاط طلادار و خاک طلادار را به صاحبان امتیاز، مطابق شرایط مقررّه ذیل در ناحیه سابق الذکر، اعطا می فرماید.

اولاً به محض استکشاف یک محلّ طلادار، به هر قسم که باشد، صاحبان امتیاز باید فوراً به توسط یک راپرت مفصّلی و با دو صفحه نقشه آن محلّ، اطلاع رسمی به دولت علیه ایران بدهند، و اگر تخلف نمودند، مبلغ یک صد هزار قران به عنوان جریمه به دولت علیه خواهند داد، و آن راپرت را باید لااقلّ پانزده روز بعد از انکشاف آن محلّ به طهران به رسد و صاحبان امتیاز، می باید در راپرت خودشان، مشروحاً اطلاع بدهند که آیا این محلّ قابل استخراج است یا خیر، و همین طور با تفصیل، مقاصد خودشان در خصوص استخراج آن محلّ مکشوفه.

ثانیاً صاحبان امتیاز قبل از استخراج معدن، خواه از حیث شستن خاک طلادار، یا پختن خواه از حیث عمل یدی هر چه باشد، باید یک وجه الضمانه که عبارت باشد از ده هزار تومان، یا اشرفی یا قران رایج ایران به دولت علیه ایران بدهند که آن مبلغ باید به عنوان وجه الضمانه از بابت ادای حقوق دولتی که بعد ذکر می شود، و همچنین از برای درستی اجرای فصول این قرارنامه، در نزد دولت علیه باشد.

ثالثاً صاحبان امتیاز یک حقّی که عبارت است از نصف دخل خالص معدن مستخرجه، به دولت علیه ایران خواهند داد و ادای آن حقوق باید در تهران، بعد از پانزده روز، در آخر هر شش ماه کرده شود.

رابعاً از برای وجه الضمانه فوق‌الذکر، مباحه‌ای منظور خواهد شد، از قرار صدشش که در آخر هر سالی، یا دستی به صاحبان امتیاز داده می‌شود و یا اینکه آن منفعت را از مبلغ حق دولتی کسر کرده، بقیه را به دولت علیه خواهند پرداخت.

خامساً وجه الضمانه در آخر مدت امتیازنامه، به صاحبان امتیاز داده خواهد شد و یا سه ماه بعد از اینکه، صاحبان امتیاز، متارکه عمل استخراج خود را به دولت علیه اطلاع دادند، و در آن صورت باید که تمام اسباب و آلات استخراج معدن از خورد کردن [خرد کردن] و پختن و شستن و سایر، به کلی از آن محل برداشته شده باشد.

سادساً در صورتی که صاحبان امتیاز از شرایط این قرارنامه حاضره، کوتاهی نموده و مخصوصاً از اینکه معادن مکشوفه جدید را در هنگامش اطلاع ندهند و یا اینکه در ثبت و ضبط محاسبات خودشان، از کلی و جزئی، نقصان نمایند، وجه الضمانه مزبوره، به دولت علیه تعلق خواهد گرفت.

سابعاً صاحبان امتیاز می‌توانند فوراً پس از دادن وجه الضمانه، شروع به عمل استخراج نمایند و دولت علیه، یکنفر مأمور، یا چندین مأمور خواهد فرستاد، برای تحقیقات عمل استخراج، و همچنین در خصوص محاسبات و دخل و خرج آنها، بدون آنکه آن مأمور و یا مأموران حق داشته باشند که در کارهای راجعه به استخراج مداخله نمایند. مواجب مأمور اول، در ماهی صدتومان در اول شروع به کار تعیین شده، بعدها بر آن مبلغ افزوده خواهد شد. همچنین هرگاه اهمیت عمل استخراج اجازه بدهد، مواجب یکنفر مأمور ثانوی، به اطلاع و صوابدید طرفین معین و داده خواهد شد، و مبلغ مواجبه در جزو مخارج عمومی محسوب خواهد گردید، و در صورت پرداختن آن مواجبه، آن وقت تمام وجه آن مواجبه به انضمام صدی بیست علاوه حق دولت خواهد بود، و دولت آن مبلغ را از وجه الضمانه فوق‌الذکر برخواهد داشت.

ثامناً تمام نوشتجات و محاسبات این کار، چه در خصوص استخراج معدن و چه در خصوص ثبت دفتر، باید در دفتری که اوراق آن موشح به امضای جناب وزیر معادن یا مأموری که از جانب ایشان است باشد.

فصل چهارم

دولت علیه ایران متعهد می‌شود که مراقبت خود را در تسهیل امورات به انکشاف و استخراج صاحبان امتیاز مضایقه نکرده و در تحت حمایت خود، اطمینان بدهد که در حدود محدوده مذکوره فوق، صاحبان امتیاز در کمال آزادی بتوانند تجسس و تحقیقات نمایند و احکامات و اقدامات لازمه در این خصوص از طرف سنّی الجوانب، در موقع لزوم داده و کرده خواهد شد.

فصل پنجم

عملیات تجسس و استخراج معدن به هیچوجه مانع از عمل فلاح و آبیاری دهات نخواهد توانست شد.

فصل ششم

صاحبان امتیاز می‌توانند در این خصوص، تحصیل شرکا نمایند، مشروط بر آن که فوراً به دولت علیه اطلاع بدهند، ولی صاحبان امتیاز حقوق خودشان را بدون اجازه دولت علیه به احدی نمی‌توانند واگذار و یا بفروشند.

فصل هفتم

مدّت این امتیازنامه حاضره، عبارت است از بیست و پنج سال، که از ابتدای تصویب امضای این قرارنامه محسوب خواهد شد، مع هذا این امتیاز، پس از دو سال از درجه اعتبار ساقط خواهد بود اگر چنانچه صاحبان امتیاز، در این مدّت دو سال، معدنی انکشاف نکرده و وجه الضمانه مذکوره در فصل سیّم را پرداخته باشند.

فصل هشتم

در صورت نزاع و گفتگوی راجع به اجرای این قرارنامه حاضره، به حکمیت دو نفر حکم، که هر یک از طرفی تعیین شده باشد، این مسئله [مسأله] تسویه خواهد شد، و در صورت عدم اتفاق آن دو نفر حکم، تعیین خواهند نمود، و اگر در تعیین حکم دیگری اتفاق ننمودند، در آن وقت، انتخاب آن حکم به استصواب حضرت مستطاب اجلّ اشرف اعظم صدارت عظمی، مدظله العالی و جناب فخامت نصاب وزیرمختار آلمانی خواهد شد.

فصولی که پس از مذاقه در وزارت شریفه معادن افزوده شده‌اند

فصل اوّل

عموم کارگران و عملجات [عمله‌های] انکشاف از تبعه دولت علیه ایران خواهد بود، مگر معلمین [معلمان] و اشخاص کارگر علمی که از خارجه می‌باشند، و در صورتی که از تبعه دولت علیه ایران به درجات کارگران علمی، متدرجاً نایل شوند، البته مستخدم داشتن آنها، به جای تبعه خارجه مرجح خواهد بود.

فصل دویم

صاحبان امتیاز متعهد می‌شوند:

اولاً در صورتی که عیار ماهانه معدن به یک چهل هزارم $\frac{1}{40,000}$ به رسد، فوراً به دولت علیه ایران اطلاع بدهند.

ثانیاً هرگاه آن عیار، در مدّت سی روز متوالی از حدّ مزبور تجاوز نماید (یعنی باید در سنگ و شنی که در مدّت یک ماه از معدن استخراج شده [است] امتحان به عمل آید و هرگاه بر روی هم، در شصت و دو من ونیم تبریز، سنگ یا شن طلا دارد، زیاده از یک مثقال طلا یافت شود) صاحبان امتیاز متعهد می‌نمایند که معدن مزبور را بدون مطالبه هیچگونه وجه‌الخساره، به دولت علیه واگذار نمایند، در این صورت دولت علیه باید آلات و ادوات صنعتی و ابنیه و غیره صاحبان امتیاز را بدون استثناء به قیمتی که دو نفر ممیز تعیین نمایند، از آنها خریداری نمایند و هرگاه اختلافی در برآورد آن قیمتی که آن دو نفر ممیز معین نموده‌اند، بشود، ممیز ثانی به موجب شرایطی که در فصل هشتم فوق، معین شده است، تعیین خواهد گردید، و به عوض حقّ الزحمه و خسارت انکشاف آن معدن، که به صاحبان امتیاز وارد شده است، دولت علیه متعهد می‌شود که هرگاه عیار ماهانه از یک چهل هزارم تجاوز کرد و بخواهد معدن را ضبط کند، به صاحبان امتیاز یک امتیاز جدیدی، به همین مدّت و به همین شرایط، یا برای طلاشویی رودخانه آستانه عراق که از کوه معروف به «شیرمرد» جاری می‌شود و یا برای طلاشویی در جلگه کوه «زر» دامغان، به میل صاحبان امتیاز اعطا فرمایند.

فصل سیّم

چون در اغلب معادن طلا، فلز نقره، مخلوطاً با طلا یافت می‌شود، دولت علیه به

صاحبان امتیاز اجازه استخراج و فروش حاصل مستخرجه از معادن را می دهند، خواه آن سنگ معدنی نقره مخلوطاً با طلا داشته باشند، یا نداشته باشند. ولی در صورتی که نقره مخلوطاً با طلا یافت شود، صاحبان امتیاز متعهد می شوند که فوراً به دولت علیه اطلاع بدهند، شرایطی که در فوق برای عیار معدن ذکر شده اند، نه تنها بر عیار معدن طلای فقط، بل (بلکه) به عیار طلای مخلوط به نقره، به هر تناسب که باشد، جاری می باشد.

فصل چهارم

در صورت عدم مطابقت ترجمه فرانسه با فارسی، ترجمه فارسی معتبر خواهد بود.*

محل مهر صدراعظم

محل دستخط مظفرالدین شاه

مواد دستخط آفتاب نقطه، اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فدا در ذیل اصل نسخه قرارنامه

این قرارنامه را که جناب اشرف صدراعظم با مسیو کودروفسکی که تبعه آلمان است

بسته اند، صحیح است، ما امضا فرمودیم، فی شهر جمادی الاولی ۱۳۱۷

این قرارنامه از روی اصل نسخه که موشح به دستخط انجم نقطه همایونی ارواحنا فدا

است، نخستین در شهر دارالخلافه تهران نوشته و مبادله شده است. تحریراً فی غره شهر جمادی الثانی سنه یکهزار و سیصد و هفده هجری مطابق تنکوزئیل ترکی.

محل مهر سفارت آلمان در تهران

محل امضای گودریتسکی

شماره سند: ۱۱

تاریخ: ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۷ [ه ق / ۲۷ مهر ۱۲۷۸ ش. / ۱۹ اکتبر ۱۸۹۹ م.]

فرستنده: مشیرالدوله (رونوشت نامه)

گیرنده: معین السلطنه حاکم رشت

موضوع: در مورد عقد قرارداد با گودریسکی مبنی بر استخراج طلا از معدن کاوند

نمره: ۲۹۹۵

سواد کاغذ وزارت خارجه به معین السلطنه

۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۷

در خصوص معدن طلای کاوند از شرحی که نوشته بودید، مستحضر شدم؛ قرارنامه آن با مسیو گوردفسکی تمام شد. و به او تسلیم کردند و این روزها روانه است، و امیدوارم عمل خوبی باشد. زیاده چه نگارد.*

مشیرالدوله

شماره سند: ۱۲

تاریخ: ۲۷ نوامبر ۱۸۹۹ [م. / ۲۸ رجب ۱۳۱۷ ه.ق. / ۵ آذر ۱۲۷۸ ش.]

فرستنده: گودریسکی - رشت

گیرنده: (مشیرالدوله)

موضوع: ارسال نسخه‌ای از قرارداد و درخواست امضاء و مهر نمودن آن توسط وزیر خارجه و وزیر معادن جهت تسلیم به میرزا محمدعلی معین السلطنه شریک خود.
نمره: -

تصدق حضور مبارک کردم انشاء الله وجود مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم، به سلامت است. فدوی از طهران و حضور مبارک که مرخصی حاصل نمودم، به رشت آمدم که حساب و عمل شرکت خودم را با جناب جلالت مآب اکرم افخم، آقا محمدعلی معین السلطنه، دام اقباله رسیدگی نموده، از رشت بروم به زنجان، سرمعدن طلا. این کتابچه قرارنامه که دولت علیه ایران به شراکت ما دو نفر مرحمت فرمودند و سوادش نزد فدوی است یک همچون کتابچه‌ای هم باید نزد جناب جلالت مآب معین السلطنه شریک فدوی باشد، زیرا فدوی می‌روم به زنجان، و ایشان در رشت خواهند بود. البته لازم است که صورت قرارداد دولت علیه که سوادش مهور به مهر مبارک حضرت اجل عالی و جناب جلالت مآب اجل آقای وزیر معادن است، یک همچون سوادی هم بشود و نزد ایشان باشد، اکنون یک کتابچه از روی همان قرارنامه فرانسه و فارسی عیناً بدون کم و زیاد نوشته، و انفاذ حضور مبارک داشتم، مستدعی است مرحمت فرموده، ورق آخرش را به مهر مبارک مزین و مهور فرمائید و جناب جلالت مآب اجل آقای وزیر معادن را هم مقرر فرمائید، مهر فرمایند که نزد شریک فدوی، جناب معین السلطنه دام اقباله بماند. دیگر عرض ندارد.*

محل امضاء گودریسکی

شماره سند: ۱۳

تاریخ: ۲۶ آوریل ۱۹۰۰ [م. / ۲۶ ذیحجه ۱۳۱۷ ه.ق. / ۶ اردیبهشت ۱۲۷۹ ش.]

فرستنده: گوردیسکی از باکو

گیرنده: وزیر امور خارجه

موضوع: پرداخت نکردن شریک ایرانی وجهی به وی برای خرید لوازم طلاشوری

نمره: ۳۲۸

از کنتراکس ویل

جناب مستطاب وزیر امور خارجه

گوردیسکی از بادکوبه تلگراف کرده که شریک ایرانی رشتی او پول برای خرید اسباب
راکه طلاشوری (کنند) نمی دهد. حکم کنید پول را بدهد و معدن را دایر کنند.*

صدراعظم

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ق، صندوق ۲۲، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۴

تاریخ: ۹ صفر ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۷ خرداد ۱۲۷۹ ش. / ۷ ژوئن ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (رونوشت نامه)

گیرنده: معین السلطنه - رشت

موضوع: دریافت نامه‌ای از دکتر گودریتسکی مبنی بر کمک نکردن معین السلطنه به ری و

درخواست پاسخ

نمره: ۹۲۶

سواد کاغذ وزارت خارجه به معین السلطنه در رشت

عالی جناب مجدت همراه، دکتر گودریتسکی که در کاوند و معدن آنجا مشغول کار است، کاغذی نوشته است که در معدن می‌خواهد طلا استخراج نماید و مشغول استخراج است؛ ولی شما در مخارج، با او کمک نمی‌نمائید و به این جهت هنوز کار او پیشرفت نکرده است، و محتمل است بعد از آنکه فایده هم حاصل شد، این ایراد را بکند که شما در شراکت با او همراهی نکرده‌اید، جواب این فقره را خواهید نوشت که به مشارالیه اطلاع داده شود.*

نصرالله

* بایگانی مرکز و اسناد تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۵

تاریخ: ۹ صفر ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۷ خرداد ۱۲۷۹ ش. / ۷ ژوئن ۱۹۰۰ م]

فرستنده: وزارت امور خارجه [رونوشت نامه]

گیرنده: دکتر گودریتسکی در زنجان

موضوع: اعلام دریافت نامه گوردسکی مبنی تقدیم یک من طلای معدن به (مظفرالدین) شاه

هنگام سفر وی به زنجان

نمره: ۸۸۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به دکتر گودریتسکی در زنجان

کاغذ شما، مورخه ۲۵ شهر محرم رسید؛ از تفصیل استخراج طلا از معدن، و از اینکه می‌خواهید در موقع تشریف‌فرمایی موکب مسعود همایونی، روحنا فدا، معادل یک من طلای معدن حاضر کرده، و تقدیم نمایند مستحضر شدم؛ بسیار خوب است، و انشاءالله فایده خوب از معدن حاصل می‌شود؛ و در باب جناب مجدت نصاب معین السلطنه که اظهار نموده بودید، شرح لازم به مشارالیه نوشته. (و) فرستاده شد؛ بعد از رسیدن جواب، از هر جوابی بدهد، آن عالیجاه را مستحضر خواهم نمود.*

نصرالله مشیرالدوله

شماره سند: ۱۶

تاریخ: ۱۶ صفر ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۲۴ خرداد ۱۲۷۹ ش. / ۱۴ ژوئن ۱۹۰۰ م]

فرستنده: میرزا محمدعلی معین السلطان

گیرنده: [نصرالله مشیرالدوله]

موضوع: گزارش آشنایی معین السلطان با گوردیسکی و شرح طرز کار بی حاصل وی در کاوند
زنجان مبنی بر اطلاع نداشتن وی از کارهای معدنی و پرداخت پول به وی بیشتر از
سهم خود و قصد آوردن یک معدنچی از پاریس هنگام مراجعت
نمره:

تصدق حضور مبارک گردم امید از مبداء قرب چنانم که همواره وجود مبارک
ملازمان حضرت مستطاب اجل عالی، از آفات و بلیات در پناه حفظ خداوند مصون باشد.
دستخط مطاع زیارت شد؛ در باب مسیو گودریتسکی و عریضه او از زنجان به حضور مبارک
مرقوم فرموده‌اید، تاکنون محض اینکه اسباب تصدیع خاطر انور نشده باشم، حکایت این مسأله
را در پیشگاه حضور مهر، مشروح و مفصل عرضه نداشته بودم، در این موقع چون از طرف
ملازمان خود حضرت مستطاب عالی، اشاره به این مسأله شده، مختصری عرض می‌نمایم.
مسیو گودریتسکی در رشت معروف به این بود که قابله است و مختصر طبابتی هم
می‌کرد. فدوی هم با او آشنایی نداشتیم جز اینکه علی‌الرسم دو [یا] سه مرتبه صورتاً مشارالیه را
دیدم. سه سال قبل از این، آمد منزل و از حقیر وقت ملاقات خواست، آن هم مشروط به این
که خلوت باشد؛ به ضرورت تعیین وقت نمودم و با او ملاقات شد، ورقه‌ای از جلالت مآب
اجل اکرم، آقای امین الدوله دام اقباله نشان داد که مفهوم می‌شد به جلالت مآب معظم الیه در
باب امتیاز طلاشویی دماوند، عریضه عرض کرده [و] این ورقه را در جواب او مرقوم فرموده و او
را به تهران خواسته‌اند؛ بعضی نوشتجات [نوشته‌های] روسی هم نشان داد که از آنها مفهوم
می‌شد، یک زمانی این مرد در روسیه مشغول معدن جویی و طلاشویی بوده است؛ پس از آن
اظهار داشت که من از کار معادن به خوبی مستحضرم و دامنۀ دماوند را رفته‌ام (و) دیده‌ام، معدن
طلا دارد، با من شرکتی کن که بروم تهران، امتیاز معدن دماوند و سایر معادن طلای ایران را از

دولت تحصیل کنم. پس از گفتگوهای بسیار، مخارج این کار را به جهت او شمردم که این، کار آسانی نیست، مخارجش فلان و فلان است، اظهار داشت، تمام مخارج این کار، سیصد تومان است، دو سهم از این مبلغ را شما بدهید و یک سهم را من می‌دهم و خرج و خوراک من هم با خودم باشد. نفع این کار را، محض اینکه من زحمت می‌کشم، با هم به طور مناصفه قسمت می‌کنیم، و این سیصد تومان را جهت انکشاف طلا خرج می‌کنم؛ پس از آن همان طلای حاصله مکشوفه را می‌فروشم و دایره این کار را وسعت می‌دهم. اگر چه هر کس هر قدر بی اطلاع از عمل معدن باشد، باز می‌داند که این کارها، به این سهلی هم نیست، ولی چون خیلی اصرار کرد و شالوده را هم خیلی سهل و آسان گرفت و بر صدق اطلاعات خود هم، بعضی نوشتجات (نوشته‌ها) ارائه داد، ناچار محض وطن دوستی و ملت پرستی قبول کردم، چه، شاید فتح این باب در وطن عزیز بشود و خورده خورده (خرده خرده) اسباب ترقی و ثروت خود و هموطنان گردد، با اینکه یقین داشتم این کار مخارج گزاف دارد. حسابهای گران گران مشارالیه را پذیرفتم، و دو سهم مالش را که خودش تعیین نموده بود دادم، صد تومان سهم خودش را نداشت بدهد، آن را هم به دو قلم از فدوی قرض کردم و شرکت نامه نوشته شد، همان زمان به تهران فرستادم؛ مسیو مشارالیه هم پس از اخذ نتیجه، به دارالخلافه رفته، نوشته شرکت نامه را ممهور به مهر دولتی آلمان نمود.

پس از ورود او، جناب جلالت مآب آقای امین الدوله از صدارت معزول شده بود و سفیر آلمان هم در تهران نبود؛ در همان اوقات در خصوص مسیو مشارالیه، عریضه به حضور مبارک عرض کرده بودم، به هر جهت، چهار پنج ماه در تهران توقف نمود، (در) نتیجه مالش را که هم به مصرف مخارج یومیّه رسید، چون سفیر آلمان نبود و آقای امین الدوله هم منصوب نبودند که وفای به عهد کنند، نتوانست کاری از پیش ببرد به... و از آنجا به بخارا رفت، دو ماهی [ماه] در بخارا مکث کرده، معاودت به رشت نمود و اظهار داشت که در بخارا طاعون افتاده بود، محض اینکه دواى این مرض را بفهمم که شاید در ایران هم طاعون آید، بتوانم معالجه کنم، به بخارا رفته بودم، مجدداً شروع کرد که حالا به جهت تحصیل امتیاز، باید به تهران بروم، تنخواهی گرفته رفت؛ چندی در تهران ماند، و در این سفر، گرتاً بعد گرتاً و مرتاً بعد مرتاً، تنخواهها از تهران خواست و همه را فرستادم و نگفتم شرکت نامه سیصد تومان مال شرکت را چرا اینهمه وجه

می‌خواهی و برات می‌کنی، بالاخره پس از تمام خسارتها، به جای دماوند، امتیاز معدن کاوند را گرفت که تا آن زمان، این مکان را ندیده و اسمش را نشنیده بود. از تهران به رشت و از رشت به بادکوبه رفته، بعضی اسبابها و آلات و اشیاء لازمه معدن، از بادکو به خرید و وجهش را برات کرده دادم؛ پس از آن از بادکوبه به رشت آمد و قریب به زمستان خواست برود زنجان و کاوند، همان زمان در رشت برف می‌بارید؛ آنچه گفتم زنجان خاصه کاوند، بی‌یلاق است و با این هوا محال است بتوان در آنجا کاری کرد، نشنید و گفت می‌روم و می‌کنم، چون دیدم از من نمی‌پذیرد، از سید محمد نام که معدنچی نبود ولی از وضع و طرز فلز به خوبی اطلاع داشت، او را به همراه مسیو مشارالیه فرستادم زنجان.

مسیو گودریسکی در حین حرکت از اینکه زاید بر مأخذ قرارداد خویش، خیلی‌ها وجه بیشتر گرفته بود، معذرت کرد و عذرخواست و بالاخره حرفش بر این شد که یکهزار تومان دیگر حقیر بدهم، این قسط آخر و آخر الحواله باشد. پانصد تومان در هنگام حرکتش بدهم که با این مبلغ، سه ماه در معدن کار کند و پانصد تومان هم از زنجان برات کند، بدهم جهت سه ماه بعد که در بهار کار کند، چیزی نگذشت که آقای سید محمد معاودت کرد، معلوم شد برف و بوران و برودت به طوری است که در دامنه کاوند، عبور مشکل است تا چه رسد به کار کردن، مسیو مشارالیه سه چهار ماه در شهر زنجان ماند و مبلغ مزبور را به مصرف گذران خود رسانیده، رقعہ نوشت که حالا هوا خوب شده، پول بفرستید کار کنم، نوشتم به او که جناب، من که به شما گفتم زمستان در بیلاق کار کردن مشکل است و غیرممکن، از من نشنید و این همه مدت سرگردانی کشیدند. اگر زمستان را در رشت می‌ماند، چه ضرر داشت، ناچار وجه ثانوی که خواسته بود، دادم و آقا سید محمد را هم مجدداً فرستادم؛ سید مزبور مکرراً از زنجان نوشته بود که این مرد، اطلاعات فلزشناسی ندارد و از اعمال و حرکاتش معلوم است که از اطلاعات معدنی به کلی بی‌بهره است، و کزراً سید مشارالیه استعفا داد که بیاید به رشت، ناچار محض اطمینان خاطر خودم که بدانم این مرد در زنجان چه می‌کند و تنخواهی که برات می‌کند و می‌خواهد، به چه مصرفی می‌رساند، آیا این کار فایده دارد یا ندارد، یک نفر از اشخاصی که طرف اطمینان فدوی است و در این گونه مطالب هم بی‌غرض و بی‌طرف است، فرستادم زنجان، کاملاً تحقیق کرده و اطلاعات خودش را بگوید. پس از مراجعت مختصراً اطلاعاتش را گفته است، آنچه او فهمیده،

کماکان را عرض کردم و لفاً انفاذ حضور انور، از لحاظ مبارک خواهد گذشت. این شخص را هم جناب جلالت مآب عالی آقای مستشار السلطان دام اقباله می شناسند، آدم شارلاتانی نیست که به غرض نوشته باشد، با این تفصیل حالا مسیو مشارالیه، مبلغی تنخواه می خواهد.

اولاً صورت شرکت نامه ای که به مهر دولتی آلمان به حقیر برده است، مخارج معدن را ابتدائاً با من شرکت کرده که دو قسمت مخارج از فدوی و یک قسمت از او باشد، بعلاوه مخارج خوراک شخصی خودش هم به عهده اوست و در نفع بالشویه شریکیم. جهت اینکه خرج ثلاثه است و دخل را مناصفه شرکت کرده ایم، محض این است که او زحمت این کار را متحمل می شود، آنهم سیصد تومان مال الشراکت را هر قدر خواست دادم، ولی فعلاً با این صورت راپرت، دیگر اطمینان به قول این مرد ندارم که پول بدهم.

[فرد مطمئن] می گوید، پس از ورود به زنجان و ملاقات مسیو گودریسکی، آنچه از عمل معدن صحبت کردیم جوابهایش غیر مناسب بود، مثلاً صورت حساب این مدّت را از او خواسته، گفته است فلانی پول می دهد، من زحمت می کشم، دیگر صورت حسابی حالا لازم نیست، گفته است فلانی که پول می دهد، عمله و مزدور هم زحمت می کشند و اجرت می برند، شما فقط سرپرستی عملیات را می کنید، این طور آدم را در اروپای شما شریک می گویند یا روزمزد، آن وقت در جواب طفره می رفته، از او پرسیده است، این مدّت که در معدن کار کردید، چه مقدار طلا حاصل شد؟ گفته است، بعدها خوب خواهد شد، در صورتی که فعلاً فلانی تقریباً هجده هزار تومان وجه نقد و برات و اسباب به موجب صورتی که فرستادم پول بدهد تا دو ماه دیگر صد هزار من طلا پیدا می شود. مثلاً اصرار می کرده است که در بازار زنجان، طلا را یک من چند می خرنند و هر گاه اینجا متری پیدا نشود، باید حمل پاریس کرد، مقصود آنکه هر قدر این شخص از مسیو مشارالیه سؤال از حساب و کار می کرده است، همه را جوابهای بی ربط داده، از علامات معدنی از قبیل نمک و زرنیخ و کبریت و سره بودن معدن و سایر اطلاعات این کار، هر قدر سؤال از او کرده است، به طور [به اندازه] اشخاص بی اطلاع، بی علم جواب داده، چون فهمیده است که از خود مسیو محال است چیزی دستگیرش شود، خواسته است یک نفر معدنچی با اطلاع را با هم ببرند کاوند، که حضوراً کار کنند و از وضع معدن مستحضر شود. به ضرورت مشهدی محمد نام معدنچی، که از ۲۵ سال قبل الی الان، هر کس در این معدن کار کرده

است) از قبیل مرحوم امین السّلمان، اعتماد حضرت و علاءالدّوله و دیگران چه از رعیت و چه از دیوانیان تماماً به دستیاری این مرد بوده و البته هر کس عمری در کاری زحمت کشید و لو کان بدو هم بی علم باشد، از زیادتى عمل بالاخره با اطلاع خواهد بود. او را خواسته است و به مسیو اظهار داشته که من و شما و مشهدی محمد، هر سه می رویم کاوند، فحاشی کرده است که مشهدی محمد نباید بیاید، آنچه او اصرار کرده که آمدن مشهدی محمد به شما ضرری ندارد، قبول نکرده است. در آخر چون دیده است که مشهدی محمد را خواهد آورد، گفته است: «اگر او بیاید، با ششلول او را می کشم»، آن مرد هم از ناچاری، محض اینکه تولید فسادى نشود، از آمدن مشهدی محمد صرف نظر کرده و توأمأ به کاوند رفته اند.

مسیو مشارالیه، مدعی است که در چهار کرور من خاک، یک من طلا یافت می شود و تماماً می گوید: «قیراط، قیراط، حساب کرده ام اختلافی ندارد». از این قرار باید در هر یک صدمین خاک، متجاوز از یک نخود طلا داشته باشد، هزار من خاک را مقابل او شسته و دو شب هم مشغول جیوه کاری او بوده، ذره ای طلا یافت نشد. پس از مراجعت به زنجان، به معاونت جناب میرزا محمدعلیخان زیداقباله، در غیاب گودریسکی، آقامیرزا حبیب الله را که از معروفین این فن است، می فرستند از معدن کاوند سنگ می آورند و در آتش و بوتّه گذارده آنچه عمل می کنند، گذشته از طلا، بو و دود هم در سنگهای آنجا نیست که اقلأ بتوان فرض کرد اگر طلا ندارد، لامحاله مس دارد. از قراری که فهمیده و به فدوی بیان نمود، این مرد را می گوید، گویا در یکی از معادن دیده است [که] طلاشویی می کرده است، یا آنکه خودش مشغول شستن بوده ولی... باید طلا باشد و طلاشویی کنند، نه اینکه خاک را بشوید.

«سکرا» خان که معلّم و مترجم زبان فرانسه و از ملازمان حضرت مستطاب اشرف والاشاهزاده «سالارالدّوله» روحی فداه است و کارهای گودریسکی هم در زنجان از طرف ایالت والا شیوه با اوست، او هم به این مرد اظهار کرده است که گودریسکی به جز گرفتن وجه، دیگر اطلاعی در معدن ندارد، در کاوند هم هر قدر تفحص کرده اند، در این مدّت که مسیو گودریسکی آنجا بوده، معدنی نکرده و کاری نکرده است، معلوم است مشهدی محمد را هم چون ترضیه برفتن کاوند او نمی داد، محض این بوده است که از دخل رأیی باز نماند.

هنگام معاودت از این سفر پاریس، یک نفر معدنچی با خود می آورم و می فرستم زنجان،

به دقت این معدن را ارائه و ملاحظه کند، هرگاه معلوم شد طلا دارد و بی بهره نیست، معلوم است به طوری که با او شرکت کرده‌ام حاضرم که اثلاً خرج کنیم، آن هم شرط بر اینکه او یک قسمت سهمی شرکتی خود را در بانک بگذارد که بدانم او هم مخارج شراکتی را به طور قرارداد می‌نماید، نه اینکه تماماً را از من بگیرد و خرج کند وقتی که تمام مخارج این کار را فدوی دادم، این دیگر چه شراکتی است. و هرگاه معلوم شد که این معدن طلا ندارد و از کندن و شستن کاری از پیش نخواهد رفت، معلوم است آن وقت آنچه قدر پولی که مسیو مشارالیه تاکنون از حقیر گرفته و مخارج کرده، بی خود کرده که هیچ ربطی به عمل معدنی ندارد، تماماً را از او می‌خواهم و باید مسترد نماید. چون مرقوم فرموده بودید، صورت ماوقع فی مابین را، اولاً الی آخره عریضه کردم، باقی ایام جلالت و عظمت مستدام باد.

محل امضای میرزا محمدعلی

قبل از این تعلیقه، تعلیقه دیگری که پاکت جلالت مآب اجل، آقای عین السلطنه دام اقباله در جوفش بود، توسط پست از طرف قرین الشرف زیارت شد، خیلی از مراحم و الطاف حضرت مستطاب اجل عالی متشکر و مسرور شدم، ولی قصد فدوی توصیه بود که درباره این بنده به عنوان حضرت مستطاب اجل صدارت عظمی روحی فداه فرستاده شود، حالا سیرا هم، و وقت تنگ است، دیگر به عریضه دیگری نتوانستم مصادعت دهم که شاید پاکتی به حضرت مستطاب معظم الیه هم نگاشته شود، همین پاکت آقای عین الدوله چون از طرف ملازمان حضرت اجل است، به کمال مفاخرت برداشته، می‌برم، اگر هم مرحمتی درخصوص پاکت حضرت صدارت عظمی مبذول خواهد شد، بفرستید به چاکر خواهد رسید.*

شماره سند: ۱۷

تاریخ: ۲ ربیع الاول ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۰ تیرماه ۱۲۷۹ ش. / ۳۰ ژوئن ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (رونوشت تلگراف)

گیرنده: حضرت اشرف صدراعظم

موضوع: پرداخت پول به شرط تأیید معدنچی فرانسوی مبنی بر بی‌فایده نبودن طلاشویی و

پرداخت وجه سهم

نمره: ۴۸۵

سواد تلگراف وزارت خارجه به حضرت اشرف صدراعظم

۲ ربیع الاول ۱۳۱۸

شریک گودریسکی که زیاده از آنچه قبلاً بود، برای طلاشویی داده و چون هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده [است]، اطمینان ندارد باز پول بدهد، یک نفر معدنچی از پاریس خواهد آمد، اگر بی‌فایده ندید، باز پول می‌دهد، به شرط اینکه مشارالیه هم وجه سهم شراکت خود را در بانک بگذارد.*

(نصرالله مشیرالدوله)

شماره سند: ۱۸

تاریخ: ربیع الاول ۱۳۱۸ [ه.ق./ تیرماه ۱۲۷۹ ش./ ژوئیه ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (رونوشت تلگراف)

گیرنده: مسیو گودریتسکی - باکو

موضوع: مطلع کردن گودریتسکی از پاسخ شریک وی مبنی پرداخت سهم بیشتر از قرارداد

نمره: -

سواد تلگراف وزارت خارجه به مسیو گودریسکی در بادکوبه

مورخ شهر ربیع الاول ۱۳۱۸

شریک شما می نویسد که زیاده از آنچه قرار بود برای طلاشویی داده و چون نتیجه حاصل نشده [است] اطمینان ندارد باز پول بدهد ولی هر وقت شما پول حصّه شراکت خود را به بانک سپردید، او هم وجه حصّه شرکت خواهد داد.*

نصرالله مشیرالدوله

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۹

تاریخ: ۶ اوت ۱۹۰۰ [م. / ۹ ربیع الثانی ۱۳۱۸ ه.ق. / ۱۵ مرداد ۱۲۷۹ ش.]

فرستنده: گودریتسکی از باکو (تلگرام)

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: تلگرام گودریتسکی مبنی بر اینکه شریک وی باید پول پرداخت کرده و سپس اظهار نظر

کند

نمره: ۷۹۱

جناب مستطاب آقای مشیرالدوله

شریک باید امروز پول بدهد، بعد اظهار رأی کند.*

گودریتسکی

[نوشته حاشیه:] عبارت فرانسه این تلگرام قدری مبهم است

شماره سند: ۲۰

تاریخ: [اوت ۱۹۰۰ م./ ربیع الثانی ۱۳۱۸ هـ ق/ مرداد ۱۲۷۹ ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: گودریسکی

موضوع: قبول نکردن پرداخت پول توسط شریک گودریسکی به علت معلوم نبودن

محل مصرف پولهای گرفته شده قبلی و عزیمت وی به پاریس

نمره: -

بادکو به

به گودریسکی فرانسه شود

شریک شما قبول نمی نماید و تا معلوم نشود آنچه گرفته اید، قسمت شراکت خودتان را

هم خرج کرده اید پول نمی دهد و خودش هم عازم پاریس شده یا این دو [ناخوانا] می شود.*

محل مهر مشیرالدوله

[نوشتۀ حاشیه:] این ترجمه فرانسه است که شده و ملفوف است، ضبط شود.

شماره سند: ۲۱

تاریخ: [اوت ۱۹۰۰ م. / ربيع الثانی ۱۳۱۸ هـ ق / مرداد ۱۲۷۹ ش.]

فرستنده: گودریسکی (ترجمه تلگرام وی از باکو)

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: شرح قرارداد طلاشوری مبنی بر اینکه گودریسکی سهم خود را پرداخته و در مقابل محل طلاها را پیدا کرده و در گزارش خود آنها را بیان کرده است.

نمره: -

از باکو

تلگرافاتی را که مرحمت فرموده بودید رسید و کمال تشکر را می‌نماید. در باب کارهای طلاشوری خودم، خاطر شریف را مستحضر می‌دارد، در قراردادی که در سند ۱۸۹۸ و در عهد صدارت حضرت مستطاب امین الدوله، بین این بنده و معین السلطنه بسته شده است، مخصوصاً قید شده است که ثلث وجوهات لازمه را بنده بدهم و نیز شرط شده است، هر دستوراتی که از طرف صدارت عظمی صادر شود، شریک بنده باید آن را قبول نماید؛ ولی دستوراتی که از مقام منبع صدارت عظمی حالیه صادر شده است، به کلی مخالف حکمی است که در صدارت امین الدوله داده شده بود و خود معین السلطنه اظهار داشت، نوشته‌ای که در زمان صدارت امین الدوله نوشته شده بود، الحال از درجه اعتبار ساقط است و قبل از حرکت خود و در صدارت حالیه شریک من معین السلطنه قراردادی که نوشته شده بود، امضا نموده و خودش را در کلیه مخارج معادن طلا مسؤول دانسته است و آن قرارداد را جناب نصرالسلطنه حکمران رشت به حضور مستطاب اشرف امین السلطان صدراعظم فرستاده است که در جزو نوشتجات ایشان باید موجود باشد.

به موجب آن قرارداد، این بنده تلگرافاً پول خواست، زیرا تاکنون من در تجسس بوم و طلا را پیدا کردم و همه‌اش را مشغول پیدا کردن طلا بوم نه استخراج آن و فایده برداشتن، و اگر شریک من اظهار به دارد، نتیجه‌ای تا به حال از این کار حاصل نشده است، جواب او خیلی سهل می‌باشد و این است که بنده تعهدات خود را به جای آورده و اراضی زیادی که طلا در آن یافت می‌شود، پیدا کردم و اطلاعات خود را در راپرتهایی که خدمات جناب مهندس الممالک فرستادم، مفصلاً نوشته‌ام و سه برابر بیشتر از شریک خود خرج نموده‌ام و قصد بنده این بود که تسهیل در مالیه پیدا شود.

شماره سند: ۲۲

تاریخ: ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۲۰ مرداد ۱۲۷۹ ش. / ۱۱ اوت ۱۹۰۰ م]

فرستنده: محمدعلی معین السلطنه از پاریس

گیرنده: وزیر امور خارجه

موضوع: شرح وضع حال خود در پاریس و ملاقات خود در رشت با گودریسکی هنگام

عزیمت به پاریس

نمره:

تصدقت کردم همواره از پروردگار مسألت دارم وجود مبارک حضرت مستطاب
اجل اکرم عالی، خالی از کلال و ملال بوده باشد، چون بعد از پاکت مرحمتی که سفارشی به
جهت فدوی مرقوم و دستخط شده بود و از وضع حال هم خواسته بودید، به عرض عریضه
جسارت ورزد، لهذا تصدیع می‌نماید چند یوم است وارد پاریس شده، به دعاگویی وجود مبارک
اشتغال دارد و جناب جلالت مآب اجل عالی آقای امین السلطنه، دام اقباله العالی هم، کمال
لطف و مرحمت را داشته و دارند. امید آن است از توجهات مکنونه حضرت اجل من بعدها هم
به طرز سهولت و خوشوقتی به دعاگویی مشغول بوده باشد، از وضع گودریسکی هم وقت
حرکت از رشت، بعد از فرستادن آن عریضه جات، او هم از زنجان آمده بود، همان نحوها که در
عریضه تصدیع داشته بودم، به او هم گفتم که باید در اینجا به جناب جلالت مآب اجل آقای
مهندس الممالک عرص نموده‌ام. زیاده از این تصدیعی ندارم، عمر و اقبال حضرت اجل عالی
مستدام خواهان است.*

محمد علی

شماره سند: ۲۳

تاریخ: ۶ سپتامبر ۱۹۰۰ م. / ۱۱ جمادی الاول ۱۳۱۸ [ق. / ۱۵ شهریور ۱۲۷۹ ش.]

فرستنده: گودریسکی

گیرنده: وزیر امور خارجه

موضوع: عریضه گودریسکی مبنی بر خوب بودن بهره و درآمد طلای خمسه و پرداخت نشدن هزینه‌ها توسط معین السلطنه و خارج کردن وی از شراکت به علت بی اعتبار بودن وی

نمره:

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم آقای وزیر دول خارجه معروض می دارد.

به حضرت اجل معلوم بکنم از بابت شراکت نامه معدن طلای خمسه، آقای معین السلطنه طول نکشید مخارجی که قرار داده بود از بابت معدن طلا پیش بدهد، تا بعد از آنجا مداخل برداشته شود، آن را هم نداد. امتیازنامه [ای] که از مرحمتی حضرت اجل از دولت علیه عالیہ گرفته ام، ده هزار تومان [است] که قرار شد در خزانه مبارکه بگذارم، در صورتی که کار نمی کنم، [نکنم] آن امتیازنامه باطل خواهد شد. بنده الان سه سال است به جهت امتیازنامه زحمت می کشم، الحمدلله زمین طلا را کندیم و معلوم کردیم بهره و مداخلش خیلی خوب است. اینکه همین راپرت [راپرتی را] که بنده به وزیر معدن، آقای مهندس الممالک فرستاده بودم، معلوم است، به جهت اینکه آقامیرزا محمدعلی معین [السلطنه] در این کار اعتبار ندارد، بنده او را از شراکت خارج کردم این است که به حضرت اجل عرض می کنم، معلوم باشد بدانند. به جهت ضرری که از معین السلطنه خورده ام، باید عارض شوم.*

محل مهر دکتر گودریسکی

گودریسکی صاحب امتیاز معدن طلای

ورجاوند خمسه - زنجان

شماره سند: ۲۴

تاریخ: ۲۴ جمادى الاول ۱۳۱۸ [ق./ ۲۸ شهریور ۱۲۷۹ ش./ ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه (رونوشت نامه)

گیرنده: گودریسکی

موضوع: در ایران نبودن معین السلطان و قادر نبودن اخراج وی از شراکت تا مراجعت

وی و معلوم شدن قضیه

نمره: ۳۷۶۸

سواد کاغذ وزارت خارجه به رئیس معدن طلاشویی در زنجان

۲۴ جمادى الاول ۱۳۱۸

اینکه نوشته‌اید معتمد السلطان آقای میرزا محمدعلی معین السلطان، چون به شرایط شرکت در معدن طلا، رفتار نمی‌کرد، از شراکت خارج کرده‌اید، جواباً زحمت می‌دهد که حالا مشارالیه در ایران نیست و همیشه او شکایت می‌کرد که زیاده از قیمت خود پول داده است، در این صورت تا مشارالیه بنماید و معلوم نشود، اختلاف در چه چیز است، نمی‌توانید او را از شراکت خارج نمائید.*

نصرالله مشیرالدوله

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ هـ.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۵

تاریخ: ۸ اکتبر ۱۹۰۰ / ۱۳ جمادی الثانی [۱۳۱۸ ه.ق. / ۱۵ مهر ۱۲۷۹ ش.ا]

فرستنده: سفارت آلمان (یادداشت)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: غرق شدن گودریسکی در مرداب انزلی و درخواست وسایل وی که در کاوند

مانده است

نمره: ۴۹۳

یادداشت

به قرار اطلاعاتی که از سفارت بهیئه روس بدین سفارت سنیّه رسیده است. مسیو کستاو گودریسکی تبعه آلمان که اخیراً در قریه کاوند زنجان مشغول حفريات معدن طلا بوده است، در ۲۰ سپتامبر گذشته در مرداب انزلی غرق شده است و یک قسمت از اسباب مشارالیه در انزلی به دست آمده، در کنسولگری روس در رشت، امانت گذاشته شده [است]. غیر از آن اسباب دیگر آن متوفا از قبیل آلات حفر زمین و یک تلمبه و بعضی اثاث البیت دیگرش در همان قریه کاوند مانده است. اختیار این اشیا، با زن بیوه متوفا است که فعلاً مشارالیها معلوم نیست در کجاست. علی هذا با کمال توقیر و احترام سفارت سنیّه آلمان به وزارت امور خارجه زحمت افزاست که توسط حکومت زنجان، تحقیقات لازمه به عمل آید که مادام گودریسکی متوفاً در کجا است، و در صورتی که مشارالیها در کاوند حضور نداشته باشد، اسباب باقی مانده متوفی در دایره حکومت زنجان، موقتاً محفوظ بماند، تا خبر ثانوی برسد، ولی اگر خود مشارالیها در کاوند حاضر بوده باشد، بدیهی است خود مشارالیها محافظت اسباب زوج خود را خواهد کرد، در این صورت سفارت امپراطوری آلمان، خواهش دارد که حکومت زنجان هر چه زودتر از مادام گودریسکی کاغذی گرفته بفرستند که در آن ضمن معلوم دارد که اسباب حاضره مسیو گودریسکی را که در رشت است، چه باید کرد. منتظر نتیجه اقدامات حسنه است.^{۱۱}

محل مهر سفارت روسیه

^{۱۱} بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳۷ پرونده ۱.

شماره سند: ۲۶

تاریخ: ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۵ مهر ۱۲۷۹ ش. / ۱۸ اکتبر ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (رونوشت تلگراف)

گیرنده: سالارالدوله - زنجان

موضوع: درخواست تحقیق درباره وسایل گودریسکی

نمره: ۱۲۳۲

سواد تلگراف وزارت امور خارجه به سالارالدوله حکمران

۱۳ جمادی الثانی ۱۳۱۸

از سفارت آلمان اظهار کرده‌اند که مسیو گودریسکی معدنچی آلمانی که چند روز قبل در انزلی غرق شده، در کردند که یکی از محلّ‌های زنجان است، اسباب و عیالی داشته، او از آنجا رفته و اسبابش بلاصاحب مانده، در آنجا مانده، مستدعی است آدم امین معین و مقرر فرمایند که در خصوص اسباب او تحقیقات نموده و صورت برداشته ضبط نمایند تا به نوعی که از سفارت آلمان اطلاع دهند معمول آید و در خصوص عیال مشارالیه نیز تحقیق شود که در کجاست و در این خصوصیات منتظر است که جواب مرحمت فرمایند.*

نصرالله مشیرالدوله

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۷

تاریخ: ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۱۹ مهر ۱۲۷۹ ش. / ۱۲ اکتبر ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: سالارالدوله حکمران فارس (تلگراف)

گیرنده: مشیرالدوله

موضوع: خروج گودریسکی و همسرش از کاوند سه ماه قبل و دستور رسیدگی به

اموال وی

نمره: ۳۶

جناب مستطاب اجل امجد مشیرالدوله دام مجده

تلگراف جنابعالی در باب مسیو گودریسکی معدنچی و عیال او ملاحظه شد، تقریباً در سه ماه قبل از این مسیو گودریسکی از اینجا به اتفاق عیال خود به عزم بادکو به حرکت کرده و مقصودش خریداری اسباب از آنجا بود. حالاکه خودش غرق شده [است] عیال او از قرار مذکور در رشت است، اسباب و پاره [ای] لوازم زندگانی هم اگر در کاوند داشته است، من اطلاع ندارم، به مجرد وصول تلگراف جنابعالی، فوراً [ناخوانا] را به کاوند فرستادم که تحقیقات لازمه نماید، اگر چیزی از او در کاوند باشد، بدون فراز به ریش سفیدان آنجا سپرده، نوشته مهور بگیرد و صورت آن را بفرستد که با پست آتیه برای جنابعالی فرستاده شود.*

سالارالدوله

محل مهر تلگرافخانه

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۲۸

تاریخ: ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۲۰ مهر ۱۲۷۹ ش. / ۱۳ اکتبر ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (رونوشت یادداشت)

گیرنده: سفارت آلمان

موضوع: تلگراف به زنجان در خصوص اموال گودریسکی

نمره: ۴۸/۴۱۲

سواد یادداشت وزارت خارجه به سفارت آلمان

در جواب یادداشت آن سفارت امپراطوری، مورّخه ۱۲ شهر جمادی الثّانیه که در خصوص عیال و اسباب مسیوکستاو گودریسکی آلمانی مرقوم داشته‌اند، تحقیقات از حکومت شود و در صورتی که عیال متوقّای مزبور در کاوند نباشد، اسباب مشارالیه در دایره حکومتی محفوظ باشد، چند روز قبل برحسب اظهار شفاهی به جناب معدل السلطنه، در این خصوص تلگراف شده و اکنون هم تلگراف مجدّد نمودم، بعد از وصول جواب به آن سفارت امپراطوری اطلاع خواهد داد.*

شماره سند: ۲۹

تاریخ: ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۲۵ مهر ۱۲۷۹ ش. / ۱۸ اکتبر ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: [سالارالدوله حکمران زنجان]

گیرنده: مشیرالدوله وزیر امور خارجه

موضوع: صورت برداری از وسایل گوردیسکی و ارسال آن به مرکز

نمره: -

جناب مستطاب اجل امجد مشیرالدوله وزیر امور خارجه زیراجلاله

ان شاء اله تعالی حالات سعادت آیات و خوشوقتی مقرون است. چند روز قبل در جواب تلگراف جنابعالی، وعده داده شد که [ناخوانا] را به کاوند می فرستم که اسباب و اشیاء گوردیسکی معدنچی آلمانی را معلوم و صورت برداشته بیاورد و ایفاد دارم. برحسب توصیه و سفارشات لازمه، با کمال مذاقه و با حضور دو سه نفر از ریش سفیدان کاوند صورت اشیای گوردیسکی را برداشته و به امانت آقاعلی نام صاحب خانه که همنشین گوردیسکی بوده است، سپرده و نوشته مهور گرفته [و] آورده است. اینک عین آن صورت مهور را ارسال داشت که خاطر جنابعالی مستحضر باشد، دیگر مطلبی نیست.*

شهر فوق ۱۳۱۸

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۰

تاریخ: ۶ رجب المرجب ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۸ آبان ۱۲۷۹ ش. / ۳۱ اکتبر ۱۹۰۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (رونوشت یادداشت)

گیرنده: سفارت آلمان

موضوع: ارسال صورت اشیای گودریسکی

نمره: ۴۵۹۱/۵۶

سواد یادداشت وزارت امور خارجه به سفارت آلمان

۶ رجب المرجب ۱۳۱۸

دو فقره اسباب مسیو کستاو گودریسکی آلمانی که بر حسب یادداشت مورخه ۱۳ جمادی الثانیه آن سفارت امپراطوری، به حکومت زنجان تلگراف شد که اسباب او را که در کاوند است، در صورتی که عیال مشارالیه در آنجا نباشد و ضبط نکرده باشد، صورت برداشته، محفوظ دارند و جواب داده شده که عیال مزبور گویا در انزلی است و اقدام در تحفظ اسباب مزبور خواهد شد. اکنون شرحی در این خصوص، حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده اعظم سالارالدوله دامت شوکه مرقوم و صورت ممهور اشیای مزبور را ارسال نموده‌اند و وزارت خارجه، برای استحضار آن سفارت محترمه، سواد مرقومه حضرت مستطاب معظّم له را با سواد صورت ممهور را ارسال داشته که موجب اطلاع آن سفارت از اقدامی که شده است، بشود و مستحضر شوید که اسباب متوفای مزبور را از قرار آن صورت محفوظ داشته‌اند تا به نوعی که آن سفارت امپراطوری اشعار نمایند، معمول آید.*

نصرالله مشیرالدوله

شماره سند: ۳۱

تاریخ: ۳ شوال ۱۳۱۸ [ه.ق. / ۴ بهمن ۱۲۷۹ ش. / ۲۴ ژانویه ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: وزارت معادن

گیرنده: صدراعظم

موضوع: غرق شدن گودریسکی هنگام عزیمت به باکو برای آوردن وسایل طلاشوری
و پرداخت کردن وجه الضمانه

نمره: -

فدایت شوم رقیمة مبارک که استفسار از وجود حق الضمانه قرارداد مسیو گودریسکی بود، زیارت شد. صورت فقره راجع به این مطلب علی حده نوشته شده است، ملاحظه می فرمایند. موافق این قرارداد، بعد از اینکه محلی را برای طلاشویی انتخاب کرده می شود. باید وجه الضمانه می داد و کار می کرد. ولی مطابق راپرتهای خود گودریسکی، در راپرت اخیر او که در دفتر وزارت معادن ضبط است، برای آوردن اسباب طلاشویی به روسیه می رفت، در دریا غرق شد. در این صورت معلوم است به مقام کارکردن نکشید که وجه الضمانه از او گرفته شود، مخصوصاً در موقع تشریف فرمایی موکب فیروزی کوکب همایونی که این بنده در رکاب مبارک ملزم بودم. در زنجان مسیو گودریسکی را ملاقات کرده قرار دادم با کمال عجله برود و اسباب کار را بیاورد که با مراجعت موکب همایونی، نمونه خوبی از طلا حاضر کرده تقدیم کند، این بود که رفت و در دریا مرد. زیاده بر این اطلاعی ندارد.*

شماره سند: ضمیمه سند شماره ۳۱

تاریخ: ۳ شوال المکرم ۱۳۱۸ [ه.ق. ۴ بهمن ۱۲۷۹ ش. / ۲۴ ژانویه ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: وزارت معادن

گیرنده: [وزارت امور خارجه]

موضوع: فصل سوم قرارداد در مورد سپردن وجه الضمانه توسط طرفین قراردادها

نمره: -

سواد فقره سیم از فصل سیم قرارداد موسیو کودریزکی صاحب امتیاز طلاشویی کاوند.
ثالثاً صاحبان امتیاز قبل از استخراج معدن خواه از حیث شستن خاک طلا را خواه از حیث عمل
یدی، هر چه باشد باید یک وجه الضمانه که عبارت باشد از ده هزار تومان، اشرفی یا قران رایج
ایران، به دولت علیه بدهند که آن مبلغ باید به عنوان وجه الضمانه از بابت ادای حقوق دولتی که
بعد ذکر می شود و همچنین از برای درستی اجرای فصول این قرارداد در نزد دولت علیه باشد.*

شماره سند: ۳۲

تاریخ: ۶ شوال المکرم ۱۳۱۸ [ه.ق. ۷ / بهمن ۱۲۷۹ ش. / ۲۷ ژانویه ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: مشیرالدوله

گیرنده: مسیو نوز - مدیرکل گمرکات

موضوع: ارسال نامه وزیر معادن در مورد فصل سیم قرارداد گودریتسکی

نمره: ۶۵۳۴

جناب فخامت نصاب مسیو نوز مدیرکل گمرکات ممالک محروسه دام مجده

در باب حق الضمانه قرارداد مسیو گودریتسکی که اظهار داشته بودید، شرحی به جناب جلالت مآب اجل، مهندس الممالک وزیر معادن نگاشته و اکنون رقعۀ جوابیۀ ایشان را که متضمن فصل سیم قرارداد مسیو گودریتسکی و راجع به این مطلب است، برای اطلاع آن جناب لفاً فرستاده شد و از آنچه جناب معزی الیه اظهار نموده‌اید، استحضار حاصل خواهید نمود.*

نصرالله مشیرالدوله

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۳

تاریخ: ۲۷ ذی حجه ۱۳۱۸ [هـ.ق] ۱۷ آوریل ۱۹۰۱ [م.] ۲۸ فروردین ۱۲۸۰ ش.ا.

فرستنده: سفارت آلمان (یادداشت)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: درخواست از وزارت امور خارجه مبنی حراج متروکات گودریسکی طبق سیاهه‌ای که سالارالدوله فرستاده بود.

نمره: -

یادداشت

نظر به مفاد یادداشت محترمه وزارت جلیله امور خارجه نمره ۵۶ مورخه ۶ رجب ۱۳۱۸ دایر بر متروکات مسیو گودریسکی متوقفاً، تبعه آلمان که آن متروکات در نزد ریش سفیدان قریه کاوند زنجان ضبط است، سفارت امپراطوری آلمان محترماً از وزارت امور خارجه خواهشمند است، که به حکومت زنجان لطفاً قدغن فرمایند، که اسباب ترکه مسیو گودریسکی را به قرار سیاهه که حکمران سابق زنجان، حضرت اشرف ارفع والا سالارالدوله دامت شوکته بدین سفارت امپراطوری فرستاده بودند، به زنجان آورده و در آنجا به حراج بگذارند، صورت فروش حراج را با وجه عایدی هر چه باشد، بدین سفارت امپراطوری ارسال فرمایند.*

شماره سند: ۳۴

تاریخ: ۲ محرم ۱۳۱۹ ه.ق. / اول اردیبهشت ۱۲۸۰ ش. / ۲۱ آوریل ۱۹۰۱ م.

فرستنده: نصرالله مشیرالدوله (رونوشت نامه)

گیرنده: شاهزاده عزالدوله [جانشین سالارالدوله]

موضوع: درخواست حراج اموال مسیوگودریسکی و ارسال وجه آن به وزارت امور خارجه

نمره: ۷۷

سواد کاغذ وزارت امور خارجه به شاهزاده عزالدوله

از سفارت فخمه آلمان در باب اسباب و متروکات مسیوگودریسکی که چندی قبل در زنجان متوفی شده^۱ و کارگزاران حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا آقای سالارالدوله دامت شوکت، بر حسب اظهار وزارت خارجه صورت برداشته و در آنجا سپرده‌اند، به موجب صورت مرسوله حراج نموده وجه آن فرستاده شود، لهذا در مقام تصدیع است که مقرر خواهند فرمود اسباب متوفای مزبور را از روی صورتی که لفاً ارسال شده است، حراج کرده، وجه آن را ارسال دارند [که] به سفارت تسلیم شود، بدیهی است در انجام این امر قدغن اکید خواهند فرمود. در ثانی، تصدیع افزا می‌شود که اسباب مزبور، نزد ریش سفیدان قریه کاوند زنجان ضبط است، مقرر خواهند فرمود به موجب صورتی که لفاً ملاحظه می‌فرمایید، حراج کرده، وجه آن را ارسال دارند.*

نصرالله مشیرالدوله

۱. مسیوگودریسکی با توجه به سابقه مکاتبات در مرداب انزلی غرق شد.

* بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۵

تاریخ: ۹ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۸ اردیبهشت ۱۲۸۰ ش. / ۲۸ آوریل ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: [شاهزاده عزالدوله]

گیرنده: [مشیرالدوله]

موضوع: درخواست ارسال صورت اشیای گودریسکی که به مهر آقاعلی کاوندی ممهور

باشد و فروش آنها

نمره: -

برادر مکرمًا در باب متروکات مسیو گودریسکی که در کاوند بعد از فوت او بر حسب فرمایش حضرت اشرف اسعد ارفع والا شاهزاده سالارالدوله دامت شوکتة تحویل آقاعلی ریش سفید کاوند شده و صورت پا به مهر از او گرفته‌اند، اذن فرموده و سواد آنرا لفاً فرستاده‌اند، چنانچه می‌باید حراج نمود، اگر چه چیز قابلی نیست، ولی چون پای خارجه در میان است، مقرر دارند از طرف وزارت جلیله خارجه، صورت پا به مهر آقاعلی کاوندی را بفرستند که از همان قرار تحویل گرفته و سند او را مسترد دارد. یکی آنکه مراسله جنابعالی ممهور نبود، مهر فرمایند و اذن صریح بدهند که از کاوند حمل به شهر نمود و دو نفر امینی از طرف حکومت معین نموده، حراج شود در کاوند، البته به فروش نمی‌رود، لابد باید حمل نمود و از کاوند الی شهر شش فرسخ است، باید کرایه حمل داد و انشاءالله بعد از وصول اذن صریح به مهر شریف و رسیدن صورت ممهور آقاعلی به اطلاع امین حمل شده، بعد از حراج، کرایه حمل و مخارج را خارج نموده، هرچه هست برات انقاد می‌شود، موقوف به اذن و رسیدن اسناد است. زیاده زحمت نیست.*

محل امضا

شماره سند: ۳۶

تاریخ: ۶ محرم ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۵ فروردین ۱۲۸۱ ش. / ۱۵ آوریل ۱۹۰۲ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (یادداشت)

گیرنده: سفارت آلمان

موضوع:

نمره: ۲۲۹/۳

سواد یادداشت وزارت خارجه به سفارت آلمان

۶ شهر محرم ۱۳۱۹

یادداشت آن سفارت امپراطوری مورخه ۲۷ ذی حجه ۱۳۱۸ دایر به فروش متروکات مسیو گودیتسکی آلمانی که در قریه کاوند نزد ریش سفیدان آنجا ضبط است و بر حسب اظهار آن سفارت محترمه، به حکومت زنجان نوشته شد که قدغن نمایند متروکات متوفای مزکور را حراج گذاشته، صورت فروش حراج گذاشته، صورت فروش حراج و وجه عایدی آن را ارسال دادند.*

نصرالله مشیرالدوله

شماره سند: ۳۷

تاریخ: ۱۶ ربیع الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۲ تیر ۱۲۸۰ ش. / ۳ ژوئیه ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: [شاهزاده عزالدوله]

گیرنده: [مشیرالدوله]

موضوع: فروختن لوازم گودریتسکی در بازار و ارسال وجه آن به مرکز

نمره: -

برادر مکرم ما انشاءالله حال شریف مقرون به کمال سلامت است. در باب حراج کردن اشیای مسیو گودریتسکی آلمانی که در کاوند بود، فرستاد آوردند شهر و بااطلاع چند نفر سمسار و داروغه در بازار حراج کردند. سی و پنج تومان کلیتاً خریده‌اند، بعضی چیزها بود که ابداً طالبی نداشت، من جمله چند مجله کتاب آلمانی بود، تلگرافچی کمپانی انگلیس سه تومان خرید، شیشه‌های دواجات فرنگی بود با ملزومات جراحی به پنج تومان، سعدالحکماء ابیتاع نمود، سایر چیزها و متروکات تمام مندرس و به هزار مشقت به فروش رفت، سه تومان از بابت کرایه از کاوند به شهر و چهار تومان در عوض توجهات و نگاهداری به مباشر کاوندی داده شد که اگر از روی قرارداد که در آن ورقه متروکات ذکر شده بود، می‌بایستی ماهی دو تومان بدهند. دیگر هیچ باقی نمی‌ماند، ولی به همین مختصر او را متقاعد نمود و مبلغ بیست و هشت تومان برات کرده و به توسط نورچشمی عمادالسلطنه حفظ الله، انفاذ نمود که به سفارت سنیه آلمان داده، قبض رسید قیمت اشیای داده شده پیوست [ناخوانا] است.*

زیاد زحمت است ۱۶ شهر ربیع الاول ۱۳۱۹

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۹ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۳۸

تاریخ: ۲۷ ربیع الاول ۱۳۱۹ [ه.ق./ ۲۳ تیرماه ۱۲۸۰ ش./ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: وزارت امورخارجه (رونوشت یادداشت)

گیرنده: سفارت آلمان

موضوع: ارسال رونوشت نامه عزالدوله و وجه مربوط به فروش متروکات گودریتسکی

در زنجان

نمره: ۱۸۰۴/۱۲

سواد یادداشت وزارت امورخارجه به سفارت آلمان

در خصوص اشیای مسیو گودریتسکی آلمانی که در کاوند بود و چندی قبل از آن سفارت امپراطوری اظهار شده بود که به حکومت زنجان نوشته شود که اشیای مزبوره را حراج نمایند و چند روز قبل هم صورت یک فقره مراسله که از حکومت در این خصوص رسیده بود، ارسال داشت، اکنون هم مجدداً صورت شرعی را که حکومت معزی الیها نوشته با مبلغ بیست و هشت تومان، قیمت اشیای مزبور را ایفاد داشته که از وصول آن به وزارت امورخارجه اطلاع دهید.*

نصرالله مشیرالدوله

شماره سند: ۳۹

تاریخ: سلخ [۳۰] ربیع الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۶ تیر ۱۲۸۰ ش. / ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: سفارت آلمان (یادداشت)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اعلام وصول یک قطعه برات بیست و هشت تومانی و اظهار تشکر از
عزالدوله حکمران خمسه

نمره: ۴۴۴

یادداشت

با کمال توقیر و احترام، سفارت امپراطوری آلمان در جواب یادداشت محترم وزارت
امور خارجه، مورخ ۲۷ ربیع الاول ۱۹، دایر بر فروش متروکات مسیو گودریسکی آلمانی که در
کاوند زنجان بود، زحمت افزا می شود که یک قطعه برات تجارتي معادل بیست و هشت تومان،
از بابت قیمت اسباب حراج شده آن متوقفاً بدین سفارت سنیّه رسید و در این موقع سفارت
امپراطوری از وزارت امور خارجه خواهشمند است که تشکرات خالصانه را به حضرت
مستطاب اشرف امجد ارفع عزالدوله حکمران خمسه دامت شوکته، در ازای بذل و مساعدتی که
در این خصوص فرموده بودند، لطفاً تبلیغ فرمائید.*

محل مهر سفارت آلمان

شماره سند: ۴۰

تاریخ: [ربیع الآخر ۱۲۲۹ ه.ق. / مرداد ۱۲۸۰ ش.]

فرستنده: میرزا محمدعلی معین السلطنه

گیرنده: نظام الدین مهندس الممالک وزیر معادن

موضوع: درخواست ادامه کار در معدن طلای کاوند با متخصصین اروپایی
نمره: -

قبل از مسافرت به اروپا به حضور مبارک عریضه شده بود که عمدتاً مسافرت، محض این است که دو نفر انژنار^۱ از فرنگستان به جهت تحقیق و تفتیش معدن طلای کاوند که به شرکت گودروسکی از دولت ابد آیت به موجب کتابچه فصول، اجاره شده بود، همراه خود به ایران آورده و به زنجان بفرستم که به دقت ملاحظه معدن مزبور را بنمایند و از بود و نبود طلای آنجا اطلاع دهند تا مصارف بیهوده که پیش از این صرف شده، صرف نشود.

پس از ورود به اروپا و مذاکره این مسأله با انژنارهای آن صوب در کتابچه فصول و قرارداد شرکت معدن دو ایراد گرفتند و به همین جهت انژنار را هم نیاوردم تا اینکه دو ایراد مزبور رفع شود، پس از آن آوردن انژنار سهل است.

بعلاوه چون گودروسکی هم در طوفان مرداب انزلی غرق شده بود، خواستم کتابچه اجاره معدن را هم از دولت علیه به اسم خود بنمایم پس از آن انژنار بخواهم. لهذا سواد کتابچه را لفاً انفاذ حضور انور داشتم که از لحاظ مبارک بگذرد.

ایراد اول در فصل سیم شرط ثالث مرقوم شده است، صاحبان امتیاز نصف دخل خالص معدن مستخرجه را به دولت علیه بدهند.

ایراد دوم در فصل دوم که جناب جلالت مآب آقای وزیر معادن دام اقباله افزوده بر فصول نموده اند، مرقوم شده است، در صورتی که عیار ماهانه معدن به یک چهل هزارم برسد، صاحبان امتیاز معدن مزبور را بدون حق وجه الخساره تقدیم دولت کنند و در عوض دولت علیه

۱. انژنار = مهندس

معادن دیگری به آنها خواهد داد.

اولاً، در خصوص اینکه نصف دخل معدن مستخرجه باید حق دولت باشد، مستدعی است که در تمام دول عالم، آنچه رسم است در اجاره این معدن هم مرقوم و مقرّر شود. چنانچه در لندن بعضی از معادن را که دولت به صدی می دهد و کسی قبول نمی کند، به گمان اینکه شاید خسارتی به او داده شود و حاصل ندهد.

ثانیاً، در خصوص عیار ماهانه معدن که اگر به یک چهل هزارم برسد دولت بدون اینکه وجه الخساره بدهد ضبط خواهد فرمود، این قاعده رسمی جدید است، و در قرارداد اجاره هیچ معدنی، در هیچ کجا تا امروز مقرّر نشده [است]. گویا هنگام تحریر کتابچه فصول، گودریسکی به خیال این قبول دو شرط را کرده بود که مبالغ خطیری از بنده بگیرد و آنجا مصرف کند، چنانچه کرد و مرد. یا اینکه جناب جلالت مآب آقای وزیر معادن دام اقباله العالی، او را بی ربط و اطلاع دیده بودند، تحمیل هر ایرادی فرموده اند، او هم قبول کرده [است]. مستدعی از مراجع و عنایات آن حضرت مستطاب اجلّ کرده.

اولاً، کتابچه اجازه ای که از دولت علیه شرف صدور یافته است، چون گودریسکی مرده و فدوی هم مبالغ خطیری چند هزار تومان صرف این کار کرده ام که شاید خدمتی به دولت و ملت از دستم برآید. بالاخره تاکنون هم نتیجه نداده است، مشخصاً از طرف دولت ابد آیت به افتخار چاکر صادر شود که زحماتم از میان نرفته باشد و باز هم صرف مال، و بذل وقت در انکشاف این معدن بنمایم و تا انقضای اجازه ای که بیست و پنج سال معین شده [است]، درید چاکر باشد و نیز معدن مس هم هرگاه در حوالی کاوند باشد، جزء اجاره این بنده مرقوم و مقرّر شود قرار مال الاجاره او هم هر چه امر و مقرّر شود، اطاعت است.

ثانیاً، این دو شرط را تغییر دهند و حق دولت علیه از بهره حاصل مستخرجه، صدی پنج الی صدی ده منتهی پانزده بشود نه اینکه نصف، و قید چهل هزارم هم از عیار ماهانه معدن برداشته شود، زیرا که این معمول در هیچ کجا نیست، هر قدر بهره معدن زیاد یا کم شد، آنچه حق دولت علیه معین شده [است] تقدیم می شود. هرگاه معدن طلای کاوند را به ترتیبی که عرض و استدعا شده، دولت ابد آیت به چاکر اجازه نداد، مستدعی از ملازمان حضرت مستطاب اجلّ اکرم هستم که معادن مفروضه در این عریضه را به امتیاز و به اجازه ها به این بنده واگذار فرمایند.

آنچه معمول مال الاجاره آنها در سایر معادن عالم مرسوم است، تقدیم می‌کنم، و هرگاه رأی مبارک مقرر شد که این معادن به اجاره به چاکر تفویض شود، دستخط مبارک شرف صدور یابد. ثالثاً، تفصیل وضع اجاره و طور آنها را عریضه کنیم. (بطوند) معدن نفت و قیر است در پنج فرسخی شوشتر واقع است. (شاردین) معدن نفت است، در کنار رود واقع شده و دو فرسخ و نیم قرب رام هرمز است. (هفشیدون) معدن نفت است، در چهار فرسخی شوشتر واقع است.

[نوشته حاشیه به خط مهندس الممالک:]

امتیاز معادن لفظ واقعه در سمت جنوب، کلاً به دیگری داده شده و قرارنامه آن گذشته است.

محَلّ مهر نظام الدّین

جواب مطالب جناب میرزا محمدعلی معین السلطنه رشتی دام مجده

اولاً، باید معین السلطنه رفع گفتگوی ورثه گودریسکی را نموده و متارکه‌نامه تحصیل نماید، آن وقت قرارداد به امضای اولیای دولت، مجدداً به مشارالیه تعلّق بگیرد. ثانیاً، در مسأله دو فقره ایرادی که شده است، این دو شرط دلیل صحیح محکم دارد در صورتی که قرار شد امتیازنامه مجدّد داده شود، مذاکره این دو مسأله را خواهند کرد، اگر صلاح دولت باشد، تغییری که مناسب باشد، داده خواهد شد.*

محَلّ مهر نظام الدّین

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه‍.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۴۱

تاریخ: ۳ جمادی الاول ۱۳۱۹ [ه.ق./ ۲۷ مرداد ۱۲۸۰ ش/ ۱۹ اوت ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: وزارت معادن

گیرنده: [وزارت امور خارجه]

موضوع: درخواست وزارت معادن مبنی بر ارسال جواب وزارت مزبور به محمدعلی

معین السلطنه

نمره: -

فدایت شوم

در خصوص مطالب جناب میرزا محمدعلی معین السلطنه، مرقوم فرموده بودند جواب آن عرض شود تا برای مشارالیه فرستاده شود، جواب نوشته شد، لفاً خدمت جناب مستطاب اجل امجد عالی ارسال داشت که برای مشارالیه انفاذ فرمائید. زیاده ایام شوکت مستدام باد.*

شماره سند: ۴۲

تاریخ: ۲۶ جمادی الاول ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۱۹ شهریور ۱۲۸۰ ش / ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۱ م.]

فرستنده: سفارت آلمان

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: درخواست سفارت آلمان مبنی بر مانع شدن ایران از ضایع شدن حق گودریتسکی

نمره: -

یادداشت

امتیازنامه معدن طلای کاوند، از طرف دولت علیه ایران به مسیو گودریتسکی متوقفاً تبعه دولت آلمان، با میرزا محمدعلی پسر حاجی معین التجار مرحوم رشتی، تبعه دولت علیه ایران اعطا شده بود، که مسیو گودریتسکی وفات کرد. اینک برای استعلام، به مقام مزاحمت بر می آید که آیا دولت علیه ایران، میل دارند که مفاد فصل ششم آن قرارنامه را (صاحب این امتیازنامه مجاز است با کس دیگری شریک به شود، به شرطی که بدو به دولت علیه ایران اطلاع بدهد، ولی نمی تواند حقوق خود را بدون اطلاع و اجازه دولت علیه ایران به کس دیگری بفروشد) اجازه ندهند تا در صورت امکان، حقی که مسیو گودریتسکی متوقفاً از این امتیاز دارد، فروخته بشود. سفارت امپراطوری آلمان محترماً از وزارت امور خارجه مستدعی است که هر چه زودتر، جواب این فقره را مرقوم فرمایند تا استحضار حاصل شود.*

محل مهر سفارت آلمان - تهران

شماره سند: ۴۳

تاریخ: ۷ جمادی الثانی ۱۳۱۹ [ه.ق. / ۲۹ شهریور ۱۲۸۰ ش. / ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۱ م.]
فرستنده: وزارت امور خارجه (رونوشت یادداشت)

گیرنده: سفارت آلمان

موضوع: پاسخ به یادداشت مورخ ۲۶ جمادی الاول سفارت آلمان، مبنی بر غیرقابل فروش بودن حق امتیاز گودریتسکی

نمره: ۲۹۵۷/۱۶

یادداشت وزارت امور خارجه به سفارت آلمان

۷ جمادی الاخری ۱۳۱۹

یادداشت آن سفارت امپراطوری مورخه ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۱۹، دایر به امتیازنامه معدن طلای کاوند، که از طرف دولت علیه، مسیو گودریتسکی متوقفاً، تبعه متبوعه آن سفارت محترمه و میرزا محمدعلی رشتی صادر شده بود، واصل دست احترام گردید. اینک آن سفارت امپراطوری استعلام کرده‌اند که آیا دولت علیه مایل است، اجازه دهد که حقی که مسیو گودریتسکی در امتیاز مزبور دارد، به کسی فروخته شود، با احترام تمام، زحمت اظهار می‌دهد که دولت علیه، بر مدلول فصل ششم قرارنامه مزبور که صاحبان امتیاز، حقوق خودشان را بدون اجازه دولت علیه نمی‌توانند به کسی واگذار و یا بفروشند، فروش حقوق صاحبان امتیاز مزبور را به کسی مایل نیست و تجویز نمی‌نمایند.*

نصرالله مشیرالدوله

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ق، صندوق ۲۳، پرونده ۱.

شماره سند: ۴۴

تاریخ: ۱۳۰۸/۹/۱۸ [ش. ۸ / رجب ۱۳۴۸ ه.ق. / ۹ دسامبر ۱۹۲۹ م.]

فرستنده: سفارت ایران - برلین

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: خبر روزنامه «برلن بورسن زایتونگ» مبنی خریداری شدن یک قطعه سنگ حجاری شده توسط موزه برلن.

نمره: ۲ برگ

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

ترجمه قطعه روزنامه Berliner Börsen Zeitung راجع به یک سنگ حجاری تخت جمشید که موزه آلمان خریداری نموده، برای استحضار خاطر محترم تلوأ انفاذ می دارد.*

محل امضا

محل مهر ثبت نامه های ورودی

نمره: ۱۱۷۵۷

پس از ظهر ۱۳۰۸/۱۰/۲

[نوشته حاشیه: سواد ملفوف به وزارت معارف فرستاده شود.]

پیوست ۱ سند شماره ۴۴

پیوست ۲ بریده روزنامه است و به بخش اسناد مراجعه شود.

از روزنامه Berliner Börsen Zeitung

مورخه ۳۰ نوامبر ۱۹۲۹

موزه برلن به تازه‌گی یک شاهکار صنعتی ایرانی ابتیاع نموده است، این شاهکار عبارت است از یک قطعه حجاری برجسته - Relief - که از تخت جمشید آورده‌اند، و صورت خادمی را نشان می‌دهد که بزه [ای] به هدیه می‌آورد. پروفیسور [فردریش] زاره که در حقیقت خریدار این حجاری است، عقیده دارد که این صورت با صورت حجاری شده دیگری که از تخت جمشید آورده‌اند، و مدتهاست در برلن موجود است، در اصل با هم متصل بوده و در سرسرای پلکان بزرگی به قصر خشایار شاه ملحق بوده، دارای کتیبه مخصوص بوده است. صنعت خالص ایرانی خالی از نفوذ یونان، در این قطعه به خوبی مشهود و نمونه کاملی است از صنعت خالص مشرق زمین.*

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۸ ه‍.ق، کارتن ۲۴، موضوع ۳۸، پرونده ۲۰.

شماره سند: ۴۵

تاریخ: ۱۳۰۸/۱۰/۱۱ [ش. ۳۱/ دسامبر ۱۹۲۹ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره کل امور سیاسی

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

موضوع: قطعه سنگ تخت جمشید در موزه برلن

نمره: ۱۲۱۲۱

ضمیمه: گزارش سفارت برلن

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سفارت شاهنشاهی مقیم برلن قطعه روزنامه Berliner Börsen Zeitung مورخه ۳۰

نوامبر ۱۹۲۹، راجع به یک قطعه حجاری برجسته تخت جمشید، که موزه برلن آن را خریداری

نموده و به وزارت امور خارجه فرستاده [است] که ترجمه قطعه جریده مزبور برای استحضار آن

وزارت جلیله تلواً ایفاد می‌گردد.*

غفاری

[نوشته حاشیه:] ترجمه روزنامه ضمیمه شود.

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۸ ه.ق، کارتن ۲۴، موضوع ۳۸، پرونده ۲۰.

شماره سند: ۴۶

تاریخ: ۱۳۰۸/۱۰/۲۹ [ش. / ۱۹ ژانویه ۱۹۳۰]

فرستنده: وزارت اوقاف و معارف و صنایع مستظرفه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. صدور مجوز خروج اشیای عتیقه، پس از تأیید «مسیو گدار» ۲. خروج غیرقانونی سنگهای تخت جمشید، توسط تجار عتیقه‌فروش کلیمیان و ۳. اقدامات لازم جهت جلوگیری از خروج آنها از مرز

نمره: ۲۶۶۰۰/۵۱۶۱۱

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۱۲۱۲۱، مورخ ۸/۱۰/۱۱ متضمن سواد ترجمه Berliner Börsen Zeitung، راجع به یک قطعه حجاری برجسته تخت جمشید که موزه برلن آن را خریداری نموده است، زیب وصل داد. در صورتی که این وزارتخانه، سنگهای حجاری و غیره را به نظر مسیو «گدار» متخصص عتیقات رسانیده، و هر کدام را اجازه بدهد، جواز حمل به خارجه صادر می‌شود، باز مشاهده می‌شود که تجار عتیقه فروش کلیمی، به انواع و اقسام دسیسه‌کاری، حجاریهای عتیقه را به طور قاچاق از سرحد می‌گذرانند، و چون این ایام، تجار مذکور میل مفروطی به جمع‌آوری احجار پیدا کرده، و حتی سنگهای قبور و اماکن مقدسه را نیز، اغلب سرقت نموده، حمل به خارجه می‌نمایند. از وزارت جلیله مآلیه تقاضا شد، به اداره کل گمرکات امر اکید صادر فرمایند، که به مأموران سرحدی خود دستور دهند، کمال دقت و مواظبت را بنمایند که اشیای عتیقه را به طور قاچاق نتوانند بگذرانند.*

از طرف وزیر - محل مهر و امضا

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به اداره کل امور سیاسی

نمره ۱۴۹۹۲ قبل از ظهر ۱۳۰۸/۱۱/۱

[نوشته حاشیه: فعلاً اقدامی ندارد]

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۸ ه.ق، کارتن ۲۴، موضوع ۳۸، پرونده ۲۰.

شماره سند: ۴۷

تاریخ: ۱۳۱۴/۸/۱۷ [ش. ۹ / نوامبر ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: شانزده صندوق اشیای عتیقه متعلق به «هرتسفلد»^۱ و قیمت‌گذاری و صدور جواز

خروج آنها

نمره: ۱۹۲۱/۴۳۵۰۴

ضمیمه: دو صورت

وزارت امور خارجه

شانزده صندوق اشیای عتیقه متعلق به آقای پروفیسور «هرتسفلد»، برای تقدیم و صدور جواز خروجی از تخت جمشید، به وزارت معارف ارسال گردید، و اشیای مذکور مورد رسیدگی کامل واقع شد، و برطبق دو صورت ضمیمه اشیای عتیقه مذکور در نمره ۱، به مبلغ ۱۶۷۲۰ ریال تقویم شده است، که حقوق معارفی آن از قرار ۵٪، ۱۳۳۶ ریال و حقوق گمرکی از قرار ۱۰٪، ۲۶۷۲ ریال، که جمعاً ۴۰۰۸ ریال می‌شود، و بر مبلغ مذکور باید تقریباً ۱۵۰ ریال هم برای فوق‌العاده مأمور گمرک و تمبر و غیره افزوده شود.*

صورت نمره ۲، متضمن اشیایی است که معاف از مالیاتند.

ضمناً خاطر محترم را مستحضر می‌دارد، که مقداری از فراگمانهای تخت جمشید که در صندوق نمره ۶ گذارده شده بود، و گویا در غیاب آقای پروفیسور هرتسفلد، کارکنان مشارالیه، اشتباهاً در جزء اشیای او ارسال نموده‌اند، به جهت تکمیل فراگمانهای موجوده تخت جمشید در موزه، ضبط گردید و نیز دو درب بزرگ و دو درب کوچک چوبی، که در صندوق نمره ۱ بوده و حتماً متعلق است به یکی از ابنیه تاریخی، و معلوم نیست به چه جهت در جزو اشیای آقای

۱. اسناد مربوط به هرتسفلد در فصل سوم نیز آمده است.

** بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۸ ه.ق، کارتن ۲۴، موضوع ۳۸، پرونده ۲۰.

هرتسفلد گذارده شده [اند] ضبط، و از ارسال آنها خودداری خواهد شد. لذا متمنی است مقرر فرمایند، مراتب را به اطلاع سفارت جمهوری آلمان رسانیده، که هر چه زودتر مبلغ مذکور در فوق را ارسال دارند، تا اشیای پروفیسور مذکور به تخت جمشید فرستاده شده، تا با سایر لوازم شخصی ایشان به بوشهر حمل شود.*

از طرف وزیر معارف و اوقاف

محل مهر و امضا

[نوشته‌های حاشیه ۱:] ۲۶۷۲۰ ریال تقویم شده است، وزارت معارف اشتباه کرده است. ۱۴/۸/۲۵ به اداره عتیقات مسیو گدار تلفن شد که مینوت آن را به طریق فوق تصحیح نماید.

[نوشته‌های حاشیه ۲:] آقای خطیب از وزارت معادن تلفن می‌کردند که چون در این مراسله یک صندوق از قلم افتاده است، فعلاً اقدامی نشود تا مراسله دیگری که تهیه کرده‌اند در تعقیب این کاغذ برسد. ۱۴/۸/۱۸

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

شماره ۳۵۹۳۱

تاریخ ۱۳۱۴/۸/۱۸

صورت اشیای مالیاتی

محتویات صندوق نمره ۱

قیمت بنابر اظهار	تعداد	جنس اشیا
۶۰۰ ریال	۴۰ عدد	۱. پیاله، نعلبکی، سنگ یشب، مهره، سرمه‌دان
		و دوات کاشی و غیره
۱۰۰ ریال	۱۹ عدد	۲. شیشه و کاشی
۴۵۰ ریال	۸ عدد	۳. فراگمان

محتویات صندوق نمره ۲

۱۵۰۰ ریال	۲۱ عدد	۱. ظروف و اشیای مختلفه مفرغی
۳۰۰ ریال	۱۲ عدد	۲. شیشه و شمعدان زیرخاکی
۴۰۰ ریال	۲۰ عدد	۳. مهره، نشان و غیره
۲۸۰ ریال	۲۴ عدد	۴. سکه نقره و مسی ساسانی
۶۰ ریال	۳۱ عدد	۵. دگمه‌های استخوانی
۳۰۰ ریال	۲۵ عدد	۶. لول
۳۰۰ ریال	۲۱ عدد	۷. سنگ، حدید، سرعصا، پیاله و غیره
۳۰۰ ریال	۱۶ عدد	۸. اوراق پوست و کاغذ
۵۰۰ ریال	۱ عدد	۹. سرمجسمه حیوان

محتویات صندوق نمره ۷

۱۲۴۰۰ ریال	۴۸ عدد	۱. اشیای مفرغی
۳۵۰۰ ریال	۴ عدد	۲. کارد خط‌دار و بی خط
۵۰۰ ریال	۱ عدد	۳. زیرسری مفرغی
۳۲۰۰۰ ریال	۳۳ عدد	۴. قوری، النگو، سرنیزه، مجسمه و دگمه
۲۰ ریال	۵ عدد	۵. ظروف گِل پخته و سنگ

محتویات صندوق ۱۱

جنس اشیا	تعداد	قیمت بنابر اظهار
۱. شیشه	۴۵ عدد	۲۰۰ ریال
۲. شمعدان مفرغی	۱ عدد	۵۰ ریال
۳. کتاب	۵ جلد	۱۶۰ ریال

محتویات صندوق نمره ۱۲

۱. یک قطعه آجر	-	۵۰۰ ریال
----------------	---	----------

محتویات صندوق نمره ۱۳

۱. یک قطعه آجر	-	۵۰۰ ریال
----------------	---	----------

محتویات صندوق نمره ۱۴

۱. یک قطعه گچ	-	۳۰۰ ریال
		۲۶۷۲۰ ریال

صورت اشیای معافی

صندوق نمره ۱

۱. مهره‌های شطرنج [۲] - قاب عینک [۳] - قوطی مینای چینی و غیره،

صندوق نمره ۲

۱. قلمدان [۲] - خرده سنگ تنک‌روی [۳] - کاشی [۴] - جعبه چوبی [۵] - قهوه‌خوری

۲. ظروف سفالی شکسته و درست [سالم].

صندوق نمره ۳ و ۴

۱. فراگمان

صندوق نمره ۵

۱. فراگمان

صندوق نمره ۶ [نوشته حاشیه: صندوقهای نمره ۴ و ۵ هم در صورت

۱. فراگمان اشیای مالیاتی نوشته شود.

صندوق نمره ۷

۱. قفل [۲]- قوطی چوبی [۳] و سنجاق [۴]- تکه‌های سفالی شکسته

صندوق نمره ۸

۱. تختهای نقاشی بزرگ و کوچک

صندوق نمره ۹

۱. تختهای نقاشی ۲. آفتابه لگن مسی ۳. فانوس بزرگ

صندوق نمره ۱۱

۱. تختهای سیاه ۲. مرغابی برنجی ۳. رحل قرآن ۴. جلد کتاب و میز کوچک خانم [۵] تختهای

منقش [۶] و دوک پشم ریزی.

صندوق نمره ۱۵

۱. پرده‌های نقاشی زمان قاجاریه

صندوق نمره ۱۶

[۱]- صندوق خاتم و [۲] قالبهای گچی سکه

شماره سند: ۴۸

تاریخ: ۱۳۱۴/۸/۱۹ [ش. ۱۱ / نوامبر ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره کل عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ضبط صندوقهای ۵۰۴ در موزه، جهت تکمیل فراگمانهای موزه

نمره: ۱۹۳۸/۴۴۳۳۸

وزارت امور خارجه

در تعقیب مراسله نمره $\frac{۴۳۵۰/۱۹۲۱}{۱۴/۸/۱۷}$ درخصوص تقویم و تفتیش اشیای عتیقه پروفیسور هرتسفلد، محترماً اشعار می دارد [که] علاوه بر فراگمانهای صندوق نمره ۶ که متعلق به تخت جمشید است، دو صندوق نمره ۵۰۴ هم از همان فراگمانها می باشد که اشتباهاً در مراسله قبل، اشاره به ضبط آنها نشده است. لذا از نظر تکمیل فراگمانهای موجود در موزه ضبط گردید.*

از طرف وزیر معارف و اوقاف

محل مهر و امضا

محل مهر ثبت نامه های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۳۵۹۷۱

تاریخ: ۱۳۱۴/۸/۱۹

شماره سند: ۴۹

تاریخ: ۱۳۱۴/۸/۲۰ [ش. ۱۲ / نوامبر ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه [یادداشت]

گیرنده: سفارت آلمان

موضوع: یادداشت مبنی بر تقویم و بررسی اشیای عتیقه متعلق به هرتسفلد، و ضبط کردن بعضی

از آنها

نمره: ۳۶۳۷۱

عنوان مسوده: یادداشت سفارت آلمان

وزارت شاهنشاهی امور خارجه، تعارفات خود را به سفارت آلمان اظهار و احتراماً زحمت اشعار می دهد که از قرار اطلاع واصله، شانزده صندوق اشیای عتیقه متعلق به آقای پروفیسور هرتسفلد برای تقویم و صدور جواز خروجی از تخت جمشید به وزارت معارف و اوقاف ارسال گردیده است، پس از رسیدگی بر طبق دو صورت ضمیمه، اشیای عتیقه مذکور در نمره یک به مبلغ ۲۶۷۲۰ ریال تقویم شده که حقوق معارفی آن از قرار ۵٪، ۱۳۳۶ ریال و حقوق گمرکی از قرار ۱۰٪، ۲۶۷۲ ریال که جمعاً ۴۰۰۸/۰ ریال می شود، بر مبلغ مذکور باید تقریباً ۱۵۰ ریال هم، برای فوق العاده مأمور گمرک و تمبر و غیره افزوده شود. صورت نمره دو متضمن اشیایی است که معاف از مالیات هستند.

ضمناً اشعار می شود که مقداری از فراگمانهای تخت جمشید که در صندوق نمره ۶ گذارده شده بود، و گویا در غیاب آقای پروفیسور هرتسفلد، کارکنان مشارالیه، اشتبهاً در جزو اشیای او ارسال نموده اند، به جهت تکمیل فراگمانهای موجوده تخت جمشید، در موزه ضبط گردید، و نیز دو درب بزرگ، و دو درب کوچک چوبی که در صندوق ۱۰ بوده اند، و حتماً متعلق است به یکی از ابنیه تاریخی و در جزو اشیا بود، ضبط و از ارسال آنها خودداری خواهد شد. لذا از آن سفارت خواهشمند است، مقرر فرمایند مبلغ مذکور در فوق ارسال شود، تا اشیای پروفیسور هرتسفلد به تخت جمشید فرستاده شود، و با سایر لوازم شخصی ایشان به بوشهر

حمل گردد.*

محلّ پاراف

[نوشتۀ حاشیه:] سواد دو صورت ضمیمه مراسله نمرة ۳۵۰۴ وزارت معارف با تصحیحی که بر طبق مراسله ۴۴۳۳۸ معارف به عمل آمده فرستاده شود، صادر شود.

شماره سند: ۵۰

تاریخ: ۱۹ نوامبر ۱۹۳۵ [م. / ۲۷ آبان ۱۳۱۴ ش.]

فرستنده: سفارت آلمان [یادداشت به زبان فارسی]

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ارسال مفاد یادداشت وزارت امور خارجه جهت پروفیسور هرتسفلد

نمره: ۲۷۰۹

یادداشت

سفارت آلمان تعارفات خود را به وزارت شاهنشاهی امور خارجه ایران اظهار، و با اشعار وصول یادداشت مورخ ۱۴/۸/۲۰ نمره ۳۶۳۷۱/۲۹۳۳، محترماً زحمت افزا می‌گردد که مفاد یادداشت مزبور، برای اطلاع آقای پروفیسور هرتسفلد ارسال و پس از وصول جواب مشارالیه، نتیجه در ثانی اشعار خواهد گردید.*

محل مهر سفارت آلمان

وزارت شاهنشاهی امور خارجه ایران

تهران

محل مهر ثبت نامه‌های وارده

شماره: ۳۷۰۹۳

تاریخ: ۱۴/۸/۲۸

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۴ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۵۱

تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۳۶ [م. / ۱۳ دی ۱۳۱۴ ش.]

فرستنده: سفارت آلمان [یادداشت به زبان فارسی]

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ارسال مبلغی که به اشیای عتیقه هرتسفلد تعلق می‌گرفت

نمره: ۳۱۶۸

یادداشت

با اظهار تعارفات خود و با عطف به یادداشت مورخ ۱۴/۸/۲۰ نمره ۳۶۳۷۱/۲۹۳۳، راجع به اشیای عتیقه متعلق به آقای پروفسور هرتسفلد محترماً مبلغ چهار هزار و یک صد و پنجاه و هشت ریال از بابت:

حقوق معارفی اشیای مزبور از قرار صدی ۵ ۱۳۳۶ ریال

حقوق گمرکی از قرار ۱۰٪ ۲۶۷۲ ریال

فوق العاده مأمور گمرک، تمبر و غیره ۱۵۰ ریال

۴۱۵۸ ریال

لغاً تقدیم می‌گردد تا مقرّر فرمایند، به طوری که در یادداشت مزبور قید گردیده اشیای مذکوره در فوق را به تخت جمشید ارسال دارند، که با سایر لوازم شخصی مشارالیه به بوشهر حمل گردد.*

محل مهر ثبت نامه‌های وارده

وزارت شاهنشاهی امور خارجه ایران

شماره: ۴۳۷۱۲

تهران

تاریخ: ۱۴/۱۰/۱۵

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۴ ش، صندوق ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۵۲

تاریخ: ۱۳۱۴/۱۰/۱۶ [ش. / ۷ ژانویه ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سوم

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: نامه وزارت خارجه مبنی بر دریافت حقوق گمرکی، معارفی و پول تمبر اشیای متعلق به هرتسفلد و درخواست ارسال اشیای نامبرده به تخت جمشید

نمره: ۳۵۹۷۸

وزارت معارف

عطف به مراسلات نمره ۴۳۵۰۴/۱۹۲۱ مورخه ۱۴/۸/۱۷ و نمره ۴۴۳۳۸/۱۹۳۸ مورخه ۱۴/۸/۱۹ راجع به شانزده صندوق اشیای عتیقه متعلق به آقای پروفیسور هرتسفلد، اینک مبلغ چهار هزار و یک صد و پنجاه و هشت ریال از بابت:

حقوق معارفی اشیای مزبور از قرار صدی ۵ ۱۳۳۶ ریال

حقوق گمرکی از قرار ۱۰٪ ۲۶۷۲ ریال

فوق العاده مأمور گمرک، تمبر و غیره ۱۵۰ ریال

۴۱۵۸/- ریال

که از سفارت آلمان ارسال شده تلوأ ارسال، و متمنی است به طوری که در مراسلات فوق قید گردیده [است]، مقرر فرمایید، اشیای مذکور را به تخت جمشید ارسال دارند، که با سایر لوازم شخصی آقای پروفیسور هرتسفلد به بوشهر حمل شود.

محَلّ امضا

[نوشته حاشیه:]

مبلغ ۴۱۵۸ ریال ضمیمه یادداشت نمره ۳۱۶۸ سفارت آلمان فرستاده می شود. *

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۴ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۵۳

تاریخ: ۱۳۱۴/۱۱/۷ [ش. / ۲۸ ژانویه ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره کل عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: پلمپ کردن دوازده صندوق متعلق به پروفیسور هرتسفلد و تحویل آنها به شرکت متحدہ

حمل و نقل ایران و عراق

نمره: ۲۸۷۸/۵۵۷۵۴

وزارت امور خارجه

عطف به مرقومه نمره ۳۵۹۷۸/۲۹۲۵ اداره سوم سیاسی، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد [که] اشیای متعلق به آقای پروفیسور هرتسفلد، در دوازده صندوق پس از پلمپ شدن از طرف این وزارتخانه، و اداره کل گمرک، در تاریخ ۴ ماه جاری برحسب تقاضای آقای «مایلس»، طبق سواد رسید ضمیمه، تحویل شرکت متحدہ حمل و نقل ایران و عراق گردید. از مبلغ ۴۱۵۸ ریال ارسالی

حقوق معارفی اشیای مزبور از قرار صدی ۵ ۱۳۳۶

حقوق گمرکی و قیمت تبر و حمالی و غیره ۲۷۶۵/۵۵

فوق العاده مأمور گمرک

۱۳

۴۱۱۴/۵۵

الباقی ۴۳/۴۵ ریال که به ضمیمه ارسال شد.*

وزیر معارف و اوقاف

علی اصغر حکمت

محل مهر و امضا

شماره سند: ۵۴

تاریخ: ۱۳۱۴/۱۱/۱۳ [ش. ۳/ فوریه ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه [پیش‌نویس یادداشت]

گیرنده: سفارت آلمان

موضوع: تحویل اشیای هرتسفلد به شرکت متحده حمل و نقل ایران و عراق

نمره: ۴۳۷۱۲

یادداشت به سفارت آلمان

وزارت شاهنشاهی امور خارجه، تعارفات خود را به سفارت آلمان اظهار و عطفاً به یادداشت نمره ۳۱۶۸ مورخه ۴ ژانویه ۱۹۳۶، زحمت اشعار می‌دهد که وزارت معارف و اوقاف، اشیای متعلق به آقای پروفیسور هرتسفلد را در دوازده صندوق، پس از پلمپ شدن از طرف وزارت مشارالیه و اداره کل گمرکات، در تاریخ چهارم این ماه بر حسب تقاضای آقای مایلس، طبق سواد رسید ضمیمه، تحویل شرکت متحده حمل و نقل ایران و عراق داده است.

حقوق معارفی اشیای مزبور از قرار صدی ۵	ریال ۱۳۳۶
حقوق گمرکی و قیمت تبر و حملی و غیره	ریال ۲۷۶۵/۵۵
فوق‌العاده مأمور گمرک	ریال ۱۳
جمعاً	۴۱۱۴/۵۵

پرداخته شده و بقیه مبلغ ۴۳/۴۵ ریال به ضمیمه ارسال می‌شود.

خواهشمند است وصول مبلغ مزبور را به وزارت امور خارجه اشعار فرمایند.*

[نوشته حاشیه:]

۱. عین ضمیمه مراسله نمره ۵۵۷۵۴ وزارت معارف

۲. مبلغ ۴۳/۴۵ ریال فرستاده می‌شود.

صادر شود.

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۴ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

فصل دوم

هیأت‌های آمریکایی

۱۳۱۷-۱۳۰۹ ش.

۱۹۳۹-۱۹۳۰ م.

شماره سند: ۵۵

تاریخ: [آبان / ۱۳۰۹ ش. / ۲۰ اکتبر ۱۹۳۰]

فرستنده: اداره مطبوعات

گیرنده: وزیر امور خارجه

موضوع: ترجمه نشریه «تایمز» و «هرالد تریبون»

نمره:

تشکیل مؤسسه جدید برای اکتشافات در ایران کهن

قانون جدید، عتیقیات آمریکایی را به عمل تشویق می‌کند

دیروز اعلام شد که اخیراً یک مؤسسه آمریکایی، برای صنایع مستظرفه و عتیقیات ایران American Institute for Persian Art and Archeology تأسیس گردیده، و اینک برای تجدید اکتشاف چندین شهر مدفون شده ایران، در نظر است اقداماتی به عمل آورد.

اخیراً هیأت وزرای مملکت امپراطوری ایران، راجع به عتیقیات قوانینی وضع کرده که موجب تشویق گردیده و بنابراین مؤسسه مزبور نیز تصمیم گرفته است، در اعزام چند دسته هیأت اعزامیه از موزه‌های آمریکا، برای اکتشافات در استخر - ری - شاپور و پازادگاد مساعدت نماید. تأسیس این مؤسسه بیشتر در نتیجه مجاهدات (پروفسور اِپ‌پوپ Prof. Arthur Upham Pope) مستشار صنایع مستظرفه اسلامی مؤسسه صنایع مستظرفه شیکاگو، و مستشار افتخاری صنایع مستظرفه دولت ایران می‌باشد.

نمایشگاه بین‌المللی صنایع مستظرفه ایران هم که در اوایل سنه آتیه در (رایل آکادمی

(Royal Acade

شماره سند: ۵۶

تاریخ: ۱۳۰۹/۹/۶ [ش. ۲۷ / نوامبر ۱۹۳۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره کل امور سیاسی

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

موضوع: ارسال ترجمه نشریه «هرالد تریبون» چاپ آمریکا، مبنی بر تشکیل مؤسسه

جدید، برای اکتشافات در ایران کهن.

نمره: ۲۴۱۵۸

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

جریده (هرالد تریبون Herald-Tribun) منطبعه شیکاگو، در شماره منتشره روز ۲۰ اکتبر

۱۹۳۰، شرحی تحت عنوان «تشکیل مؤسسه جدید، برای اکتشافات در ایران کهن» راجع به

تأسیس یک مؤسسه آمریکایی، برای صنایع و عتیقیات ایران در آمریکا طبع و نشر نموده و

American Institute for Persian Art and Archeology چون از لحاظ موضوع، مورد توجه آن

وزارت جلیله است، ترجمه آن [را] لفاً ارسال می دارد.*

محل امضای غفاری

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ش، کاترین ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده ۱۳.

واقعه [واقع] در (برلینگتون هاوس Berlington House) منعقد خواهد شد، در نتیجه ابتکار مشارالیه می‌باشد، حالیه هم مشغول جمع کردن نمونه‌های صنایع مستظرفه ایران از موزه‌های آمریکا و اشخاص ذی‌علاقه برای نمایشگاه مزبور است.

علاوه بر این، مؤسسه اجازه داده است که تحقیقات علمی - کمک به محققین - مساعدت در حفظ ابنیه یادگاری باستانی ایران، و طبع مطالب راجع به صنایع ایران تشویق، و ترغیب بشود. گذشته از این، اساسنامه مؤسسه اجازه می‌دهد، که میدان عملیات از آمریکا و مملکت امپراطوری به نقاط دیگر که هیأت مدیره مقتضی بدانند توسعه یابد.

پروفسور ا.و. ویلیام جکسن Prof. A.V. William Jackson عضو دارالعلوم کلمبیا (Columbia University)، رئیس افتخاری مؤسسه و (فرانکلین م. گنتر Franklin M. Gunther) وزیر مختار آمریکا در مصر، سمت ریاست دارد.

(به اضافه جریده هرالده تریبون، منطبعه نیویورک که فوقاً ترجمه شده، روزنامه «ورلد» World منطبعه شهر نیویورک، ایونینگ نیوز Evening News منطبعه شهر نیویورک و گلوب Globe منطبعه بوستن هم هر کدام شرح بالنسبه مختصرتری در این زمینه نوشته‌اند.)*

[نوشته حاشیه: به سفارت واشنگتن نوشته شود در نمره ۲۰ اکتبر ۱۹۳۰ هرالده تریبون این طور نوشته شده، تحقیق نمائید این هیأت تشکیل گردیده یا خیر. عین متن انگلیسی روزنامه ضمیمه شود.

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده ۱۳.

شماره سند: ۵۷

تاریخ: ۱۳۱۷/۵/۱۱ [ش. ۴ اکتبر ۱۹۳۸ م.]

فرستنده: سرکنسولگری ایران در بیروت

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مقاله‌ای در روزنامه «ل ژوغ» در مورد تخت جمشید

نمره: ۱۱۳۳

ضمیمه: دارد

وزارت امور خارجه

روزنامه لژور چاپ بیروت در شماره ۱۱۲۴ مورخه ۱۹۳۸/۷/۲۸ خود، مقاله مفصلی به خامه «میریام هاری» راجع به تخت جمشید تحت عنوان «پرس پلیس یا یک شب در حرم داریوش - یک خانم جوان و زیبای آمریکایی، ثروت هنگفت خود را به احیای پایتخت باستانی ایران اختصاص می‌دهد»، نگاشته عین قطعه آن را به انضمام ترجمه فارسی به پیوست تقدیم می‌دارد.*

ژنرال قونسول دولت شاهنشاهی - میرفندرسکی

[نوشته حاشیه:] هیچ معلوم نیست از چه نظر دفتر وزارتی، این نامه را به اداره امور قنصلی ارسال داشته است، به هر حال عین این مقاله در تان (پاریس) منتشر و به دفتر مخصوص نوشته‌ایم. اقدامی ندارد.

این موضوع چندی قبل از اداره سوم اقدام شده است.

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۵.

شماره سند: ۵۸

تاریخ: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ [ش./ ۱۹ مه ۱۹۳۲ م.]

فرستنده: مشاور افتخاری تجاری - علی اکبر کاشف

گیرنده: عضدی - شارژدافر سفارت ایران در واشنگتن

موضوع: خرید و فروش مجسمه‌های تخت جمشید در آمریکا و اروپا

نمره: -

جناب اجل آقای عضدی

شارژدافر محترم سفارت سنیه شاهنشاهی

محترماً به عرض می‌رساند: از حفریات جدید جنوب ایران نزدیک تخت جمشید، چندین مجسمه به اروپا و آمریکا آورده‌اند. یکی از آنها که به موزه بوستون فروخته شده، عکس آن در جوف است، و از قوامسموع مقداری [را] نیز در اروپا مستر کلکیان و مستر گورکیان خریده و به آمریکا آورده‌اند و به موزه‌ها تکلیف می‌نمایند. نظر به اینکه این پارچه‌ها، که چهار هزار سال تاریخ دارند، و از مفاخر مملکت ایران محسوب می‌شوند و خروج آنها بایستی ممنوع باشد، لذا خاطر شریف را مستحضر می‌دارم که به مقامات لازمه، اخبار کیفیت بفرمائید.*

علی اکبر کاشف

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۵۹

تاریخ: ۱۳۱۲/۳/۱ [ش. ۲۲ / مه ۱۹۳۲ م.]

فرستنده: سفارت ایران در واشنگتن - عضدی

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: فروش مجسمه‌های تخت جمشید به انضمام یک قطعه عکس از یکی از مجسمه‌ها

نمره: ۴۱۸

وزارت امور خارجه

در سفر اخیری که به نیویورک رفته بودم، چنین شهرت داشت که از حضرات جدید تخت جمشید، چند فقره حجاری قدیمی به آمریکا آورده شده، لذا از آقای کاشف مشاور اختاری تجارتی خواسته شد که در این باب تحقیقات نموده و نتیجه را اطلاع دهد. امروز از طرف مشارالیه، شرح مختصری به ضمیمه یک قطعه عکس نقشی که به قرار معلوم، در موزه شهر بوستن می‌باشد، و ظهر آن یادداشت شده، به سفارت رسیده [است] که سواد آن، به ضمیمه عین عکس تقدیم می‌گردد، تا چنانچه اقدامی در ایران یا آمریکا در این موضوع لازم باشد، دستور فرمایند معمول گردد. متمنی است عین عکس را پس از رفع احتیاج، امر فرمایند اعاده شود.*

یدالله عضدی^۱

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۱۱۸۲۰

تاریخ: ۱۳۱۲/۳/۲۵

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده ۱۱.

۱. یدالله عضدی از تیرماه ۱۳۱۰ تا فروردین ۱۳۱۲ ش. شازدافر سفارت ایران در واشنگتن بود.

شماره سند: ۶۰

تاریخ: ۱۳۱۲/۳/۲۹ [ش. / ۱۹ ژوئن ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اقتصادیات

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: خروج آثار تاریخی از ایران

نمره: ۱۲۲۱۸/۷۱۵

وزارت معارف

با ارسال سواد راپرت سفارت شاهنشاهی در واشنگتن، و سواد شرحی که آقای کاشف نوشته است، و یک قطعه عکس ضمیمه به آن، توجه مخصوص آن وزارت جلیله را به مندرجات آن معطوف ساخته، و خواهشمند است از نتیجه، اقداماتی که برای جلوگیری از خروج آثار تاریخی ایران به عمل خواهند آورد، وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند.*

محل امضا

شماره سند: ۶۱

تاریخ: ۱۳۱۲/۴/۱۲ [ه.ش. ۲/ ژوئیه ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: خروج یک قطعه حجاری مربوط به دوره هخامنشی

نمره: ۳۲۰۴/۷۴۷۲

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۱۲۲۱۸/۷۱۵ مورخ ۱۲/۳/۲۹ متضمن سواد راپرت سفارت شاهنشاهی در واشنگتن، و سواد مشروحه آقای کاشف به ضمیمه یک قطعه عکس از حجاریهای عهد هخامنشی زیب و وصول بخشید، بر طبق ماده ۴۷ و مواد دیگر نظامنامه حفظ آثار عتیقه مصوب هیأت محترم دولت هیچ عتیقه را نمی توان از ایران خارج نمود مگر با اجازه وزارت معارف، و غیرممکن است وزارت معارف، اجازه خروج یک قطعه حجاری عهد هخامنشی را بدهد، بنابراین حجاری مزبور را به طریق قاچاق از مملکت خارج کرده اند، باید همیشه از طرف وزارت مربوطه به مأمورین سرحدی خود تأکید شود، که جداً از نظایر این کار جلوگیری به عمل آورند، ضمناً خاطر آن وزارت را مستحضر می دارد، که در سه سال قبل که مسیو گدار برای معاینه ابنیه تاریخی طرف اصفهان و فارس و غیره حرکت کرده بود، راپرت مبسوطی راجع به حفظ این قبیل حجاریها داده و مخصوصاً متذکر شده است که در حفظ آنها باید کمال مراقبت و مواظبت به عمل آید، والا به سرقت خواهند برد، تصدیق خواهند فرمود که نگاهداری این قبیل حجاریها آن هم در صحرا مستلزم مخارج است. مکرر برای انجام این منظور همچنین مرمت ابنیه تاریخی تقاضای اعتبار شده و متأسفانه بلا نتیجه مانده است.*

عمادالملک محسنی

محل مهر وزارت معارف

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۶۲

تاریخ: ۱۷/۴/۱۲ [۱۳۱۲ ه.ش. / ۱۴ ربیع الاول ۱۳۵۲ ه.ق. / ۸ ژوئیه ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: [مخبر السلطنه] نخست وزیر

موضوع: فروش بعضی از حجاریهای دوره هخامنشی در آمریکا

نمره: -

به عرض می‌رساند

سفارت واشنگتن راپرت داده است که بعضی از حجاریهای زمان هخامنشی در آمریکا به فروش می‌رسد. از طرف وزارت امور خارجه شرحی در این باب به وزارت جلیله معارف نوشته شد که اقدامات لازمه را برای جلوگیری از خروج این آثار به عمل آورند، جوابی را که وزارت جلیله معارف داده‌اند از نظر مبارک حضرت اشرف می‌گذرانند، به طوری که ملاحظه می‌فرمایند جواب وزارت معزّی الیها کافی نیست، لهذا چنانچه اقتضای رأی مبارک باشد که موضوع تعقیب بشود، اوامر لازم صادر خواهند فرمود.*

محل امضا

[نوشته‌های حاشیه:]

عجالتاً تعقیبی که به نظر می‌رسد این است که توسط سفارت واشنگتن تحقیق شود حجاریهایی که آنجا دیده شده به چه وسیله به آمریکا رفته است، تعقیب و پیگیری هم اگر به نظر می‌رسد، البتّه باید کرد.

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۶۳

تاریخ: ۱۳۱۲/۴/۲۶ [ش. / ۱۷ ژوئیه ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اقتصاد

گیرنده: سفارت ایران - واشنگتن

موضوع: ۱. درخواست تحقیق در مورد چگونگی ورود مجسمه‌های تخت جمشید به آن کشور ۲.

اینکه آیا طبق قوانین آمریکا، موزه‌های آن کشور می‌توانند اشیای سرقت شده را

خریداری نمایند و ۳. نتیجه اعتراض کشورهایی مانند مصر و یونان

نمره: ۱۵۹۸۱/۹۵۷

سفارت شاهنشاهی - واشنگتن

راپرت مورخه اول تیرماه هذه السنه نمره ۴۱۸ راجع به اینکه بعضی از حجاریهای تخت جمشید که جدیداً کشف شده‌اند [در آمریکا بفروش رسیده است، واصل گردید. وزارت امور خارجه به این موضوع نهایت اهمیت را داده و لازم می‌داند، اولاً تحقیقات کامل و دقیقی به عمل آید که حجاریهایی که در آمریکا دیده شده، به چه وسیله‌ای به آنجا رفته است.

ثانیاً معلوم بنمائید که آیا طبق قوانین و مقررات دولت آمریکا، موزه‌ها یا اشخاص مجاز هستند که آثار تاریخی یک مملکتی را که برخلاف موازین قانونی آن مملکت و به طور سرقت خارج شده است، خریداری بنماید یا خیر.

ثالثاً، چون ممکن است بعضی از آثار تاریخی ایتالیا، یونان، مصر و ممالک دیگر که دارای آثار تاریخی زیادی هستند، به همین ترتیب به آمریکا رفته باشد، لازم است تحقیقات دقیقی به عمل آورید که در این قسمت چه سوابقی موجود است و آیا در اعتراضات دولی که آثار تاریخی آنها را به سرقت برای فروش به آمریکا برده‌اند، چه نتیجه‌ای حاصل شده است، خلاصه، منظور وزارت امور خارجه این است که هر تحقیقاتی را که برای آثار تاریخی ایران، مفید و لازم بدانند، به عمل آورده و نتیجه را سریعاً اشعار دارید تا تصمیم لازم اتخاذ شود. بدیهی است اقدامات آقای کاشف مورد تقدیر است، از ایشان بخواهید که برای تحصیل اطلاعات

مذکوره در فوق، با آن سفارت شاهنشاهی کاملاً تشریک مساعی بنماید.*

محل امضا

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۶۴

تاریخ: ۱۳۱۲/۶/۲۹ [ه.ش. / ۲۹ جمادی الاول ۱۳۵۲ ق. / ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: سفارت ایران در واشنگتن

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش نتیجه تحقیقات در مورد فروش بعضی حجاریهای تخت جمشید در آمریکا.

نمره: ۹۲۹

ضمیمه: رونوشت مراسله آقای کاشف از نیویورک

وزارت جلیله امور خارجه

عطفاً به مرقومه جوابیه نمره ۱۵۹۸۱/۹۵۷ [مورخ] ۱۲/۴/۲۶ که توضیحات و تحقیقات عمیق تری در موضوع حجاریهای تخت جمشید که در آمریکا فروش رفته تقاضا فرموده بودند، معروض می‌دارد که در این خصوص به آقای کاشف در نیویورک دستور داده شد که تحقیقات لازمه را نموده، نتیجه را اطلاع دهند. اینک سواد راپرتی که در این موضوع از ایشان واصل گردیده است برای مزید استحضار آن وزارت جلیله تلواً تقدیم می‌گردد.*

محل امضای غفار جلال علاء^۱

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده

۱. غفار جلال علاء از فروردین ۱۳۱۲ تا ۲۶ دیماه ۱۳۱۴ که روابط سیاسی بین دو کشور قطع شد سفیر ایران در واشنگتن بود.

سواد راپرت آقای کاشف از نیویورک

۲۰ شهریور ۱۳۱۲

مقام منبع سفارت شاهنشاهی دامت شوکته

محترماً وصول مراسله غزه شهریور نمره ۸۳۱ و سواد مراسله وزارت جلیله امور خارجه تاریخ ۱۲/۴/۲۶ نمره ۱۵۹۸۱/۹۵۷ را عرض توضیحات عمیق تری که جهت حجاریهای تخت جمشید که در آمریکا [آمریکا] فروش رفته تقاضا فرموده اند، اطلاعاتی که این بنده دارم از این قرار است:

اولاً؛ از قرار مسموع هفت پارچه از این سنگها را به آمریکا [آمریکا] آورده اند و یکی را به موزه بوستون فروخته اند که بنده رفته [و] سنگ مزبور را دیده و عکس آن با راپرت تقدیم شد و بقیه در دست عتیقه فروشهاست که هنوز اسامی آنها را به طور قطع نمی دانم و به چه وسیله وارد شده معلوم نیست و شنیده شد به یکی دو موزه دیگر هم فروش رفته. در مسافرتی که به شیکاگو خواهم نمود، تحقیقات عمیق تری خواهم کرد، زیرا شنیده شد یکی از این سنگها هم در شیکاگو فروخته شده.

ثانیاً؛ موزه ها مجاز هستند اینگونه آثار تاریخی را بخرند در صورتی که کاتالگ و عکس نداشته باشد و معلوم نباشد که مال یکی از موزه ها و متعلق به یک دولتی است.

ثالثاً؛ آثار تاریخی مصر و یونان هم به این مملکت خیلی می آورند و می فروشند، آنهایی که متعلق به موزه های رسمی مصر و یونان است و ثبت دارد نمی خرند ولی آنچه ثبت [نشده] و کاتالگ و عکس ندارد می خرند، البته اگر ثابت شود که به سرقت آورده و فروخته اند، مسترد می دارند ولی باید اثبات آن از روی ورقه ثبت با تعریف و اندازه پارچه و کاتالگ و عکس باشد، چنانچه این سنگها پس از استخراج ثبت شده باشد، از طرف آن مقام اقدامات لازمه در نزد موزه ها و اشخاصی که دارند شود، استرداد به عنوان سرقت ممکن است پاره [ای] تحقیقات دیگری هم راجع به محل آن سنگها و اینکه چگونه و به چه ترتیب وارد کرده اند بعد عرض خواهد شد.

علی اکبر کاشف

شماره سند: ۶۵

تاریخ: ۱۳۱۲/۷/۲۹ [ش. / ۲۹ جمادی الآخر ۱۳۵۲ ق. / ۲۰ اکتبر ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: مطلع کردن وزارت مزبور از اقدامات وزارت امور خارجه مبنی بر دستور پیگیری در

مورد سرقت و فروش مجسمه‌های تخت جمشید در آمریکا

نمره: ۲۸۱۵۳/۱۷۶۵

این سند به فارسی و تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.

شماره سند: ۶۶

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۰/۲۳ [ش. / ۱۰ ژانویه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران - واشنگتن

موضوع: دستور پیگیری موضوع مجسمه‌های فروخته شده در آمریکا

نمره: ۳۸۰۴۸/۱۶۸۷

سفارت شاهنشاهی - واشنگتن

معطوفاً بر راپرت نمره ۹۲۹ مورخ ۲۹ شهریور ماه سال جاری، محتوی سواد راپرت آقای کاشف راجع به حجاریهای تخت جمشید که در آمریکا به معرض فروش درآمده است اشعار می‌شود:

نظر به اینکه این مسأله حائز اهمیت [است] و ایجاب تحقیقات جالبی را در اطراف آنکه حجاریهای مزبور به چه وسیله به فروش رسیده است، می‌نماید، بنابراین لازم است علاوه بر اطلاعاتی که آن سفارت به وسیله مجاری رسمی از موزه واشنگتن خواهد خواست، از آقای کاشف هم نتیجه تحقیقاتی که بنا بود در شیکاگو به عمل آورند، استفسار و مراتب را هر چه زودتر به وزارت امور خارجه اعلام دارند.

ضمناً این نکته را نیز به استحضار آن سفارت می‌رساند که به قرار مسموع، این اشیاء را مسیو «پوپ» نقل و انتقال داده و مستر اشمیت که سکرتراستوارت و آرکئولوژیک - Archedoologique است و اطلاعاتی در این باب دارد، که تصور می‌رود که معلومات از او مورد استفاده سفارت برای تعقیب امر واقع بشود.*

وزیر امور خارجه - کاظمی

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده ۱۱.

شماره سند: ۶۷

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۰/۲۴ [ش./ ۱۴ ژانویه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: پیگیری تهیه کاتالوگ آثار تاریخی

نمره: ۳۸۲۳۱/۲۵۹۶

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

در تعقیب مراسله نمره ۲۸۱۵۳/۱۷۶۵ مورخ ۲۹ مهرماه سال جاری راجع به حجاریهای تخت جمشید که در آمریکا به معرض فروش در آمده، متمنی است مقرر فرمایند از هر اقدامی که آن وزارت جلیله، برای تهیه کاتالوگ مخصوص ثبت عکس حجاریهای ایران معمول نموده‌اند، وزارت امور خارجه را مستحضر سازند.*

وزیر امور خارجه - کاظمی

محل پاراف سهیلی معاون وزارتخانه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۶۸

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۱/۲ [ش. / ۲۲ ژانویه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: موکول شدن تهیة کاتالوگ آثار تاریخی به تصویب اعتباری در بودجه سال آتی

نمره: ۴۹۲/۳۰۱۶۵

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه نمره ۳۸۲۳۱/۲۵۶۶ [مورخ ۱۲/۱۰/۲۴ راجع به تهیة کاتالوگ مخصوص ثبت عکس حجاریهای ایران، خاطر آن وزارت جلیله را مستحضر می دارد، برای انجام این منظور در بودجه سال آتی اعتباری منظور خواهد شد تا پس از مراجعت مسیو گدار مدیرکل اداره عتیقات، اقدام به تهیة کاتالوگ مزبور بشود.*

علی اصغر حکمت

محل مهر وزارت معارف

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۲۲، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۶۹

تاریخ: ۹ فروردین ۱۳۱۲ [ش. / ۲۹ مارس ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: سفارت ایران - پاریس

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اظهارات یک عتیقه‌فروش کلیمی ایرانی مقیم پاریس، در مورد سرقت احجار تخت جمشید، و فروش آنها در پاریس و اعلام همکاری وی با ایران، برای شناسایی قاچاقچی در برابر اخذ پول

نمره: -

وزارت جلیله امور خارجه

یکی از تجار عتیقه‌فروش کلیمی ایرانی مقیم پاریس، مدعی است که یکی از عتیقه‌فروشان، مقداری از احجار منقوش تخت جمشید را در سه سال قبل از گمرک بوشهر بدون تفتیش خارج کرده، و از آنجا به پاریس آورده، و به اشخاص معینی فروخته، و با وجوه حاصله، مقداری زمین در ایران خریده است. مشارالیه حاضر است اسم او را داده و عملیات او را ثابت کند، مشروط به اینکه حقی به او داده شود. به قرار اظهار او وزارت جلیله معارف از موضوع مستحضر و در صدد تجسس خارج‌کننده این احجار هستند، ولی از محل توقفش اطلاع ندارند، این است که مشارالیه به سفارت مراجعه و عرض خدمت برای کمک به پیدا کردن شخص مزبور می‌نماید.

متمنی است اگر اقدام و تعقیبی در این قسمت باید بشود، اشعار و ضمناً تکلیف حقی را که باید به این شخص داده شود معلوم فرمایند.*

محل امضای محسن رئیس

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۳۶۴۸

مورخ: ۱۳۱۲/۱/۲۷

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده ۱۲.

شماره سند: ۷۰

تاریخ: ۱۳۱۲/۲/۳ [ش. ۲۳ / آوریل ۱۹۳۲ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: ارسال گزارش تاجر کلیمی عتیقه فروش ایرانی در پاریس، در مورد خروج سنگهای

تخت جمشید

نمره: ۴۶۲۱

وزارت معارف

از سفارت شاهنشاهی مقیم پاریس، راپرتی مبنی بر اظهارات یک نفر تاجر عتیقه فروش کلیمی ایرانی، در باب احجار منقوش تخت جمشید که در پاریس به فروش رسیده [اند]، به وزارت خارجه واصل گردیده [است] که سواد آن، برای ملاحظه و اقدام مقتضی به آن وزارت جلیله ارسال می شود.*

محلّ پاراف - شایسته

[نوشته حاشیه: سواد راپرت نمره ۵۶ سفارت ارسال شود.]

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۲، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۷۱

تاریخ: ۱۳۱۲/۲/۲۶ [ش. / ۱۶ مه ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: سرقت سنگهای منقش تخت جمشید و فروش آنها در پاریس

نمره: ۱۱۸۲/۳۱۳۱

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۴۶۲۱ مورخ ۱۲/۲/۳ متضمن سواد راپرت سفارت شاهنشاهی مقیم پاریس، مربوط به اظهار یک نفر تاجر عتیقه فروش کلیمی راجع به احجار منقوش تخت جمشید که در پاریس به فروش رسیده [است]، زیب و وصول بخشید. اداره عتیقات از این موضوع اطلاع دارد، در صدد تحقیق عمیق است و عن قریب رسیدگی به آن به عمل خواهد آمد.*

محل امضای وزیر

محل مهر وزارت معارف و اوقاف

محل مهر ثبت نامه های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۸۰۸۷

تاریخ: ۱۲/۲/۲۰

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۷۲

تاریخ: ۱۳۱۳/۶/۱۰ [ش. ۱ / سپتامبر ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: تلگراف رمز از سفارت ایران - واشنگتن

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اظهارات یکی از مقامات وزارتخانه آمریکا، مبنی بر مراجعت هرتسفلد در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات وی با دولت ایران

نمره: ۹۷۰

از: واشنگتن به تاریخ ۱۳۱۳/۶/۱۰ نمره: ۹۷۰

وزارت خارجه به طور شکایت می‌گفت، مذاکرات بین دکتر هرتسفلد و دولت ایران راجع به حفريات به نتیجه نرسیده [است]. اگر با پیشنهادات مشارالیه مساعدت نشود، مجبور است معاودت کند، مستدعی است مطلب را به عرض حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا برسانید. اگر مشارالیه بدون اخذ نتیجه برگردد، در اینجا خیلی سوء اثر خواهد کرد، منتظر جواب است.*

نمره ۲۵ جلال

[نوشتۀ حاشیه: نمره ۲۵۷۷ سوم سیاسی ۱۳/۶/۱۱]

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۷۳

تاریخ: ۱۳۱۳/۶/۱۳ [ش. ۴ سپتامبر ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سوم سیاسی

گیرنده: رئیس الوزرا - وزارت معارف

موضوع: ارسال رونوشت تلگراف سفارت ایران در واشنگتن

نمره: ۲۵۰۲۵

مقام منبع ریاست وزرای عظام - وزارت معارف

مستخرج تلگراف سفارت شاهنشاهی در واشنگتن راجع به دکتر هرتسفلد برای
استحضار خاطر مبارک (برای اطلاع آن وزارت علیه) ذیلاً تلگراف نمره ۲۵ نوشته می شود. نقل
می شود.*

محل پاراف - معتمدی

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۷۴

تاریخ: ۱۳۱۳/۶/۱۵ [ش. ۶ سپتامبر ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: رئیس الوزرا - محمدعلی فروغی

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: پاسخ نخست وزیر راجع به هرتسفلد، مبنی بر (۱) آمادگی دولت برای مساعدت به وی، (۲) رنجاندن مراسله دکتر بریستید، دولت ایران را و (۳) مطلع ساختن وزیر مختار

آمریکا

نمره: ۳۸۴۱

وزارت جلیله امور خارجه

استخراج تلگراف رمز سفارت شاهنشاهی را در واشنگتن راجع به دکتر هرتسفلد ضمن مراسله نمره ۲۵۰۲۵ مورخه ۱۳/۶/۱۳ درج فرموده بودند، مطلع گردید. لازم است تلگرافاً به سفارت واشنگتن جواب بدهند که دولت حاضر است در این باب مساعدت معقول بنماید، اما مراسله دکتر بریستید، دولت شاهنشاهی را رنجانیده است. تفصیل را به وزیر مختار آمریکا گفته ام و منتظر جوابم.*

محل امضای - محمدعلی فروغی

محل مهر ورود نامه ها به وزارت امور خارجه

نمره: ۲۵۴۸۶

مورخ: ۱۳/۶/۱۵

شماره سند: ۷۵

تاریخ: ۱۳۱۳/۶/۱۷ [ش. ۸ / سپتامبر ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران در واشنگتن

موضوع: نظر مساعد دولت ایران به دکتر هرتسفلد و آزردن نامه بریستید دولت را

نمره: ۸۹۸

سفارت واشنگتن

نمره ۲۵ - حضرت اشرف رئیس الوزرا می فرمایند: «راجع به دکتر هرتسفلد دولت حاضر است مساعدت معقول نماید، لیکن مراسله دکتر بریستید، دولت شاهنشاهی را خیلی رنجانیده است. تفصیل را به وزیر مختار آمریکا گفته ام و منتظر جوابم»^{*}

محل پاراف - معتمدی

[نوشته جاشیه: رمز شود - سهیلی]

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۳۵، پرونده ۱.

شماره سند: ۷۶

تاریخ: ۱۳۱۳/۶/۱۹ [ش. / ۱۰ سپتامبر ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: رئیس الوزرا

موضوع: اظهارات وزیرمختار آمریکا مبنی بر مطلع ساختن مؤسسه شرقی آمریکا از نظریات

رئیس الوزرا

نمره: ۲۶۰۳۹/۲۷۱۳

مقام منبع ریاست وزرای عظام

وزیرمختار آمریکا در ضمن مذاکره مطالب متفرقه، به کفیل اداره سوم سیاسی وزارت امور خارجه، اظهار داشته است که نظریات حضرت اشرف را به اطلاع مؤسسه شرقی (Oriental Institute) در آمریکا رسانیده، همین که جواب برسد، نتیجه را معروض خواهد داشت.*

محل پاراف - معتمدی

محل مهر سهیلی معاون وزارت امور خارجه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۷۷

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۱/۱۷ [ش. ۶ فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: سفارت ایران - استکهلم

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: پیغام ولیعهد سوئد به سفیر ایران مبنی بر ۱. اجازه دادن وی به هرتسفلد برای همراهی از روی خیرخواهی و ۲. نبودن اشیای وی جزو بارها ولیعهد

نمره: ۲۱۹۸

والاحضرت اقدس ولیعهد به بنده پیغام داده‌اند، که اگر اجازه صادر شده از تهران تا قصر شیرین، هرتسفلد، جزو ملتزمین رکاب باشد، فقط از لحاظ نوع پروری بوده، اسبابهای او نیز در سرحد ایران معاینه گمرک [شده و] به هیچوجه تا استکهلم جزو بارهای والاحضرت نبود، می‌خواهند از طرف دولت ایران هم شناخته نشود که نسبت قاچاق که گویا پروسور را از تعقیب حقاری هم محروم نموده، ارتباطی با آن همراهی نداشته است منتظر وصول اوامر است.*

قدیمی

[نوشته حاشیه:] آقای معتمدی فوراً سواد به دفتر مخصوص و ریاست الوزرا ارسال شود.

۱۷ بهمن

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۷۸

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۱/۱۸ [ش. ۷ / فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

موضوع: ارسال رونوشت تلگراف سفارت ایران در استکهلم

نمره: ۴۸۱۰۹/۵۳۰۷

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

تلگراف سفارت شاهنشاهی در استکهلم برای استحضار خاطر محترم ذیلاً نقل می‌شود:

«والاحضرت اقدس ولیعهد به بنده پیغام داده‌اند، اگر اجازه صادر شده از تهران تا قصر شیرین، هر تسفلد جزو ملتزمین رکاب باشد، فقط از لحاظ نوع پروری بوده، اسبابهای او نیز در سرحد ایران معاینه گمرک [شده و] به هیچوجه تا استکهلم جزو بارهای والاحضرت نبوده، می‌خواهند از طرف دولت ایران هم شناخته شود که نسبت قاچاق که گویا پروسور را از تعقیب حقایق هم محروم نموده [است] ارتباطی با آن همراهی نداشته است منتظر وصول اوامر است».

تا از جوابی که باید صادر شود وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند. سواد شرح فوق برای استحضار مقام متبع ریاست وزرای عظام تقدیم می‌گردد.*

پاراف معتمدی

شماره سند: ۷۹

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۱/۲۱ [ش. / ۱۰ فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران - استکهلم

موضوع: درخواست توضیح بیشتر در مورد پیغام ولیمهد

نمره: ۱۷۲۶

سفارت استکهلم

نمره ۳۰ - درست مفهوم نشد، مقصود ولیمهد دفاع از خودش است، یا از هرتسفلد،

بیشتر توضیح دهید.*

رمز شود - سهیلی

شماره سند: ۸۰

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۱/۲۴ [ش. ۱۳/ فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: سفارت ایران - استکهلم

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: (۱) کمک نکردن همراهان ولیعهد به هرتسفلد، در صورت ثبوت قاچاق اشیاء توسط

نامبرده (۲) عدم سوءظن به همراهان ولیعهد سوئد، از سوی دولت ایران

نمره: ۱۳۳

نمره ۱۷۳۶ - مقصود اصلی این است که اگر هرتسفلد خیال قاچاق داشته، فرض نرود ملتزمین رکاب ولیعهد با او همراهی کرده‌اند. ثانیاً سفارت جواب پیغام را این طور بدهد که دولت علیه چنین فرض را نفرموده‌اند. ضمناً تزریق کردند، اگر تقصیر پروفیسور ثابت نشده [است] او را از حفریات باز ندارند.*

قدیمی

[نوشته حاشیه:] اداره سوم سیاسی

چون تلگراف اولی مفهوم نمی‌شد، توضیح خواسته شد، این جواب رسیده

است و به دفتر مخصوص شاهنشاهی هم سواد داده شده دومی هم به

وزارت معارف ارسال دادید.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۸۱

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۱/۲۹ [ش. ۱۸ / فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران - استکهلم

موضوع: عدم سوءظن دولت به همراهان ولیعهد سوئد و انتخاب شخص دیگری بجای

هرتسفلد

نمره: ۱۷۶۴

نمره ۱۳۳ - تصور سوءظن به ملتزمین رکاب نرفته است، قرار شده دارالفنون آمریکا به جای هرتسفلد دیگری را معرفی کند، البته اگر هرتسفلد بخواهد در ایران تحقیقات و مطالعات علمی خود را ادامه دهد، مانعی نداشته، بلکه مساعدتهای لازم هم خواهد شد.*

رمز شود - سهیلی

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۸۲

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۱/۳۰ [ش. / ۱۹ فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سؤم

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: پیغام ولیعهد سوئد به سفیر ایران در استکهلم

نمره: ۵۰۱۴۳/۵۵۲۱

وزارت معارف

چند روز قبل سفارت شاهنشاهی در استکهلم تلگراف کرده بود که: «والاحضرت ولیعهد سوئد پیغام داده‌اند، که اگر اجازه داده شده از همدان تا قصر شیرین، هر تسفلد جزو ملتزمین رکاب باشد فقط از لحاظ نوع پروری بود. اسبابهای او نیز در سرحد ایران معاینه گمرک [شده و] به هیچوجه تا استکهلم جزو بارهای والاحضرت نبوده [اند] می خواهند از طرف دولت ایران شناخته شود که نسبت قاچاق که گویا پروفیسور را از تعقیب حقاری هم محروم نموده ارتباطی با آن همراهی نداشته است».

نظر به اینکه تلگراف فوق درست مفهوم نمی‌شد، از سفارت استکهلم توضیح خواسته شد - تلگراف جوابیه سفارت مشارالیه ذیل برای استحضار آن وزارت جلیله نقل می‌گردد:

مقصود اصلی این است که اگر هر تسفلد خیال قاچاق داشته، فرض نرود ملتزمین رکاب ولیعهد با او همراهی کرده‌اند، ثانیاً سفارت جواب پیغام را این طور بدهد که دولت علیه، چنین فرض را نفرموده‌اند. ضمناً تزریق کرده‌اند اگر تقصیر پروفیسور ثابت نشود، او را از حفریات باز ندارند».

مراتب به دفتر مخصوص شاهنشاهی نیز اشعار شده است.*

محل پاراف - معتمدی

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۸۳

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۲/۱۱ [ش.]/

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. اطلاع نداشتن وزارت مزبور از بررسی بارهای هرتسفلد، ۲. عوض شدن رئیس هیأت علمی تخت جمشید، و ۳. موافقت با ادامه کار علمی هرتسفلد در صورت تمایل وی

نمره: ۲۰۹۲/۵۸۸۵

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۵۰۱۴۳/۵۵۲۱ مورخ ۱۳/۱۱/۳۰ آن وزارت جلیله متضمن تلگراف و توضیح سفارت شاهنشاهی در استکهلم راجع به پیغام والاحضرت ولیعهد سوئد، در باب پروفیسور هرتسفلد عزّ وصول بخشید و از اینکه این وزارتخانه را از مضمون آنها مسبوق ساخته‌اند، کمال امتنان حاصل گردید. جواباً خاطر محترم را مستحضر می‌دارد. که در خصوص معاینه بارهای پروفیسور هرتسفلد، این وزارتخانه اطلاعی ندارد، ولی راجع به عملیات مشارالیه در تخت جمشید، نظر به مذاکراتی که با مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به عمل آمده [است]، من بعد ریاست هیأت علمی تخت جمشید، با یک نفر دیگر خواهد بود. لکن برای ادامه مطالعات علمی پروفیسور هرتسفلد در ایران که البته بسیار ذی‌قیمت است، وزارت معارف کمال موافقت را داشته است.*

وزیر معارف و اوقاف - علی اصغر حکمت

محلّ امضا

محلّ مهر وزارت معارف و اوقاف

[نوشته حاشیه: آقای مدحت

سواد به استکهلم فرستاده شود.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۸۴

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۲/۱۴ [ش. ۵ مارس ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران - استکهلم

موضوع: ارسال رونوشت نامه وزارت معارف و اوقاف

نمره: ۵۲۱۸۱/۵۷۵۰

سفارت استکهلم

عظماً به دو تلگراف آن سفارت شاهنشاهی راجع به پیغام والاحضرت ولیعهد سوئد در

باب پروفیسور هرتسفلد، اینک سواد مراسله جوابیه وزارت معارف تلوأ ارسال می گردد.*

محل پاراف - معتمدی

[نوشته حاشیه:] سواد مراسله ۵۸۸۸۵/۲۰۹۲ وزارت معارف فرستاده می شود.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۸۵

تاریخ: ۲۹ آذر ۱۳۱۱ [ش. / ۲۱ دسامبر ۱۹۲۱ م.]

فرستنده: دفتر نخست‌وزیری

گیرنده: رئیس موزه پنسیلوانی دانشگاه فیلادلفی

موضوع: اعطای مجوز حفاری از سوی دولت ایران به مدت پنج سال قابل تمدید به موزه

پنسیلوانی

نمره: ۶۷۰۶

ریاست محترم موزه پنسیلوانی و اونیورسیته فیلادلفی

در جواب مراسله ۶ نوامبر ۱۹۳۰ دایر به تقاضای حفر در حدود دامغان نوشته می‌شود: دولت ایران مطابق قانون سوم نوامبر ۱۹۳۰ اجازه حفر در حدود دامغان، برای کشف شهر قدیم هکاتمپلیس را پنج ساله به موزه پنسیلوانی و اونیورسیته فیلادلفی می‌دهد. این اجازه، پنج سال به پنج سال قابل تجدید است. به وزارت معارف رجوع نمائید، قرارداد رسمی را با شما منعقد خواهند نمود.*

مهدیقلی - ریاست وزرا

[نوشته حاشیه:] سواد شرح فوق جهت اطلاع به وزارت جلیله معارف و اوقاف ارسال می‌شود.

کابینه [= دفتر] ریاست وزراء

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۸۶

تاریخ: ۲۳ دسامبر ۱۹۳۰ [م. / ۲ دی ۱۳۰۹ ش.]

فرستنده: فردریک ر. ولسن^۱ استاد مهندس کشوری و دکتر در فلسفه و نماینده موزة دانشگاه

پنسیلوانیا و فیلادلفیا

گیرنده: محمدعلی فروغی - وزیر امور خارجه وقت

موضوع: درخواست اجازه حقّاری در دامغان

نمره: -

این سند به زبان فرانسه است، به اصل آن مراجعه شود.*

1. Ferdick R. Wolsen

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ه. ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۸۷

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۱۹ [ه.ش. / ۲۰ ذیقعد ۱۳۴۹ ه.ق. / ۹ آوریل ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: ریاست وزراء

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

موضوع: مصوبه هیأت وزراء مبنی بر اجازه حقاری به مسیو «رولسن»، نماینده موزه «فیلادلفی» در «تخماق تپه» به مدت پنج سال، بنا به درخواست وزارت معارف و ارسال رونوشت آن.

نمره: ۴۰۲

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

هیأت وزراء در جلسه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۱۰، برحسب پیشنهاد نمره ۳۸۵ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نظر به ماده ۱۳ نظامنامه حفظ آثار عتیقات تصویب می نمایند به مسیو رولسن، نماینده انیورسیتیه موزام در فیلادلفی و کانسیتی موزام، اجازه حقاری در تخماق تپه واقع در ۲۳ کیلومتری [کیلومتری] شمال استرآباد برای مدت پنج سال که قابل تجدید باشد داده شود.

تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.

سواد تصویب نامه فوق برای استحضار وزارت جلیله امور خارجه ارسال می شود.*

محل امضا

محل مهر ریاست وزراء

محل مهر ثبت نامه های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۲۰۹۲

نمره ضبط: ۶۱۰۶/۲۵۰

۱۳۰/۱/۱۹

شماره سند: ۸۸

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۲۴ [ه.ش./ ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۴۹ ه.ق./ ۱۴ آوریل ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

گیرنده: دکتر فردریک ر. ولسن نماینده دانشگاه موزه فیلادلفی

موضوع: اجازه حفاری در قلعه تخماق تپه به شعاع پنج کیلومتر

نمره: ۱۷۴۱/۸۱۲

آقای دکتر «فردریک ر. ولسن»

نماینده محترم اونیورسیتة موزه‌ام در فیلادلفی و کانسیتی موزه‌ام

در جواب مراسله مورخ ۲۸ مارس ۱۹۳۱، راجع به تقاضای صدور اجازه حفاری علمی در تخماق تپه، واقع در ۳۳ کیلومتری شمال استرآباد که نقشه آن نیز ضمیمه بود، اشعار می‌دارد: به موجب تصویب‌نامه نمره ۴۰۲ [مورخ ۱۰/۱/۱۹ هیأت وزرای عظام دامت شوکته، به شما اجازه داده می‌شود که در نقطه مذکور، در یک دایره که مرکزش قلعه تخماق تپه، و شعاع آن پنج کیلومتر از مرکز به اطراف کشیده می‌شود، با رعایت مواد مندرجه در نظام‌نامه و قانون حفظ آثار عتیقه مشغول به حفاری شوید، ضمناً متذکر می‌شود که مدت این اجازه‌نامه از تاریخ صدور الی پنج سال خواهد بود، و پس از انقضای مدت، ممکن است تجدید شود.*

سواد مطابق با اصل است

محل امضاء

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ه.ش، کارتن ۲۳، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۸۹

تاریخ: ۱۳۱۰/۱/۲۶ [ش. ۱۶ / آوریل ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: (۱) اعلام وصول رونوشت تصویب‌نامه هیأت وزراء در مورد اعطای مجوز حقّاری به

ولسن، و (۲) درخواست سابقه امر و شرایط اعطای امتیاز

نمره: ۳۴۹۹/۶۱۰۶۱۲۵۰

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

از مقام ریاست وزرای عظام، سواد تصویب‌نامه مورّخه ۱۴ فروردین ماه جاری نمره ۴۰۲ را که در خصوص اجازه حقّاری در تخماق تپّه به مسیور. ر. ولسن، نماینده اونیورسیتّه موزام در فیلادلفی می‌باشد، به این وزارتخانه ارسال داشته‌اند؛ نظر به اینکه سابقه‌ای از این موضوع در وزارت خارجه نمی‌باشد، متمنی است، سابقه امر و شرایط آن را برای اطلاع این وزارتخانه مرقوم فرمایند.*

محلّ پاراف: حسنعلی غفّاری

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ه. ش، کارتن ۲۳، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۹۰

تاریخ: ۱۳۱۰/۲/۱۲ [ش. ۳/ مه ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره کل معارف - دایره عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ارسال رونوشت اعتبارنامه و تقاضانامه فردریک ر. ولسن

نمره: ۱۲۳۰/۲۶۷۲

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه نمره (۳۴۹۹) ۱۰/۱/۲۱ - راجع به ارسال سوابق اجازه حقاری مسیو ر. ولسن، نماینده اونیورسیتته موزهام در فیلادلفی در تخماق تپه واقع در ۳۳ کیلومتری استرآباد، اینک سواد اعتبارنامه و سواد تقاضانامه مشارالیه را به ضمیمه سواد اجازه حقاری که در محل مذکور به معزی الیه داده شده است، برای مزید اطلاع آن وزارت جلیله، تلواً ابفاد می دارد.*

محل مهر و امضای وزیر معارف

محل مهر ثبت نامه های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۵۲۶۸

مورخ: ۷/۲/۱۴

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ه.ش، کارتن ۲۳، موضوع ۳۸، پرونده

تهران - ایران

مقام منبع وزارت جلیله معارف

محترماً از دولت ایران تمناً دارم مقرر فرمایند که بر طبق مقررات قانون، راجع به حفظ آثار عتیقه مورخ سؤم نوامبر ۱۹۳۰، اجازه حقاری علمی در تخماق تپه واقع در ۳۳ کیلومتری شمال استرآباد که نقشه آن منضمماً تقدیم می شود، برای مدت پنج سال قابل تجدید به اینجانب به عنوان نمایندگی انیورسیتته موزه در فیلادلفی و کانسیستی موزه داده شود، احترامات فایقه را تقدیم می دارد.

ره ولسن

در خاتمه متذکر می شود که نماینده موزه ها و مدیر حقاری، امضاکننده فوق خواهد بود، یعنی فردریک ر. ولسن استاد مهندس کشوری، دکتر در فلسفه، تبعه دولت ممالک متحده آمریکا، پروفیسور اتروپولوژی در موزه انیورسیتته فیلادلفی، محل اقامت من هر وقت در محل حفریات نباشم، در تهران خواهد بود. خیابان ناصرخسرو در خانه ای که متعلق به دکتر ش. فراسکین است.

محل حفرازی روی تحقیق از قرار زیر است:

۱. زدن کمانه برای کشف ساختمان عمومی تپه
۲. کندن خندق یا خندقها که برحسب تقاضای اکتشافات و عمل ممکن است آنها را گودتر و بهتر کرد. هرگاه اجازه در ماه آوریل ۱۹۳۱ میلادی اعطا شود کار از دو هفته الی چهار هفته بعد از اعطای اجازه شروع خواهد شد. ادامه کار منوط به مقتضیات فصل خواهد بود.*

ولسن

سواد مطابق با ترجمه است

محل امضا

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ضمیمه دو سند شماره ۹۰

ترجمه اعتبارنامه

موزه انیورسیتة پنسیلوانی در فیلادلفی

۱۲ فوریه ۱۹۳۰ - به هر کسی که مربوط باشد، این ورقه به این مقصود داده شده که دکتر فردریک، ر. ولسن، پروفیسور ائروپولوژی در موزه انیورسیتة پنسیلوانیا را به شما معرفی کنیم. اختیار تام به او داده شده که در کلیة امور مربوط به موزه، در ممالکی که مسافرت می‌نماید، نمایندگی داشته باشد. هر مساعدتی که شما به دکتر ولسن در پیشرفت کارش بنمائید، مورد تقدیر کامل خواهد بود.*

سواد مطابق با ترجمه است

محل امضا

امضای جوزایا ه. رئیس

هوس ه. ف. جین

شماره سند: ۹۱

تاریخ: ۲۷ اوت ۱۹۳۲ [م. / ۵ / ۶ / ۱۳۱۱ ش.]

فرستنده: سفارت آمریکا در تهران [یادداشت]

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: درخواست اعطای مجوز، به هیأت حقّاران موزه «متروپولیتن» در تخت ابونصر

نمره: ۳۵۵

ترجمه: مراسله سفارت آمریکا [اصل یادداشت سفارت نیز ضمیمه است]

حضرت اشرف میرزا محمدعلی خان فروغی

وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی

تهران

حضرت اشرف افتخار دارم که به طور رسمی، تقاضانامه موزه متروپولیتان صنایع ظریفه نیویورک را، برای کسب اجازه حقّاری علمی تقدیم حضور حضرت اشرف داشته، و تمناّ نمایم که پس از مطالعه و مذاقه، به هیأت وزرای عظام، این تقاضانامه را احاله بفرمائید. زیرا به قراری که بر این دوستدار معلوم شده، باید اجازه رسمی از طرف هیأت معظم دولت اعطا بشود.

امنای موزه صنایع ظریفه نیویورک، در نظر دارند که حقّاری علمی را در تخت ابونصر (فارس) شروع نموده و البته چنانچه مقرّر است، در تحت مراقبت مأموران دولت شاهنشاهی، به تحقیقات علمی و تاریخی خواهند پرداخت، و چنانچه در قانون عتیقات مصرّح شده است که مسیونهای علمی خارجی که مشغول حقّاری می شوند، باید نتیجه اکتشافات خود را با دولت تقسیم نمایند، شکی نیست که از این حیث هم این مسیون جدید، بر طبق قوانین جاریه رفتار خواهد نمود.

لازم است برای استحضار خاطر محترم، این نکته را به عرض برسانم که موزه صنایع ظریفه نیویورک، سرآمد موزه های بزرگ شهری در اتازونی می باشد، و سالیان درازی مشغول اعزام مسیونهای علمی به ممالک مختلفه بوده، و تحقیقات و طرزکار این مسیونها، به اندازه ای دقیق و قابل اعتماد می باشد که شاید نظیر نداشته باشد. من جمله در مصر و عراق، تحقیقات

تاریخی زیادی از طرف این موزه به عمل آمده است.

موزه مزبور در نظر دارد که مستر «ژوزف آپتون»^۱ را به ریاست این مسیون تعیین نماید. مشارالیه که از اتباع آمریکا می باشد، دارای تجربه زیادی در این شعبه بوده، و ورزیده می باشد. معاونان ایشان عبارت خواهند بود از مستر «والتر هاووز»^۲ و مستر «چارلز ویلکین سون»^۳. مشارالیه مدّت چندین سال، عضویت مسیون اعزامی این موزه را برای تحقیقات تاریخی و علمی در مصر [را] دارا بوده اند.

پروگرام عملیات این مسیون به قرار ذیل خواهد بود:

قرار است در اوّل نوامبر امسال شروع به کار نموده و در صورتی که موفقیتی حاصل بشود، من بعد هم به کار خود ادامه خواهند داد. اینک با تقدیم تقاضانامه موزه نیویورک، به طور رسمی و امیدواری به اینکه حضرت اشرف هم، در این مورد موافقت فرموده و مساعد خواهند بود، که به این مسیون آمریکایی هم، مانند سایر آمریکائیها که خوشبختانه با موفقیت مشغول حفاری علمی می باشند، از طرف هیأت معظم دولت اجازه شروع به کار اعطا بشود.

در خاتمه جسارت ورزیده و استدعا می نمایم که در صورت امکان، این تقاضانامه را به اسرع اوقات مورد توجه قرار بدهند، زیرا در صورت تحصیل اجازه، مسیون مزبور خیال دارد در اوّل نوامبر شروع به حفاریات بنماید، و چون وقت برای تهیه لوازم مقدماتی ضیق است، این است که استدعای اقدام عاجل می شود.

مراتب احترامات فائقه را تقدیم حضور حضرت اشرف می نمایم.*

محل امضای هاری

سفارت آمریکا - دزاشیب، ۲۷ اوت ۱۹۳۲

1. Joseph M. Upton

2. Walter Hauser

3. Charles K. Wilkinson

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۹۲

تاریخ: ۱۳۱۱/۶/۲۳ [ش. ۱۴/ سپتامبر ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: ارسال درخواست سفارت آمریکا مبنی صدور مجوز حفاری

نمره: ۱۴۹۴

وزارت معارف

وزیرمختار آمریکا در ضمن مراسله‌ای که سواد ترجمه آن لفأ ایفاد می‌شود، رسماً تقاضای اجازه حفاری علمی برای موزه متروپولیتن صنایع ظریفه نیویورک می‌نماید. با توضیحاتی که در مراسله ملفوف داده شده [است] چنین معلوم می‌شود که در صورت موافقت دولت شاهنشاهی، می‌خواهند در اوّل امسال شروع به کار نمایند. لذا متمنی است که از هر تصمیمی که در این باب اتخاذ می‌شود، زودتر وزارت خارجه را مستحضر فرمایند که به وزیرمختار آمریکا اطلاع داده شود.*

محل پاراف: شایسته

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۹۳

تاریخ: ۱۳۱۱/۷/۱۶ [ش. ۱۸/ اکتبر ۱۹۳۲ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: موافقت با تقاضای موزه متروپلیتن مبنی بر حقّاری در تخت ابونصر و درخواست نقشه

محَلّ جهت صدور مجوّز

نمره: ۷۲۴۹/۱۴۸۷۲

وزارت جلیله امور خارجه

مرفومه نمره ۶۱۰۶۰۲۵۰/۲۲۴۴۰، متضمّن سواد مراسله سفارت آمریکا، و ترجمه آن راجع به تقاضای موزه متروپلیتن، در صدور اجازه حقّاری در تخت ابونصر (فارس) که در نظر دارد مستر اوپتن را به ریاست مسیون حقّارین معرفی کند واصل گردید. موضوع در هیأت محترم وزرای عظام مطرح و اساساً با تقاضای مزبور موافقت شده است. لازم است نقشه محَلّ حقّاری را بر طبق ماده ۱۴ نظام نامه حفظ آثار عتیقه، به وزارت معارف ارسال دارد تا اجازه حقّاری صادر شود.*

محَلّ امضای وزیر

محَلّ مهر وزارت معارف

محَلّ مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۲۵۷۴۰

نمره ضبط: ۶۱۰۶۰۲۵۰

۱۳۱۰/۷/۱۷

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۹۴

تاریخ: ۱۳۱۱/۷/۱۸ [ش. ۱۰ / اکتبر ۱۹۳۲ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا

گیرنده: وزیر مختار آمریکا

موضوع: یادداشت وزارت خارجه مبنی بر موافقت با حقّاری موزه متروپولیتن

نمره: ۲۶۰۳۵

آقای وزیر مختار

دوستدار، مدلول مراسله نمره ۳۵۵ آن جناب را که راجع به تقاضای اجازه حقّاری علمی در ایران برای موزه متروپولیتن می باشد، به استحضار مقامات مربوطه رساندم، جواباً اطلاع می دهند، که اساساً با تقاضای آن جناب موافقت دارند، ولی لازم است نقشه محل حقّاری را بر طبق ماده ۱۴ نظام نامه حفظ آثار عتیقه ارسال فرمایند که پس از مطالعه لازم، اجازه حقّاری صادر شود، موقع را برای تقدیم احترامات فائقه مغتنم می شمارد.*

محل پاراف - شایسته

جناب مستر ج. هاری

وزیر مختار دولت اتازونی - تهران

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۹۵

تاریخ: ۹ مه ۱۹۳۳ (م. / ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ ش.)

فرستنده: دکتر اریک اشمیت - رئیس هیأت اعزامی به ایران از سوی موزه پنسیلوانی و فیلادلفی

گیرنده: محمدعلی فروغی - وزیر امور خارجه

موضوع: تقاضای حفاری در تپه‌های اطراف شهر ری

نمره: -

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۱۰۰۳۱

مورخ: ۱۳۱۲/۳/۱۱

این سند انگلیسی است به اصل آن مراجعه شود.^{۳۳}

شماره سند: ضمیمه سند ۹۵

ترجمه تقاضا نامه دکتر اریک اشمیت

تاریخ ترجمه: ۱۴ خرداد ۱۳۱۲

حضرت اشرف محمدعلی خان فروغی

وزیر امور خارجه ایران

تهران

حضرت اشرف تشریف‌فرمایی حضرت اشرف را به نمایشگاه اشیای مکشوفه در دامغان [را] که در وزارت معارف منعقد شده بود، با نهایت مسرت به خاطر سپرده‌ام. به طوری که ملاحظه فرمودید، اشیای مکشوفه دامغان تمدن و طرز زندگی را در چهار قرن قبل از میلاد در قسمت شمال شرقی ایران را نشان داده و روشن می‌نمود. ولی مقصود اصلی ما روشن ساختن نمو تدریجی تمام تمدن ایران می‌باشد و اکنون با کمال مسرت می‌توانم به عرض برسانم که از نقطه‌نظراتی برای یک کاوش علمی ممتدی، در ناحیه شهر ری قدیم، موفقیت پیدا نموده و از این حیث تأمین به عمل آمده است. در این ناحیه احتمال قوی می‌رود، که نمو تدریجی کلیه تمدن ایران را بر ما مکشوف بدارد، و این عقیده مبتنی بر مطالعاتی است که از اوضاع سطح الارضی تپه‌های جلگه شاه عبدالعظیم به عمل آمده است. شکی نیست، که اشیای زیادی چه از دوره ماقبل تاریخ و چه دوره‌های تاریخی، در زیر این تپه‌ها نهفته است.

سالهاست که آرزوی من این بود، که افتخارات ایران قدیم را در این ناحیه از زیر خاک بیرون بیاورم. البته کار مهم و فوق‌العاده‌ای است، اما این طور معتقدم که بتوانم آن را حل بنمایم، با وجود این، حال به مشورت و استفاده از حکمت حضرت اشرف در اغلب موارد، که از قوه فهم من خارج بوده باشد، احتیاج خواهم داشت.

بنابراین، اجازه می‌خواهم که یک نسخه از تقاضا نامه رسمی خود را، برای کاوش علمی در «ری» تقدیم نمایم، و امیدوارم که نظر لطف حضرت اشرف، مانند سابق به این اقدام جدید ما هم تعلق بگیرد.

دکتر اریک اشمیت

رئیس هیأت اعزامی به ایران

شماره سند: ۹۶

تاریخ: ۹ مه ۱۹۳۳ [م./ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ ش.]

فرستنده: دکتر اریک اشمیت

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: درخواست صدور مجوز حفاری در اطراف شهر «ری» به مدت پنج سال*

نمره: -

این سند به زبان فرانسه بوده و نقشه نقاط حفاری در اطراف شهر «ری» ضمیمه است به

اصل آن مراجعه شود.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ش، کاتن ۳۸، پرونده ۱۱.

شماره سند: ۹۷

تاریخ: ۱۳۱۲/۵/۱۹ [ش. / ۱۰ اوت ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اروپا

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: پیگیری تقاضای صدور مجوز حفاری برای اریک اشمیت

نمره: ۱۸۹۸۲

وزارت معارف

در خصوص تقاضای مستر اشمیت آمریکایی برای حفاری علمی در ایران، متمنی است

وزارت امور خارجه را از نتیجه اقداماتی که در این باب به عمل آمده [است] مستحضر فرمایند.*

شایسته

شماره سند: ۹۸

تاریخ: ۱۳۱۲/۴/۲۱ [ش. / ۱۸ ربیع الاول ۱۳۵۲ ه.ق. / ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: ریاست وزراء

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: مجوز حقّاری پنج ساله برای دکتر «اریک اشمیت»، نماینده موزه فیلادلفی و انستیتوی آمریکا.

نمره: ۲۵۷۶

وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

هیأت وزراء در جلسه دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۱۲ در تعقیب پیشنهاد نمره ۳۷۶۰/۶۰۵۹ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، بر طبق مقرّرات نظام‌نامه حفظ آثار عتیقه تصویب کردند که اجازه حقّاری علمی، به مدّت پنج سال قبل از تمدید، در اراضی ری به نام آقای دکتر اشمیت نماینده موزه‌های (اونیورسسته موزه‌ام فیلادلفی)، (موزه‌ام صنایع مستظرفه شهر بوستون) و (آمریکان انستیتو) صادر گردد.

تصویب‌نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است.*

رئیس الوزرا

سواد ابلاغ تصویب‌نامه فوق برای استحضار وزارت جلیله امور خارجه ارسال می‌شود.

معاون ریاست وزرا

محلّ امضا

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۹۹

تاریخ: ۱۳۱۲/۵/۲۳ [ش./ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۵۲ هـ.ق./ ۱۴ اوت ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اجازه حقّاری به دکتر «اشمیت»

نمره: ۵۰۷۹/۱۱۵۷۳

وزارت جلیله امور خارجه

عطفاً به مرقومه نمره ۱۸۹۸۲ [مورخ ۱۲/۵/۱۹]، مربوط به تقاضای دکتر اشمیت راجع به حقّاری علمی در ایران، خاطر آن وزارت جلیله را مستحضر می‌دارد، اخیراً مشارالیه به نام موزه‌های (انیورسیته موزه‌ام فیلادلفی)، (موزه‌ام صنایع مستظرفه شهر بوستون)، (آمریکا انستیتو) تقاضای صدور اجازه حقّاری علمی در اراضی ری نموده بود، مراتب به هیأت وزرای عظام دامت شوکتهم پیشنهاد گردید، و بر طبق تصویب‌نامه نمره ۲۵۷۶، به مشارالیه اجازه داده شد که در اراضی مزبور در مدت پنج سال قابل تمدید، مشغول حقّاری بشود.*

محلّ امضای عمادالملک محسنی

محلّ مهر وزارت معارف

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ هـ.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۰۰

تاریخ: ۱۳۱۲/۵/۲۹ [ش. / ۲۰ اوت ۱۹۳۳ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - شالسته

گیرنده: وادزورث - کاردار سفارت آمریکا

موضوع: تصویب صدور جواز حفاری در شهر «ری» به دکتر اشمیت

نمره: ۲۰۳۰۲

مستر وارت ورث عزیزم

چندی قبل به وسیله تلفن تقاضا نموده بودید، که هر وقت اجازه حفاری علمی در ایران به دکتر اشمیت داده شد، خاطر شریف را مستحضر دارم، اینک از وزارت معارف اطلاع می‌دهند، که مشارالیه به نام موزه‌های (انیورسیتته موزه‌ام فیلادلفی)، (موزه‌ام صنایع مستظرفه شهر بوستن) و (آمریکن انستیتو)، تقاضای صدور اجازه حفاری علمی در اراضی ری نموده، وزرای عظام تصویب فرمودند که در اراضی مزبور، در مدت پنج سال قابل تمدید، مشغول حفاری بشود.

البته مراتب از وزارت معارف به دکتر اشمیت اطلاع داده شده است.

موقع را برای تجدید احساسات دوستانه مفتنم می‌شمارد.*

شایسته

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۲.

شماره سند: ۱۰۱ (ضمیمه سند)

تاریخ: ۲۱ آگوست ۱۹۳۳ [م. / ۳۰ / ۵ / ۱۳۱۲ ش.]

فرستنده: وادزورث - سفارت آمریکا

گیرنده: شایسته - وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. تشکر از صدور مجوز حقّاری ۲. اظهار امیدواری به روشن شدن قضایای تاریخی و

۳. قدردانی از مساعدت به مؤسّسات علمی آمریکایی

نمره: -

جناب آقای محمدخان شایسته

رئیس اداره اروپا و آمریکا وزارت امور خارجه - تهران

شایسته عزیزم خواهشمندم تشکرات قلبی این جانب را برای مرقومه مورّخه بیستم اوت ۱۹۳۳ را، که به وسیله آن لطفاً بنده را از تصویب نامه هیأت وزرای عظام، دایر بر قبول درخواست دکتر اریک اشمیت، برای حقّاری یک دوره پنج ساله، در خرابیهای «ری» مستحضر فرموده بودید، بپذیرید.

با کمال اطمینان می توانم عرض بکنم، که این پروژه جدید یکی از مهمترین و جالبترین پروژه هایی خواهد بود که در شرق نزدیک شروع شده، و از حیث روشن نمودن قضایای تاریخی، بی اندازه مفید واقع خواهد شد. اجازه می خواهم که مراتب قدردانی شخصی خود را، از این مساعدتی که با مؤسّسات علمی آمریکایی می شود، تقدیم بنمایم. بدیهی است که این فرصتی خواهد بود، برای افزودن به ذخایر علمی بشری.

ارادتمند شما - وادزورث

شماره سند: ۱۰۲

تاریخ: ۲ ژانویه ۱۹۳۴ [م./۱۳ دی ۱۳۱۲ ش.]

فرستنده: سفارت آمریکا در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. استخدام کردن اشمیت یک نفر آمریکایی مساح و نقشه‌بردار به نام «چارلز تاپینگ»

۲. تمایل اشمیت به انجام اقدامات مقدماتی توسط نامبرده و ۳. درخواست ایجاد

تسهیلات به وی *

نمره: ۵۳۷

ضمیمه: دو برگ ترجمه یادداشت

اصل سند به زبان انگلیسی است

ترجمه یادداشت ضمیمه است

[نوشته حاشیه: آقای امیراصلانی، بعد از ترجمه این کاغذ و مراجعه به سابقه، اقدام نمائید.

۲۴ دی ۱۳۱۲

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده

سفارت دول متحده آمریکا، احترامات فائقه را تقدیم وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران می نماید، و با کمال احترام از آن وزارت جلیله تمناً می نماید، که مراتب ذیل را به اطلاع وزارت جلیله معارف برسانند، که مستر ایشمیت که از طرف مؤسسه صنایع ظریفه موزه فیلادلفی، برای حفریات در ایران مأمور شده، و در آینده نزدیکی در حوالی حضرت عبدالعظیم مشغول کار خواهد شد، یک نفر از اتباع آمریکا را که موسوم به «چارلز تاپینگ»^۱ می باشد، به عنوان مساح استخدام نموده است.

به طوری که خاطر محترم مستحضر است، دکتر ایشمیت از طرف موزه فیلادلفی استخدام شده، و از طرف دولت شاهنشاهی هم به او اجازه حفریات و مطالعات تاریخی در منطقه قدیمی شهر «ری» داده شده است، و میل دکتر ایشمیت بر این است، که قبل از ورود او که در اواخر فوریه خواهد بود، یک اقدامات مقدماتی در قسمت مساحی و نقشه برداری این ناحیه به عمل بیاید.

بنابراین، هر اقدامی که از طرف مقامات عالیّه دولت شاهنشاهی، برای تسهیل کار مستر «تاپینگ» به عمل بیاید، نه تنها موجب امتنان اولیای موزه فیلادلفی را فراهم خواهد نمود، بلکه این سفارتخانه را هم رهین منت قرار خواهد داد.

موقع را برای تجدید مراتب قدرانی و تقدیم احترامات قایقه مغتنم می شمارد.

تهران - ۲ ژانویه / ۱۹۳۴

شماره سند: ۱۰۳

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۱/۱۰ [ش. / ۳۰ ژانویه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: انجام اقدامات لازم جهت مساعدت به تاپینگ، نقشه بردار و مساح هیأت دکتر اشمیت

نمره: ۵۱۳/۳۰۹۷۹

وزارت جلیله امور خارجه

عطفاً به مرقومه نمره ۳۸۹۸۴ مورخ ۱۲/۱۱/۲، به وزارت جلیله داخله شرحی اشعار گردید، که به نایب الحکومه حضرت عبدالعظیم (ع) دستور مقتضی صادر فرمایند، که نسبت به پیشرفت منظور مستر چارلز تاپینگ مساعدتهای لازم را به عمل آورند.*

محل مهر ثبت نامه های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۴۰۱۷۶

تاریخ: ۱۲/۱۱/۱۱

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۰۴

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۱/۱۶ [ش. ۶ مه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: صدور دستور به نایب الحکومه شهر ری مبنی بر مساعدت به چارلز تاپینگ بنا به درخواست سفارت آمریکا

نمره: ۳۷۵۵۴

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت جمهوری آمریکا اظهار و در جواب یادداشت نمره ۵۳۷ مورخه ۲ ژانویه ۱۹۳۴ آن سفارت، محترماً راجع به عملیات مساحی و نقشه برداری آقای چارلز تاپینگ در اراضی ری، زحمت افزا می گردد که مدلول یادداشت مزبور، در موقع خود به مقامات مربوطه اشعار گردید، جواباً اطلاع می دهند که به نایب الحکومه حضرت عبدالعظیم (ع) دستور داده اند که نسبت به پیشرفت منظور مهندس مزبور مساعدتهای لازمه به عمل آورند.*

محل امضای محسن رئیس معاون وزارتخانه

محل مهر کاظمی - وزیر امور خارجه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده ۱۲.

شماره سند: ۱۰۵

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۰/۲۸ [ش. ۱۷ / فوریه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: سفارت ایران - واشنگتن

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: درخواست دکتر اشمیت و همراهان مبنی بر صدور جواز ورود اسلحه و مهمات به نام آنها

نمره: ۱۳۶۳

وزارت جلیله امور خارجه

دکتر اریک اشمیت Dr.Erick Shmidt تبعه آلمان دارنده تذکره نمره ۱۱۶/۳۲
ژرژ براینردت Georgo W.Brainerd تبعه آمریکا دارنده تذکره نمره ۲۹۰۸۹۴ وان ویلیام ناکس
Van William Knox تبعه آمریکا دارنده تذکره ۵۵۰۳۵۶ اعضای اکسپدیسون مختلط موزه
اونیورسیتة پنسیلوانی که جهت کشفیات تحت الارضی از طریق سوریه و بغداد عازم ری هستند،
اجازه می‌خواهند که اسلحه و آلات ذیل را همراه داشته باشند:

- | | |
|--|----------------------|
| 1- Winchester rifle, Model 54, No, 36640 A | یک تفنگ |
| 1- Goestz Telescope | یک تلسکوپ |
| 200 Rounds of Ammunition | فشنگ ۲۰۰ عدد |
| 2 Colt Pistols, Caliber 380, No, 117221 and No, 117208 | دو قبضه تپانچه (کلت) |
| 200 Rounds of Ammunition | فشنگ ۲۰۰ عدد |

مستدعی است در صورتی که از طرف دولت شاهنشاهی اجازه داده می‌شود، دستور لازم به مأموران مربوطه سرحدی صادر و از نتیجه این سفارت را هم تلگرافاً مستحضر فرمایند که به اطلاع آنها برسانند.*

[نوشته حاشیه:] اداره تشویقات ۷۰۱۲ / ۱۲/۱۱/۲۲

در اداره تشویقات ملاحظه شد، اجازه اسلحه آوردن مورد ندارد.
به اداره محترمه اروپای غربی و آمریکا ارسال می‌گردد تا هر اقدامی لازم بدانند بفرمایند. ۱۲/۱۱/۲۵

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده ۱۲.

شماره سند: ۱۰۶

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۲/۷ [ش. / ۲۶ فوریه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: دفتر نخست وزیری

گیرنده: اداره کل تجارت

موضوع: صدور مجوز ورود سلاحهای هیأت دانشگاه پنسیلوانیا

نمره: ۷۸۴۸

اداره کل تجارت

سواد مراسله نمره ۴۲۹۷۷ / ۱۲/۱۲/۱ وزارت جلیله امور خارجه راجع به تقاضای اجازه

ورود اسلحه و آلات ذیل:

Winchester rifle, Model 54, No, 36640 A

یک تفنگ

Goetz Telescope

یک تلسکوپ

200 Rounds of Ammunition

۲۰۰ عدد فشنگ

2 Colt Pistols, Caliber 380, No, 117221 and No, 117208

دو قبضه تپانچه

200 Rounds of Ammunition

۲۰۰ عدد فشنگ

متعلق به اعضای هیأت اعزامی موزه اونیورسیتیه پنسیلوانی لفأ ارسال می شود، قدغن

نمائید اجازه ورود آنها را به همراه هیأت مزبور صادر نمایند.

رئیس الوزرا

سواد شرح فوق برای استحضار وزارت جلیله امور خارجه ارسال می شود.*

رئیس کابینه ریاست وزرا

محل مهر دفتر ریاست وزرا

* بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۰۷

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۲/۱۶ [ش. ۷/مارس ۱۹۳۴]

فرستنده: اداره کل تجارت - دایرة جواز معافی

گیرنده: وزارت جلیله امور خارجه

موضوع: صدور جواز ورود اسلحه و ملزومات متعلق به اریک اشمیت طبق تصویب نامه هیأت

وزرا

نمره: ۳۰۱۵۲

این سند تایپ شده است به اصل آن مراجعه شود.*

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۲.

شماره سند: ۱۰۸

تاریخ: ۱۳۱۲/۱۲/۱۹ [ش. / ۱۰ مارس ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (تلگراف رمز)

گیرنده: سفارت ایران - واشنگتن

موضوع: صدور جواز ورود و وسایل دکتر اشمیت به گمرکات

نمره: ۱۳۲۵

سفارت واشنگتن

جواب نمره ۱۳۶۳، جواز ورود اشیای دکتر اشمیت صادر و به گمرکات فرستاده شد.*

کاظمی

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ه.ش، کارتن ۱۹، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۰۹

تاریخ: ۱۳۱۳/۱/۱۲ [ش. / ۱ آوریل ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: سفارت ایران - واشنگتن

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: عزیمت «هنری فیلد»^۱ از سوی موزه شیکاگو و در ایجاد تسهیلات

نمره: ۵۴

اداره: رمز

از سفارت واشنگتن

مسترفیلد برای حفريات از ظرف موزه شیکاگو اواسط آوریل از راه بغداد عازم ایران می‌شود، مساعدت شود.*

جلال

[نوشته حاشیه:] اداره اروپا و آمریکا اقدام نمایند

آقای امیراصلانی

1. Henry Field

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۱۰

تاریخ: ۱۳۱۳/۱/۱۵ [ش. ۴/ آوریل ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: سفر «هنری فیلد» برای حفريات به ايران

نمره: ۱۷۱۰/۱۷۴

وزارت معارف - وزارت داخله

از سفارت شاهنشاهی مقیم واشنگتن با تلگراف اطلاع می‌دهند که مستر فیلد Filed برای حفريات، از طرف موزه شيكاگو اواسط آوریل از راه بغداد عازم ايران است، و تقاضا دارد تسهیلات و مساعدتی درباره او بشود.

مراتب برای اطلاع آن وزارت جلیله اشعار گردید.*

محل پاراف - معتمدی

شماره سند: ۱۱۱

تاریخ: ۱۳۱۳/۱/۲۰ [ش. ۹ آوریل ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: (۱) مساعدت به هنری فیلد پس از ورود به ایران و (۲) مراجعه به وزارت معارف و مطلع

شدن از جریان امر

نمره: ۵۱/۱۵۶۸

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۱۷۱۰ مورخه ۱۳/۱/۱۵ راجع به عزیمت مستر فیلد Filed از طرف موزه

شیکاگو به ایران برای حفريات زيب و وصول بخشيد. البته پس از ورود مشاراليه و مراجعه به

وزارت معارف و استحضار از چگونگی امر و مقصودی که در نظر دارد، مساعدتهای لازم درباره

ایشان به عمل خواهد آمد.*

علی اصغر حکمت

محل مهر وزارت معارف

شماره سند: ۱۱۲

تاریخ: ۱۶ مه ۱۹۳۴ [م. / ۲۶ / ۲ / ۱۳۱۳ ش. /]

فرستنده: سفارت آمریکا (یادداشت)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: (۱) مسافرت هنری فیلد از بغداد به ایران و (۲) استفسار از اینکه آیا دستوری برای ایجاد تسهیلات به گمرکات ایران صادر شده است یا نه.

نمره: ۶۹

سفارت دول متحده آمریکا، تعارفات خود را به وزارت امور خارجه شاهنشاهی تقدیم و احتراماً اطلاع می‌دهد، که مستر هانری فیلد، معاون رئیس کل موزه تاریخ طبیعی شهر شیکاگو، قرار است در ماه ژوئن به سمت ریاست هیأت اعزامی به شرق نزدیک، از طرف موزه مزبور وارد ایران بشود، علت مسافرت مشارالیه، برای مطالعات نژادی در ایران می‌باشد. آقای فیلد در اوقاتی که در واشنگتن بوده به سفارت ایران رفته [است] و جناب وزیرمختار ایران، به مشارالیه اظهار داشته‌اند، که راجع به مسافرت آقای فیلد به دولت شاهنشاهی اطلاع داده شده، و تقاضا شده است که او امر لازم را به گمرکات ایران، راجع به تسهیلات ورود اسبابهای هیأت اعزامی صادر فرمایند. آقای فیلد فعلاً در بغداد اقامت دارد و به وسیله سفارت آمریکا در شهر مزبور استفسار نموده است که آیا دولت شاهنشاهی اوامری دایر به معافیت گمرکی و تسهیلات لازمه، درباره هیأت اعزامی، به گمرکات سرحدی ایران صادر نموده‌اند یا خیر؟

سفارت خیلی متشکر خواهد شد چنانچه دولت شاهنشاهی اوامری صادر فرمایند که موجبات تسهیل مأموریت آقای فیلد در ایران فراهم شود و موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.*

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه. ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۱۳

تاریخ: ۱۳۱۳/۳/۷ [ه.ش./ ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۵۳ ق./ ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: ریاست وزرا

موضوع: درخواست اعلام نظر برای مساعدت به «هنری فیلد» مأمور حفريات موزه شيكاگو در

پی یادداشت شماره ۶۹ سفارت آمریکا

نمره: ۱۰۵۹۲/۸۰۲

مقام منیع ریاست وزرای عظام

چندی قبل، سفارت شاهنشاهی در واشنگتن تلگرافاً اطلاع داد که مستر فیلد Field، از طرف موزه شيكاگو مأمور حفريات شده [است] و در اواسط آوریل از راه بغداد عازم ایران خواهد گردید، و سفارت مشارالیه تقاضای مساعدت درباره شخص مذکور نموده بود. وزارت امور خارجه، مدلول تلگراف سفارت واشنگتن را به وزارت جلیله معارف و اوقاف اطلاع داد. از وزارت معزیه الیهها جواباً اشعار گردیده بود که پس از ورود مستر فیلد و استحضار از چگونگی امر و مقصودی که در نظر دارد، مساعدتهای لازم به عمل خواهد آمد. اینک بر طبق یادداشت نمره ۶۹ سفارت آمریکا مستر فیلد وارد بغداد شده و تقاضا نموده‌اند، اوامر لازمه به اداره کل گمرکات، راجع به معافیت گمرکی اسبابهای هیأت اعزامی صادر شود.

با تقدیم ترجمه یادداشت واصله، مستدعی است در صورتی که آن مقام منیع مقتضی بدانند، مقرر فرمایند اوامر لازمه به مقامات مربوطه در این موضوع صادر گردد.*

سهیلی - معاون وزارت امور خارجه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۲۳، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۱۴

تاریخ: ۱۳۱۳/۳/۱۰ [ش. / ۳۱ مه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: ریاست وزرا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: صدور اوامر لازم به اداره کل گمرکات جهت معافی اشیای هانری فیلد و همراهان

نمره: ۱۵۴۹

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مراسله نمره ۱۰۵۹۲ آن وزارت جلیله اشعار می گردد، که به وزارت جلیله مالیّه نوشته شد که اوامر لازمه را به اداره کل گمرکات دایر به معافیت اشیای آقای فیلد و همراهان مشارالیه صادر نمایند.*

رئیس الوزرا

محل امضا محمد علی فروغی

محل مهر ثبت نامه های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۱۱۱۸۲

مورخه: ۱۳۱۳/۳/۱۰

شماره سند: ۱۱۵

تاریخ: ۱۳۱۳/۳/۱۵ [ش. ۲۹ مه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت مالیه

موضوع: درخواست اعلام نتیجه اقدامات در مورد معافی گمرکی وسایل هیأت هانری فیلد

نمره: ۱۱۷۷۶/۱۰۴۴

وزارت مالیه

چندی قبل سفارت آمریکا اطلاع داد که مستر هانری فیلد، معاون رئیس موزه طبیعی شیکاگو، قرار است در ماه ژوئن به سمت ریاست هیأت اعزامی شرق نزدیک، برای حفريات وارد ایران شود، و تقاضا نموده بودند که چون مشارالیه وارد بغداد شده، اوامر لازمه به اداره کل گمرکات راجع به معافیت گمرکی اسبابهای هیأت اعزامی صادر گردد.

وزارت امور خارجه، مراتب را به مقام منبع ریاست وزرای عظام معروض داشت، به قرار جوابی که رسیده [است] دستور لازم از طرف آن مقام منبع به آن وزارت صادر شده است، علی هذا متمنی است، نتیجه اقدامی را که در این موضوع مزبور فرموده‌اند، به وزارت امور خارجه اشعار فرمایند تا سفارت آمریکا را مستحضر سازد.*

محل پاراف - معتمدی

محل مهر معاون وزارت امور خارجه - سهیلی

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۱۶

تاریخ: ۱۳۱۳/۳/۲۳ [ش/۶ ژوئن ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت مالیه - گمرکات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. شامل نشدن معافیت گمرکی به اسبابهای هانری فیلد و ۲. درخواست صدور

تصویب نامه از ریاست وزرا

نمره: ۹۶۵۷

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه نمره ۱۱۷۷۶ مورخه ۱۳/۳/۱۵، محترماً اشعار می دارد:

نظر به اینکه بر طبق مقررات قانون، مسترهانری فیلد مشمول معافیتهای گمرکی نمی شود، شرحی به مقام ریاست وزرای عظام در جواب شرحی که مرقوم فرموده بودند، عرض شد که در این خصوص در صورتی که مقتضی بدانند، تصویب نامه صادر فرمایند. پس از وصول جواب، مراتب به آن وزارت جلیله اطلاع داده خواهد شد.*

از طرف وزیر مالیه - محلّ امضا

[نوشته حاشیه:] فعلاً اقدامی ندارد تا جواب از وزارت مالیه برسد.

محلّ مهر ثبت نامه های وارده به دفتر وزارت خارجه

نمره: ۱۲۹۴۸

مورخه: ۱۳۱۳/۳/۲۴

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۱۷

تاریخ: ۱۳۱۳/۴/۱۳ [ش. / ۲۱ ربیع الاول ۱۳۵۳ ق. / ۴ ژوئیه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: اداره گمرکات - وزارت مالیه

گیرنده: گمرک کرمانشاه

موضوع: ۱. دستور به گمرک قصر مبنی بر ترخیص اشیاء «هانری فیلد» بدون اخذ جواز و

عوارض گمرکی و ۲. ارسال اظهارنامه گمرکی به تهران

نمره: ۱۳۷۸۹

گمرک کرمانشاه

به گمرک قصر دستور فوری دهید، اشیاء و اجناسی که مستر هانری فیلد آمریکایی نماینده موزه شیکاگو همراه خود دارد، بدون مطالبه جواز و حقوق و عوارض گمرکی مرخص کنند - اظهارنامه با تعیین صورت ریز اجناس و حقوق و عوارضی که باید پرداخته شود از ایشان گرفته به مرکز فرستید.

نمره ۱۳۷۸۹ -

دکتر سجادی

نمره ۱۳۷۸۹ (مورخ) ۱۳/۴/۱۳

سواد برای اطلاع وزارت جلیله امور خارجه در تعقیب مرقومه نمره ۱۱۷۷۶ آن

وزارتخانه و مراسله نمره ۹۶۵۷ وزارت جلیله مالیه ارسال می شود.*

کفیل کل گمرکات - دکتر سجادی

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۲۳، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۱۸

تاریخ: ۱۳۱۳/۴/۱۶ [ش. ۷/ ژوئیه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (یادداشت)

گیرنده: سفارت آمریکا - تهران

موضوع: صدور اوامر لازم به مأموران گمرک قصر شیرین مبنی معافیت گمرکی وسایل هانری

فیلد

نمره: ۸۶۹۰/۷۶۰

سفارت آمریکا

وزارت امور خارجه، تعارفات خود را به سفارت دول متحده آمریکا اظهار، و در جواب یادداشت نمره ۶۹ مورخه ۱۶ مه ۱۹۳۴ زحمت اشعار می دهد، که اوامر لازمه به مأموران گمرکی قصر، دایر به عدم مطالبه جواز حقوق و عوارض گمرکی از اشیا و اجناسی که آقای هانری فیلد همراه دارد صادر شده است.*

محل پاراف - معتمدی

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کاترین ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۱۹

تاریخ: ۱۰ جولای ۱۹۳۴ [م. / ۱۸ تیرماه ۱۳۱۴ ش. /]

فرستنده: سفارت آمریکا - تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اظهار تشکر از اقدامات دولت ایران در مورد صدور اوامر لازم به گمرک قصر شیرین

برای ورود اشیای هانری فیلد.*

نمره: ۱۱۲

این سند به زبان انگلیسی می‌باشد، به اصل آن مراجعه شود.

شماره سند: ۱۲۰

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۲/۵

فرستنده: سفارت ایران - واشنگتن (تلگراف)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: عزیمت «ژوزف اسمیت»^۱ برای نقشه برداری از تخت جمشید به ایران و درخواست

ایجاد تسهیلات در گمرک

نمره: ۲۲۹۹

ژوزف اسمیت Josof Smith، برای نقشه برداری اشیای عتیقه در تخت جمشید، پنجم

مارس از طریق بغداد وارد ایران، مستدعی است توصیه به مأموران سرحدی. نمره ۷۲*

جلال

1. Josof Smith

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۰.

شماره سند: ۱۲۱

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۲/۷ [ش. ۲۶ / فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: ارسال رونوشت تلگراف سفارت ایران در واشنگتن در مورد ژوزف اسمیت

نمره: ۵۱۰۴۵/۵۶۳۸

وزارت جلیله معارف

مستخرج تلگراف سفارت شاهنشاهی در واشنگتن ذیلأ برای استحضار آن وزارت

جلیله نقل می‌شود:

«ژوزف اسمیت (Josof Smith) برای نقشه برداری اشیای عتیقه در تخت جمشید،

پنجم مارس از طریق بغداد وارد ایران، مستدعی است به مأموران سرحدی

توصیه فرمائید».

خواهشمند است مقرر فرمایند اقدامات مقتضی به عمل آید.*

پاراف اداره سؤم سیاسی - معتمدی

محل مهر: سهیلی معاون وزارت امور خارجه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۰.

شماره سند: ۱۲۲

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۲/۱۱ [ش. ۲/ مارس ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: صدور دستورات لازم برای ایجاد تسهیلات به ژوزف اسمیت

نمره: ۲۰۷۵/۵۹۵۱۲

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه نمره ۵۱۰۴۵/۵۶۳۸ مورخ ۱۳/۱۲/۷، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که دستور تلگرافی برای مساعدت و تسهیلات لازمه به آقای ژوزف اسمیت به اداره معارف و اوقاف کرمانشاه صادر گردید. به حکومت جلیله و نظمیّه و گمرک کرمانشاه نیز توصیه شده است.*

وزیر معارف و اوقاف

علی اصغر حکمت

محل مهر وزارت معارف و اوقاف

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۰.

شماره سند: ۱۲۳

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۲/۱۴ [ش. ۵/ مارس ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران - واشنگتن

موضوع: پاسخ سفارت مبنی بر انجام اقدامات لازم برای ایجاد تسهیلات به ژوزف اسمیت

نمره: ۵۲۱۹۱/۵۷۵۶

سفارت شاهنشاهی در واشنگتن

مدلول تلگراف آن سفارت شاهنشاهی راجع به آقای ژوزف اسمیت به وزارت معارف اشعار شد، جواباً بنویسید که دستور تلگرافی به اداره معارف و حکومت و نظمیۀ کرمانشاه برای مساعدت و تسهیلات لازمه به شخص مزبور، صادر نموده‌اند.*

محل پاراف - معتمدی

محل مهر: سهیلی معاون وزارت امور خارجه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۰.

شماره سند: ۱۲۴

تاریخ: ۱۳۱۵/۲/۱۰ [ش. ۳۰/ آوریل ۱۳۱۵ م.]

فرستنده: آژانس پارس

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. نرسیدن مطبوعات آمریکایی به وزیرمختار ایتالیا به علت جلوگیری از ورود آنها به ایران و ۲. اجازه ندادن رکن دوم ارتش به اسمیت برای نقشه برداری هوایی
نمره: -

به عرض برسد

وزیرمختار ایتالی، در ضمن صحبت به بنده اظهار می داشت که جراید آمریکایی که سابقاً برای او مرتباً می رسید، مدتی است در نتیجه جلوگیری از ورود مطبوعات آمریکایی به ایران، دیگر به او نمی رسد^۱ و می گفت که نرساندن اشیاء یا مطبوعاتی که به اسم یک نفر وزیرمختار فرستاده می شود، مخالف مقررات و مزایا و حقوق مأموران سیاسی است. ضمناً به طور سربسته اشاره می کرد، که اگر این موضوع را به مملکت خود راپرت دهد، ممکن است در آنجا هم نسبت به سفارت ایران تضییقات مشابهی قایل شوند. (ولی این نکته را به طور صریح نمی گفت و فقط به طور کنایه اظهار می داشت) مشارالیه نیز اظهار می داشت که اگر این ترتیب ادامه پیدا کند، مأموران سیاسی مجبور خواهند شد که تمام این قبیل مطبوعات و غیره را به طور (والیزدیپلوماتیک) بیاورند، و این ترتیب هم چندان صورت خوشی نخواهد داشت.

مستر اشמיד رئیس کاوش در ری و تخت جمشید، که در قسمتی از مذاکرات فوق حضور داشت نیز اظهاراتی نمود که به عرض می رسد، می گفت که:

«تا چندی قبل، رکن دوم ستاد ارتش در کارهای هواپیمایی ما، که برای عکس برداشتن از خرابه ها که برای کشف نقاط قدیمی به عمل می آوردیم، مستهای

۱. در این سال رابطه ایران و آمریکا قطع بود و لذا از سوی دولت ورود اجناس و مطبوعات آمریکایی قلع و علع شده بود.

مساعدت را می‌نمود، ولی اخیراً از دادن اجازه پرواز و تشریک مساعی در امور ما خودداری می‌نماید، و این رویه قهراً سکنه به کارهای کاوش وارد می‌آورد». مشارالیه می‌گفت:

«عملیات ما که به کلی علمی و دارای کشف آثار عتیقه و عظمت ایران می‌باشد، نبایستی با مسایل سیاسی مخلوط شده و در نتیجه، عملیات مزبور خنثی شود، اگر این رویه ادامه یابد، مؤسسات آمریکایی که مخارج این کاوش‌ها را می‌دهند، ممکن است دلسرد شده، و از ادامه به این عمل خیر خودداری نمایند، و در نتیجه، زحماتی که در چند سال اخیر در تخت جمشید و ری به عمل آمده [است] ناقص بماند».

بنده به مشارالیه وعده نمودم که مطالب او را به عرض برسانم.*

محل امضا

[نوشته حاشیه:] اداره سوم اقدام لازم به عمل آورید ۱۵/۲/۱۰

در باب قسمت اول قرار شد مطلب فعلاً مسکوت بماند

در باب قسمت دوم به وزارت معارف نوشته شد ۱۵/۲/۲۰

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۵ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۲۵

تاریخ: ۱۳۱۵/۲/۱۵ [ش. ۱۳/ صفر ۱۳۵۵ ه.ق. / ۵ مه ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: (۱) اظهارات دکتر اشمیت مبنی بر همکاری نکردن رکن دوم ستاد ارتش با وی در

عکس برداری هوایی و (۲) اظهار نگرانی وی از ادامه این کار

نمره: ۷۵۴۳/۵۳۵

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

آقای اشمید مباشر کاوش در ری و تخت جمشید، در ضمن مذاکرات خصوصی اظهار می داشت که تا چندی قبل از طرف رکن دوم ستاد ارتش در کارهای هواپیمایی هیأت که برای برداشتن عکس از خرابه ها و غیره مورد لزوم پیدا می کرد، نهایت مساعدت را معمول می داشتند، ولی اخیراً از دادن اجازه پرواز و اشتراک مساعی با آنها خودداری می نماید، و این رویه قهراً سکتی بر کارهای کاوش وارد می آورد، ضمناً اظهار نگرانی می کرد که اگر این رویه ادامه یابد، ممکن است مؤسسات آمریکایی، که مخارج این کاوشها را می دهند، دل سرد شده و بالتجیه زحماتی که برای کشف آثار عتیقه و نمایاندن عظمت تاریخی ایران کشیده می شود، بلامنتیجه بماند.*

محل مهر سهیلی معاون وزارت امور خارجه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۵ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۲۶

تاریخ: ۱۳۱۵/۲/۲۷ [ش. ۱۷/ مه ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره کُلّ عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: موافقت با پرواز دکتر اشمیت براساس سوابق موجود و لزوم مراجعه وی در امور

حقّاری به وزارت معارف

نمره: ۶۸۰/۶۹۲۵

وزارت امور خارجه

عطف به مرقومه نمره ۷۵۴۳/۵۳۵ [مورخ ۱۵/۲/۱۵ صادره از اداره سوم سیاسی، راجع به پرواز آقای دکتر اشمیت به منظور کشف آثار عتیقه و قسمتهای تاریخی، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد، بر طبق تصویب‌نامه هیأت وزرای عظام و سوابقی که در این وزارتخانه در این خصوص موجود است، نسبت به تقاضای مشارالیه موافقت شده و بعد از این هم خواهد شد. چون مرجع امور این میسیون، وزارت معارف است، متمنی است مقرّر فرمایند، مطالب خود را قبلاً به وزارت معارف ارجاع دارد، اگر انجام نگرفت، سپس حقّ شکایت خواهد داشت.*

وزیر معارف و اوقاف

علی اصغر حکمت

محلّ مهر وزارت معارف و اوقاف

شماره سند: ۱۲۷

تاریخ: ۱۳۱۵/۳/۳ [ش. / ۲۴ مه ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سوم

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: (۱) خصوصی بودن اظهارات اشمیت و (۲) غیررسمی بودن مراجعه وی به وزارت

امور خارجه

نمره: ۹۱۹۸/۷۱۶

وزارت معارف

عطف به مراسله نمره ۶۸۰/۶۹۲۵ مورخه ۱۳۱۵/۲/۲۷، راجع به اظهارات دکتر اشمیت اشعار می‌دارد: به طوری که در مراسله نمره ۵۳۵/۷۵۴۳ مورخه ۱۵/۲/۱۵ ملاحظه فرموده‌اند، اظهارات مشارالیه کاملاً خصوصی و بر سبیل حجت با یکی از اعضای این وزارتخانه بوده، و جنبه مراجعه رسمی به وزارت امور خارجه یا شکایتی نداشته و روی این تصور بوده است که چون مناسبات دولت شاهنشاهی با آمریکا فعلاً در حال برودت است، ممکن است این کیفیت در کارهای هیأت حقاری مؤثر شده باشد.*

محل پاراف - معتمدی

محل مهر سهیلی معاون وزارت امور خارجه

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۵ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۲۸

تاریخ: ۱۵ اسفند ۱۳۱۷ [ششم مارس ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: سفارت آمریکا (یادداشت و ترجمه آن)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. عنایت شاه به دکتر اشمیت در ۱۳۱۴. ۲. فعالیت وی در امر نقشه برداری هوایی و تحویل صدها عکس به وزارت فرهنگ برای بررسی آثار باستانی ایران؛ ۲. جلوگیری از کار وی از آبان ۱۳۱۶. ۳. درخواست سفیر از دولت برای اجازه پرواز به نامبرده و عکس برداری (تقریباً) از سرتاسر ایران ۴. اهدای هواپیما به دولت در خاتمه کار

نمره: ۸۴۳

جناب آقای وزیر

همان قسمی که محتمل است جناب عالی بدانید، اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) دکتر اریک اشمیت تبعه آمریکا را که رئیس هیأت اعزامی حفاریات علمی در تخت جمشید است، مورد عنایت شاهانه قرار داده، و به وی اجازه مرحمت فرمودند، هواپیمای خود را که «دوست ایران» نامیده می شود، برای پیگیری باستان شناسی بکار رود. در پرتو روح ترقی خواهانه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، از این رو ایران نخستین کشوری شد که در دنیا آوازه مخصوص تحقیقات هوایی در علم باستان شناسی دارا گردید. در سال ۱۳۱۴-۱۶ [۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷] دکتر اشمیت به لرستان و دشت گرگان و آذربایجان غربی پرواز نموده و در نتیجه به کشفیاتی موفق گشت، که برای دانشجوی [محققان] تاریخ فوق العاده مهم است.

بسیاری از نقاط قدیم را روی نقشه های مخصوص باستان شناسی طرح ریزی و بسیاری از آثاری که بدین طریق نقشه برداری شد، هرگز تا آن وقت به چشم پی گردانی که روی زمین مسافرت می کنند نیامده بود، صدها عکس هوایی به اداره باستان شناسی وزارت شاهنشاهی فرهنگ تقدیم گردید و این عکسها برای بررسی آثار باستانی ایران، و تحدید حدود امکنه ای که جزو آثار ملی اعلام شده بود، مورد استفاده بسیار واقع شد. عکسهای هوایی متعددی نیز چاپ

شده است. (مثلاً مراجعه فرمائید به کتاب آثار ایران ۱۹۳۸ شماره ۱ صفحات ۴۶ و ۴۷ و ۶۱). معذالک، با وجود موفقیت بزرگی که در این کار تحت توجهات خیرخواهانه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حاصل گردید، از آبان ۱۳۱۶ (نوامبر ۱۹۳۷) به این طرف، به دکتر اشمیت اجازه داده نشده است دیگر پرواز کند و هواپیمای او در آشیانه خود در تخت جمشید بی کار مانده است.

بنابراین، دوستدار از طرف دکتر اشمیت، و به نفع تحقیقات تاریخی، در سراسر دنیای متمدن محترماً خواهشمند است، به وی اجازه مرحمت شود، بررسی و نقشه برداری ایران را که از لحاظ باستان شناسی شروع کرده است تکمیل نماید. مشارالیه البته کاملاً مانند گذشته حاضر است کلیه مقررات و شرایطی را که در نامه جناب آقای وزیر فرهنگ به عنوان و به تاریخ هشتم مرداد ۱۳۱۴ و به شماره ۲۲۳۵۹/۱۰۸۱ مبنی بر تصویب نامه هیأت وزیران به تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۱۴ و به شماره ۲۸۸۷ تعیین شده است، متابعت نماید.

پس از تکمیل بررسی هوایی، دکتر اشمیت با خرسندی بسیار هواپیما را به دولت شاهنشاهی تقدیم خواهد کرد، تا هر قسم اراده دولت شاهنشاهی تعلق گیرد باز هم مورد استفاده قرار دهند.

دکتر اشمیت به دوستدار اطلاع می دهد، که پروازهای ذیل لازم است، و با چنین پروازها، خدمات برجسته ای به امر باستان شناسی ایران از راه عکسهای عمودی که در غیر این صورت ممکن نیست، تهیه نمود، انجام خواهد داد:

۱. اطراف تخت جمشید در شعاعی تقریباً یک صد کیلومتر، برای راهنمایی کارهای زمینی هیأت اعزامی و برای ثبت پیشرفت آن و برای تعیین راههای قدیم که به بازارگاد و شوش می رفته [است] و برای تکمیل نقشه باستان شناسی این مکان و برای کمک به حفاریات شاپور.

۲. از تهران به دماوند - گرگان - ساحل دریای خزر (برای تعیین خط سیر مهاجرت آرینها) - اردبیل (نقاط ماقبل تاریخ مانند لرنستان - تبریز - اردبیل - الموت (قلاع حشیشیون) - تهران - تخت جمشید).

۳. پرواز اطراف بیابانهای نمک، (دشت کویر و دست لوت) از جمله تخت جمشید - تهران - دامغان (شهر صد دروازه) - سبزوار - قوچان (تلهای بزرگ ماقبل تاریخ) - نیشابور (برای کمک به

حفریات آنجا) - مشهد - بیرجند - سیستان (کوه خواجه و مراکز ماقبل تاریخ) - بمپور (روابط ماقبل تاریخ با هندوستان) - بندرعباس و قشم (مراکز بازرگانی بسیار قدیمی بین بین‌النهرین و هندوستان) و بازگشت به تخت جمشید.

۴. تخت جمشید - کرمان - یزد - اصفهان - تخت جمشید برای پیدا کردن ردّ امکان باستانی به طور کلی.

۵. تخت جمشید - لنگه - بوشهر - خرمشهر - اهواز - شوش - دزفول - شوشتر - تخت جمشید برای نقشه‌برداری مهمترین امکان تاریخی خوزستان قدیم و تعیین خطّ صحیح راه سلطنتی از شوش به تخت جمشید.

ضمن تقدیم این درخواست به آن جناب، اجازه می‌خواهم یادآوری کنم که حضور دکتر اشمیت در ایران، و کارکنان آزموده او و همچنین هواپیمای مزبور، جدیدترین ساز و برگ فنی را برای کارهای باستان‌شناسی هوایی، تحت امتیاز دولت شاهنشاهی گذاشته و فرصت تقریباً منحصر به فردی به دست می‌دهد، که از عالیترین عملیات علمی که هم اکنون، کشور شاهنشاهی را در پیشاپیش تحقیقات نوین در علم باستان‌شناسی قرار داده است، استفاده نموده و در آن شرکت جوید، این تحقیقات نه تنها تحسین دانشمندان سراسر جهان را جلب خواهد نمود، بلکه به اشتها مقامات شاهنشاهی که ضمانت آنان این کار را ممکن ساخته است، کمک خواهد کرد. بنابراین جسارت نموده، درخواست می‌کنم این پیشنهاد را مورد توجه شفیقانه قرار داده، و اجازه دهید [که] دکتر اشمیت به زحمات غیرخودپسندانه خود ادامه بدهد، تا برنامه معتدلی که در بالا شرح داده شد، به نتیجه منطقی خود برسد.

موقع را مغتنم دانسته، احترامات فایقه را نسبت به آن جناب تجدید می‌نمایم.*

ک. ون. ج. انگرت

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۲.

شماره سند: ۱۲۹

تاریخ: ۱۳۱۷/۱۲/۲۵ [ش. / ۱۶ مارس ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سوم

گیرنده: وزارت فرهنگ

موضوع: درخواست دکتر اشمیت برای اخذ مجوز نقشه برداری هوایی

نمره: ۵۹۵۸۰/۴۹۷۷

وزارت فرهنگ

از کاردار آمریکا راجع به مأموریت باستان شناسی آقای دکتر اشمیت که بر حسب اجازه آن وزارت مسؤول تحقیقات است، نامه‌ای رسیده که ترجمه آن به پیوست فرستاده می‌شود، چنانکه ملاحظه می‌فرمائید، منظور سفارت آمریکا این است که به دکتر اشمیت اجازه داده شود با هواپیمای خود، پروازهایی در قسمتهای مفید نموده و نقشه‌های باستان شناسی بردارد. خواهشمند است مقرر فرمائید موضوع را مورد مطالعه قراردادده و از هر پاسخی که به سفارت آمریکا باید داده شود، این وزارت را آگاه فرمایند. محض مزید آگاهی علاوه می‌نماید که در این باب سابقاً مکاتباتی بین وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ شده و آخرین نامه آن وزارت به تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۱۱ شماره ۵۸۱۰۳/۲۸۳۵ بوده است.*

محل پاراف اداره سوم

[نوشته حاشیه:] به امضای جناب آقای وزیر

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۲.

شماره سند: ۱۳۰

تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۹ [م. / ۱۹ شهریور ۱۳۱۸]

فرستنده: سفارت آمریکا (یادداشت)

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: درخواست اهدای یکی از نقوش برجسته‌ای که از تخت جمشید به دست آمده به مؤسسه شرقی شیکاگو به پاس خدمات مؤسسه مزبور، جهت به نمایش گذاشتن آن در

آمریکا

نمره: ۹۰۸

جناب آقای وزیر

به پیشنهاد بنگاه خاوری شیکاگو، که چنانچه جناب عالی مسبوقید متکفل عمده حفاریات تخت جمشید است، افتخار دارم درخواست ذیل را با این امید که مورد بررسی موافق قرار گیرد، به نظر جناب عالی برسانم.

ظاهراً در کاوشهایی که در سال ۱۹۳۶ در تخت جمشید شده است، دو نقش برجسته‌ای که تقریباً هر دو عیناً یکی است، در عمارت خزانه‌داری کاخ پیدا شد. یکی محفوظ‌تر مانده است، اکنون در موزه تهران است. آن دیگری تخته سنگ بزرگی است که با پاره‌ای قطعات آن هنوز در محل است.

بنگاه خاوری استفسار می‌کند آیا دولت شاهنشاهی مایل است، لنگه ناقص نقش برجسته مزبور را که هنوز در تخت جمشید است به بنگاه مزبور واگذار نماید تا در آمریکا در معرض نمایش گذاشته شود.

جناب آقای مظفر اعلم

وزیر امور خارجه شاهنشاهی - تهران

دوستدار جسارت نموده و در این درخواست شرکت می‌نمایم، با این عقیده که اداره کل باستان‌شناسی شاهنشاهی، شاید بخواهند به پاس خدماتی که بنگاه مزبور، بی‌آنکه نظر

خودخواهی داشته باشد، به باستان‌شناسی به طور کلی، و به باستان‌شناسی ایران به خصوص،
نموده است، بدین طریق نسبت به آن بنگاه ابراز حسن نیت نمایند.

عکس هر دو نقش برجسته در اداره کل باستان‌شناسی موجود و به اداره مزبور هم اطلاع
داده شده است که بنگاه خاوری مایل است یکی از آن نقوش برجسته را به دست آورد.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه خود را نسبت به جناب عالی تجدید می‌نمایم.*

محل امضای ک. دال. انگرت

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۳۱

تاریخ: [۱۳۱۸/۶/۲۴] ش. ۱۶ سپتامبر ۱۹۳۹ م.

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت فرهنگ

موضوع: ارسال رونوشت ترجمه نامه سفارت آمریکا در مورد تقاضای اهدای آثار تخت جمشید

به مؤسسه شرقی شیکاگو و درخواست اعلام نظر

نمره: ۱۸۷۲/۲۷۴۰۹

این سند تایپ شده است به اصل آن مراجعه شود.*

شماره سند: ۱۳۲

تاریخ: ۱۳۱۸/۶/۲۸ [ش. / ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: رئیس دفتر مخصوص

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مخالفت شاه با تقاضای بنگاه شرقی شیکاگو

نمره: ۳۸۴۱

وزارت امور خارجه

گزارش شماره ۱۸۷۲/۲۷۴۰۹، راجع به تقاضای اهدای یکی از نقوش تخت جمشید به بنگاه شیکاگو، به عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسید، مقرر فرمودند از قبول تقاضا به طور مقتضی معذرت بخواهید.*

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

محل امضا

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۳۳

تاریخ: [مهرماه ۱۳۱۸ ش.]

فرستنده: وزارت امور خارجه (یادداشت)

گیرنده: سفارت آمریکا

موضوع: موافقت نکردن با تقاضای مؤسسه شرقی شیکاگو در مورد واگذاری یکی از دو نقش
برجسته تخت جمشید، به مؤسسه مزبور، به علت نگهداری آثار باستانی در موزه
نمره: -

این سند تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.*

شماره سند: ۱۳۴

تاریخ: ۱۳۱۸/۹/۱۲ [ش. ۴ / سپتامبر ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت فرهنگ

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تقاضاهای مکرر دکتر اشمیت برای اهدای نقش برجسته تخت جمشید، از هنگام کشف

آن و جواب منفی وزارت مزبور به آنها

نمره: ۲۰۲۶۳/۳۳۱۳

وزارت امور خارجه

عطف به نامه شماره ۱۸۷۲/۱۸۷۴۰۹-۲۴/۶/۱۸، متضمن رونوشت ترجمه نامه سفارت آمریکا، دایر به تقاضای اهدای یکی از نقوش برجسته تخت جمشید به بنگاه خاوری شیکاگو، خاطر شریف را مستحضر می‌دارد که این تقاضا از هنگام کشف نقش برجسته، تاکنون چندین بار از جانب دکتر اشمیت، رئیس هیأت آمریکایی تخت جمشید عنوان گشته و از طرف وزارت فرهنگ، عدم امکان انجام آن به اطلاع مشارالیه رسانیده شده است.*

وزیر فرهنگ

نمره ۱۸/۹/۱۵-۲۸۸۱ سوم سیاسی

اسماعیل مرات

[نوشته حاشیه:] با رجوع به شماره نامه به اداره مربوطه ارسال شود. ۱۸/۹/۱۳

از دفتر مخصوص هم جواب رسیده و به سفارت آمریکا در موقع خود ابلاغ

شد. بایگانی است.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۳۵

تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۳۹ [م./ ۱۶ آذر ۱۳۱۸ ش.]

فرستنده: سفارت آمریکا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. تکرار درخواست اهدای یکی از مجسمه‌های تخت جمشید ۲. تمایل اعضای هیأت به حمل اشیایی که از تخت جمشید جمع‌آوری کرده‌اند به آمریکا و ۳. تحویل عکسها هوایی که مدتی قبل گرفته شده است.

نمره: ۹۵۱

جناب آقای وزیر

همان قسمی که خاطر جناب عالی آگاه است، هیأت اعزامی حفاری آمریکایی که چندین سال است در تخت جمشید کاوش می‌کند، زحمات خود را خاتمه داده و در شرف بازگشت به اتازونی است. سه کارمند دیگر هیأت هم‌اکنون وارد تهران شده‌اند و از قراری که به دوستدار اطلاع داده شده، عزیمت آنها به تعویق افتاده است، زیرا ظاهراً مقامات شاهنشاهی میل ندارند که درخواست هیأت را که به نظر دوستدار بی‌نهایت عادلانه است به پذیرد. افتخار دارم درخواستهای مزبور را به عرض جناب عالی برسانم.

۱. هیأت، مجموعه مختصری از اشیای کوچکی را که در تخت جمشید پیدا شده‌اند تهیه نموده، و از دولت شاهنشاهی خواهشمند است، این مجموعه را به بنگاه خاوری برای نمایش داده، و در موزه خود در دانشگاه شیکاگو واگذار فرمایند. اهمیت و ارزش این اشیاء بسیار کم و در بیشتر موارد فقط نسخه ثانی اشیای مکشوفه‌ای است که اکنون در موزه باستان‌شناسی تهران موجود است. این اشیاء را آقای رئیس اداره باستان‌شناسی بازرسی نموده، و نسبت به واگذاری آنها به بنگاه خاوری اشکال نمی‌بیند، نامه‌ای نیز با این نظر، از طرف اداره باستان‌شناسی به شماره ۲۸۶۰۵/۲۹۸۹ به تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۱۸، به هیأت وزیران تقریر شده است.

جناب عالی البته توجه خواهند فرمود که هیأت اعزامی، این اشیای عتیقه را به عنوان حق خود مطالبه نمی‌کند، لکن این درخواست را صرفاً به این عنوان می‌کند که نشانه لطف‌آمیزی

از علاقه دولت شاهنشاهی، نسبت به مقام علمی و نوع پرستانه بنگاه خاوری است، و بدینوسیله نمونه ثانی از تمدن باستان ایران، در برابر ملت آمریکا گذاشته می شود.

ضمناً جسارت ورزیده، بار دیگر به یادداشت شماره ۹۰۸ خود به تاریخ یازدهم سپتامبر ۱۹۳۹ (۱۹ شهریور ۱۳۱۸) اشاره و استعلام می کنم، آیا دولت شاهنشاهی در تصمیم خود راجع به نسخه ثانی نقش برجسته ای که در سال ۱۹۳۶ پیدا شده است، نمی توانند شاید تجدیدنظر بفرمایند.

۲. تقریباً چهار ماه پیش آقای دکتر اشمیت، مقداری عکسهای هوایی که نماینده پاره ای از نتایج بررسیهای باستان شناسی ناتمامی که از فراز آسمان و هواپیمای خود نموده بود، به اداره باستان شناسی فرستاده [است]. این عکسها با اجازه مقامات نظامی و همیشه با حضور یک افسر نیروی هوایی شاهنشاهی که در هر پروازی همراه بوده است، برداشته شده است. دو نسخه از هر عکسی به رکن دوم ستاد ارتش، و یک نسخه هم به اداره باستان شناسی تقدیم گردیده است. چند عکس هوایی هم اکنون از طرف وزارت فرهنگ در کتاب «آثار ایران» منتشر شده است. دکتر اشمیت اکنون متمنی است اجازه داده شود، این عکسها را با خود ببرد، و نیز اجازه می خواهد برخی از آنها را چنانچه در آینده فرصتی پیش آید، چاپ کند.

اینک که درخواستهای فوق را به حضور جناب عالی تقدیم می کنم، امیدوارم همان قسمی که در گذشته نیز چنین بوده است، برای اینکه حرکت کاروان هیأت، بیش از این به تعویق نیافتد، به مداخله ملاطفت آمیز جناب عالی منتفع و منتظر باشم.

دوستدار موقع را مغتنم شمرده، احترامات فائقه را تجدید می نمایم.*

ک. دال. انگرت

محل امضا

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۳۶

تاریخ: ۱۳۱۸/۹/۲۰ [ش. ۱۲ / دسامبر ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سوم

گیرنده: دفتر مخصوص شاه

موضوع: ترجمه یادداشت کاردار آمریکا مبنی بر ۱. واگذاری مجموعه‌ای از اشیای تخت جمشید

به هیأت حقاری آمریکا، ۲. اعطای نسخه دوم نقش برجسته، و ۳. تعدادی از عکسهای

هوایی

نمره: ۴۰۲۷۷/۲۹۶۴

این سند تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.*

شماره سند: ۱۳۷

تاریخ: ۱۳۱۸/۹/۲۴ [ش. / ۱۶ مه ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: رئیس دفتر مخصوص شاه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: دستور رضاخان مبنی بر ۱. واگذاری بخشی از عکسهای هوایی را که ستاد ارتش صلاح می‌داند به دکتر اشمیت و ۲. رفتار قانونی و پراساس قرارداد، و ۳. ارجاع ندادن مطالب به

او

نمره: ۲۷۱۸

محرمانه

وزارت امور خارجه

نامه شماره ۴۰۲۷۷/۲۹۶۴ به ضمیمه ترجمه نامه کاردار سفارت آمریکا به عرض پیشگاه همایون شاهنشاهی رسید. به طوری که حضوراً اوامر مطاع به جنابعالی ابلاغ گردید، در باب عکسهای هوایی، به طوری که خودتان هم مرقوم داشته‌اید، عکسها با حضور نماینده ستاد ارتش برداشته شده است. قسمتی را که ستاد ارتش مصلحت بدانند، ممکن است بدهند، ولی در موضوع تجدیدنظر در اعطای نسخه ثانی نقش برجسته و نمونه اشیای کوچک موزه باستان‌شناسی که می‌گویند بهای زیادی ندارند، اولاً کیفیت مطلب معلوم نمی‌گردد، و توضیحاتی در نامه داده نشده [است]. ثانیاً، معلوم نیست مطابق قراری که دولت با هیأت حفاری آمریکایی گذاشته است، این تقاضاها وفق می‌دهد یا خیر، و به هر حال چرا مطابق مقررات و شرایط با هیأت رفتار نمی‌شود و مطلب را به پیشگاه مبارک معروض می‌دارند.*

رئیس دفتر مخصوص شاه

شکوه الملک

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۳۸

تاریخ: ۱۳۱۸/۹/۲۰ [ش. / ۱۸ دسامبر ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: ستاد ارتش

موضوع: یادداشت سفارت آمریکا در مورد (۱) ارسال نسخه‌ای عکسهای هوایی به اداره باستان‌شناسی و دونسخه به ستاد ارتش و (۲) درخواست بعضی از آنها با اجازه چاپ، و (۳) دستور رضاخان مبنی بر واگذاری عکسهایی که ستاد ارتش مصلحت می‌داند به دکتر اشمیت و (۴) درخواست فهرست عکسهایی که اعطای آنها خالی از اشکال است.

نمره: ۴۱۰۰۷/۳۰۳۹

این سند تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.*

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۳۹

تاریخ: ۱۳۱۸/۹/۲۷ [ش. / ۱۹ دسامبر ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت جنگ - ستاد ارتش

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ارسال فهرست عکسهای مجاز به وزارت فرهنگ جهت واگذاری آنها به دکتر اشمیت

نمره: ۲۹۹۲۴/۹۱۶۰۶

این سند تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.^{##}

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۴۱۵۸۸

۱۳۱۸/۹/۲۹

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کاترن ۳۸، پرونده ۲.

شماره سند: ۱۴۰

تاریخ: ۱۳۱۸/۱۰/۶ [ش. ۲۸ / دسامبر ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت فرهنگ - اداره کل باستان‌شناسی

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. اجازه انتشار ۳۳۵ قطعه از عکسهای هوایی مجاز که از سوی ستاد ارتش بازرسی شده‌اند. ۲. واگذار نشدن نقش برجسته تخت جمشید به علت مهم و با ارزش بودن آن ۳. ذکر نشدن حقی از آثار تخت جمشید به هیأت در قرارداد و اینکه اشیای کوچک باید در جای خود نهاده شوند. ۴. اعطای بخشی از ظروف و آثار مکشوفه سالهای اخیر به هیأت در صورت موافقت دولت

نمره: ۳۵۵۰۷

این سند تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.

[نوشته حاشیه:]

آقای انتظام، با در نظر گرفتن دستوراتی که در این باب از دفتر مخصوص شاهنشاهی رسیده بود، اقدام مقتضی را بفرمائید. ۱۸/۱۰/۸

نامه وزارت فرهنگ در پاسخ شرحی است که پس از همین توضیحات، به دفتر مخصوص نوشته شده [است] فعلاً باید منتظر شد تا نتیجه تصمیم [هیأت] وزیران معلوم گردد.*
بایگانی شود. ۱۰/۱۰/۱۳۱۸

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۲.

فصل دوم

هیأت‌های آمریکایی

۱۳۱۷-۱۳۰۹ ش.

۱۹۳۹-۱۹۳۰ م.

شماره سند: ۱۴۱

تاریخ: ۳۰ شهریور ۱۳۰۹ [ش. / ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۰ م.]

فرستنده: کنسولگری ایران - بصره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: چاپ مقاله‌ای در مجله مصور «لندن سفیر» در مورد صنایع و فن معماری ایران و اینکه

ایران منشأ تمدن دنیاست و درخواست چاپ این خبر در یکی از جراید مرکزی

نمره: ۱۲۳۱

ضمیمه: دارد

این سند و ضمیمه آن تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.*

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۸۷۲۵

نمره ضبط: ۸۱۰۴۱۳

تاریخ: بعد از ظهر ۱۳/۷/۱۳۰۹

[نوشته حاشیه:] از طرف [مدیرکل سیاسی] به روزنامه ایران داده شده و در شماره ۲۲ مهر ۱۳۰۹

طبع شده است.

۲۲ مهر ۱۳۰۹

#. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده ۱۴.

شماره سند: ۱۴۲

تاریخ: ۱ آبان ۱۳۰۹ [ش. ۲۳ / اکتبر ۱۹۳۰ م.]

فرستنده: کنسولگری ایران - بصره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: چاپ دو مقاله در مجله «مصور لندن» یکی در مورد آثار مکشوفه برنزی در لرستان و

ارتباط آن با دین زرتشت و دیگری در مورد مسجد امام رضا(ع)

نمره: ۱۴۳۴

ضمیمه: دارد

این سند و ضمائم آن ترجمه مقاله هفتگی «اخبار لندن مصور» شماره ۴۷۶۹ مورخ ۱۳

سپتامبر ۱۹۳۰ و ترجمه مقاله مجله مزبور در شماره ۴۷۷۱ مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۰ تایپ شده

است، به آنجا مراجعه شود.*

[نوشته حاشیه:] برحسب آقای مدیرکل سیاسی برای طبع به روزنامه ایران داده شد.

۱۸ آبان ۱۳۰۹

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۲۱۹۹۰

نمره ضبط: ۸۱۰۴۱۳

..... از ظهر ۱۳۰۹/۸/۱۷

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۴۳

تاریخ: ۷ شهریور ۱۳۱۰ [ش. / ۳۰ اوت ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: سفارت ایران - مصر

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ارسال ۳ قطعه اخبار آژانس مکتب الصحافه در مورد حفريات دامغان

نمره: ۹۶

ضمیمه: مطالب روزنامه

وزارت جلیله امور خارجه

سه قطعه اخبار آژانس مکتب الصحافه تلوأ برای استحضار وزارت جلیله ایفاد می گردد.*

محل امضا

[نوشتة حاشیه:]

اداره محترم اروپا - چون در باب حفريات آن اداره محترم استحضار کامل دارند، ارسال می شود که در صورت امکان از چگونگی، اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه را مطلع فرمایند تا به مأموران اطلاع داده شود. ۱۰/۶/۲۲

سواد متن راجع به حفريات به وزارت معارف و قسمت راجع به قرار ماده تلگرافی به وزارت پست فرستاده شود.

جواب: این طور اقدام شد، در قسمت مسافرت والاحضرت هم اشتباهاتی که در جمله است، اگر موقع اقتضا کند، اصلاح خواهید فرمود.

##. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۴۴

تاریخ: ۴ مهر ۱۳۱۰ [ش. / ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

موضوع: خبر آژانس مکتب الصحافة در مورد حفريات در دامغان

نمره: ۲۲۶۳۹

وزارت معارف

آژانس مکتب الصحافة مصر در ضمن اخبار مورّخه ۲۹ اوت ۱۹۳۱ خبری راجع به حفريات در دامغان منتشر نمود که اینک با ارسال سواد متن مزبور، متمنی است از صحت و سقم آن وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند.*

شایسته

[نوشته حاشیه:]

سواد متن ملفوف نمره ۷۹۶ سفارت قاهره فرستاده شود.

اداره محترمه اطلاعات ملاحظه فرمایند.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸: پرونده

شماره سند: ۱۴۵

تاریخ: ۱۳۱۰/۸/۲۰ [ش. ۳/ نوامبر ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف - اداره عتیقات

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: کشف خرابه‌های قصر کوچکی از بناهای ساسانی و تعدادی از قبور قدیمه در حوالی

دامغان و شباهت نداشتن آنها به قبور مصری

نمره: ۷۱۸۱/۱۶۵۷۱

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۱۱-۷۱۰/۲۲۶۳۹ مورخ ۱۰/۷/۴ متضمن سواد متن خبر آژانس مکتب

الصحافة مصر راجع به حفريات در دامغان زيب وصول داد. بر طبق اطلاعاتی که اخیراً از دامغان

واصل شده است، هیأت حفاری در آن حدود خرابه‌های قصر کوچکی از بناهای ساسانی را

کشف کرده که در آن عده [ای] از قبور قدیمه بوده، ولی این قبور ابدأ شباهت به قبور مصری

ندارند.*

محل مهر و امضا

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۲۷۵۲۳

نمره ضبط: ۶۱۰۶۰۲۵

تاریخ: ۱۳۱۰/۸/۱۳

[نوشتة حاشیه:] متن خبری که در مکتب الصحافة طبع شده، مجدداً به مصر نوشته و سواد این

مراسله نیز فرستاده شود.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۴۶

تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۱۰ [ش. ۵ / دسامبر ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: سفارت ایران - مصر

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. ارسال شرحی به جراید مکتب الصحافة در مورد حفريات دامغان از سوی آن سفارت

٢. ارسال قطعات روزنامه معظم و لابورس اژيسين

نمبر: ۱۱۲۸

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه نمره ۲۵۰/۶۱۰۶۰۲۳۸/۲۰ مورخه ۱۰/۸/۲۴ راجع به خبر مندرجه در اخبار

مکتب الصحافه، دایر به حفریات دامغان واصل، تلوا سواد شرحی که به جراید مکتب الصحافه

در این موضوع نوشته شده است، برای استحضار وزارت جلیله ایفاد می‌دارد.

بعلاوه قطعات روزنامه معظم ولا بورس اژيسين ضميمه است.*

محَلِّ امضا

محل مهر ثبت نامه های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۳۱۸۳۰

نمره ضبط: ۶۱۰۶۰۲۵۰

تاریخ: ۱۳۱۰/۹/۲۰

[نوشته حاشیه:] به طوری که مذاکره می‌شود به معارف نوشته شود.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ هـ ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده

شماره سند: ۱۴۷

تاریخ: ۲۸ آذر ۱۳۱۰ [ش. / ۲۰ دسامبر ۱۹۳۱ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اروپا و آمریکا

گیرنده: وزارت معارف و اوقاف

موضوع: تصحیح خبر مندرج در روزنامه‌های مصر در مورد شباهت‌نداشتن قبور کشف شده در

دامغان به قبور مصری

نمره: ۲۷۵۲۳

نمره ضبط: ۶۱۰۶۰۲۵۰

وزارت جلیله معارف

از مضمون مرقومه نمره ۷۱۸۱/۱۶۵۷۱ مورخه ۱۳۱۰/۸/۱۰، دایر به اعلام عدم شباهت قبور حفر شده در دامغان به قبور مصری، سفارت شاهنشاهی مقیم مصر را قرین استحضار نمود. اینک دو قطعه روزنامه المعظم و لا بورس اژیسین را که در مصر اشاعت یافته و به وسیله سفارت شاهنشاهی به این وزارتخانه رسیده است، تلوا ارسال می‌دارد. به طوری که ملاحظه می‌فرمایند، خبر مکتب الصحافه بر طبق نظر آن وزارت جلیله تصحیح شده است.*

شایسته

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ه.ش، کارتن ۲۶، موضوع ۳۸، پرونده ۱۴.

شماره سند: ۱۴۸

تاریخ: ۱۳۱۳/۴/۲۹ [ش. / ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: سرکنسولگری ایران - بیروت

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ۱. انتشار مقاله‌ای در روزنامه الاهرام مصر در مورد حفريات تخت جمشيد و
۲. کاوشهای اريك اشमित در خرابه‌های شهر ری.

نمره: ۷۷۶

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

روزنامه (الاهرام) مصر مقاله مهمی راجع به حفريات خرابه‌های تخت جمشيد در تحت نظر مستشرق آلمانی هرتسفیلد و همچنین کاوشها مستراسمیت آمریکایی در خرابه‌ها و اطلاع ری انتشار داده [است] و مخصوصاً می‌نویسد [که] این شهر اخیر اهمیت زیادی در تاریخ پیش از اسلام و بعد از اسلام داشته و تاکنون آثار و نفایس گرانبهایی از زیر خاک به دست آمده که یکی از صفحات درهم نوردیده تمدن این شهر قدیم و تاریخی را در انتظار عالمیان جلوه گر ساخته است.

روزنامه فلسطین منطبعه «یاقا» در تاریخ ژوئیه جاری خبر عقد قراردادهای سری نظامی بین ترکیه و ایران را به موجب ابلاغیه‌های صادره در آنکارا و تهران رسماً تکذیب می‌نماید. عین قطعات جراید مزبور برای استحضار آن وزارت جلیله لفاً تقدیم گردید.*

حمید سیاح

ژنرال قونسول دولت شاهنشاهی

[نوشته حاشیه:] آقای دکتر اردلان، تذکر بدهید

ترجمه به فارسی باید ضمیمه باشد.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۱۴۹

تاریخ: ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۴ [م./ ۲۹ تیرماه ۱۳۱۳ ش.]

فرستنده: اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه (ترجمه روزنامه نیویورک تایمز)

گیرنده: رئیس اداره ترجمه

موضوع: ۱. کاوشهای دکتر آرنه سوئدی در دامنه کوه البرز و ۲. کشف آثار مربوطه به ۵۰۰ سال

قبل و ۳. بردن نزدیک به چهل اسکلت منسوب به نژاد آریایی به سوئد

نمره: -

استکھلم - ۲۱ ژوئن

در نتیجه کاوش و کشفیاتی که اخیراً در ایران به توسط دکتر «تورآرنه» عالم سوئدی به عمل آمده، مسأله مهدنژاد آریایی از پیش روشتر گشته است. دکتر آرنه کاوش مفصلی در پای کوه البرز در سواحل بحر خزر نموده، و در شاه تپه موفق گشته که آثار بسیاری از شهری که قریب به پنج هزار سال پیش وجود داشته، و در اثر تغییرات جوئی و یا صدمات و حمله خارجی تقریباً دو هزار سال قبل از بین رفته است، پیدا نماید. ادوات ظریفی از مس مثل مجسمه‌های کوچک و خنجرها و زینتهای کوچک و چراغها پیدا شده است، ولی قسمت عمده آن، سفالی بوده که با رنگهای روشن خیلی قشنگ رنگ آمیزی و زینت شده‌اند.

قریب به چهل اسکلت (استخوان بندی) انسان را دکتر آرنه به سوئد برده و به طوری که از

شکل مجمله آنها معلوم می‌شود، منسوب به نژاد آریایی می‌باشند.*

[نوشته حاشیه: سواد برای دفتر مخصوص و برای وزارت معارف بفرستید.]

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۱۵۰

تاریخ: ۷ آذر ۱۳۱۳ [ش. / ۲۸ نوامبر ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: سفارت ایران - پاریس

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مقاله روزنامه «لامتروپل»، در مورد حفريات ايران، متضمن قطعه روزنامه مزبور

نمره: ۲۳۸۳

وزارت جلیله امور خارجه

لامتروپول (La Metropole) منطبعة انورس (Anvers)، در ۲۵ نوامبر مطابق ۴ آذر ۱۳۱۳

راجع به حفريات اخیری که در ایران شروع و موفقیته حاصل شده شرحی نوشته است که عین قطعه روزنامه لفاً تقدیم می شود، ملاحظه فرمایند.*

شارژ دافر

محل امضا

[نوشته حاشیه:] آقای دکتر اردلان، قطعه روزنامه را به وزارت معارف ارسال دارید.

محل مهر ثبت نامه های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۴۰۰۵۵

تاریخ: ۱۳۱۳/۹/۲۱

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۱۵۱

تاریخ: ۱۲ دی ۱۳۱۳ [ش. ۱ / ژانویه ۱۹۳۴ م.]

فرستنده: سفارت ایران - پاریس

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مقاله «آندره گدار» روزنامه «گازته و بوآرتز» چاپ در مورد آثار دامغان

نمره: ۲۸۹۰

وزارت جلیله امور خارجه

به امضای گدار (A. Godard) در گازته د به آرتر (Gazete des Beaux-Arts) منطبعه پاریس، مورخ دسامبر مطابق آذر ۱۳۱۳ از صفحه ۳۲۵ تا آخر صفحه ۳۳۵ شرحی راجع به آثار دامغان نوشته شده [است]، عکسهایی هم از مسجد و ایوان و بعضی قسمتهای دیگر گراور شده که عین صفحات لفاً تقدیم می شود.*

شارژ دافر

محل امضا

[نوشته حاشیه: ۲ بهمن - آقای دکتر اردلان به وزارت معارف ارسال دارید.]

محل مهر ثبت نامه های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۴۵۱۳۸

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۰/۳۰

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۱۵۲

تاریخ: ۱۳۱۳/۱۱/۲۶ [ش. ۱۵ فوریه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: سفارت ایران - ورشو

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مقاله‌ای تحت عنوان «خزائن حفریات در ایران» به قلم یکی از مسلمانان داغستان در روزنامه «کوریه وارشادسکی»

نمره: ۱۲۸۲

وزارت جلیله امور خارجه

در روزنامه کوریه وارشادسکی مورخه ۴ فوریه جاری، مقاله‌ای تحت عنوان (خزاین حفریات ایران) به قلم جاباگی که از مسلمانان داغستان است، انتشار یافته و از تاریخ شروع حفریات در ایران و توسعه آن را از قرن نوزدهم به این طرف و همچنین جریان کاوشهای اخیر و پیداشدن اشیای ذیقیمت و تاریخی در تخت جمشید و جاهای دیگر را توضیح داده، ضمناً شرحی هم در باب نفوذ صنایع ایران در صنایع لهستان نوشته است.

مقاله مزبور حسن اثر کرده و از انستیتوی بین‌المللی در پاریس شرحی به نویسنده آن نوشته و خواهش کرده‌اند که مقاله‌ای هم در زمینه همین مقاله، برای درج در مجله انستیتو نگاشته و ارسال دارد. اینک ترجمه فرانسه مقاله مزبور تلواً تقدیم می‌شود.*

وزیر مختار - نادرآراسته

[نوشته حاشیه: سواد ترجمه فرانسه به وزارت معارف ارسال شود. ۱۳/۱۲/۱۵]

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۱۵۳

تاریخ: ۲۷ و ۲۸ آوریل ۱۹۳۵ [م. / ۷ و ۶ اردیبهشت ۱۳۱۴ ش.]

فرستنده: سفارت ایران - پاریس

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مقاله روزنامه نوول دپشه، مبنی بر دستور وزیر مالیّه ایران برای حفظ آثار قدیمه و

ارسال قطعه روزنامه مزبور

نمره: ۶۰۸

وزارت جلیله امور خارجه

نوول دپش (Nouvelle Dépêche) منطبعة پاریس مورخ ۲۷ و ۲۸ آوریل مطابق ۷ و ۶

اردیبهشت ۱۳۱۴ ذیل عنوان ایران صنایع و تاریخ را حفظ می‌کند، (L'Iran Protège L'Art et

L'Histoire نوشته است، وزیر مالیّه ایران به مأموران مالیّه در ولایات دستور داده [است] نسبت

به تسهیل وسایل پیشرفت مأموران حفظ آثار قدیمه مساعدت نموده [و] اعتبارات لازمه را به

[در] اختیار آنها بگذارند. عین قطعه روزنامه لفاً تقدیم می‌شود.*

شارژ دافر

محل امضا

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۸۸۳۸

تاریخ: ۱۳۱۴/۲/۲۸

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۳ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۷.

شماره سند: ۱۵۴

تاریخ: ۷ مرداد ۱۳۱۴ [ش. / ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: سفارت ایران - ورشو

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: کشف اشیای مربوط به چهار هزار سال قبل از میلاد

نمره: ۳۹۵

وزارت جلیله امور خارجه

در روزنامه لهستانی «پرستو ز مستو» Prosto Z mostu مورّخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۳۵ انتشار

یافته که در ایران در اثر کاوشهای اخیر، اشیای زیر خاکی متعلق به چهار هزار سال قبل از میلاد

مسیح پیدا شده است.*

وزیر مختار - نادر آراسته

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۴ ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۵۵

تاریخ: ۱۳۱۴/۸/۸ [ش. ۱ / نوامبر ۱۹۳۵ م.]

فرستنده: سفارت ایران - ورشو

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: خبر روزنامه «چاس» در مورد کشف یک شهر قدیمی در ایران

نمره: ۷۱۱

وزارت امور خارجه

در روزنامه چاس (Cza) مورّخه ۱۷ اکتبر، خبری مبنی بر کشف خرابه‌های یک شهر قدیمی در ایران منتشر گردیده [است] که ترجمه فرانسۀ آن با قطعه روزنامه‌ها تلوّاً تقدیم می‌شود.*

وزیر مختار - محمّد شایسته

[نوشته حاشیه: سواد به وزارت معارف ارسال شود.]

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۳۶۸۷۴

تاریخ: ۱۳۱۴/۸/۲۶

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۴ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

شماره سند: ۱۵۶

تاریخ: ۱۳۱۵/۲/۱۵ [ش. ۵ / مه ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: سفارت ایران - آرژانتین

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: نوشته یکی از روزنامه‌های «منتویدئو» (اوروگوئه) در مورد کشف الواح زرین و سیمین

در تخت جمشید همراه با تصویر جعبه الواح مزبور در محل کشف

نمره: ۵۳۷۰

وزارت امور خارجه شاهنشاهی

در یکی از روزنامه‌های منتویدئو (پایتخت اوروگوئه) شرحی راجع به حفاریات

تخت جمشید و الواح مکتشفه نوشته شده بود. قطعه روزنامه مزبور را با ترجمه آن لفافاً تقدیم

می‌دارد.*

وزیر مختار - نادر آراسته

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به وزارت امور خارجه

نمره: ۱۳۶۶۴

تاریخ: ۱۵/۳/۲۵

شماره سند: ۱۵۷

تاریخ: ۱۳۱۵/۸/۱۲ [ش. ۳/ نوامبر ۱۹۳۶ م.]

فرستنده: سفارت ایران - آرژانتین

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: نوشته روزنامه «ال دیا» درباره کشفیات تخت جمشید همراه با تصویر

نمره: ۹۲۷

وزارت امور خارجه شاهنشاهی

در روزنامه EL Dia چاپ شده در مونتویدئو پایتخت اوروگوئه، شرحی راجع به کشفیات اخیر تخت جمشید چاپ شده [است]، پاره جریده مزبور را لفاً تقدیم می‌دارد.*

وزیر مختار - نادر آراسته

[نوشته حاشیه: در اداره سوم ملاحظه شد، به اداره اطلاعات ارسال شود.]

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به امور خارجه

نمره: ۴۱۶۴۷

تاریخ: ۱۵/۹/۲۹

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۵ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۴.

شماره سند: ۱۵۸

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۳۸ [م. / ۲۴ اسفند ۱۳۱۶ ش.]

فرستنده: اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه وزارت امور خارجه

گیرنده: دفتر وزیر

موضوع: نوشته نیویورک تایمز در مورد حفاریهای هیأت آمریکایی در نیشابور

نمره: -

این سند به زبان انگلیسی است به اصل آن مراجعه شود.*

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۶ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱.

ضمیمه سند شماره: ۱۵۸

ترجمه: تایمز نیویورک

تاریخ ترجمه: ۱۳۱۷/۲/۲۵

نمره: ۲۴۳

نیویورک تایمز در شماره ۱۵ مارس ۱۹۳۸ خود، شرح مختصری دایر بر حفاریهایی که از طرف هیأت آمریکایی در نیشابور به عمل آمده [است] نگاشته و ضمناً اشعار داشته است، مقداری سکه قدیمی یافت شده است که برای تعیین تاریخ ظروف سفالی اوایل دوره اسلامی مفید خواهد بود. در ضمن قرون هفتم تا دهم نیز آثاری از هنرهای زیبای چین به ایران سرایت کرده است.

[نوشته حاشیه:] به وزارت معارف نوشته شود.

شماره سند: ۱۵۹

تاریخ: ۱۳۱۷/۴/۱۶ [ش. ۸ ژوئیه ۱۹۳۸ م.]

فرستنده: سرکنسولگری ایران - بیروت

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: کشف گنجینه‌ای توسط دو دختر بچه هنگام بازی در منزل خود

نمره: ۹۱۳

ترجمه این سند تایپ شده است به اصل آن مراجعه شود.*

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۲۰۸۵۶

تاریخ: ۱۷/۴/۲۸

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر اداره کل اقتصادیات

نمره: ۹۴۸۴

تاریخ: ۱۷/۴/۳۰

شماره سند: ۱۶۰

تاریخ: ۱۳۱۷/۹/۲۲ [ش. / ۱۳ دسامبر ۱۹۳۸ م.]

فرستنده: سفارت ایران - بالکان - بوکارست

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: حفريات «اوستيا» در ایتالیا و کشف مجسمه «میترا» رب النوع ایران باستان

نمره: ۱۰۸۶

وزارت امور خارجه

در جراید رومانی خبری به مضمون زیر مندرج است:

«اخيراً در ضمن حفريات اوستيا Ostia واقع در ایتالیا مجسمه‌ای از میترا Mithra رب النوع ایران باستان کشف شده است. سازنده آن، مجسمه‌سازی آتنی موسوم به «کريتو» Crito بوده است، که در قرن دوم قبل از ميلاد می‌زیسته است. این بزرگترین اکتشافی است که در دوره اخیر در ایران و در خارجه شده است. مجسمه مزبور رب النوع ایران را نشان می‌دهد که با شیری در جنگ است. از قرار معلوم در قرن دوم قبل از مسیح، پرستش میترا در ناحیه اوستيا رواج داشته است. مجسمه مزبور در موزه اوستيا قرار داده شده است.»

چون یقیناً یونانیها از روی نقوش باستانی ایران، مجسمه مزبور را ساخته‌اند، با مهارتی که در مجسمه‌سازی داشته‌اند، قطعاً خیلی شبیه به اصل نقوش ایران ساخته‌اند.

لا بد سفارت شاهنشاهی در رم مطلب را گزارش داده است. به عقیده اینجانب مقتضی است، توجه وزارت فرهنگ را به این موضوع جلب فرمایند تا چنانچه صلاح بدانند، به سفارت شاهنشاهی در رم [بنویسند تا با مقامات مربوطه صحبت کند].

[نوشته‌های حاشیه:] مراتب به وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ نوشته شود، ضمناً از سفارت ایران در رم هم استعلام گردد.

اگر اداره اقتصادیات نسبت به این مسایل اقدام می‌کند به آنجا فرستاده شود،

ولی من تناسبی نمی‌بینم. ۱۷/۱۰/۵

نمره ۲۸۵۶ مورخ ۱۷/۱۰/۶، به عرض می‌رسد - اداره اقتصادیات

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه *

نمره: ۴۷۲۶۰

تاریخ: ۱۳۱۷/۱۰/۴

شماره سند: ۱۶۱

تاریخ: ۱۳۱۷/۱۰/۱۷ [ش. ۷ / ژانویه ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: ریاست دفتر مخصوص شاه

موضوع: کشف رب النوع ایران باستان در ایتالیا

نمره: ۴۹۱۵۱/۳۱۰۳

این سند تایپ شده است، به اصل آن مراجعه شود.

[نوشته حاشیه: رونوشت برای آگاهی وزارت فرهنگ فرستاده می شود.]*

وزیر امور خارجه (مظفر اعلم)

شماره سند: ۱۶۲

تاریخ: ۲۹ دسامبر ۱۹۳۸ [م. / ۸ دی ۱۳۱۷ ش.]

فرستنده: اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

گیرنده: اداره سوّم

موضوع: نوشته روزنامه «منچسترگاردین» در مورد کشفیات مؤسسه آمریکایی هنر و معماری

ایران در قلعه تخت سلیمان، مرکز سپاه پارتها

نمره. ۲۰۴۷

حفریات در تخت سلیمان

در شماره ۲۹ دسامبر ۱۹۳۸ منچسترگاردین [چاپ منچستر انگلستان]، در ضمن مقاله‌ای دایر بر کشفیات بنگاه آمریکایی هنر و معماری ایران، در قلعه موسوم به تخت سلیمان واقع بر سر راه کرمانشاه - تبریز نگاشته شده است، که این قلعه مرکز ارتش پارتها بوده و برای حفظ مرز ایران بر علیه تهاجم رومیها ساخته شده است. در سال ۳۶ قبل از میلاد «انتوان» فرمانفرمای روم شرقی، برای تسخیر ایران حرکت کرده و به این قلعه حمله برد، ولی شکست خورده و مجبور به عقب‌نشینی گردید و قلعه تاکنون تقریباً بدون آسیب اساسی برجای مانده است.*

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۱.

شماره سند: ۱۶۳

تاریخ: ۱۳۱۷/۱۰/۲ [ش. ۱۴/ ژانویه ۱۹۳۸ م.]

فرستنده: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اعلام وصول نامه وزارت امور خارجه، در مورد کشف مجسمه میترا و تأیید وجود آن

در ایران باستان و در کتیبه‌های تخت جمشید تحت نام «مهر»

نمره: ۳۹۲۴۶/۴۵۱۹

(اصل این سند تایپ شده است، در همین کتاب به آن مراجعه شود).*

[نوشته حاشیه:] به اداره اقتصادیات فرستاده شود ۱۳۱۷/۱۰/۲۷

زندى

اداره اقتصادیات نمره ۳۳۹۵ مورخ ۱۳۱۷/۱۰/۲۷

محل مهر ثبت نامه‌های وارده به دفتر وزارت امور خارجه

نمره: ۵۰۵۹۷

تاریخ: ۱۳۱۷/۱۰/۲۵

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۷ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۱۰.

شماره سند: ۱۶۴

تاریخ: ۷ دسامبر ۱۹۳۹ [م. / ۱۵ آذر ۱۳۱۸ ش.]

فرستنده: اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه (ترجمه روزنامه لاتریبون دوژنو- چاپ ژنو)

گیرنده: اداره سوم سیاسی

موضوع: ۱. پایان کار حقاری استخر و مراجعت آمریکائیه از ایران و ۲. تعیین شدن یک نفر ایرانی

به جای آنها

نمره: ۱۰۲۲

حقاریهای باستان‌شناسی در استخر

قسمت اول حقاریهای استخر، پایتخت قدیم شاهنشاهان ایران خاتمه پذیرفته [است].

استخر، یکی از مهمترین بقایای مخروبه‌ای است که در خاک ایران واقع بوده، و به خوبی حفظ

شده است، و از حیث اشیای قیمتی باستان‌شناسی بسیار غنی می‌باشد.

تاکنون حقاریهای آن به سه نفر باستان‌شناس آمریکایی واگذار شده بود، ولی حالا که

هیأت آمریکایی ایران را ترک می‌کند، یک نفر باستان‌شناس ایرانی به جای آنها معین شده است.

دولت وجوهات مخصوصی برای انجام این منظور در دسترس باستان‌شناس نامبرده گذارده

است.^۴

۴. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۴.

شماره سند: ۱۶۵

تاریخ: ۱۳۱۸/۹/۲۷ [ش. / ۱۹ دسامبر ۱۹۳۹ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سوّم سیاسی

گیرنده: وزارت فرهنگ

موضوع: انتشار مقاله‌ای در روزنامه «ل ژوغ» در مورد کشف قبری که تصوّر می‌رود قبر هارون الرّشید باشد.

نمره: ۳۰۵۶/۴۱۰۹۹

وزارت فرهنگ

به قرار گزارش سرکنسولگری شاهنشاهی در بیروت، روزنامه ل ژوغ در شماره ۱۰ نوامبر ۱۹۳۹ خود، شرحی راجع به کاوشهای آثار باستانی در ایران منتشر نموده و چنین می‌نویسد: «به طوری که از تهران اطلاع رسیده [است]، در طی کاوشهایی که توسط باستان‌شناسان به عمل آمده، قبری پیدا شده [است] که تاریخ آن سال ۵۳۰ هجری را نشان می‌دهد، و تصوّر می‌رود که قبر خلیفه هارون الرّشید باشد. هارون الرّشید در بغداد سلطنت نموده، و با شارلمانی هم روابط دوستانه داشته است. زحمات زیادی نسبت به عظمت و قدرت کشور خود کشیده و دربار وی را علما، شعرا و ادبا تشکیل داده بودند. هارون الرّشید سلطنت پرافتخاری نموده، و عراق از او یادگارهای خوبی به خاطر دارد.*»

وزیر امور خارجه

[نوشته حاشیه: گزارش مورّخه ۱۳۱۸/۸/۲۶ شماره ۱۲۵۳ چون قسمت دوّم گزارش بالا مربوط به نفت بود، عین گزارش به اداره اقتصادیات فرستاده شد که اقدام نمایند.

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۴.

[نوشته حاشیه:] با رجوع به شماره نامه به اداره وابسته فرستاده شود. ۱۳۱۸/۱۰/۱۵

به بیروت بنویسید:

رونوشت شرحی که وزارت فرهنگ راجع به بی اساسی خبر روزنامه نوشته شده، برای

اطلاع خودتان فرستاده می شود. * ۱۳۱۸/۱۰/۲۲

شماره سند: ۱۶۶

تاریخ: ۱۳۱۸/۱۰/۱۲ [ش. ۲ / فوریه ۱۹۴۰ م.]

فرستنده: وزارت فرهنگ

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: نوشته روزنامه «لژوغ» در مورد کشف قبر هارون الرشید و معتبر نبودن آن خبر

نمره: ۳۵۹۱۳/۳۵۵۴

وزارت امور خارجه

نامه شماره ۴۱۰۹۹/۳۰۵۶-۱۳۱۸/۹/۲۷، متضمّن گزارش سرکنسولگری شاهنشاهی در بیروت زیارت، و از مضمون شرح منتشره در روزنامه لژوغ اطلاع به دست آمد. به نظر این وزارتخانه، شرح نامبرده از روی بی اطلاعی کامل تهیه و نشر شده است، زیرا مزار هارون الرشید ظاهراً در حرم حضرت امام رضا(ع) در مشهد بوده و جایی نیست که کاوش به عمل آید. بعلاوه کلیه کاوشهای علمی و تجارتي تحت نظارت این وزارتخانه بوده، و به هیچوجه از کشف قبری که مورخ به سال ۵۳۰ هجری باشد، حکایت نمی نماید. گذشته از این مراتب، اساساً فوت هارون در قرن دوم هجری اتفاق افتاده و به گفته «المقدسی» که قولش از سایرین معتبرتر است، خلیفه نامبرده به سال ۱۹۳ هجری در طوس فوت شده است. بنابراین ملاحظه می فرمایند، که گزارش نامبرده هیچگونه ارزش و واقعیّت نداشته، خالی از حقیقت می باشد.

وزیر فرهنگ - اسماعیل مرآت

شماره سند: ۱۶۷

تاریخ: ۱۳۱۸/۱۰/۴ [ش. /]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره اقتصادیات

گیرنده: ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی - ریاست وزیران - وزارت دارائی و بازرگانی

موضوع: ورود سه هیأت آمریکایی به بیروت، جهت مسافرت به ایران و عراق

نمره: ۴۲۳۰۸

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

ریاست وزیران - وزارت دارائی - وزارت بازرگانی

روزنامه «صوت الاحرار» چاپ بیروت در شماره ۱۸۴۴ مورخ ۱۳۳۹/۱۲/۸ خود شرحی تحت عنوان (سه میسیون آمریکایی به طرف ایران و عراق) منتشر نموده که ترجمه آن برای آگاهی در زیر نگاشته می شود:

دیروز با کشتی آمریکایی (اکسکورد) سه میسیون آمریکایی به بیروت آمدند. هیأت نخستین، از طرف دانشگاه شیکاگو مأمور کنکاش و حفاریات در کنار رود فرات می باشند. هیأت دوم، برای همان کار به طرف مازندران (ایران) رهسپار می شوند. اما هیأت سوم، که عبارت از عده ای مهندسان و کارشناسان می باشند، برای پیدا کردن نفت به طرف خلیج فارس می روند، هیأت های نامبرده در مهمانخانه «سن ژرژ» منزل کرده و چند روزی در بیروت خواهند بود.*

محل امضا

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۴.

شماره سند: ۱۶۶

تاریخ: ۱۳۱۸/۱۰/۲۴ [ش./۱۴ فوریه ۱۹۴۰ م.]

فرستنده: وزارت امور خارجه - اداره سوم سیاسی

گیرنده: سرکنسولگری شاهنشاهی - بیروت

موضوع:

نمره: ۳۰۳۴/۴۰۸۷۸

سرکنسولگری شاهنشاهی - بیروت

عطف به گزارش مورّخه ۱۳۱۸/۸/۲۶ شماره ۱۲۵۳، راجع به خبری که روزنامه لُؤوغ چاپ بیروت درخصوص اکتشاف مزار هارون الرّشید نقل نموده بود، اینک رونوشت شرحی که وزارت فرهنگ دایر بر بی اساس بودن خبر نامبرده نوشته، برای آگاهی آن کنسولگری شاهنشاهی فرستاده می شود.

این خبر را بعضی روزنامه های دیگر هم منتشر کرده بودند، منظور این نیست که تکذیب بشود ولی خواستیم که خودتان از حقیقت امر آگاهی حاصل کرده باشید.*

وزیر امور خارجه

[نوشته حاشیه:] به امضای جناب آقای وزیر

*. بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۸ ه.ش، کارتن ۳۸، پرونده ۴.

تصاویر اسناد

تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۱۴ ماه سنه ۱۳۱۴

نمبر ۵۸۸۸۵ ضمیمه ۲۰۹۲



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره هیئت

دایره

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

موضوع: ۵۰۱۴۲/۵۵۲۱/۱۳/۱۱/۴۰ از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

به جناب و مدد حضرت ولیعهد سربنده در باب پرفروش هر تعلقه غیر نصیب بخشد و از اینکه این وزارتخانه را از نفوذ

آنها سبقت داشته اند کمال اطمینان حاصل گردید. چرا که با نظر محترم را منصف میدارد که در خصوص سلب این

درباره ای پرفروش هر تعلقه این وزارتخانه را ملحق ندارد و در راجع به بیعت شایسته در تحت حقیقت نظر نگرفته

و با برنیه شرفه دانسته میگردد که بعد از آن فرجه به ریاست هیئت معتمدین و با کفایت و کمال

کلیه بر روی اداره مطاعات معتمدین پرفروش هر تعلقه که ابتدا به ریاست هیئت است و وزارت معارف

کمال مرافقت را داشته و در خدمت داشت

وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه



۵۱۵۸۸

۱۳/۱۲/۱۳

۵۷۲۲
۱۳/۱۲/۱۳

رأی هیئت معتمدین
۱۳/۱۲/۱۳

وزارت امور خارجه

۳۸۴۱

۱۸/۶/۲۱



تجربیه

شماره ۹-۲۷۴۰۹ / ۱۸۷۲ راجع به اهداء يك از كوتلر

به بنگاه شيكاگو بعين نيچيه برك ميغزت ايران تا سرسيد معزز فرزند

قبيل تقاضا بطور تقصير سعادت بخايد . رئيس در مخصوص نشان

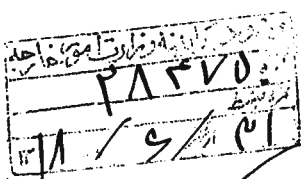
۵۵

۱۸/۶/۳۱

بركي در كره آندام ۲

سليم

۱۸/۶/۲۹



۱۹۸۵
۱۸/۶/۳۱

۱۸/۶/۳۱



بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله العظمی در باب سیرت نامه حضرت علی علیه السلام

قرآن شریف را در هر دو نسخه داده بود از باب سیرت نامه حضرت علی علیه السلام

برای هر دو نسخه نوشته بود و این را هم برای سیرت نامه حضرت علی علیه السلام

O. Rudrik
Commissaire de l'Instruction d'ici
Phanach
Heute le 6ème Septembre 1900.

که در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه



که در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه

که در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه

که در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه

که در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه در هر دو نسخه

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مقام امور ساراکم



رابع شهر محرم الحرام سنة ١٢٨٥

که در حق یونسیه برقرار است و معلوم می باشد که سوغی که از دست سرورد سوغ

کارخانه در حالت انباشته و کارکردن ماشین کارخانه متوقف است در هر مورد

لو یسیرہ کہ لعلیہ عالم معلوم نمودہ ابرار را در جہنم

J. Rudolph

Tehran le 12^{eme} Juin 1899.

FRUCTUOSAS EXCAVACIONES en Persia



RECIENTES EXCAVACIONES en el emplazamiento de Persépolis la fabulosa capital del Imperio de Darío el Grande, han dado a luz valiosos restos arqueológicos. La foto de arriba muestra el momento en que se realiza el importante descubrimiento, consistente en varios bloques de oro y plata maciza con inscripciones en antiguo persa, elamita y babilonio. Abajo uno de los bloques, considerados como piedra fundamental de algún palacio.

PROFITABLE EXCAVATIONS IN PERSIA

RECENT EXCAVATIONS in Persepolis the fabulous capital of the Empire of Dario the Great has brought to light valuable archaeological remains. The top photo shows the moment when the important discovery was made, consisting of several blocks of massive gold and silver with inscriptions in ancient persian, babilonian and elamite. Underneath one of the blocks, considered as the foundation-stone of some palace.





خارجت شاهنشاهی ایران

در

۱۳۸۲
مهر ۴ دفتر

وزارت معارف و اوقاف

تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۱



شکریه دولت دلسرورم فدیه جلی معاذ تحت عنوان (تذکرات ایران)
هم جایگاه که در میان دولت است ریاضه و تاریخ خروج حریت در ایران
و در سر آن را در دوران فرزدم با طرف هم چنین جریان کاوشی خبر و بهر آن است
ذخیرت و تاریخی در تحت حبس و جایی دیگر در تاریخ هم قریب شرحی هم در باب لغز و حیل
در میان استانی زنده است معاذ که در درون از کجاست و در دستوری این الملی در درون
شرحی نویسنده آن زنده و خواننده این کجاست که هم در زنده این معاذ که در درون
مکتب نویسنده کجاست و در درون این کجاست که در درون معاذ که در درون

وزیر
مهر

از دفتر وزارت معارف و اوقاف

المحدث

۱۲/۱۰/۱۵

۱۳/۱۲/۱۳

۵۹۱۹
۱۳۸۲/۱۵

۵۲۱۸۸
۱۳۸۲/۱۴

۲۲-ل

تاریخ ۱۷ آذر ماه ۱۳۱۴
نمره ۴۴۵۰۴ / ۱۹۳۱ ضمیمه حضرت



وزارت امور خارجه

اداره کل عتیقات

دائرة



وزارت امور خارجه

شانزده صندوق اشیا عتیقه متعلق باقای پرفسور هرتسفلد برای تقویم صدور جواز خروجی
از تخت جمشید بوزارت معارف ارسال گردید و اشیا مذکور مورد رسیدگی کامل واقع شد و بر-
طبق دوصورت ضمیمه اشیا عتیقه مذکور درنمسلره مبلغ ۱۶۷۲۰ ریال تقویم شده است
که حقوق معارفی آن ازقرار ۱۳۲۶ × ۵۰ ریال و حقوق گمرکی ازقرار ۲۶۷۲ × ۱۰ ریال که
جمعاً ۴۰۰۸ ریال می شود و بر مبلغ مذکور باید تقریباً ۱۵۰ ریال هم برای فوق العادها مورد
گمرک و تمبر و غیره افزوده شود

صورت نمسلره متضمن اشیا است که معاف از مالیات اند

ضمناً خاطر محترم را مستحضرمیدارد که مقداری از فراکمانهای تخت جمشید که در صندوق نمسلره
گذاشته شده بود و گویا درغیاب آقای پرفسور هرتسفلد کالکان مشارالیه اشتباهاً درجزه اشیا
او ارسال نموده اند بجهت تکمیل فراکمانهای موجوده تخت جمشید درموزه ضبط گردید و نیز
دو درب بزرگ و دو چوب درب کوچک که در صندوق نمسلره بوده و حتماً متعلق است یکی از
ابنیه تاریخی و معلوم نیست بچه جهت درجزه اشیا. آقای پرفسور هرتسفلد گذاشته شده -
ضبط و از ارسال آنها خود داری خواهد شد لذا متغنی است مقرر فرمایند مراتب مذکور را با اطلاع
سفارت جمهوری آلمان رسانیده که هرچه زودتر مبلغ مذکور در فوق را ارسال دارند تا اشیا -
پرفسور مذکور به تخت جمشید فرستاده شود مگر با سایر لوازم شخصی ایشان به پوشه حمل شود

از طرف وزیر معارف و اوقاف



مغیر...
۱۸ / ۱۲ / ۱۳۱۴

۴۵۹۴۱
۱۳ / ۱۲ / ۱۳۱۴

تاریخ ماه سنه ۱۳۱
نمره ضمیمه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره

دائرة

صورت اشیا مالیاتی

محتویات صندوق نمبره

قیمت بنا بر اظہار

تعداد

جنس اشیا

۱- پیاله و نعلبکی و سنگ یشب و مهر و سرمه دان

۶۰۰ ریال

۴۰ عدد

ودوات کاشی و غیره

= ۱۰۰

= ۱۱

۲- شیشه و کاشی

= ۴۵۰

= ۸

۳- فراگمان

صندوق
محتویات نمبره



= ۱۵۰۰

= ۲۱

۱- ظروف و اشیا مختلفه مفروض

= ۳۰۰

= ۱۲

۲- شیشه و شمعدان زبرخا

= ۴۰۰

= ۲۸

۳- مهر و نشان و غیره

= ۲۸۰

= ۲۴

۴- سکه نقره و مسی ساسانی

= ۶۰

= ۳۱

۵- تکمهای استخوانی

= ۳۰۰

= ۲۵

۶- لول

= ۳۰۰

= ۲۱

۷- سنگ و حدید و سرعصا و پیاله و غیره

= ۳۰۰

= ۱۶

۸- اوراق پوست و کاغذ

= ۵۰۰

= ۱

۹- سر مجسمه حیوان

= ۳۰۰

= ۱۰

۱۰- سنگ محک و وانگشتر برنجی و غیره

محتویات صندوق نمبره

۱۲۴۰۰ ریال

۴۸ عدد

۱- اشیا مفروض

= ۳۵۰۰

= ۴

۲- کار و خط دار و بی خط

۲۱۲۹۰

جنراشيا	تعداد	قيمت بنا براظهاره
۱ -		۳۱۲۹۰
۲ - زیر سری مفروض	۱ =	۵۰۰ =
۴ - قوری النگو وسرنیزه - مجسمه و تکه	۲۳ =	۳۲۰۰ =
۵ - ظروف گل پخته و سنگ	۵ =	۲۰ =

محتویات صندوق نمبر ۱۰

۱ - شیشه	۴۵ =	۲۰۰ =
۲ - شمعدان مفروض	۱ =	۵۰ =
۳ - کتاب	۵ جلد	۱۶۰ =



محتویات صندوق نمبر ۱۱

۱ - يك قطعه آجر	—	۵۰۰ =
۲		

محتویات صندوق نمبر ۱۲

يك قطعه آجر	—	۵۰۰ =
-------------	---	-------

محتویات صندوق نمبر ۱۳

۱ - يك قطعه گچ	—	۳۰۰ =
----------------	---	-------

۳۶۷۲۰

INTERNATIONAL
Press Clipping Bureau
5 Beekman St., New York
Phone: Cortlandt 5450

From EVE. POST
New York 10/18/30

U. S. GROUP TO HUNT FOR PERSIAN RUINS

American Institute to Sponsor
Expeditions to Unearth
Buried Cities

AIDED BY ANTIQUITIES LAW

The ruins of ancient cities of Persia, far below the level of the long withered gardens of which Omar sang, will be unearthed if American excavators can find them.

Several expeditions will be sponsored by the American Institute for Persian Art and Archaeology. Taking advantage of a new antiquities law, they will take over the sites of ancient Istakhr, Ray, Shapur and Pasargadae and be prepared to decipher inscriptions in praise of Darius, Xerxes, Cyrus and Cambyses.

Even now the Boston Museum of Fine Arts and the University of Pennsylvania Museum have some archaic and Achaemenian bronzes recently found in the Luristan Province, where the most important archeological treasure unearthed this year was found.

The new institute for Persian art has been formed through the efforts of Professor Arthur Upham Pope, a Persian enthusiast and an authority on Persian art. He is advisory curator of Moham-medan art for the Art Institute of Chicago, advisor in Persian art to the Philadelphia Museum and honorary adviser in art to the Persian Government.

At present he is selecting Persian art treasures in American museums and private collections for loan to the International Exhibition of Persian Art at the Royal Academy, Burlington House, London, in January and February.

The institute soon will publish a monumental survey of Persian art, with authoritative articles by scholars and elaborate color reproductions.

The institute's charter permits research, aid to scholars, assistance in conservation of ancient Persian monuments, publications and the sponsoring of exhibitions and expeditions. The field of operations may be enlarged as the directors designate.

Professor A. V. Williams Jackson, of Columbia University is honorary president, and Franklin Mott Gunther, recently Minister to Egypt, is president of the institute.

INTERNATIONAL
Press Clipping Bureau
5 Beekman Street, New York
Phone: Cortlandt 5450

From
HERALD-TRIBUNE
New York

New Institute Will Back Excavations in Old Persia

Recent Antiquities Law Spurs American Group's Action

Plans for renewed excavations in several buried cities in Persia to recover lost art will be fostered by the recently organized American Institute for Persian Art and Archaeology, it was announced yesterday.

Spurred on by the antiquities law recently passed by the Council of Ministers of the Empire of Persia, the institute has decided to back several expeditions from American museums arranging to take over such sites as that of ancient Istakhr, Ray, Shapur and Pasargadae.

The formation of the institute resulted largely from the efforts of Professor Arthur Upham Pope, advisory curator of Mahomedan art to the Art Institute of Chicago and honorary advisor in art to the Persian government. The international exhibition of Persian art to be held at the Royal Academy, Burlington House, London, early next year, also is the result of Professor Pope's initiative. He is now in this country selecting examples of Persian art from the American museums and private collectors for the London exhibit.

The institute also is empowered to promote research, aid scholars, assist in the conservation of ancient Persian monuments and publish material relating to Persian art. The charter also permits the field of operations to be not only in the United States and the Empire of Persia, but such other places abroad as the board of directors may designate.

Professor A. V. Williams Jackson, of Columbia University, is honorary president of the institute, and Franklin M. Gunther, Minister to Egypt, is president.

FROM *Platbe*
BOSTON MASS.
10/18/30

BURIED CITIES OF PERSIA TO BE OPENED FOR RESEARCH

NEW YORK, Oct. 19 (A. P.)—American archaeologists will be among the first to probe the secrets of the buried cities of Persia, to which all foreign excavators soon are to be admitted for the first time.

A new Persian law reverses that country's former policy of discouraging archaeological research. The law recently was passed by the council of ministers and is considered certain to pass the Persian Parliament. Prof. Arthur Upham Pope, director of the American Institute for Persian Art and Archaeology, said:

The institute announced today its plans to sponsor expeditions from a number of American museums to excavate on the sites of such ancient Persian cities as Istakhr, Ray, Shapur and Pasargadae.

INTERNATIONAL
Press Clipping Bureau
5 Beekman St., New York
Phone: Cortlandt 5450

From WORLD
New York City

WILL OPEN BURIED CITIES

Americans to Unearth Secrets of
Ancient Persia

American archaeologists will be among the first to probe the secrets of the buried cities of Persia, to which all foreign excavators soon are to be admitted for the first time, says the Associated Press.

A new Persian law reverses that country's former policy of discouraging archaeological research. The law recently was passed by the council of ministers and is considered certain to pass the Persian Parliament. Prof. Arthur Upham Pope, director of the American Institute for Persian Art and Archaeology, said:

The institute announced yesterday that it plans to sponsor expeditions from a number of American museums to excavate on the sites of such ancient Persian cities as Istakhr, Ray, Shapur and Pasargadae.

فهرست اعلام

آغا جاری: شصت و هفت	
آق قویونلو: هفتاد و نه	
آقا اسماعیل: هشتاد و دو	آ
آقاخان محلاتی، حسنعلی شاه: هشتاد و دو	آبادانا: پنجاه و سه
آقاعلی کاوندی: ۴۱، ۴۸	آیتون ← ژوزف
آقا محمد: ۹۰	آدولف ← هیتلر
آکادمی رایبل: ۷۶	آذربایجان: بیست و هشت، هفتاد، هفتاد و
آلکساندر دوم: هشتاد و شش	شش، هفتاد و هفت، هفتاد و نه، هشتاد و
آلکساندر سوم: هشتاد و شش، نود و دو	یک، ۱۵۹
آلمان: بیست و شش، بیست و هفت، بیست	آراسته، نادر: شصت و دو، هفتاد و سه،
و هشت، بیست و نه، سی، سی و یک،	۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲
سی و سه، سی و پنج، سی و شش، سی	آرتور، پوپ: چهل و هشت، شصت و نه،
و هفت، سی و هشت، سی و نه، شصت	۷۶، ۹۰
و دو، هشتاد و هشت، ۱۷، ۲۴، ۲۶، ۳۷،	آرنه، تور: هفتاد و دو، ۱۸۴
۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲،	آژانس پارس: شصت و یک، ۱۵۴
۵۷، ۵۹، ۶۴، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۵	آریایی: ۱۸۴
آلمانی: بیست و پنج، بیست و هفت،	آریاییها: ۱۶۰
سی و هشت، چهل و سه، ۱۵، ۳۸، ۴۱،	آستان قدس رضوی: هشتاد و شش
۵۱، ۱۸۳	آستانه عراق (رود): ۱۶
آلمانیها: سی و هفت، چهل، هشتاد و سه	آسوری: چهل و سه
آمریک، دسپوس: چهل و یک، چهل و	آسیای صغیر: هفتاد و نه
نه	آصف الدوله: هشتاد و هشت

پنجاه و پنج، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵،

۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸

اسکندریه: نود و یک

اسلام: هفتاد و دو

اسماعیل ← شاه اسماعیل

اسمیت ← ژوزف

اشمیت، اریک: سی و نه، پنجاه و دو،

پنجاه و پنج، پنجاه و شش، پنجاه و

هشت، پنجاه و نه، شصت، شصت و

یک، شصت و سه، شصت و چهار،

شصت و پنج، شصت و شش، شصت و

هفت، هفتاد و یک، هفتاد و دو، ۱۲۲،

۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸،

۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۷،

۱۳۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹،

۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۲،

۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۳

اصفهان: بیست و شش، بیست و هشت،

چهل و سه، شصت و سه، هفتاد و نه،

هفتاد و یک، هفتاد و شش، ۸۳، ۱۶۱

اعتماد السلطنه: هشتاد و دو

اعلم ← مظفر

افخم الدوله، میرزا اسحاق خان: هشتاد و

نه

افغانستان: چهل و پنج، هشتاد و یک،

۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۲

اداره باستان‌شناسی: ۱۷۳، ۱۷۵

اردبیل: شصت و سه، هشتاد، ۱۶۰

اردلان: ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶

ارمنستان: بیست و هشت، چهل و سه،

هشتاد

ارمنی، میرزا یعقوب: هشتاد و شش،

چهل و چهار

ارنست ← هرتسفلد

اروپا: بیست و هفت، بیست و هشت، سی،

سی و هفت، چهل و یک، چهل و دو،

پنجاه و هشت، هفتاد، هشتاد و پنج،

هشتاد و هفت، هشتاد و نه، نود و یک،

۵۳

اروپایی: بیست و پنج، هشتاد

ارومیه: چهل و سه، چهل و چهار

اریک ← اشمیت

اسپانیا: چهل و یک

اسپینوله: چهل و یک

استانبول: بیست و هشت، چهل و چهار،

چهل و پنج

استخر: هفتاد و پنج، ۷۶، ۲۰۶

استرآباد: ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵

اسدی: ۱۳۱

استکهلم: سی و هشت، پنجاه و چهار،

انگلیس: بیست و هفت، چهل و یک،	هشتاد و دو
چهل و دو، چهل و سه، چهل و چهار،	اقیانوس اطلس: چهل و دو
چهل و پنج، چهل و هفت، هشتاد و	اکسکورد: ۲۰۵
یک، هشتاد و چهار، هشتاد و پنج	ال دیا: ۱۹۲
انگلیسی، انگلیسیها: سی و هشت، چهل	الاهرام: هفتاد و یک
و دو، چهل و چهار، پنجاه و یک، پنجاه	البرز (کوه): ۱۸۴
و هشت، هشتاد و پنج، هشتاد و شش،	المعظم (روزنامه): ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳
نود و یک، ۱۲۲، ۱۲۳	الموت: شصت و شش، ۱۶۰
اوپتن: ۱۲۰	امام رضا (ع): هفتاد و پنج، هشتاد و
انگرت: ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۰	شش، ۱۷۷، ۲۰۳
انورس: ۱۸۵	امان الله: هشتاد و یک
اوروگوئه: هفتاد و چهار، ۱۹۱، ۱۹۲	امپریالیست: سی و هفت
اوزلی، سرگور: چهل و دو	امیر اصلان: ۱۳۰، ۱۳۹
اوستیا: هفتاد و پنج، ۱۹۶	امیرکبیر، میرزاتقی خان: چهل و چهار،
اهواز: شصت و سه، شصت و هفت، نود	چهل و پنج، هشتاد و دو، هشتاد و سه
و یک، ۱۶۱	امین الدوله ← فرخ خان
اهورا مزدا: پنجاه و سه	امین السلطان ← میرزا علی اصغر خان
ایتالیا: بیست و شش، چهل و یک، پنجاه	امین الملک، میرزا مهدی: هشتاد، هشتاد
و یک، شصت و یک، هفتاد و پنج، هفتاد	و دو
و هفت، ۸۵، ۱۵۴، ۱۹۶، ۱۹۸	انزلی: سی و شش، ۲۵، ۲۶، ۳۷، ۳۸، ۴۲،
ایتالی: ۱۵۴	۵۳
ایران: بیست و پنج، بیست و هفت، بیست و	انگلستان: بیست و پنج، سی، سی و
هشت، سی، سی و یک، سی و سه، سی	شش، چهل و دو، شصت و سه، شصت
و پنج، چهل و یک، چهل و دو، چهل و	و پنج، شصت و نه، هشتاد و سه، هشتاد
پنج، چهل و شش، چهل و هفت، چهل	و شش، ۱۹۹

«ب»	و نه، چهل و سه، پنجاه و سه، پنجاه و
بابل: هفتاد	چهار، پنجاه و شش، پنجاه و نه، شصت،
بادکوبه، باکو: بیست و هشت، سی و سه،	شصت و یک، شصت و چهار، شصت و
سی و چهار، هفتاد و هشت، ۲۰، ۲۵،	شش، شصت و هفت، شصت و نه،
۳۲، ۳۳، ۳۹، ۴۳	هفتاد، هفتاد و یک، هفتاد و دو، هفتاد و
بالکان: هفتاد و پنج، هفتاد و هشت،	پنج، هفتاد و هشت، هشتاد، هشتاد و
هشتاد، ۱۹۶	هفت، هشتاد و هشت، نود، ۴، ۱۳، ۱۵،
بحر خزر: ۱۸۴	۷۴، ۷۶، ۷۹، ۹۲، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۴،
باواریا: هشتاد و هشت	۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۳۱،
بخارا: ۲۴	۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۱،
بخارست: هفتاد و پنج	۱۵۴، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۰،
بختیاری: هشتاد و سه	۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۶
برانشوینگ: سی	ایران بیت ثیل: چهل و چهار
برزیل: چهل و دو	ایران کهن: ۷۷
برلن، برلین: بیست و هشت، بیست و نه،	ایران و عراق، شرکت متحدۀ حمل و نقل:
سی، سی و هفت، سی و هشت، هشتاد	چهل، ۷۴، ۷۵
و پنج، نود و دو، ۵۹، ۶۰، ۶۱	ایرانی: پنجاه و شش، ۲۰
برلینگتون هادس: شصت و نه، ۶۲، ۷۸	ایرانیان: بیست و هفت، سی و هفت،
برن: هشتاد و شش	سی و هشت، چهل و دو، چهل و هفت،
برلینر بورسن زایتونگ: سی و هفت،	شصت و دو، هفتاد و پنج، هفتاد و هفت
۵۹	ایلام: نود و دو
بروجرد: نود و یک	ایونینگ نیوز: ۷۸
بروگسن، هانریش: بیست و نه	
بریتید: چهل و هشت، پنجاه و چهار،	

بُستَن، بوستون: سی و هشت، پنجاه،

پنجاه و هشت، هفتاد و یک، ۷۸، ۸۰

۸۸، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸

بصره: هفتاد، ۱۷۶، ۱۷۷

بطوند: ۵۵

بغداد: پنجاه و نه، شصت، شصت و سه،

هفتاد و هشت، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲،

۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۲۰۱

بلوچستان: هشتاد و چهار

بندرعبّاس: ۱۶۱

بمبئی: هشتاد و دو

بمپور: شصت و سه، ۱۶۱

بوآرتز (روزنامه): ۱۸۶

بوشهر: بیست و هشت، سی و نه، پنجاه

و دو، شصت و سه، ۶۴، ۷۲، ۷۳، ۹۳،

۱۶۱

بوکارست: ۱۹۶

بهبهان: شصت و نه

بیابان نمک: ۱۶۰

بیات، حسینعلی بیگ: بیست و شش

بیرجند: شصت و سه، ۱۶۱

بیروت: چهل و هشت، هفتاد و دو،

هفتاد و چهار، هفتاد و پنج، شصت و

هشت، هفتاد و شش

بیسمارک، اتو: سی

بین‌النهرین: هفتاد، هشتاد، ۱۶۱

«پ»

پارته‌ها: هفتاد و پنج

پاریس: سی و چهار، سی و شش، پنجاه و

دو، هفتاد و دو، هفتاد و سه، هشتاد و

دو، هشتاد و شش، هشتاد و هفت، ۲۳،

۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۷۹، ۹۳، ۹۴،

۹۵، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸

پترزبورگ: چهل و شش، هشتاد و شش

پراگ: بیست و هفت

پتسدام: بیست و نه

پرتغال: چهل و یک، چهل و دو

پرتکس: چهل و دو

پرس پولیس: چهل و نه، ۷۹

پرستوزمستو (روزنامه): ۱۸۹

پلیموت: چهل و دو

پنسیلوانی، پنسیلوانیا، موزه و دانشگاه:

سی و نه، پنجاه و پنج، پنجاه و شش،

۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۳۶

«ت»

تاپینگ، چارلز: پنجاه و هشت، ۱۳۰،

۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳

تایمزنیویورک: چهل و نه، هفتاد و دو،

ترکیه: بیست و شش، ۱۸۳	هفتاد و چهار، ۷۶
تفلیس: هشتاد و سه، هشتاد و هفت	تبریز: بیست و هفت، چهل و سه، چهل
تنکوزئیل: ۱۷	و چهار، شصت و سه، هشتاد، هشتاد و
تگزاس: شصت و هشت	هفت، ۱۹۹۰، ۱۶۰۰، ۱۰
تنگستانیها: سی	تپه حصار دامغان: سی و نه
تهران: بیست و هشت، سی، سی و یک،	تحفة العالم: چهل و یک
چهل و سه، چهل و چهار، پنجاه و چهار،	تخت ابونصر: پنجاه و شش، ۱۱۷، ۱۲۰
پنجاه و شش، شصت و سه، شصت و	تخت جمشید: بیست و پنج، بیست و
چهار، هشتاد و یک، هشتاد و دو، هشتاد	هشت، سی و هفت، سی و نه، چهل و
و چهار، هشتاد و هشت، هشتاد و نه، ۷،	هشت، پنجاه، پنجاه و دو، پنجاه و سه،
۸، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۷۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۵،	پنجاه و شش، شصت، شصت و سه،
۱۱۷، ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۶۳،	شصت و چهار، شصت و پنج، شصت و
۱۶۹، ۲۰۱	شش، شصت و هفت، هفتاد و یک،
	هفتاد و هشت، نود و دو، ۶۰، ۶۱، ۶۲،
«ج»	۶۳، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۱،
جاباگی: هفتاد و سه، ۱۸۷	۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۱۰۷،
جام جم: بیست و شش	۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹،
جلال، غفار: پنجاه، شصت و یک،	۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷،
شصت و دو، ۸۷، ۹۶، ۱۳۹، ۱۵۰	۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۱،
جوستین پرکینز: چهل و سه	۱۹۲، ۲۰۰
جوزایا، ه: ۱۱۶	تخماق تپه: سی و شش، ۱۱۱، ۱۱۲،
جیحون: هفتاد و هشت	۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵
جیمز تاون: چهل و دو	تراموا: هشتاد و پنج
	ترانسیلوانیا: بیست و هفت
	ترکمانچای: بیست و هفت

«ج»

چارلز ویلکین سون: ۱۱۸

چاس (روزنامه): ۱۹۰

چالدران: هشتاد

چشمه علی: سی و نه، شصت

چغامیش: شصت و هشت

چین: ۱۹۴

«ح»

حاجی حسینعلی خان، معتمدالوزرا:

چهل و پنج

حاجی واشنگتن ← معتمدالوزرا

حبشه: پنجاه و سه

حسام السلطنه: هشتاد و دو

حسن پیرنیا: نود

حشیشیون: ۱۶۰

حکمت، علی اصغر: شصت و یک، ۷۴،

۹۲، ۱۰۷، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۵۷

حیرت نامه: چهل و دو

«خ»

خاورمیانه: چهل و سه، شصت و سه

خراسان: شصت و سه، هشتاد و یک،

هشتاد و دو، هشتاد و سه، هشتاد و

چهار، هشتاد و شش

خرمشهر: شصت و سه، ۱۶۱

خزر: شصت و سه

خشایار: سه و هفت

خطیب: ۶۴

خلیج فارس: شصت و هفت، هفتاد و

شش

خمسه: سی و دو، سی و سه، ۲، ۱۲،

۳۵، ۵۲

خوزستان: شصت و هفت، شصت و

هشت، هشتاد و نه، نود و یک، ۱۶۱

خوی: هشتاد

خیوه: هشتاد و پنج

«د»

دارالخلافة: سی و دو، ۴، ۷، ۸، ۱۷، ۲۴

دارالسیاده: هشتاد و شش

دارالشوری: هشتاد و سه، هشتاد و هفت

دارالعلوم کالیفرنیا: ۷۸

دارالفنون: هشتاد و دو، هشتاد و شش

دارالفنون آمریکا: پنجاه و چهار

دارسی ← ویلیام ناکس

داریوش بزرگ: سی و سه، ۷۹

داغستان: هفتاد و سه

داغستان: هفتاد و سه، ۱۸۷

دامغان: سی و نه، پنجاه و پنج، پنجاه و

شش، پنجاه و هفت، پنجاه و هشت،	«ر»
شصت و سه، هفتاد و یک، هفتاد و دو،	ر.ولسن ← فردریک
۱۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۶۰، ۱۷۷،	راکفلر: چهل و هشت، پنجاه و دو
۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۶	رامهرمز: شصت و هفت، ۵۵
دانزیگ: هشتاد و هشت	رایس: شصت و هشت
دانشگاه رایس: شصت و هشت	رئیس، محسن: ۹۳، ۱۳۳
داود ← کریم لو	ربّ النوع: هفتاد و پنج، ۱۹۶، ۱۹۷
دریاند: هفتاد و هشت	ربرت، آدامز: شصت و هشت، ۳۴، ۳۷
درجزین: هشتاد	ردکلیف: هشتاد و یک
دروازه قزوین: چهل و چهار	رستم آباد: سی و دو
دریای خزر: ۱۶۰	رشت: سی و یک، سی و سه، هشتاد و
دزاشیب: ۱۸۱	یک، هشتاد و پنج، ۷، ۱۱، ۱۹، ۲۱، ۲۴،
دزفول: شصت و سه، ۱۶۱	۳۳، ۲۵
دشت کویر: ۱۶۰	رضاخان: سی، سی و هفت، چهل و
دشت گرگان: ۱۵۹	پنج، چهل و هشت، پنجاه و سه، پنجاه و
دشت لوت: ۱۶۰	چهار، شصت، شصت و دو، شصت و
دکن: چهل و یک	سه، ۱۷۲، ۱۷۳
دلوگاز: شصت و هشت	رم: ۱۹۶
دماوند: سی و یک، شصت و یک، ۲۳،	رم شرقی: ۱۹۹
۱۶۰، ۲۵	رمیها: ۱۹۹
دوایت: چهل و سه	رودلف: بیست و شش، بیست و هفت
دورویستر، بارون ژولیوس: بیست و	روزنامه ایران: ۱۷۷
هشت، هشتاد و چهار، هشتاد و پنج	روزولت، فرانکلین: شصت و دو
دونالد، مک کان: شصت و هفت	روس: بیست و هفت، سی و پنج، چهل
دهلران: شصت و هشت	و پنج، هشتاد و پنج، هشتاد و نه، ۳۷

روسی: ۲۳	روسها: چهل و شش، هشتاد و شش
ژرژبرایندرت: ۱۳۴	«ژ»
روسیه: بیست و شش، بیست و هفت،	ژرمن: هشتاد و هشت
بیست و نه، سی، چهل و پنج، شصت و	ژنو: هفتاد و پنج
سه، هشتاد و پنج، هشتاد و هفت	ژوزف، آپتون: پنجاه و شش، ۱۱۸
رومانی: هفتاد و پنج، ۱۹۶	ژوزف، اسمیت: شصت، ۱۵۰، ۱۵۱،
رویس: بیست و نه	۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۸۳
ری: پنجاه و هفت، پنجاه و هشت،	ژولیوس: سی
شصت، شصت و دو، ۷۶، ۱۲۲، ۱۲۳،	«س»
۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳،	سارد: پنجاه و سه
۱۳۴، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۸۸	ساری: هشتاد و یک
ریوجنرو (ریوژانیرو): چهل و دو	ساسانی: هشتاد و یک، ۱۸۰
زاره، فردیش: ۶۰	ساعداالملک قائم مقام، میرزا عبدالرحیم
زرتشت: هفتاد، هفتاد و یک	خان: بیست و نه، هشتاد و هفت
زنجان: سی و یک، سی و دو، سی و سه،	سالارالدوله ← ابوالفتح میرزا
سی و چهار، سی و پنج، سی و شش،	سامی، علی: شصت و هفت
نود و یک، نود و دو، ۷، ۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳،	سبزوار: شصت و سه، ۱۶۰
۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۶،	سپهسالار، میرزا حسین خان قزوینی:
۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲	بیست و هشت، بیست و نه
زندى: ۲۰۰	سراب: هشتاد
زیدون: شصت و هفت	سرخه حصار: ۹
	سجادی: ۱۴۷
	سعدالدوله، میرزا جوادخان: نود
	سعید ← گنجوی

«ش»	سکراخان: ۲۷
شاپور: ۷۶	سگستان: پنجاه و سه
شاردین: ۵۵	سلطان بایزید: هفتاد و نه
شارل کن: بیست و شش	سلطان سلیم اول: هفتاد و هشت، هشتاد
شارلمانی: ۲۰۱	سلطان مراد: هشتاد
شاه اسماعیل اول: بیست و شش، هفتاد	سلطان میرزا ← حسام السُلطنه
و پنج، هفتاد و نه، هشتاد	سمنان: هفتاد و چهار
شاه تپه: هفتاد و دو، ۱۸۴	سن پترزبورگ: بیست و هشت، بیست و
شاه جوادی: هفتاد و پنج	نه، هشتاد و پنج، هشتاد و هفت
شاهرخ خان: هشتاد و یک	سن ژرژ: ۲۰۵
شاه طهماسب: هشتاد	سوئد: سی و هشت، نود و دو، ۱۰۱،
شاه عباس اول: بیست و شش، بیست و	۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۸۴
هفت	سوئدی: هفتاد و دو
شایسته: پنجاه و هشت، ۹۴، ۱۱۹،	سوریه: چهل و یک، ۱۳۴
۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۷۹، ۱۸۲،	سوسیالیستها: هشتاد و هشت
۱۹۰	سومریها: هفتاد
شرلی ← آنتونی	سویس: هفتاد و پنج، هشتاد و پنج، نود
شروان: هفتاد و نه	و یک
شروانشاه: هفتاد و هشت	سهیلی: پنجاه و چهار، ۹۱، ۹۹، ۱۰۰،
شعاع السُلطنه، ملک منصورمیرزا: چهل	۱۰۳، ۱۰۵، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۳،
و پنج، نود و یک	۱۵۸، ۱۵۶
شکوه الملک: شصت و پنج، ۱۷۲	سیاح، محمد: ۱۸۳
شهری: سی و نه	سید محمد: ۲۵
شوستر، مورگان: چهل و پنج، چهل و	سیستان: هشتاد و چهار، هشتاد و شش،
شش	۱۶۱

شوش: پنجاه و هفت، شصت و سه،

۱۶۰، ۱۶۱

شوشتر: شصت و سه، ۵۵، ۱۶۱

شوشتری: میر عبداللطیف

شیخ خان: هفتاد و نه

شیخ حیدر: هفتاد و نه

شیخ خزل: نود و یک

شیخ صفی الدین: هفتاد و نه

شیراز: بیست و هشت، چهل و سه

شیرازی: میرزا ابوالحسن

شیکاگو: ۷۷، ۸۸

شیکاگو، صنایع مستظرفه و موزه: ۶۷،

۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵،

۱۴۷

شیکاگو، دانشگاه: سی و نه، پنجاه و

چهار، پنجاه و نه، پنجاه و چهار، پنجاه و

پنج، پنجاه و شش، پنجاه و هفت،

شصت و نه، هفتاد و یک، هفتاد و پنج،

۱۶۹، ۲۰۵

شیکاگو، مؤسسه شرقی: ۱۶۳، ۱۶۵،

۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸

شیندلر: سی و دو، ۲، ۳

«ص»

صد دروازه: ۱۶۰

صفویه: چهل و یک، هفتاد و پنج، هفتاد

و هشت

صوت الاحرار: هفتاد و شش، ۲۰۵

صهیونیست، صهیونیستها: سی و نه،

پنجاه و دو

«ط»

طاهر آباد: هفتاد و نه

طاعون: ۲۴

طوس: هفتاد و پنج، ۲۰۳

طهران: ۱۹

طهماسب میرزا: هشتاد

«ع»

عارف قزوینی: چهل و شش

عباس ← شاه عباس

عباس میرزا: چهل و یک

عبدالحسین میرزا: هشتاد و نه

عبدالعظیم(ع): سی، چهل و هفت، پنجاه

و هشت، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳

عبدالوهاب نائینی: هشتاد و هشت

عتبات مقدسه: هشتاد و سه

عثمانی: بیست و شش، بیست و هفت،

چهل و سه، شصت و سه، هفتاد و نه،

هشتاد، هشتاد و دو، هشتاد و سه، هشتاد

و شش	غفاریها، حسنعلی: نود و یک
عثمانیها: بیست و نه، هشتاد	
عراق: شصت و هشت، هفتاد و هشت،	«ف»
۲۰۵، ۱۱۷	فارس: پنجاه و شش، ۸۳
عربستان: نود و یک	فارسی: بیست و نه: هشتاد و پنج، ۱۷،
عزالدوله، عبدالصمد: نود و دو، ۴۷،	۱۹
۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲	فتحعلیشاه: چهل و دو، هشتاد
عزت الله نگهبان: شصت و هشت	فرات (رود): هفتاد و شش، ۲۰۵
عضدی، یدالله: ۸۰، ۸۱	فراسکین، ش: ۱۱۵
عطا شاه: آقا خان محلاتی	فراماسونری: هشتاد و شش
علاء ← غفارجلال	فرانسوی: ۲۹
علاءالدوله: ۲۶	فرانسه: بیست و پنج، بیست و هشت،
علاء الملک: هشتاد و نه	بیست و نه، چهل و هفت، هفتاد و دو،
علی اکبر: کاشف	هفتاد و سه، هشتاد و دو، هشتاد و پنج،
عمادالسلطنه، حسینقلی میرزا: هشتاد و	۱۶، ۱۹، ۲۷، ۳۲، ۱۲۴، ۱۹۰
هشت، نود و دو	فرانسویان: چهل
عمادالملک ← محسنی	فرانک هول: شصت و هشت
عمر: چهل و هشت	فردریک، رولسن: پنجاه و پنج، پنجاه و
عین الدوله: نود و یک، ۲۸	شش، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴،
عین السلطنه: ۲۸	۱۱۵
«غ»	فرخ خان، امین الدوله: بیست و هشت،
غفار ← جلال	سی و یک، هشتاد، هشتاد و نه، ۲۳، ۲۴،
غفاری، میرزا مهدی: هشتاد، ۶۱، ۷۷،	۳۳ -
۱۱۳	فرخ یسار: هفتاد و نه
	فرنگستان: بیست و هشت، ۵۳

فرنگیان: ۱۰	قائم مقام ← میرزا عبدالرحیم خان
فرمانفرما ← عبدالحسین میرزا	قاجاریہ: بیست و ہفت
فرہاد میرزا، معتمدالدولہ: ہشتاد و چہار	قانون (روزنامہ): ہشتاد و ہفت
فرہمندی: پنجاہ و ہشت، شصت و ہفت	قاہرہ: ۱۷۹
فروغی ← محمدعلی	قدیمی: ۱۰۱، ۱۰۴
فریدون میرزا: نود و دو	قرآن: چہل و پنج
فلسطین (روزنامہ): ۱۸۳	قرآق خانہ: ہشتاد و پنج
فلمر: سی	قرلباش: ہفتاد و نہ
فلورانس: چہل و یک	قزوین: سی و دو، ہشتاد و شش
فون تسالونزکمنی، اشتفان کاکاش:	قشم: شصت و سہ، ۱۶۱
بیست و ہفت	قصر شیرین: سی و ہشت، پنجاہ و چہار، شصت، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹
فون ہاتسفیلڈ ویلڈنبورگ ← کنٹ کارل	قطر: بیست و نہ
فرانس	قم: ہشتاد و ہفت
فون برانشویگ، ارنست: بیست و نہ	قوام السلطنہ: چہل و ہفت
فون دریابل ← گئورک تکتاندر	قوچان: شصت و سہ، ۱۶۰
فیروز، نصرت: ہشتاد و چہار	قہرمان میرزا: نود و دو
فیلاڈلفیا، فیلاڈلفی (دانشگاہ): پنجاہ و پنج، پنجاہ و شش، پنجاہ و ہشت، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱	«ک»
فین کن اشتاین: چہل و دو	کارتیس گیلڈ: چہل و شش
«ق»	کاشف، علی اکبر: پنجاہ، پنجاہ و یک، ۸، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۰
قائم مقام اول ← میرزا بزرگ	کارل پنجم ← شارل کن
	کازرونی شیرازی ← میرزا محمدصالح

«گ»	کاظمی ← باقر
گازته: ۱۸۶	کان سیتی (موزه): ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵
گئورک تکتاندر: بیست و هفت	کاوند خمسۀ زنجان: سی و سه، سی و
گرجستان: هشتاد	پنج، سی و شش، ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۲۱،
گرانمایه ← میرزا رضاخان	۲۵، ۲۷، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۶، ۴۸، ۴۹،
گرانویل: هشتاد و پنج، ۱، ۲	۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۸، ۵۹
گران: چهل و سه	کردستان: هفتاد و چهار
گرگان: شصت و سه، ۱۶۰	کرمان: شصت و سه، هفتاد و نه، ۱۶۱
گروسی، حسنعلی خان: هشتاد و هفت،	کرمانشاه: شصت، نود و یک، ۱۴۷،
نود	۱۵۳، ۱۹۹
گریگوری، جانسن: شصت و نه، هشتاد و	کریتو: ۱۹۶
نه	کریم‌لو، داود: هفتاد و پنج
گلداسمیت: هشتاد و چهار	کلده: نود و دو
گلستان سعدی: هشتاد و هفت	کلکیان: پنجاه، ۸۰
گنجوی، سعید: شصت و هشت	کلیمی: ۹۳، ۹۴، ۹۵
گودریتسکی، گوستاو: سی و یک، سی و	کمونیستها: نود
دو، سی و سه، سی و چهار، سی و پنج،	کنت کارل فرانس: بیست و هشت
سی و شش، سی و هفت، ۴، ۵، ۶، ۷،	کنتور: شصت و هشت
۸، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲،	کوریه وارشادسکی: ۱۸۷
۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵،	کوشا: پنجاه و سه
۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۷،	کوه خواجه: ۱۶۱
۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹	کوه زر: ۱۶
گورچاکف: هشتاد و پنج	کوه شیرمرد: ۱۶
گورکیان: پنجاه	کیهان: بیست و پنج، بیست و شش
گیلان: سی و دو، هشتاد و پنج	

«ل»

متروپولیتن (موزه): پنجاه و شش، ۱۱۷،

۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱

محسن خان: سی

محسن دیبا: هشتاد و نه

محسنی، عمادالملک: ۸۳، ۱۲۷

محمدخان، استاجلو: هشتاد و دو

محمد شاه قاجار: چهل و چهار، هشتاد و

یک، نود و دو

محمدعلی شاه قاجار: نود

محمدعلی فروغی، پنجاه و یک، پنجاه

و پنج، پنجاه و هفت، ۹۸، ۱۱۰، ۱۲۲،

۱۲۳، ۱۴۴

محمدعلی میرزا: نود و یک

مخبرالدوله، علیقلی خان: بیست و نه،

سی

مخبرالسلطنه: پنجاه و یک

مرو: هفتاد و هشت

مرودشت: بیست و شش

مریک، ج.ال: چهل و سه

مستوفی الممالک: هفتاد و شش

مسکو: بیست و هشت، نود و دو

مسیح (ع): چهل و سه، هفتاد و پنج

مشهد: بیست و شش، شصت و سه،

هفتاد و شش، ۱۶۱، ۲۰۳،

مشهدی محمد: ۲۶، ۲۷

ل ژوغ (روزنامه): بیست و هشت، هفتاد

و پنج، ۷۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴

لابورس اژسین (روزنامه): ۱۸۱، ۱۸۲

لاپاتری: هشتاد و پنج

لاتریون دوزنو (روزنامه): ۲۰۶

لامتروپل (روزنامه)، ۱۸۵

لبنان: هفتاد و چهار، هفتاد و پنج

لرد لایار: هشتاد و سه

لرستان: شصت و سه، هفتاد، نود و یک،

۱۵۹، ۱۶۰

لندن: بیست و هشت، هشتاد و دو،

هشتاد و چهار، هشتاد و پنج، هشتاد و

شش، هشتاد و هفت

لندن سفیر (مجله): ۱۷۶

لنگه: شصت و سه، ۱۶۱

لوزان: هشتاد و شش

لهستان: هفتاد و سه، هفتاد و چهار،

۱۸۷، ۱۸۹

«م»

مازندران: سی و دو، هفتاد و شش،

هشتاد و یک، ۲، ۲۰۵

مرآت، اسماعیل: ۱۶۸، ۲۰۳

مایلس: چهل، ۷۵

- مشیرالدوله، حاجی محسن خان: هشتاد و نه
مشیرالدوله، حسن پیرنیا: نود
مشیرالدوله، میرزا حسین خان قزوینی: بیست و هشت، بیست و نه، هشتاد و دو، هشتاد و سه، هشتاد و چهار، هشتاد و هفت، نود، نود و یک، نود و دو، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۲
معمدالدوله به فرهاد میرزا
معمدالوزرا به حاجی حسینقلی خان
معمدالسلطان به اتابک اعظم
معمدی: ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۸
معین التجار: سی و یک، ۱۲، ۵۸
مکتب الصحافه: هفتاد و یک، ۱۷۷
۱۸۹، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹
ملک قاسم میرزا: چهل و چهار
ملک منصور میرزا به شعاع السلطنه
منتویدئو: ۱۹۱، ۱۹۲
منچستر: ۱۹۹
منچستر گاردین: هفتاد و پنج، ۱۹۹
مؤتمن الملک، میرزا سعید خان: هشتاد و پنج، هشتاد و هشت
مؤسسه شرقی آمریکا: ۱۰۰، ۱۰۷
مورگان: شوستر
موزه ایران باستان: پنجاه و سه
موزه صنایع ظریفه نیویورک: ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹
مشیرالدوله، حاجی محسن خان: هشتاد و نه
مشیرالدوله، حسن پیرنیا: نود
مشیرالدوله، میرزا حسین خان قزوینی: بیست و هشت، بیست و نه، هشتاد و دو، هشتاد و سه، هشتاد و چهار، هشتاد و شش
مشیرالدوله، مصباح الدوله، مشیرالملک، میرزا نصراله خان: بیست و هشت، سی و دو، سی و سه، سی و چهار، سی و پنج، سی و شش، هشتاد و نه، نود، ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۸
مشیرالدوله، یحیی خان: هشتاد و دو
مصر: بیست و شش، بیست و نه، چهل و هشت، پنجاه و یک، پنجاه و شش، هفتاد و یک، هشتاد و نه، نود و یک، ۷۸، ۸۵، ۸۸، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴
مصریها: هفتاد و یک
مصطفوی: شصت و هفت
مصور لندن (لندن): ۱۷۷
مظفر، اعلم: شصت و سه، شصت و

- مولتکه: بیست و نه
 مونیخ: هشتاد و هشت
 مهدیقلی خان ۶ هدایت
 مهر: ۲۰۰
 مهندس الممالک، میرزا نظام الدین خان:
 سی و یک، سی و دو، سی و چهار، سی
 و شش، نود، ۵، ۷، ۱۰، ۳۳، ۳۵، ۴۵،
 ۵۳، ۵۵
 میترا: هفتاد و پنج، ۱۹۶، ۲۰۰
 میرزا آقاخان نوری: چهل و پنج، هشتاد
 و سه، هشتاد و سه
 میرزا ابراهیم خان تبریزی: هشتاد و
 هشت، نود
 میرزا ابوالحسن خان: چهل و یک، چهل
 و دو
 میرزا اسحاق خان ۶ افخم الدوله
 میرزا اسدالله خان: هشتاد و شش
 میرزا بزرگ: چهل و یک
 میرزا حبیب الله: ۲۸
 میرزا رضاخان ۶ ساعد الملک (قائم مقام)
 میرزا محمد تبریزی: هشتاد و هفت
 میرزا محمد صالح: چهل و یک
 میرزا محمدعلی معین السلطنه: سی و
 یک، سی و دو، سی و سه، سی و چهار،
 سی و پنج، سی و شش، ۲، ۴، ۱۲، ۱۸،
 ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۸، ۳۳،
 ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹
 میرزا محمود خان: نود و یک
 میرزا معصوم خان: هشتاد و چهار
 میرزا ملکم خان: بیست و هشت، هشتاد
 و چهار، هشتاد و شش
 میرزا نبی خان: هشتاد و دو
 میرزا نصرالله خان منشی: هشتاد و نه
 میرزا نصرالله خان نائینی: هشتاد و نه
 میرزا مهدی ۶ غفاری
 میرزا یعقوب ۶ ارمنی
 میرزا یونس: پنجاه و نه
 میرفندرسکی: ۷۹
 میریام هاری: چهل و نه، ۷۹
 میلسپو: چهل و هفت
 مینوتولی: ژولیوس
- «ن»
- ناپلئون: چهل و دو
 ناپلئون سوم: هشتاد و دو
 ناسیونال سوسیالیزم (نازی): هشتاد و
 هشت
 ناصرالدین شاه: بیست و پنج، بیست و
 هشت، بیست و نه، سی، چهل و چهار،
 چهل و پنج، شصت و دو، هشتاد و دو،

پنجاه، پنجاه و یک، پنجاه و دو، پنجاه و
نه، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۷، ۹۰، ۹۶، ۹۷،
۹۸، ۹۹، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۰،
۱۵۱، ۱۵۲

والترهاوزر: ۱۱۸

وان ویلیام ناکس: ۱۳۴

وت: سی

ورشو: ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۸۹

وسپوس ۶ آمریک

ویرجینیا: چهل و دو، چهل و سه

ویلهم اول: بیست و هشت، سی

ویلیام جکسن: چهل و هشت، ۷۸

ویلیام ۶ ناکسی دارسی

«ه»

هارون الرشید: هفتاد و پنج، هفتاد و

هشت، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴

هاری: ۱۱۸، ۱۲۱

هانتز، کالج: شصت و نه

هانریش: بیست و نه

هانس، نیسان: شصت و نه

هدایت، مهدیقلی خان: بیست و هفت،

پنجاه و پنج، ۱۰۹

هرات: هشتاد و یک، هشتاد و دو، هشتاد

و چهار

هشتاد و پنج، هشتاد و شش، هشتاد و
هفت، نود و دو

ناصر خسرو (خیابان): ۱۱۵

ناظم الدوله ۶ میرزا ملکم خان

ناکس، ویلیام: چهل و شش

نصرت آباد: هشتاد و چهار

نصرت السلطنه، نصرالسلطنه: سی و

چهار، ۱۱، ۳۳

نظام الدوله ۶ میرزا ملکم خان

نظام الدین ۶ مهندس الممالک

نگهبان ۶ عزت الله

نوری: هشتاد، هشتاد و یک

نوز: سی و یک، سی و پنج، چهل و پنج،

۵، ۶، ۴۴

نول دپشه (روزنامه): ۱۸۸

نیشابور: شصت و سه، هفتاد و چهار،

۱۶۰، ۱۹۴

نیویورک تایمز: پنجاه، پنجاه و یک،

پنجاه و پنج، پنجاه و شش، شصت و

یک، شصت و نه، ۷۸، ۸۱، ۸۵، ۸۸

۱۱۷، ۱۸۴، ۱۹۳، ۱۹۴

«و»

وادزورت: ۱۲۸، ۱۲۹

واشنگتن: چهل و پنج، چهل و شش،

(ی)

هرالد تریبون: چهل و هفت، ۷۶، ۷۷، ۷۸

یافا: ۱۸۳

هرتسفلد، ارنست: سی و نه، چهل، چهل

یزد: شصت و سه، هفتاد و نه، ۱۶۱

و نه، پنجاه، پنجاه و دو، پنجاه و پنج،

یحیی میرزا: هشتاد و یک

شصت، هفتاد، هفتاد و یک، نود و یک،

ینگه دنیا: چهل و یک، چهل و دو

۶۳، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۹۶،

ینی چری: هفتاد و نه

۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴،

۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۸۳

هخامنشی: پنجاه و سه، ۸۳

هخامنشیان: پنجاه و سه

هفشیدون: ۵۵

هدرس، هف: ۱۱۶

همدان: سی و دو، چهل و چهار، پنجاه و

چهار، هفتاد و هشت، هشتاد، نود و دو،

۲، ۱۰۶

هیتلر، آدولف: سی، بیست و دو، هشتاد

و هشت

هند: پنجاه و سه

هند و اروپایی: هفتاد و دو

هندوستان: ۱۶۱

هنری، فیلد: پنجاه و نه، شصت، ۱۳۹،

۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵،

۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹

هیندنبورگ، فیلد مارشال: شصت و دو، هشتاد

و هشت

جدیدترین کتابهای منتشر شده
مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

از سری مباحث اسناد

دریاچه شاهی و قدرتهای بزرگ

(پژوهشی در کشتیرانی دریاچه ارومیه «عصر قاجاریه»)

دکتر محمدعلی کاظم بیکی

* * *

رخدادهای سیاست خارجی ایران (۱۳۷۶)

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

* * *

اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول

نوشته دکتر عنایتا... رضا

* * *

اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار

به کوشش: فاطمه قاضیها

* * *

اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه

به کوشش: فاطمه قاضیها

جدیدترین کتابهای منتشر شده

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه



ملا از سری مباحث سیاسی

امریکا، رویایی بر باد رفته (خشم ایالات متحده)

تألیف: گوین اسلر

ترجمه: علی آقامحمدی - پیمان دفتری

* * *

عوامل تأثیرگذار داخلی در خلیج فارس

محمد علی امامی

* * *

تاریخ روابط امریکا و شوروی (از انقلاب روسیه تا فروپاشی کمونیسم)

نوشته: پتر جی. بویل

ترجمه: غلامرضا علی بابایی - محمد رفیعی مهرآبادی

* * *

ریشه‌های بحران کوزوو و دخالت نظامی ناتو

تألیف: حبیب‌الله ولی‌اللهی ملک‌شاه - احمد جعفری

* * *

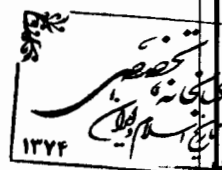
ساخته شدن امریکا (جامعه و فرهنگ ایالات متحده)

لوتراس. لودتکه

ترجمه: شهرام ترابی

In the Name of God

(Iran & Imperialism Series / 5)



*Plunder of
National Heritage*

*The German and American Missions
(1317-1318 A.H. / 1899-1940 A.D.)*

«Volume IV»

Edited by: Davood Karimloo

The Center for Documents and Diplomatic History

Tehran - 2001